



ویژه نامه تهاجم ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ به کوی دانشگاه

دلواپس ایترا اینزان کن
مادر شاعرزنده ۲۲ ساله
۱۳۸۸

مرگ
دولت
مرگ
دولت
امد

فهرست

شیخون بلا (سیر وقایع شب حمله به کوی دانشگاه در 25 خرداد 1388) :: 1

تهاجم به کوی دانشگاه چگونه رقم خورد؟ :: 2

شرح مختصر ماجرا به روایت «وبلاگ 25 خرداد» :: 8

«هرچور می‌تونید فرار کنید...» :: 9

«ما وظیفه نداریم اسلامی عمل کنیم!» :: 12

اتهام: اقدام علیه امنیت ملی! :: 20

کوی دانشگاه پس از حمله: در اوج سکوت پر از فریاد بود :: 26

شبی در منفی چهار وزارت کشور :: 37

مواضع و دیدگاه‌های مسئولان رسمی :: 39

اخبار بازداشت و محکومیت دانشجویان :: 61

بیانیه‌ها، نامه‌ها و مواضع گروه‌های دانشجویی :: 67

گزارش‌ها و مصاحبه‌ها :: 81

گزارش گاردین از شرح وقایع هولناک کوی دانشگاه از زبان دانشجویان :: 82

تعلیق گزارش کمیته حقیقت‌یاب مجلس درباره حمله به کوی دانشگاه :: 84

انتقاد روزنامه تهران امروز از تعلل دستگاه قضایی در رسیدگی به پرونده حمله به کوی دانشگاه :: 85

انتقاد دبیر انجمن اسلامی دانشگاه تهران

از عوض شدن جای شاکو و متهم در پرونده کوی در حضور رهبری :: 86

توطئه ای دیگر در کوی دانشگاه؛ سناریوی اعتراف‌گیری از دانشجویان در راه است :: 88

مهناز پراکند، وکیل سه تن از دانشجویان در پرونده کوی دانشگاه: دادگاه نظامی شایستگی صدور حکم را نداشت :: 90

نگاهی به دادگاه کوی دانشگاه؛ تکرار مجازات قربانیان؟ :: 92

مادر مازیار خسروی: هیچ اطلاعی از محل نگهداری و اتهام فرزندم به ما نمی‌دهند :: 93

ابعاد تازه از جنایت حمله به کوی دانشگاه در جدیدترین فیلم منتشر شده :: 94

فیلم حمله به کوی دانشگاه ناشی از تعارض‌های درونی نظام :: 94

لباس شخصی‌ها ... :: 97

بازخوانی پرونده لباس شخصی‌ها با عینک برادران لاریجانی :: 98

تونل وحشت :: 100

لباس سفیدهایی که ردپای سیاه دارند :: 101

مقالات و تحلیل‌ها پیرامون تهاجم 25 خرداد به کوی دانشگاه :: 103

این راه هرگز به حقیقت نمی‌رسد ... :: 104

یک بام و دو هوا؛ دانشجویان "ما" و دانشجویان "آن‌ها" :: 106

یازده وعده و انتظار تحقق‌نیافته مسئولان برای برخورد با مهاجمان به کوی دانشگاه :: 108

پرسش‌های بی‌جواب در پرونده کوی دانشگاه : 113

شبپرخون بلا

سپر و تاپع شب حمله به کوی دانشگاه در 25 خرداد 1388

دقت بیشتری منتشر خواهد شد؛ اما اکنون چیزی جز همین گزارش های اندک منتشر شده در دست نیست. بخش اول ویژه نامه را به مرور گزارش های دست اول شاهدان عینی از حمله به کوی دانشگاه در شب 25 خرداد اختصاص داده ایم. پنج مکتوب از بین این گزارش ها از وبلاگی با عنوان 25 خرداد که در روزهای اول پس از حمله به کوی دانشگاه توسط برخی دانشجویان آسیب دیده راه اندازی شده، اقتباس شده اند. یک گزارش نیز در روز تجمع در میدان امام خمینی به یادبود شهدای 25 خرداد به صورت مکتوب در بین حاضران توزیع گردید که بعدها در سایت های خبری نیز بازتاب داشت. مطالعه این گزارش ها تنها بخشی از فجایعی که بر دانشجویان کوی دانشگاه در این حمله وحشیانه رفت را بازمی نمایاند.

توصیف آنچه بر دانشجویان ساکن کوی دانشگاه در شب حمله 25 خرداد گذشته، برای شاهدان عینی، از جهات گوناگون دشوار است. یادآوری خاطرات تلخ آن شب دهشتناک که آمیخته با ضرب و شتم دانشجویان، توهین و تحقیر و در نهایت شکنجه و آزار آنها بود، یکی از این دشواری هاست. اما مانع اصلی، فضایی بود که چندی پس از حمله به کوی دانشگاه بر دانشجویان تحمیل شد؛ فضای هولناک امنیتی که در آن افراد به مجرد آنکه صدای اعتراضی از آنها برمی خاست، با پیگرد و احضار قضایی و انضباطی مواجه می شدند. همین امر سبب شد که جز گزارش هایی که در هفته های آغازین پس از حمله به کوی دانشگاه در شب 25 خرداد منتشر شد، مکتوب دیگری از مشاهدات دانشجویان حاضر امکان انتشار نیابد. البته دیر یا زود فضای خفقان آمیز کنونی شکسته خواهد شد و در سال های دور یا نزدیک، خاطرات دانشجویان حاضر از شب حمله با جزئیات و





تهاجم به کوی دانشگاه چگونه رقم خورد؟

سلسله رخدادهای منجر به تهاجم به کوی دانشگاه در شب 25 خرداد 1388

در طی دو سال که از تهاجم 25 خرداد به کوی دانشگاه می‌گذرد، همچنان روایت دقیق و نزدیک به واقعی از منظر دانشجویان از چگونگی رقم خوردن تهاجم به کوی دانشگاه منتشر نشده است. گزارش‌های زیادی از قول شاهدان عینی در تشریح آنچه بر دانشجویان در طی تهاجم و پس از آن رفت، منتشر گردیده، اما اینکه زنجیره وقایعی که منجر به تهاجم به کوی دانشگاه شد، به چه صورتی بود، توسط دانشجویان تشریح نشده است. این خلاء سبب گردیده که صاحب‌منصبان و اصحاب قدرت، تهاجم به کوی دانشگاه را آن‌گونه که خود علاقمند هستند، روایت کنند و دامن خود را از این جنایت بزرگ پاک نگاه دارند. این امر چندان هم غیرقابل فهم نیست؛ اینکه در یک کشور، خوابگاه‌های دانشجویی این چنین وحشیانه مورد هجوم قرار گیرد، کلیت مشروعیت نظام سیاسی و کفایت و عدالت تمامی مسئولان مربوطه را زیر سوال می‌برد؛ بدین ترتیب، طبیعی است که مسئولان سیاسی کشور برای رفع اتهام از خود، دست به دامن تحلیل‌های غیرواقع‌بینانه شوند تا بدین طریق از خود رفع اتهام نمایند و کسان دیگری را به عنوان مقصر معرفی نمایند.

این یادداشت درصدد است تا با تکیه بر داده‌های مکتوب و روایت‌های دانشجویان حاضر در صحنه، روایتی واقع‌بینانه و دارای انطباق حداکثری با حقیقت آنچه در حمله به کوی دانشگاه بر دانشجویان رفت، ارائه دهد. تلاش شده تا از تمامی منابع موجود و منتشر شده در فضای مجازی در دو سال گذشته برای تهیه این گزارش استفاده شود و حتی الامکان صحت و واقعیت روایت‌ها نیز با کمک منابع موثق دانشجویی مورد بررسی و تطبیق قرار گیرد. گرچه به سبب اینکه پرونده کوی دانشگاه هنوز نهایی نشده است، دانشجویانی که در دادگاه نظامی به زندان محکوم شده‌اند، تمایلی به توضیح مسائل ندارند، اما شمار شاهدان عینی جنایت‌های کوی دانشگاه بسیار زیاد است و آنچه روایت می‌گردد به رویت و تکمیل و تصحیح چند تن از شاهدان عینی رسیده است.

چرخش مسئولان کشور در تحلیل عاملان حادثه کوی دانشگاه

رویکرد مقامات مسئول به ویژه در سال گذشته و پس از فروکش کردن واکنش‌هایی که در هفته‌ها اول به حمله به کوی دانشگاه نشان می‌دادند، در چارچوب چرخش برای رفع اتهام می‌گنجد. در هفته‌های اولیه پس از تهاجم به کوی دانشگاه، مسئولان مختلف کشور - از رهبری تا نمایندگان مجلس، مسئولان دانشگاه و نهاد رهبری دانشگاه - می‌کوشیدند که در موضع‌گیری‌های خود بر مظلومیت دانشجویان تاکید ورزند و ژست پدرا نه گرفته، از لزوم دلجویی از دانشجویان و ملاحظت با آنها و تاکید بر مجازات عاملین حمله به کوی دانشگاه سخن بگویند. اما به تدریج، ادبیات به ظاهر پدرا نه مسئولان به ادبیات ظاهرا عدالت محور بدل شد و طی آن این مساله مورد تاکید آنها قرار گرفت که در جریان «اغتشاشات کوی دانشگاه» هم عاملان حمله به کوی دانشگاه که عده‌ای افراد خودسر بودند و هم دانشجویان خاطی که دست به اخلاف در نظم و اغتشاش زده بودند باید مورد محاکمه و مجازات قرار گیرند.

سیر وقایع کوی دانشگاه از منظر مقامات رسمی

این چرخش در مواضع مسئولان سبب شد که سناریوی کوی دانشگاه از منظر آنها به این شکل صورت‌بندی گردد: پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، اغتشاش‌هایی از سوی افراد اخلاف در سطح شهر تهران شکل گرفت و کوی دانشگاه نیز یکی از میدان‌های اغتشاش‌گری بود. عده‌ای از دانشجویان با تجمع در خیابان امیرآباد و دادن شعارهای توهین‌آمیز علیه نظام و مسئولین آن، نیروی انتظامی را مجبور به ورود به صحنه کردند. پس از ورود نیروی انتظامی به صحنه و عقب‌راندن اغتشاش‌گران، این افراد به داخل کوی دانشگاه عقب‌نشینی نمودند و در مقابل در اصلی کوی دانشگاه به سنگ‌پرانی، پرتاب کوکتل مولوتف و آتش زدن

اموال و تجهیزات دانشگاه و اماکن اطراف مشغول شدند. در واکنش به این اقدامات خرابکارانه و شعارهای تند و تحریک‌آمیز دانشجویان اغتشاش‌گر شماری از افراد با احساس وظیفه و تکلیف دینی و البته خودسرانه و بدون داشتن مسئولیت قانونی، وارد صحنه شدند و با دانشجویان به درگیری پرداختند. این اغتشاشات و درگیری‌ها در شب نخست (شنبه شب، 23 خرداد 1388) تا حوالی صبح روز یک‌شنبه 24 خرداد ادامه یافت و پس از متفرق شدن دانشجویان اغتشاش‌گر و نیروهای خودسر به پایان رسید. در این مدت نیروی انتظامی تنها نقش حائل میان دو طرف درگیر را ایفا می‌کرد و با پرتاب گاز اشک‌آور در مواقع لزوم مانع گسترش اغتشاشات می‌شد. اما از بعدازظهر روز یک‌شنبه 24 خرداد، دانشجویان اغتشاش‌گر به تجهیز و سنگ‌گیری پرداخته، مجدداً در مقابل درب اصلی کوی دانشگاه تجمعاتی غیرقانونی را آغاز کردند و نیروی انتظامی نیز در پاسخ به این سنگ‌پراکنی‌ها، آتش‌افکنی‌ها و سایر اقدامات اخلاف‌گرانه مبادرت به پرتاب گازاشک‌آور برای عقب‌راندن اغتشاش‌گران می‌نماید. با تاریک شدن تدریجی هوا در غروب روز یک‌شنبه 24 خرداد، به تدریج شماری از نیروهای خودسر نیز در صحنه حضور می‌یابند و به درگیری لفظی و عملی با دانشجویان اغتشاش‌گر می‌پردازند. اما دانشجویان با دادن شعارهای تحریک‌آمیز، توهین به شخصیت‌ها و نهادهای مورد احترام افراد خودسر و دادن فحش‌های رکیک به این افراد، آنها را دائماً تحریک می‌نمایند. همزمان با این اقدامات پرتاب کوکتل مولوتف از سوی اغتشاش‌گرانی که در کوی دانشگاه سنگ گرفته‌اند به آتش گرفتن اموال عمومی نظیر بانک‌ها، ساختمان‌های اداری و دولتی اطراف می‌انجامد. درگیری‌ها و اغتشاشات تا نیمه‌های شب تداوم می‌یابد تا اینکه حوالی 3 نیمه‌شب دوشنبه 25 خرداد، نیروهای خودسر که در اثر تحریک‌ها و توهین‌های مداوم اغتشاش‌گران در وضعیت عصبی به سر می‌بردند، بدون داشتن مسئولیت قانونی، به خوابگاه‌های



انطباقی با آنچه در واقعیت بر دانشجویان رفته است ندارد. تنها از خلال روایت منظم تهاجم کوی دانشگاه است که می توان به نقاط کور روایت تحریف شده پی برد و تناقض های بنیادی آن را بر آفتاب افکند. در ادامه تلاشی برای ارائه روایت منظم مذکور صورت می گیرد.

زمینه های تجمعات دانشجویی در کوی دانشگاه

برای فهم علل و چگونگی شکل گیری تجمعات دانشجویی در کوی دانشگاه پیش از تهاجم نیروهای انتظامی، نظامی و شبه نظامی به کوی، باید به حداقل یک هفته پیش از حادثه بازگردیم. اما پیش از آن مقدمه ای کلی در خصوص فضای انتخاباتی در ایران ضروری است. در رفتار حاکمیت در بیست سال گذشته در مقاطع انتخابات، اصل غیرقابل انکاری وجود دارد و آن باز شدن نسبی فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات است. در طی چند ماه پیش از هر یک از رقابت های انتخاباتی کشور، فضای سیاسی به گونه محسوس تغییر می یابد؛ آستانه تحمل حاکمیت بالاتر می رود و برخی فعل و انفعالات سیاسی که پیش از آن در فضای عادی امکان بروز و ظهور نداشتند، در این فضا امکان بروز می یابند. این تغییر گرچه کلی است و در خصوص انتخابات مجلس نیز به طور نسبی صدق می کند، اما در مقاطع انتخابات ریاست جمهوری بسیار محسوس تر و قابل لمس تر است. به عنوان شاخص هایی از این تغییر می توان به موارد زیر اشاره کرد: رادیو و تلویزیون در تریبون دادن به منتقدان، تساهل به خرج می دهند؛ دانشگاه ها مجوز سخنرانی منتقدانی که پیش تر هیچ گونه شانسی برای دریافت مجوز سخنرانی نداشتند، را اعطا می کنند؛ ممکن است شماری از زندانیان سیاسی آزاد شوند؛ آزادی های سیاسی و اجتماعی افزایش نسبی می یابند، برای مثال اجازه برگزاری میتینگ های سیاسی، تجمعات و اشکالی از شادی های اجتماعی داده می شود و نیروی انتظامی در برخورد با این مسائل تسامح نشان می دهد. این تغییر فضا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دهم نیز رخ داد و به ویژه با مناظره های انتخاباتی، گستره بیشتری یافت. اجازه برگزاری زنجیره سبز میدان تجریش تا راه آهن و تجمعات شبانه و تحرکات خیابانی مردم در شهرهای مختلف در طول دوره تبلیغات انتخاباتی در اردیبهشت و خرداد 1388 نمونه هایی از تغییر فضای مذکور بودند. با این مقدمه به ترسیم فضای کوی

می پردازیم. شور و نشاط انتخاباتی و به ویژه عزم راسخ و اتحاد گروه های مختلف سیاسی و فکری دانشگاه برای کنار زدن احمدی نژاد از جایگاه ریاست جمهوری، نمود عینی و غیرقابل انکاری در محیط دانشگاه ها داشت. بیش از 80 درصد دانشجویان مخالف سیاست های دولت نهم بودند و برای تغییر این دولت انگیزه داشتند. در این فضا، علاوه بر محیط دانشگاه، کوی دانشگاه نیز عرصه ای برای بروز شور و نشاط انتخاباتی بود. این بروز به طور ویژه در شب های مناظره انتخاباتی تحقق می یافت. در این شب ها، بلافاصله پس از پایان مناظره های کاندیدها، دانشجویان از سالن های خوابگاه وارد فضای کوی دانشگاه شده و در صورت افزایش جمعیت، به صورت دسته جمعی از کوی دانشگاه تا میدان فاطمی، بلوار کشاورز و میدان ولیعصر راهپیمایی می کردند. این راهپیمایی ها به ویژه در

دانشجویی حمله می کنند و نیروی انتظامی در این بین برای جلوگیری از آسیب ها و درگیری های خونین بیشتر، مبادرت به ورود به صحنه جرم و دستگیری شماری از نیروهای طرفین می نماید. بنابراین قصه پردازی:

- اولاً درگیری دارای دو سویه بوده است؛ اغتشاش گران و نیروهای خودسر.
- ثانیاً عامل شروع شدن درگیری های طرفین، تجمع اغتشاش گرانه تعداد معدودی از دانشجویان فریب خورده و سنگ پراکنی، آتش افروزی و دادن شعارهای تند علیه نظام، مسئولین و به کار بردن الفاظ رکیک در خصوص نیروهای خودسر حاضر در صحنه بوده است.
- ثالثاً در واکنش به این تحریکات و توهین ها بوده که نیروهای خودسر نیز دست به عمل خطایی می زنند و بدون مسئولیت قانونی مبادرت به ورود به خوابگاه های دانشجویی می نمایند.
- رابعاً، نیروی انتظامی در اینجا نقشی در بروز درگیری ها نداشته، بلکه سعی می کرده طرفین را از درگیری بیشتر بازدارد و پس از تهاجم نیروهای خودسر نیز برای برقرار کردن نظم و آرامش، وارد صحنه شده و شماری از طرفین را دستگیر می کند.

آنچه بیان شد شاکله اصلی روایت مقامات رسمی از حادثه کوی دانشگاه در 25 خرداد 1388 است. روایت های مسئولین در برخی مسائل جزئی ممکن است متفاوت باشد؛ برای مثال، برخی مقامات رسمی ممکن است نیروی انتظامی را نیز به سوء مدیریت و سوء رفتار متهم کنند؛ اما در کل معتقدند که دو سوی تهاجم، دانشجویان اغتشاش گر و نیروهای خودسر بوده اند و در این بین ممکن است نیروی انتظامی نیز خطاهایی صورت داده باشد که عرض بر ماهیت ماجراست. نمونه دیگر از اختلاف های جزئی در بیان سیر وقایع تاکید مسئولان دانشگاه تهران بر این امر است که اغتشاش گران اصلی، از بیرون کوی دانشگاه وارد کوی شده، دست به تحریک تعدادی از دانشجویان زدند؛ این دانشجویان نیز در اثر شرایط احساسی، فریب خورده و همسو با ارادل و اوپاشی که از بیرون وارد کوی دانشگاه شده و به دانشجویان حاضر در صحنه خط دهی می کردند، به سنگ پراکنی و آتش افروزی مشغول شدند. اما این تفاوت جزئی در روایت نیز بر شاکله روایت



مذکور تاثیر قابل توجهی ندارد. مهم این نیست که آیا دانشجویان خود با سوء نیت وارد عرصه اغتشاش گری شدند یا بر اثر تحریک و فریب ارادل و اوپاشی که از بیرون به آنها پیوسته بودند؛ در هر صورت دانشجویان نیز یک طرف اغتشاش گری بوده اند و باید به مجازات برسند. اما روایت رسمی از کوی دانشگاه که مبتنی بر تحریف و وارونه نمایی حقایق برای زدودن اتهام از دامان مقامات است، از جهات متعددی با روایت شاهدان عینی که به صورت مکتوب در فضای مجازی منتشر گردیده، تناقض بنیادی دارد و بی شک این روایت تحریف شده و غیرواقعی، مورد قبول قاطبه دانشجویان نیز قرار نمی گیرد؛ چرا که چند هزار تن از دانشجویان به طور مستقیم یا به واسطه شهادت و روایت شمار متعددی از دوستان مورد اعتماد خود، در جریان فجاج کوی دانشگاه بوده اند و می دانند که این آسمان - ریسمان بافتن های مسئولان سیاسی،



شب‌های مناظره مهدی کروبی با احمدی نژاد و میرحسین موسوی با احمدی نژاد، گستره قابل توجهی داشت. در طی این راهپیمایی‌ها، دانشجویان گرجه گاه با لباس‌های خوابگاهی به خیابان می‌آمدند و به اشکال بی‌سابقه‌ای به ابراز هیجان می‌پرداختند، اما قاعده کلی رعایت اخلاق مدنی بود و به ندرت رفتار خلاف شئونی از دانشجویان دیده می‌شد. نیروی انتظامی نیز در این مقاطع با تسامح برخورد می‌کرد و تنها مراقب بود که میان طرفداران احمدی نژاد با دانشجویان تظاهرکننده درگیری پیش نیاید؛ چرا که موتورسوارهای طرفدار دولت از همان شب‌ها با رژه رفتن در خیابان‌ها گاهی به درگیری با دانشجویان و طرفداران موسوی و کروبی می‌پرداختند و این امر تنش‌های اندکی ایجاد می‌کرد. اما چنانکه اشاره شد، در این مقاطع، نیروی انتظامی با تسامح سعی به فرونشاندن تنش‌ها می‌نمود. بدین ترتیب این مساله روشن می‌گردد که تجمع‌های دانشجویی در کوی دانشگاه، به شب‌های قبل از انتخابات بازمی‌گردد. اگر این تجمعات ماهیتا غیرقانونی بود، از همان ابتدای ماجرا، نیروی انتظامی یا مسئولان دانشگاه باید مانع شکل‌گیری آن می‌شدند. اما برخورد ابرازی و فریب‌کارانه حاکمیت در اینجا ددرساز می‌شود. تسامح حاکمیت در روزهای پیش از انتخابات که با هدف گرم کردن تنور انتخابات و افزایش مشارکت رای‌دهندگان صورت می‌گیرد، بلافاصله پس از پایان رای‌گیری به برخورد قهرآمیز بدل می‌گردد. این رفتار حاکمیت، مصداق حقیقی «هم خدا را می‌خواهد هم خرما را» می‌باشد. حاکمیت از یک سو برای تحکیم مشروعیت خود به مشارکت گسترده رای‌دهندگان و در نتیجه شور و نشاط انتخاباتی نیازمند است؛ اما از سوی دیگر آستانه تحملش به سرعت به پایان می‌رسد و در اولین فرصت، حلاوت حاصل از فضای انتخاباتی را در کام مردم تلخ می‌نماید. مسئولانی که دانشجویان تجمع‌کننده در روزهای 23 و 24 خرداد را اغتشاگر معرفی می‌نمایند، باید به این سوال پاسخ دهند که چرا تا هفته پیش چنین تجمعاتی مجاز بود و حاکمیت حتی مردم را ترغیب و تشویق به حضور بیشتر در صحنه می‌کرد و اکنون پس از پایان انتخابات، تاب شکل‌گیری تجمع و شنیدن صدای اعتراض را ندارد؟ دانشجویان حاضر در صحنه انتخابات تا قبل از رای‌گیری قشر فرهیخته، آگاه، انگیزاننده و محرک جامعه بودند؛ اما پس از آنکه بار حاکمیت به سرمزمل رسید، به اغتشاش‌گران و فتنه‌گران بدل شدند. بدین ترتیب، مسئول اولیه و اصلی شکل‌گیری تجمعات دانشجویی در کوی دانشگاه، مسئولان سیاسی کشور بودند که با فراهم کردن چنین فضایی قصد بالا بردن مشارکت سیاسی را داشتند و لازم بود که پس از انتخابات نیز به فرض آنکه دانشجویان آغازگر تجمعات بودند - که البته چنین نبود - با تسامح و مدارا با دانشجویان تجمع‌کننده برخورد می‌کردند نه اینکه با گاز اشک‌آور و تهاجم سبعانه به استقبال آنان بروند. با دانستن این زمینه، می‌توان تحلیل واقع‌بینانه‌ای از سیر وقایع بعدی به دست داد.

تجمع‌های آغازین پس از انتخابات و نقش کوی دانشگاه

پس از اعلام نتایج حیرت‌آور انتخابات و تقلب و دستکاری گسترده‌ای که در آرای مردم صورت گرفته بود، تجمعاتی در سطح شهر آغاز گردید. این نکته نیز شایان ذکر است که مقارن با شکل‌گیری اعتراض‌های اولیه در سطح شهر در روز شنبه، کوی دانشگاه کاملاً آرام بود و به سبب اینکه امتحانات پایان ترم بلافاصله از 23 خرداد آغاز می‌شد، شمار زیادی از دانشجویان سرگرم کسب آمادگی برای امتحانات بودند. اما در اعتراض به نتایج اعلام شده برای انتخابات، تجمعات اعتراضی در مقابل وزارت کشور، میدان فاطمی و ستاد مرکزی انتخاباتی مهندس موسوی آغاز شده بود و نیروهای یگان ویژه انتظامی از همین زمان برخورد قهرآمیز با معترضان را آغاز کردند. در دانشگاه تهران نیز دانشجویانی که برای



دولت که با نظاره گری نیروی انتظامی صورت گرفته و منجر به ورود لباس شخصی‌ها به داخل دانشگاه و ضرب و جرح شماری از دانشجویان و در هم شکستن شیشه‌ها و تجهیزات آزمایشگاهی دانشکده فنی شد، بر التهاب فضای دانشجویی افزود. پس از بازگشت دانشجویان خوابگاهی به سمت کوی دانشگاه و مشاهده شکل گیری دوباره وضعیت امنیتی در خیابان امیرآباد و اطراف کوی و حضور گسترده نیروهای یگان ویژه انتظامی در مقابل کوی، القای رعب و وحشت و فضای احساسی تحریک آمیز شدت بیشتری یافت. بر خلاف روز گذشته که شمار محدودی از دانشجویان در محوطه کوی و اطراف در اصلی حاضر شده بودند، در روز یکشنبه 24 خرداد شمار گسترده‌ای از دانشجویان از اتاق‌های خود خارج شده و در خیابان و میدان اصلی کوی نشستند. تحرکات بعدازظهر لباس شخصی‌ها در پردیس مرکزی دانشگاه و حضور گسترده نیروی انتظامی در اطراف کوی، سبب شده بود که اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان به این جمع بندی برسند که حمله به کوی دانشگاه امشب قطعی است. به گفته شاهدان عینی، بسیاری از دانشجویان حاضر در محوطه کوی، در حال گفتگو پیرامون احتمال حمله و اقدامات لازم برای مواجهه با آن بودند.

برنامه ریزی برای حمله به کوی

با تاریک شدن هوا و آغاز پرتاب گاز اشک آور به داخل کوی، کپه‌های آتش در فواصل مشخصی در خیابان منتهی به در اصلی کوی توسط دانشجویان برپا گردید تا عوارض ناشی از گاز اشک آور خنثی گردد. هرچه هوا تاریک تر می شد، بر التهاب فضا و شدت درگیری‌ها افزوده می شد. شمار زیادی از دانشجویان در بالای سردر کوی سنگر گرفته و مشغول سنگ پرانی به نیروهای لباس شخصی و یگان ویژه بودند. نیروهای یگان ویژه در تهاجم‌های مقطعی خود به در اصلی و پیشروی چندده متری به داخل کوی، از سلاح‌های دیگری به جز گاز اشک آور نیز استفاده می کردند. استفاده از تفنگ‌های رنگ پاش و تفنگ‌های دارای گلوله‌های متعدد ساچمه‌ای شکل نمونه‌هایی از این تجهیزات است. در مواردی گزارش شده که از تیرهای پلاستیک و تیر هوایی نیز در طی این تهاجم‌های مقطعی استفاده شده است. علاوه بر این، نیروهای لباس شخصی و یگان ویژه هر از چندگاهی با موتورهای خود در خیابان امیرآباد به صورت جمعی بالا و پایین می رفتند و با صدای گوش خراش موتورها، تلاش به القای رعب و وحشت داشتند. با گذشت زمان، تحرکات مشکوکی در بیرون کوی دیده می شد که نشان دهنده سناریوچینی برای حمله به کوی بود. آتش گرفتن بانک کارآفرین در مقابل کوی دانشگاه یکی از این تحرکات بود. برای دانشجویان حاضر کاملاً قطعی بود که این اقدام مشکوک توسط دانشجویان صورت نگرفته است. چرا که به سبب قرق شدن خیابان امیرآبادی توسط نیروهای لباس شخصی و یگان ویژه، اساساً امکان عبور دانشجویان از خیابان و رساندن مواد آتش زا به بانک آن سوی خیابان ممکن نبود.

اقدامات خشونت بار آنها نظیر پرتاب سنگ یا آتش زدن سطل‌های اشغال می بودیم. اما نفس اینکه هیچ گونه اقدام خشونت باری از سوی دانشجویان در شب‌های قبل از انتخابات و مناظرات تلویزیونی رخ نداد، شاهدهی است بر این ادعا که آغازگر خشونت‌های کوی دانشگاه، نه دانشجویان، بلکه تحریکات و بی تدبیری‌های نیروی انتظامی بود. با حضور نیروهای لباس شخصی و هتاک‌های آنها، شرایط و فضای کوی دانشگاه پیچیده تر شد. هتاک‌های لباس شخصی که حتی به کوی فاطمیه - محل استقرار دانشجویان دختر - نیز کشیده شده بود، چنان زشت و مشمژکننده است که قلم از بازگویی آنها شرم دارد. فحش‌های رکبک و ناموسی به دانشجویان دختر نمودارکننده ادب و رفتار این نیروهای شبه نظامی بود که با هدف تحریک دانشجویان و زمینه سازی حمله به کوی دانشگاه صورت می گرفت. پس از آغاز این تحریکات، شعارهای دانشجویان نیز به شدت رنگ و بوی سیاسی گرفت. شعار «مرگ بر دیکتاتور» (که اشاره به احمدی نژاد داشت)، «الله اکبر»، «دولت کودتا استعفا استعفا» و «دانشجوی باغیرت، حمایت حمایت» بخشی از این شعارها بود که در آن بر خلاف دروغ‌های عجیب مسئولان رسمی، هیچ ردی از توهین و هتاک‌ها به لباس شخصی‌ها یا نظام به چشم نمی خورد. بنابراین روشن است که ادعای اینکه دانشجویان با شعارهای توهین آمیز خود دست به تحریک نیروهای لباس شخصی زدند چه اندازه دور از واقع و تحریف‌گرا است.

تجمع در شب آغازین با همین سبک و سیاق به پایان رسید و تا حوالی صبح و روشن شدن هوا که به تدریج نیروهای انتظامی و شبه نظامی حاضر در صحنه، خیابان امیرآباد را ترک کردند، جز چند مرتبه تهاجم نصفه و نیمه از سوی نیروهای یگان ویژه و لباس شخصی به نزدیکی درب اصلی کوی با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان دانشجویان تجمع کننده، و رد و بدل شدن گاز اشک آور از سوی نیروی انتظامی و سنگ و چوب از سوی دانشجویان، اتفاق قابل توجه دیگری رخ نداد.

روز دوم تجمعات دانشجویی کوی

روز یکشنبه 24 خرداد در حالی آغاز شد که هنوز هیچ تصمیم مشخصی از سوی مسئولان دانشگاه برای تعویق زمان امتحانات و تعطیلی کوی اتخاذ نشده بود. در این روز به دانشجویان برخی دانشکده‌های دانشگاه تهران گفته شده بود که

کسانی که مایل هستند می توانند در امتحان شرکت کنند و کسانی که آمادگی ندارند می توانند منتظر اعلام بعدی تاریخ امتحانات باشند. بلا تکلیفی و تردید و عدم قاطعیت در تصمیم گیری از سوی مدیریت دانشگاه تهران برای تعویق امتحانات و اعلام تعطیلی کوی، سبب شد که زمینه باز تولید فضای روز گذشته در کوی مجدداً فراهم گردد. جشن تقلب در انتخابات از سوی حامیان احمدی نژاد در میدان ولیعصر و تهاجم پس از آن به پردیس مرکزی دانشگاه تهران از سوی نیروهای لباس شخصی طرفدار





وزارت کشور و پلیس امنیت، فهرستی از فجایع هولناک در برخورد با دانشجویان رخ داده که در مکتوبات شاهدان عینی در فضای مجازی منعکس شده است.

توضیح تحریف‌ها و وارونه‌نمایی‌ها در روایت مسئولان رسمی
با مطالعه روایت مذکور، برخی تحریف‌های آشکار مقامات رسمی در تشریح تهاجم به کوی دانشگاه به سادگی قابل مشاهده است:

۱. عامل اصلی تحریک دانشجویان به سنگ‌پرانی، تهیه توده‌های آتش و دیگر اقدامات خشونت‌آمیز، بی‌تدبیری مسئولان تصمیم‌ساز، اقدامات تحریک‌کننده نیروی انتظامی، لباس شخصی‌های مامور حاضر در صحنه و بی‌تدبیری مسئولان دانشگاه است. به نظر می‌رسد که مسئولان سیاسی که در روز پس از 22 خرداد از اعتراض‌های شهری غافل‌گیر شده بودند، حسابی بیش از اندازه برای اهمیت اعتراض‌های دانشجویی و مشخصاً، کوی دانشگاه باز کرده بودند و به سبب همین خطای محاسبه، با استقرار شمار گسترده‌ای از نیروها در اطراف کوی دانشگاه، تصور می‌کردند با سرکوب کوی، بخش مهمی از اعتراض‌های خیابانی فروکش خواهد کرد. این خطای محاسبه به ویژه از سابقه ذهنی تصمیم‌سازان در خصوص حادثه 18 تیر 78 کوی دانشگاه برمی‌خیزد. اما سیر بعدی حوادث نشان داد که کوی دانشگاه از چنان اهمیت استراتژیکی برای هدایت اعتراض‌های خیابانی برخوردار نبوده و سرکوب آن با این هزینه هنگفت، خطایی غیرقابل جبران برای مسئولان سیاسی رقم زد. این خطای محاسباتی سبب شد که فضای خیابان امیرآباد در دو شب حوادث کوی دانشگاه در سال 88 به شکل شدید و حیرت‌انگیزی امنیتی گردد و از همان آغاز تاریکی هوا، آرایش حمله به کوی را به خود بگیرد. طبعاً این تدبیر خطای مسئولان، با القای احساس ناامنی و خطر مورد هجوم قرار گرفتن در اذهان دانشجویان، زمینه‌ساز واکنش مقابله‌گرانه شماری از دانشجویان گردید.

۲. می‌توان وضعیت‌هایی را متصور شد که احتمال حمله به کوی دانشگاه را به حداقل ممکن می‌رساند: اول اینکه نیروی انتظامی این حجم از نیروهای یگان ویژه را با آرایش نظامی و تهاجمی در مقابل کوی دانشگاه و خیابان امیرآباد مستقر نمی‌کرد و بدین ترتیب زمینه ذهنی لازم در دانشجویان برای درگیری‌های بعدی ایجاد نمی‌شد؛ دوم اینکه مدیران دانشگاه تهران با در نظر گرفتن شرایط حساس امنیتی کشور، بلافاصله اعلام می‌کردند که امتحانات برای مدت معینی (برای مثال دو هفته یا یک ماه) به تعویق می‌افتد و دانشجویان باید کوی دانشگاه را ترک کنند (تصمیمی که بعد از تهاجم به کوی گرفته شد)؛ سوم اینکه تهاجم نیروهای لباس شخصی به پردیس مرکزی دانشگاه تهران در بعدازظهر روز یکشنبه با ممانعت نیروی انتظامی ختنی می‌شد و دانشجویان حاضر در پردیس مرکزی دانشگاه و ساکن کوی دانشگاه، با زمینه ذهنی امکان تهاجم به کوی، به خوابگاه‌های خود باز نمی‌گشتند؛ چهارم اینکه چند تن از مسئولان سیاسی کشور و مسئولان دانشگاه تهران با حضور در جمع دانشجویان تلاش می‌کردند که از التهاج فضا بکاهند و به دانشجویان اطمینان بخشند که حمله به کوی دانشگاه رخ نخواهد داد. هیچ‌یک از این اقدامات، غیرممکن یا دشوار نبود؛ اما عدم اهتمام به انجام آنها و جلوگیری از حمله به کوی، حکایت از همان تحلیل بیان شده در بند اول دارد. محاسبه خطای

تحلیل منطقی این اتفاق از منظر دانشجویان، اقدامی تعمدی از سوی نیروهای مهاجم برای متقاعد کردن مسئولان رسمی به لزوم حمله به کوی است. حوالی ساعت دو نیمه شب وقوع دو اتفاق دیگر، حمله زود هنگام به کوی را برای دانشجویان قطعی کرد. اول فرستادن چند نوجوان لباس شخصی به میان دانشجویان درگیر در مبادی ورودی کوی بود که به دستگیری آنها توسط دانشجویان و انتقال‌شان به داخل کوی انجامید. این حادثه در مکتوبات شاهدان عینی به یک مقدمه چینی دیگر برای حمله به کوی دانشگاه تعبیر شده است. و رخداد دوم، ورود چند تن از نیروهای یگان ویژه به ساختمان 23 کوی دانشگاه و تصرف آن بود که متعاقب این رخداد، ضلع‌های شمالی و غربی ساختمان 23 به محاصره دانشجویان درآمد. این دو رخداد از سوی شاهدان عینی به عنوان خلق زمینه‌های لازم برای حمله به کوی دانشگاه تعبیر شد؛ چرا که اکنون نیروهای مهاجم با دستاویز قرار دادن «گروگان‌گیری» برخی افراد خود و به محاصره درآمدن چند تن دیگر از نیروهای خود توسط دانشجویان، توجیه لازم برای ورود به کوی را در اختیار داشتند. به گفته دانشجویان حاضر در صحنه، کمتر از ربع ساعت پس از محاصره ساختمان 23 توسط دانشجویان، موتورسوارهای یگان ویژه و لباس شخصی حمله به کوی را ترتیب دادند و در اندک زمانی به تخریب و ضرب و شتم وحشیانه دانشجویان پرداختند. گروه‌هایی که ورود به یکایک ساختمان‌های کوی و تخریب اتاق‌ها و ضرب و شتم دانشجویان را ترتیب می‌دادند، ترکیبی از نیروهای یگان ویژه و لباس شخصی بودند. اغلب یک یا دو نیروی یگان ویژه به عنوان پشتیبانی‌کننده همراه سه یا چهار لباس شخصی مجهز به مجموعه‌ای از سلاح‌های سرد نامتعارف، یک گروه مهاجم را شکل می‌دادند. تهاجم این گروه‌ها به داخل کوی با نعره کشیدن و استعمال الفاظ رکیک همراه بود. هرگونه تصویری از موسوی و کروی توسط این افراد به شکل کینه‌توزانه‌ای از بین برده می‌شد و اتفاقی که نشانه‌ای از این دو چهره در آن بود، با تخریب دوچندان و دستگیری تمامی ساکنانش مواجه می‌گردید. به گفته دانشجویان حاضر، در اغلب ساختمان‌ها، سبک کار به این صورت بود که پس از ورود گروه مهاجم به داخل یکایک اتاق‌ها، تخریب درب و وسایل داخل اتاق، دانشجویان به شکل تحقیرآمیزی از اتاق‌ها خارج و به مقابل ساختمان یا داخل سالن تلویزیون کوی منتقل می‌شدند. سپس گروه مهاجم - به ویژه سرپرست لباس شخصی گروه - دانشجویانی که بر مبنای معیارهای شخصی‌اش مشکوک و از «اغتشاش‌گران» تشخیص داده می‌شد را با ضرب و شتم دستگیر کرده و همراه خود می‌بردند و سایر دانشجویان را رها می‌کردند (در برخی ساختمان‌ها به دانشجویان گفته بودند در همان محل بمانند و «جم نخورند»). به جز چند ساختمان معدود کوی دانشگاه، اکثریت قریب به اتفاق ساختمان‌ها توسط مهاجمان به همین ترتیب تخریب و دانشجویانش مورد توهین و ضرب و شتم قرار گرفتند. موارد متعددی رخ داد که دانشجویان از هراس مضروب شدن توسط مهاجمان خود را از طبقات دوم ساختمان‌ها به پایین پرتاب می‌کردند که در غالب موارد به مصدوم شدن آنها انجامیده بود. برخی شاهدان عینی دیده‌اند که لباس شخصی‌های مهاجم از آنها سراغ «مخفی‌گاه دختران حاضر در اغتشاشات» را گرفته‌اند؛ در موارد دیگری لباس شخصی‌ها گفته‌اند که «جسد دوستان مان را کجا مخفی کرده‌اید؟». این اظهارات نشان از آن دارد که رهبران حمله به کوی، برای تحریک عواطف لباس شخصی‌ها و واداشتن آنها به بکارگیری خشونت بیشتر، مطالب غیرواقعی را ساخته و به آنها القا کرده‌اند.

پس از دستگیری توأم با توهین و ضرب و شتم بیش از 130 تن از دانشجویان و انتقال آنها به داخل اتوبوس‌های تدارک دیده شده و سپس انتقال به ساختمان



5. نیروهای انتظامی حاضر در صحنه، در معیت نیروهای لباس شخصی، نقش اولیه و غیرقابل انکار در تهاجم به کوی دانشگاه داشته‌اند. اما از آنجا که هیچ یک از این نیروهای انتظامی و شبه نظامی مایل نبودند تهاجم به کوی دانشگاه به تنهایی به پای آنها نوشته شود، ظاهراً در نهایت طی توافق میان نیروهای قرارگاه مقداد سپاه و نیروهای یگان ویژه و پلیس امنیت نیروی انتظامی، تهاجم به کوی دانشگاه به طور مشترک توسط این نیروها صورت می‌گیرد. ترکیب گروه‌های مهاجم که در آن هم نیروهای یگان ویژه و هم نیروهای لباس شخصی حضور داشته‌اند، موید هماهنگی از پیش تعیین شده میان نیروهای مهاجم است. از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از خشونت‌ها و ضرب و جرح و شکنجه دانشجویان پس از تهاجم به کوی دانشگاه و در جریان انتقال آنها به ساختمان وزارت کشور و پلیس امنیت رخ داده که مسئولیت تمامی این اقدامات با نیروی انتظامی بوده است و دانشجویان شاهد نیز بر این نکته تاکید کرده‌اند که انتقال توأم با ضرب و شتم آنها به بازداشتگاه‌ها با مداخله مستقیم نیروی انتظامی رخ داده است. بنابراین، مجدداً باید تاکید کرد که تقلیل تهاجم به کوی دانشگاه به درگیری «دانشجویان اغتشاش‌گر» و «نیروهای خودسر»، دروغی آشکار در روایت تهاجم به کوی دانشگاه است.

6. این مسأله مسلم است که تهاجم به کوی دانشگاه با دستور مستقیم مقامات دولتی (وزارت کشور، شورای تامین استان، نیروی انتظامی، قرارگاه مقداد سپاه یا هر نهاد مسئول دیگر) صورت گرفته است و نسبت دادن تهاجم به کوی دانشگاه به شمار معدودی نیروهای خودسر، خودفریبی کودکانه و غیرقابل قبول از سوی مسئولان است. نیروی انتظامی با حضور پررنگی که در صحنه داشت می‌توانست به سادگی جلوی نیروهای لباس شخصی قرارگاه مقداد را بگیرد. اما به گفته شاهدان عینی، موتورسوارهای یگان ویژه نیروی انتظامی نخستین گروهی بودند که وارد کوی دانشگاه شدند و لباس شخصی‌های پیاده‌نظام و موتورسوار، پس از ورود این نیروها به کوی بود که وارد محوطه شدند. از سوی دیگر، چنانکه اشاره شد، نیروهای یگان ویژه در ترکیبی مشخص و از پیش تعیین شده، لباس شخصی‌های مهاجم به اتاق‌های دانشجویان را همراهی و پشتیبانی می‌کردند. بنابراین این امر مسلم است که حمله به کوی دانشگاه با دستور مستقیم یکی از نهادهای دولتی مسئول و با مداخلت نیروی انتظامی صورت گرفته است.

آنچه گفته شد روایتی اجمالی از تهاجم به کوی دانشگاه تهران در 25 خرداد 1388 است که با اتکای به منابع و گزارش‌های مکتوب حداقلی منتشره در فضای مجازی نگاشته شده است. اگر اختناق موجود در فضای دانشگاه و کشور از میان برداشته شود، شاهدان عینی وقایع، با جزئیات و تفصیل بیشتر می‌توانند به بیان سیر حوادث بپردازند. اما در شرایط کنونی که مقامات رسمی تلاش می‌کنند برای رفع مسئولیت از خود به تحریف حقایق تهاجم نیروهای نظامی و شبه نظامی حکومت به کوی دانشگاه بپردازند، ارائه تصویری کلی از سیر وقایع از منظر مشاهدات دانشجویان ضروری بود. امیدواریم که دانشجویان حاضر در صحنه تهاجم با تکمیل این گزارش به روشن‌تر شدن بیشتر حقایق و افشای وارونه‌نمایی حاکمیت یاری رسانند.

مسئولان دولتی این بود که حمله به کوی دانشگاه بخش مهمی از اعتراضات شهری را در نطفه خفه می‌کند. به همین سبب نه تنها هیچ اقدامی برای کاستن از التهابات کوی دانشگاه صورت نگرفت، بلکه به طور عمدی بر التهابات دامن زده شد تا به رغم هزینه‌های جنبی، زمینه اجرای پروژه حمله به کوی و سرکوب دانشجویان فراهم گردد. اما روند بعدی حوادث نشان داد که این محاسبه نیز مانند بسیاری از دیگر محاسبات بعدی تصمیم‌سازان دولتی، از بن خطا بوده است. مختصر اینکه تهاجم به کوی دانشگاه با تحلیل ساده سازی شده مسئولان رسمی مبنی بر اینکه مجموعه‌ای از دانشجویان اغتشاش‌گر و نیروهای خودسر عامل بروز آن بودند، قابل توضیح نیست؛ بلکه معلول مجموعه‌ای از عوامل سیاسی است که مسئولیت مستقیم آن نیز بر عهده نظام سیاسی کشور و نظام مدیریتی دانشگاه است.

3. شمار معدود دانشجویانی که در صحنه درگیری‌ها دست به اقدامات خشونت‌آمیز نظیر پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف زده‌اند، به لحاظ خطای صورت گرفته، به هیچ‌وجه هم‌تراز با مهاجمان به کوی دانشگاه نیستند. عامل اصلی تحریک برخی دانشجویان به انجام این امور، چنانکه پیش‌تر تاکید شد، تحریکات نیروی انتظامی و لباس شخصی بوده است. چنانچه لباس شخصی‌ها و نیروهای یگان ویژه به سوی دانشجویان حمله‌های مقطعی و متناوب نمی‌کردند و آرایش نظامی در اطراف کوی نمی‌گرفتند، آیا دانشجویان برای دفع حملات آنها دست به سنگ می‌بردند؟ رویه کلی حاکم بر دانشگاه، تعهد به اخلاق مدنی است و این امر در راهپیمایی‌های متعدد دانشجویی در شب‌های پیش از انتخابات و مقارن با مناظره‌های انتخاباتی کاملاً نمایان است. اما زمانی که خانه امن دانشجویان با گاز اشک‌آور و گلوله پلاستیکی و ساچمه‌ای مورد هجوم قرار می‌گیرد، آیا پرتاب سنگ واکنشی طبیعی به نظر نمی‌رسد؟ بنابراین، تحریف و وارونه‌نمایی دیگر مسئولان رسمی، هم‌تراز کردن شمار معدود دانشجویان دفاع‌کننده از حریم خوابگاه‌های خود با مهاجمان لباس شخصی و نیروی نظامی تا بن دندان مسلح که از هیچ خشونت‌ی در برخورد با افراد فروگذار نمی‌کنند، می‌باشد که به وضوح خلاف واقعیت و حقیقت است.

4. به فرض که دانشجویان دست به تجمع غیرقانونی در محیط کوی دانشگاه زده بودند، مسئول مستقیم برای برخورد با آن، مسئولان دانشگاه و چارچوب قانونی درون دانشگاهی (کمیته انضباطی) می‌باشد و چنانچه نیروی انتظامی «با درخواست مسئولان دانشگاه» در صحنه حضور یابد، صرفاً باید نقش بازدارندگی داشته باشد؛ نه اینکه دست به تحریک و تهاجم علیه دانشجویان بزند. لشکرکشی نیروهای انتظامی و شبه نظامی به مقابل دانشگاه و دامن زدن به التهابات، عامل اصلی آغاز درگیری‌ها و خشونت‌ها بود. در حالی که مسئولان دانشگاه موکداً اعلام می‌دارند هیچ درخواستی برای مداخله نیروی انتظامی و ورود به کوی دانشگاه توسط آنها نداشته‌اند، باید مشخص شود که مسئول صدور دستور پرتاب گاز اشک‌آورهای متعدد و مکرر و استفاده از گلوله پلاستیکی و ساچمه‌ای در برخورد با تجمعات دانشجویی و نهایتاً مسئول صدور دستور حمله به کوی دانشگاه چه کسانی بوده‌اند؟ با متهم کردن دانشجویان به اغتشاش‌گری توسط مسئولان رسمی، نمی‌توان پاسخی به این سوال داد و از زیر بار مسئولیت آن گریخت.



شرح مختصر ماجرا به روایت «وبلاگ 25 خرداد»

اقتباس از 25khordad88.blogspot.com

اتوبوس جلوی درب اصلی گرفته تا خرت و پرت‌های ساختمان در حال ساخت مسجد کوی، مثل آهن پاره‌ها و فرغون و تخته‌های چوب و نیز یک کانکس و حتی یک خاور (مینی کامیون) داخل کوی، برای ایجاد مانع و سنگر و تدارک آتش استفاده میشود. شدت گازهای اشک آور به حدی است که حتی داخل ساختمانها هم نمیتوان به راحتی نفس کشید. از در پشتی کوی خبر میرسد که تعداد زیادی موتورسوار در کوچه‌های اطراف موضع گرفته اند. ساعت حدود دو و نیم یا سه بامداد دوشنبه 25 خرداد 88، یگان ویژه به همراه لباس شخصی‌ها (برخی از آنها کلاه خود و باتوم و

سپر دارند و برخی دیگر چوب و چماق و میله و زنجیر و ...) از همه طرف به داخل کوی حمله می‌کنند و در مدت بسیار کوتاهی کل کوی را به تصرف خود در می‌آورند. هر کس را که در محوطه است با بی‌رحمانه‌ترین روش‌ها کتک می‌زنند. به داخل ساختمان‌ها یورش می‌برند و شیشه‌ها و درهای اتاق‌ها را می‌شکنند و دانشجویان داخل اتاق‌ها را نیز با ضرب باتوم و فحش و لگد بیرون می‌آورند. حدود 150 الی 200 نفر را بازداشت می‌کنند. حدود 100 نفر را با اتوبوس به مرکز مواد مخدر شاپور و حدود 50 نفر را با دو دستگاه مینی‌بوس به زیرزمین وزارت کشور منتقل می‌کنند. تعداد نامعلوم دیگری را نیز به زندان اوین می‌برند. پس از 24 ساعت، بامداد سه شنبه 26 خرداد 88، پس از آزار و اذیت دانشجویان و تشکیل پرونده با اتهام اقدام علیه امنیت ملی برای آنها، اکثر ایشان را به قول معروف ول (یا آزاد؟) میکنند و با دو دستگاه اتوبوس به کوی دانشگاه که به ویرانه‌ای تبدیل شده برمی‌گرداند و بقیه را در زندان اوین نگاه می‌دارند



یکشنبه شب، اعتراضات دانشجویی نسبت به وضع موجود کشور (اعم از انتخابات و غیره) همانند شب گذشته، در کوی دانشگاه تهران ادامه دارد. از ابتدای شب، نیروی انتظامی -که به لباسهای ضدشورش و انواع ابزارآلات مجهز است- با پرتاب انواع و اقسام گازهای فلفل و اشک آور و با شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای، تلاش میکند تا دانشجویان را متفرق ساخته و از بروز این اعتراضات به خیابانهای اطراف جلوگیری کند. بر خلاف شب گذشته -که خیابان امیرآباد در اختیار دانشجویان بود- نیروهای ضدشورش با محاصره کامل منطقه، مانع

پیشروی دانشجویان به داخل خیابان شده اند. با وجود زخمی و مجروح شدن بعضی از دانشجویان، اعتراضات همچنان ادامه دارد. دانشجویان برای مقاومت در برابر گازهای اشک آور، در اکثر مناطق کوی آتش درست کرده اند. در طول خیابان، بین دانشجویان داخل کوی و نیروهای انتظامی و لباس شخصی حاضر در خیابان، درگیریهای پراکنده ای به چشم می‌خورد اما درب اصلی کوی، شاهد شدیدترین درگیری است. یک طرف یگان ویژه به لباس ضدشورش (سوسکی)، سپر، باتوم، اشک آور و انواع سلاح، و طرف دیگر دانشجویان با سنگ و گهگاهی کوکتل مولوتف! البته سربازهای یگان ویژه همراه با لباس شخصیها سنگ هم پرتاب میکنند. هر از گاهی یگان ویژه -که در جاهای مختلفی مثل ابتدای کوچه پایین دانشکده تربیت بدنی موضع گرفته- دانشجویان را به داخل کوی عقب می‌راند اما پس از مدتی دوباره به موضع قبلی خود برمیگردد. دانشجویان سعی دارند با ایجاد مانع و سنگربندی، از پیشروی یگان ویژه جلوگیری کنند. با شدت گرفتن درگیری، از ایستگاه‌های



نوشته یکی از دانشجویان گریخته از کوی در شب تهاجم

«هر جور می‌تونید فرار کنید...»

اقتباس از 25khordad88.blogspot.com

عصر یکشنبه 24 خرداد 88 - کوی دانشگاه

ساعت 5 بعد از ظهر رفتم خوابگاه. همه جا حرف از دیشب بود. حرف از شلوغی خوابگاه. از اینکه بانک توی امیرآباد رو آتیش زده بودن و اینکه امشب هم شلوغ میشه و ممکنه بریزن تو خوابگاه و بزنند و ببرند... کافی بود یه نگاهی به اون ور زده های خوابگاه، تو خیابون امیرآباد بندازی تا متوجه شی چه خبره. یه عالمه مامور تو خیابون پخش بودن. انگار واقعا قرار بود اتفاقی بیفته...

بی خیال همه اینا شدم رفتم اتاق بیینم بچه ها چی میگن. به اتاق که رسیدم علی و محمد تو اتاق بودن. رضا رفته بود دانشکده. علی داستان شب قبل رو تعریف کرد و گفت که امشب هم حتما شلوغ میشه و ممکنه بریزن تو خوابگاه و بچه ها رو برن. بحث اینکه بمونیم یا نمونیم افتاد. من میگفتم تا شلوغ نشده باشیم بریم. اما علی میگفت که «اگه بریزن تو خوابگاه اونایی رو که تو محوطه هستن میبرن دیگه با اتاق ها کاری ندارن که!» آخرش منم تصمیم گرفتم بمونم. ساعت 9 شب اولین صدای ا... اکبر شنیده شد. ساعت حدود 9:30 دیگه صداها خیلی بلند شده بود. انگار جلوی در اصلی کوی بچه ها جمع شده بودن و شعار میدادن. ما سه تا هم از پنجره بیرون رو نگاه میکردیم.

تو اتاق بحث سر تقلب بود. من یه مقدار عذاب وجدان داشتم که چرا تو اتاق نشستم و بچه ها بیرون!! اما اصولا چون با همچنین حرکت هایی مخالف بودم، خودم رو مجاب میکردم که بشینم تو اتاق و خودم رو قاطی نکنم.

ساعت 10 یکی اومد در اتاق ما رو زد و گفت «آقا خبر اومده امشب حتما میریزن تو خوابگاه. هر جور میتونید فرار کنید.» علی که اصولا اعتقاد داشت «اتاق ما امن ترین جای دنیاست. اونآ آزار ندارن که تک تک اتاقها رو بگردن و بچه ها رو برن. فقط تو محوطه هرکی باشه اونآ رو میبرن.» خودش رو راحت کرده بود و بدون استرس سر جاش رو تختش دراز کشیده بود و به ما میخندید. اما من و محمد که آدمهای عاقل تری بودیم (!) داشتیم فکر چاره میکردیم. محمد گفت «اگه اومدن تو سالن زیر تخت قایم میشیم!» نگاه کردیم دیدیم جا نیست. بعد ایده داد «اگه اومدن، تخت رو میذاریم پشت در تا باز نشه و اونآ هم خسته میشن میرن!!»... چشم و صورتمون شروع به سوزش کرد. مثل اینکه تو سالن طبقه ما اشک آور زدن. احساس سوزش

کم کم داشت غیر قابل تحمل میشد. دیگه نتونستیم تو اتاق بمونیم. تر علی مینی بر امن بودن اتاق رفته رفته زیر سوال می‌رفت. دیگه داشت تحملم تموم میشد. صورتم بدجور میسوخت. تصمیم گرفتیم هر سه از اتاق فرار کنیم و بریم محوطه کوی شاید اونجا هوا بهتر باشه. من زودتر اومدم پایین. قرار شد من پایین منتظر اونآ باشم تا بیان. همین که رسیدم دم در خروجی ساختمان یه کپسول اشک آور دیگه هم کنار من افتاد تا نور علی نور بشه! دیگه نمیشد صبر کرد. واقعا دستشون درد نکنه کارخونه هایی که همچین چیزایی درست میکنن. واقعا به درد میخوره. تمام تاثیراتی که باید داشته باشه رو داره!!! گلوم میسوخت. نفسم بالا نمیومد. صورتم آتیش گرفته بود. چشام باز نمیشد. انگار توی کوره آتیش افتاده بودم. همه به سمت ضلع غربی کوی فرار میکردن. یه جنگ تمام عیار بود. چند هزار نفر آدم تو محوطه بودند. جاهای مختلف آتش روشن بود. واقعا این حس بهم دست داد که اتفاق عجیبی داره می‌افته.

بچه حزب الهی دانشکده مون رو دیدم که داره سنگ میندازه. جانانه دفاع میکرد! خوابگاه جای زندگی خوابگاهی هاست. حتی من که مخالف شلوغ کاری هستم نمیتونستم مخالف دفاع از خونه ام باشم. اشک آور بود که خیلی احمقانه و بی هدف و کور به داخل محوطه کوی شلیک می‌شد. تا جایی که من میدونم اشک آور فلسفه اش برای متفرق کردن جمعیته. اما کجا متفرق میشدیم؟! خوابگاه سه تا در داره که سه تاش هم بسته بود. زده های دو سه متری حصار خوابگاه بود. والا هر کاری میکردیم نمیشد متفرق شیم!! یعنی اینایی رو که من میدونستم اونآ نمیدونستن!!

خودم رو رسوندیم به نزدیکترین آتیش. یکی از دوستانم اومد تو چشمم دود سیگار فوت کرد. یه کم سوزش کم شد. خودم رو نزدیک آتیش بردم تا شاید گلوم هم بهتر شه. احساس میکردم قیامت شده. همه جا دود بود و دود. داشتم فکر میکردم یعنی ما اینقدر خطرناکیم؟ یاد محمد و علی افتادم. پیداشون نبود. برگشتم سمت ساختمان. تا صد قدمی اش اومدم اما نزدیکتر نتونستم برم. باز رفتم سمت آتیش. کنار آتیش هم دیگه جواب نمیداد. با ده پونزده نفر از بچه ها به سمت سینمای کوی رفتیم. اونجا از مرکز شلوغی ها فاصله داشت و هوا بهتر بود.

این وضعیت برای من قابل تحمل نبود. خشم و تنفر رو تو چشمای بچه ها میدیدم. دیگه بد و





آر.بی.جی هفت بیان به جنگ اشرار. فضا اصلا منطقی نیست. چون همین الانه که صدای «حاجی! سیدت رو کشتن!» بیاد و نقل و نباتها رو بریزن سر ما. دوستم که فرزند شهیده رو دیدم که چه مظلومانه سرفه میکند. انگار باباش جنگیده بود تا پسرش اشک آور بخوره!!!

اصلا شایدم حق ما همین بود. کجای دنیا دانشجوها اعتراض میکنند؟ دانشجوهای تمام دنیا مثل گلایبی درس میخونن و دست به سینه میشینن. ماها حتما از طرف بیگانه ها شارژ میشیم. و گرنه دانشجو رو چه به...

نتونستم پیدا شون کنم. محمد و علی رو میگم. از رو نرده های مشرف به دانشکده فنی فرار کردم! رفتم داخل محوطه دانشکده! (نمیدونم دانشکده فنی آمده اید یا نه. پردیس مرکزی که 16 آذر ریختن توش نه ها. پردیس امیرآباد. درست زیر کوی دانشگاه) از نرده های پایین دانشکده هم پریدم اون ور توی بزرگراه و از مهلکه فرار کردم. چند دقیقه ای نشستم کنار خیابون تا هوایی عوض کنم. هنوز گلوم میسوخت. صدای بچه ها می اومد. میون صداهایی که شنیده میشد، صدای زنی که ناله کنان هر چند لحظه یک بار داد میزد «دانشگاااااا!» فضا رو ملتهب تر میکرد. یاد داستانی افتادم که توی کتاب ادبیات دبیرستان داشتیم. مال بزرگ علوی بود اگه اشتباه نکنم. همونی که هر از گاهی صدای زنی از توی جنگل...

رمقی واسم نمونه بود. ماشین گرفتم و رفتم خونه دوستم. اون طرف شهر. ساعت 12 شب بود اما صدای بوق ماشین ها از همه جای شهر به گوش میرسید. انگار شهر یک صدا ناله میزد...

بیراه بود که رو زبونا میچرخید. دیگه بحث تقلب نبود. بحث از شکافی بود که بین آدم ها ایجاد شده. بحث این بود که این شکاف بعد ها به ضرر همه تموم میشه. اونایی که اون ور نرده ها بودن از ما که این طرف نرده ها بودیم متنفر بودن. من نمیدونم چرا تو طرح جمع آوری اراذل و اوباش که یکی دو سال پیش انجام شد سری به کوی دانشگاه تهران نزن تا ده هزار نفر اراذل نخبه و نخاله رو آفتابه دور گردنشون بندازند و توی شهر بچرخونن و بر طبل بی آبرو بیهوشون بکوبن؟ احساس مرگ بدجور گلوم رو می فشرد. دلم شکسته بود و میسوخت. آخه... اینجا ما داریم زندگی میکنیم. یاد بیچاره مادرم افتادم که الان صد در صد خوابیده بود. بیخبر از اینکه اینجا چه خبره. که اگر باخبر بود... خدایا اینا کین؟ شاید ما رو با یه عده اشتباهی گرفتن؟ بابا ماییم. همین بچه ها که بهشون میگید نخبه و برای فرار نکردنشون برنامه میریزید و لوسشون میکنید! حالا من خودم خیلی نخبه نیستم اما رفقام که هستن! همین محمد و علی. همینا که هر سال دستاورد هاشون رو جمع میکنید خدمت آقا میرید...

علی که از اول شب استدلال میکرد که مارو خطری تهدید نمیکنه یواش یواش پی به جدی بودن قضیه میرید...

ساعت یازده و نیمه. دیگه باید فرار کنم. بچه ها رو نمیدونم اما من اگه چیزیم بشه مامانم نمیتونه تحمل کنه... بچه ها رو نمیدونم اما من اگه بچیرم خانواده ام داغ ابدی پسر بزرگشون رو که پزش رو به آدم و عالم دادن تا ابد باید... آره. باید فرار کنم. چون فضا اصلا منطقی نیست. همین الانه که با تانک و زره پوش و





فشارم افتاد. افتادم روی تخت. کجان بچه ها؟ کجا بردنشون؟ نمیتونستم جلوی گریه ام رو بگیرم. خدایا چیکار میتونم بکنم؟ تصور اینکه چه جور از بین نرده های تخت، بچه ها رو کشیدن بیرون دلم رو میشکست. به خودم مسلط شدم. از اتاق اومدم بیرون. خواستم یه اطلاعاتی از بقیه بچه ها بگیرم. تمام درها رو شکسته بودن. تمام درها رو... کامپیوتر یکی از اتاق ها رو با باتوم شکسته بودن. شاید اون هم شلوغ کرده بوده! کولر ها رو داغون کرده بودن. حتی به دستشویی ها هم رحم نکرده بودن!

باورش سخت بود. انگار یه لشکر زرهی دیشب ریخته بود تو خوابگاه. نتونستم تحمل بکنم. اومدم بیرون ساختمان. میگفتن حدودا 200 نفر رو بردن. یه کم خیالم راحت تر شد. خوب 200 نفر رو که نمیتونن بکشن!!

رفتم کتابخونه مرکزی کوی. چه خبر بود؟ تمام قفسه کتاب ها رو شکسته بودن. در فلزی آسانسور کتابخانه رو وحشیانه داغون کرده بودند. احتمالا آسانسور هم شلوغ کرده بود. انگار اپنا آدمی زاد نبودن. با قدرتی مافوق بشر هر چی که بود و نبود رو شکسته بودند. وای! آگه یکی از این ضربه ها به بچه ها خورده باشه چی؟ خون پاشیده شده رو زمین توجه ام رو جلب کرد...

دیگه متوجه نبودم. یاد داستانهایی که از وحشیگری مغول ها خونده بودم افتادم. اینکه تمام کتابخانه ها رو سوزوندن... دیگه حوصله ندارم بیشتر از این بنویسم.

تمام.

بامداد دوشنبه 25 خرداد 88 - خانه

12:30 رسیدم خونه دوستم. چند تا دیگه از بچه های کوی اونجا بودن. استراحتی کردم و چیزی خوردم و همه چیزهایی رو که دیده بودم برای اونها هم تعریف کردم. تا ساعت 3 شب بیدار بودیم. 2 ساعتی هم بازی کردیم و کلا خوش گذشت. (با عرض معذرت از سایر رفقا!). صبح ساعت 8 بیدار شدم. راه افتادم برم خوابگاه.

صبح دوشنبه 25 خرداد 88 - کوی دانشگاه

بین راه شماره علی رو گرفتم. آنتن نمیداد. نگران شدم. اما هیچ جور نمیتونستم فکر بدی به ذهنم راه بدم. رسیدم خوابگاه...

آره... ریخته بودن تو خوابگاه... آره... ریخته بودن تو کوی دانشگاه تهران... حرف از کشته شدن بودن. حرف از خرابی. حرف از دست و پاهایی که شکسته بودن. حرف از بچه هایی که برده بودن...

دیگه تحمل نداشتم. با سرعت به سمت ساختمانمون دویدم. تو راه یکی از دوستانم رو دیدم. پرسیدم از اتاق ما چه خبر؟ علی و محمد کجا هستن؟ گفت علی و محمد رو نمیدونم اما اتاقتون ترکیده(!)...

پله ها رو با سرعت رفتم بالا. رسیدم به اتاق. آره! واقعا ترکیده بود! پاهام شل شد. از در اتاقمون فقط لولاش آویزون بود. تخت پشت در بود. مثل اینکه ایده محمد اجرا شده بود. تخت رو گذاشته بودن پشت در. اما دیگه دری وجود نداشت.





روایت یکی از شاهدان عینی از شکنجه و آزار دانشجویان در منفی چهار وزارت کشور

«ما وظیفه نداریم اسلامی عمل کنیم!»

اقتباس از 25khordad88.blogspot.com

ضربه بعدی برق از چشمانم میراند. سرم به قدری داغ شده که در شکستش شک نمیکنم. خدایا! اینا دیگه کین؟ این باتوم بود یا تیر آهن؟ اینجا ایرانه یا عراق؟ من دانشجو ام یا قاتل؟ "من مسئول بسیج الهیاتم! آقا تو رو خدا زنگ بزنی اعلام کنی!" دلم برایش میسوزد. یاد دوست حزب الهی و احمدی نژادیم (!) می افتم که موقع حمله به اتاق، سعی میکرد بهشون حالی کنه که بسیجیه، اما اون کاری به این حرفها نداشتند. یاد چند ساعت پیش می افتم. یاد آن دانشجوی بسیجی که تیر به چشمش خورده بود. بنده خدا با رفقای مذهبی اش جلوی مسجد کوی بوده اند که گاردیها تیر مستقیم به سمت کوی شلیک میکنند و چشمش آسیب مبیند. باز جای شکرش باقی است که اگرچه عقلشان منجمد مانده اما ابزارشان کمی مدرن شده است! تیرهای پلاستیکی شلیک میکنند. یکی از همین بسیجیها میگفت اینها اندازه جلیک هم مغز ندارند! اگر داشتند که دیشب با آن فضاخت ساختمان 23 را آتش نمیزدند. احمقها مثل نقل و نبات گاز اشک آور میزدند. نمیدانستند که همینجوری اوضاع کشور اشک آور هست. دانشجو نیازی به این گازها و فلفلها ندارد.

توی سلول در هم می لولیم. بوی گند دستشویی حالمان را به هم میزند. هر از گاهی دست و پای یکی از بچه ها میخورد به پای شکسته و ناله جگرسوز... بچه ها خسته شده اند. حال و حوصله رسیدگی به کسی که پایش شکسته را ندارند. احساس میکنیم که از زندگی ساقط شده. با اون پای شکسته و سر و کله خونی و هیکل استخوانی اش اصلا به چشم نمی آید. به یک تکه گوشت تبدیل شده. یکی از بچه ها بغلش کرد آورد توی سلول. بیچاره را باتوم میزدند تا بلند شود اما بنده خدا نمیتوانست تکان بخورد.

- "[...]ها رو بشمار!"
- "یک!" - "خواهر موسوی!"
- "دو!" - "خواهر هاشمی!"
- "سه!" - "خواهر خاتمی!"
- "چهار!" - "خواهر کروبی!"
- "پنج!" - "خواهر ناطق!"
- "شش!" - "خواهر کرباسچی!"
- "هفت!" - "خواهر همه اینا!"

دستش را تا فیها خالدونمان فرورده تا مباد آنجایمان کلاشینکوف قایم کرده باشیم. عجب بازرسی دقیقی!! با این مینی بوس کجا میبرندمان؟ اینطور که اینها پیش میروند کله ما را سوراخ خواهند کرد و دستشان را توی کله ما فرو خواهند

پایش را میگردد روی پنجه ی پام و مثل یک ته سیگار له اش میکند. میخواهم فحش و بدویراه را بکشم به هیکلش اما از ترس فقط ناله میکنم.

"شما متهم به اقدام علیه امنیت ملی هستید. از خود دفاع کنید." به سری سوال با خط خرچنگ قورباغه نوشته بودند توی یک سربرگ -یادم نیست سربرگ کجا بود- و کپی کرده بودند و فله ای میبردندمان که پرش کنیم. اسم و مشخصاتی که ده بار ازمان پرسیده و یادداشت کرده بودند را دوباره میخواستند. شرح ماجرای دستگیری و از این حرفها. به سوال هم داشت که تقاضای شما از مسئولین چیست؟ یعنی واقعا توقع داشتند در آن اوضاع بدون لکت حرفمان را بزنیم؟! "

کنار کوچه روی زمین نشانده اندمان و یا بهتر بگویم در هم چپانده اندمان! فریاد میزند: "سر پایین!" لباس شخصی و یگان ویژه قاطی هم اند. دیگر به لگدهایی که به کمرم میزنند عادت کرده ام. هر کس سهم خود را میرازد. عدالت را رعایت میکنند. "بچه ها به قصد قربت بزنی!" در دل نگران آسیب دیدن کلیه هایم هستم که ناگهان سرم از شدت درد میتردد! چشمانم سیاهی میروند. پشت سرم داغ میشود. خدایا! همین چند لحظه پیش پزشکشان معاینه مان میکرد و میپرسید "جاییت درد نمیکنه؟" و من ساده لوح هم میگفتم "نه! چیز مهمی نیست!" با خود میگویم لابد میدانند چه جور بزنند که اتفاق زیاد بدی نیفتد! خنده ام میگیرد! همین چند ساعت پیش بود که اتاق یکی از رفقا بودیم و آمدن لباس شخصیها با چوب و چماق را تصور میکردیم و میخندیدیم. گفته بودند که حمله به کوی قطعی است. یاد آن دختری افتادم که التماس میکرد "تو رو خدا امشب خوابگاه نری!" یاد وعده ی 4 صبح بسیجی ها افتادم. اما چه کسی باور میکرد؟ فقط یکی از رفقا که در اتاقش را قفل کرده و برایش رمز گذاشته بود: سه ضربه با فاصله! و ما به او میخندیدیم. "تو هم زیادی جوگیر شده ای! مگه شهر هرته! اینجا کوی دانشگاه! 18 تیر اوتقدر تلخ و پر هزینه بود که عمراً تکرارش نمیکنند. اصلا اگه لباس شخصیها بیان خود پلیس جلوشونو بگیره". گفت خاطره های بچه های 18 تیر را مرور کنید. در اتاقتان خوابیده اید و از آرامش تان لذت میبرید. خوشحالید که در این شهر شلوغ و کثیف چند متری جا دارید برای پا دراز کردن و سر بر زمین گذاشتن و آرمدن. خوشحالید که در این شهر آشفته اتاقی دارید با رفیقانی از جنس خودتان که در کنارشان احساس امنیت میکنید. در همین خیالات خام پرواز میکنید که ناگهان چند نفر آدم چماق به دست عصبانی در را شکسته و چرتان را پاره میکنند و برده ادب و عفت را میدرند. نوامیستان را پیش چشمانتان ردیف میکنند و بر سر و رویتان میکوبند. از شکستنی هر چه می یابند میشکنند و از دریدنی هر چه می یابند میدرند. حیا و ادب را میبلعدند و ظلم و تجاوز قی میکنند... "بیخیال رفیق! جوگیر شده ای! ده نمکی هم دوربین به دست گرفته و فیلم میسازد. دوران چماق سالاری به سر آمده"



داشت میگفت. بعدا عکسش رو توی عکسهای اینترنت پیدا کردیم. خودشون خیلی هم ترسناک نبودند اما هر از گاهی ما رو از لولو میترسوندند. گاهی پلیس امنیت، گاهی سپاه، گاهی وزارت اطلاعات، گاهی اوین و گاهی جوخه اعدام و چوبه دار! راستش رو بخواهید من ترسیده بودم. ادعای مسلمانی داشتند اما اصلا قابل پیش بینی نبودند. سرمون منت میداشت که اسلامی عمل کرده و گرنه اینا وظیفه ندارند اسلامی عمل کنند که! چه توقعاتی؟! ***

"برای ما فرقی نمی‌کنه شما به کی رای دادین. اصلا شاید من خودم به موسوی رای داده باشم. ما فقط ماموریم "نظم" رو توی جامعه برقرار کنیم" هفت خواهر رو که یادتونه؟ ***

"مادر[...]] را فحش میدهید؟! دقت میکنید؟ سرباز گارد به جای اسم یکی از سران مملکت... آنقدر عجیب است که حتی الان شک میکنم که آیا واقعا چنین چیزی را شنیدیم یا نه! بعدها که آقا گفت حمله به کوی محکوم است - یا به همچو چیزهایی - توی دلم گفتم نکنه واقعا خبر نداره آقا؟ نکنه این لباس شخصیها گوش به فرمان کس دیگری هستند. نکنه قصه کودتای مخملی (!) راست باشه؟ ای آقا! وارد معقولات نشیم بهتره! دوستان به ما توصیه کردند که سیاسی و احساسی و یا جانبدارانه ننویسیم. چشم! ما سعی خود را میکنیم، اما مگر میشود کتک بخوری و بیطرف بمانی؟ نمیدانم. شاید بشود. ***

اولین شبیه شب بعد از انتخابات - امیرآباد شمالی - جلوی کوی پسره گیر داده به بانک. میله یکی از این تابلوهای ورود ممنوع را گرفته هی لای در آکاردئونی بانک میکنه تا بازش کنه. میرم جلو میگم بیخیال شو. اما گیر داده ول نمیکنه. جمعیت مردد است. بعضیها تشویقش میکنند و بعضیها هم میگویند نکن. میله را از دستش میکشم و میبرم پرت میکنم وسط خیابون. گاردیها پایین امیرآباد ایستاده اند. میروم جلو. سه چهار تا از بچه ها جلو هستیم. گاردیها کمی عقب نشینی کرده اند. تعجب کرده ایم. موانع را کمی جلوتر میبریم تا در پایین کوی آزاد شود. دارم یکی از این بشکه ها - از همانها که برای بنایی استفاده میکنند - قل میدهم که ناگهان از لای درختهای جلوی فنی - همون که شهرداری گل و گلدون توش میفروشه - لباس شخصیها مثل مور و ملخ میریزند بیرون. منو میگی با دمپایی مثله اسب ***

میدوم بالا. بچه ها شیاطین لباس شخصی را با سنگ رجم میکنند. بچ بلند میشود که چندتا از بچه ها رو گرفتند. خدایا! این لباس شخصیها عجب مارمولکهایی هستند! دزد و پلیس بازی میکنند. جوگیر شده اند. آن وقت توقع دارند که... برمیگردم بالا نزدیک بانک. میبینم میله را لای در فرورده اند و این بار چند نفری باهم... بالاخره در را میشکنند و هورا میکشند و آتش میزنند بانک را و بر باد میدهند غیره و ذالکش را. ***



"خدارو شکر کنید که سپاه شما رو نگرفت!" یکی از گاردیها تو زیرزمین وزارت کشور اینو میگفت. آدم بدی نبود. ستوان بود. از اون کلاه کجها روی سرش بود. میگفت لیسانس حقوق داره. باهاش گپ زدیم. ازمون پرسید "از من بدتون میاد؟" من گفتم "نه" اما فکر کنم دروغ گفتم. یاد قصه چماق و هویج افتادم. ظاهرا این بابا هویجشون بود! ***

"تازه ما به شما رفت اسلامی نشون دادیم. اونجا که برید سر جاتون میشا..." اینو سرهنگشون که لباس شخصی



راهپیماییها، حمایت میکردید از تظاهرات مردم. مانند قبل انتخابات عمل میکردید که دانشجویها با زیرپوش و لباس راحتی تا میدان انقلاب میرفتند و می آمدند و هیچ اتفاقی هم نمی افتاد. ای کاش اندکی عقل داشتید. (از خواننده گرامی بابت این سخنان تند عذر میخوام. اما واقعا به اینجام (!) رسیده!)

شبهای مناظره- هفته قبل از انتخابات- منطقه امیرآباد و میدان ولیعصر
مناظره احمدی نژاد و کروی دقایقی پیش تمام شده. دانشجویها مثل شبهای پیش -با شور و حالی که از دانشجویجماعت بعید است!- راهپیمایی انتخاباتی را آغاز میکنند. از کوی دانشگاه به سمت خیابان فاطمی و سپس میدان ولیعصر و بلوار کشاورز و دوباره کوی دانشگاه. با زیرپوش و دمپایی و شلوارک. حتی بعضیها بالش هم بغل میکنند! پلیس حضور دارد اما دخالتی نمیکند. هیچ خشونت رخ نمیدهد. گاهی رفتار پلیس تهدیدآمیز میشود اما انگار از دمپایی و زیرپوش بجه ها خجالت میکنند! بجه ها از اینکه میتوانند بدون مزاحمت و بدون خشونت آزادانه در خیابانهای تهران بچرخند و شعار بدهند در پوستشان نمیگنجد! بیشتر دانشجویها طرفداران موسوی و کروی اند. در میدان ولیعصر طرفداران احمدی نژاد هم هستند. با وجود شعارهای تند هیچ برخورد فیزیکی رخ نمیدهد. پلیس فقط تماشا میکند.

"[...] نکبت ایستاده میشا...! اگه یکی دیگه رو ببینم که ایستاده میشا... خشتکشو میکشم سرش!" مگر در را باز میکنند؟ از کجا دیده؟ ما را که برد دستشویی در را بستیم و با خیال راحت خودمان را تخلیه کردیم تا مبادا در ادامه بازداشت و توهین و تحقیرها شلوارمان را خیس کنیم. همان دستشویی دو طبقه بالاتر؟ زیرزمین دوم وزارت کشور؟ همانجا که ماشینهای قفس دار یگان ویژه پارک بودند؟ مگر شما را هم همانجا نبردند؟ اتفاقا درش هم خراب بود و باز میشد و یک سنگ پشت در میگذاشتند تا در باز نشود. آنجا برای من واقعا مستراح بود و محل استراحت! در کل آن 24 ساعت فقط همان 30 ثانیه آرامش داشتیم! اما انگار همین آرامش را هم از بعضی دریغ کرده اند!

- "سرها پایین!"
- "بخواب!"
- "[...] سرت رو بگیر بالا!"
- "همکارتون گفت..."
- "خفه شو! سرت رو بگیر بالا. خوابت نبره."
- "بگیر پایین سرتو!"
- "مادر...!"

باتومها بال در می آورند و پرواز میکنند. مثل مرغ ماهیخوار شیرجه میزنند. سپرها رژه میروند. حجم خالی فضا از گاز و دود پر میشود. بوی اشک آور می آید. اشکها به رودها و رودها به سیلاب تبدیل میشوند و بالا میروند و باران میشوند و دوباره... چشمها از حلقه درآمده اند و در میان پوتینها قدم میزنند. پوتینها رشد میکنند. قد میکشند و بالا میروند. بالا و بالاتر. دستها کنده و در گوشه ای تلنبار شده اند. پاهای در صفهای منظم خبردار ایستاده اند و گوش به فرمانند. سکوت سروصدایی برپا کرده است!

دیگر چیزی برایم مهم نیست، از همان اول هم مهم نبود. از همان موقع که در اتاق نشسته بودیم. انگار همه‌اش رویایی بیش نبود. نقشه‌هایشان برایم نقش بر آب شده بود. دستشان را خوانده بودم. بازیشان را خوب بلد بودم. فقط باید مواظب ضربات بود. باقی اش ارزش فکر کردن هم ندارد. تنها یک چیز نگرانم

"من توی این سه سال به اندازه امشب کتک زده بودم" این را یکی از سربازهای گارد توی زیرزمین وزارت کشور میگفت. برای سربازهای گارد هم تجربه هیجان انگیزی بود. وقتی ما را از اتاق بیرون آوردند جلوی ساختمان 16 و 17 نشاندهند و شروع کردند به حال و هول. یکیشان روی زمین زانو زد و با مشت پرید توی صورت رفیقم. آن دیگری کله مرا گرفت و با زانو زد توی صورتم و صدایی درآورد که ما وقتی بجه بودیم برای هیجان دادن به بازیها و دعوایمان در میآوردیم. خدا رو شکر ضربه اش خیلی هم جون نداشت. همه ی انرژی اش را صرف شکستن در و پنجره ها و وسایل اتاقها کرده بود. دق دلی سه سال خدمت آرام را سر ما خالی میکرد. هیجان قضیه بالا بود. بعدها از دیگر رفقا شنیدم که آنها را دمر روی زمین خوابانده اند و وقتی یکی از بجه ها -که کاملا اتفاقی همان رفیق فوق الذکر بود که اتاقش اسم رمز داشت!- سرش را کمی بالا آورده آنچنان با باتوم بر سرش کوبیده اند که... برای که مینویسی؟ چه کسی باور میکند؟ ما خودمان هم باور نمیکردیم.

گفتند "برگردین آسایشگاهتون(!)" اما وقتی داشتیم گیج و منگ برمیگشتیم سمت اتاق دوباره صدامون کردند. "احمق! سنگ میزنی؟ فحش میدی؟ تو بجه سوسول میخوای انقلاب کنی؟" ضربات دستش پیوسته بر سر و صورتم فرود می آمد! صدای فرشته ای بلند شد "زنش آقا! زن! زن!" فرشته من را از چنگ او در آورد... با دستی سنگینتر و شرارتی افزونتر شکم را هدف گرفت. یعنی حتی فرشته‌ها هم...?

- "توکه به ما میخندیدی و میگفتی الکی جو میدیم! چی شد؟" اینو همون رفیقمون بعد از آزادی میگفت. آخر ما مسخره اش میکردیم که حمله به کوی را جدی گرفته. برای اتاقش اسم رمز گذاشته. از اول شب توی اتاقش کز کرده و...
- "همین دیگه! اینقدر الکی جو دادین که آخر جو هممون رو گرفت!" باز هم مسخره بازی در می آوریم و جوابش را با خنده میدهیم. به قول آن نویسنده معلوم الحال زندیق "فریبی که ما را خرسند میکند بیش از صد حقیقت برایمان ارزش دارد"

"مادر...! بیایید بیرون!" او هل میداد و من مقاومت میکردم. یکی از تختها را جلوی در گذاشته بودیم. خسته شده بود. از پنجره اتاق دیده بودیمشان که چطوری ده نفری میریختند سر بجه ها و میزدندشان. از ترس تخت را جلوی در گذاشته و ترسان و لرزان به انتظار نشسته بودیم. شیشه ها و درها را میشکستند و بالا می آمدند. خسته بودند و خسته تر شدند از مقاومت ما. راهیمان کردند. نفسی نیمه آسوده کشیدیم که یک نفر دیگر گیر داد که شماها چرا بیرون نیامده اید و شروع کرد به فحش دادن و تهدید کردن. چند نفر دیگر هم به کمکش آمدند. یکیشان از روی تخت آمد تو. بالاخره تسلیم شدیم. به زور باتوم بیرونمان کردند.

"چه بوی گندی میاد! کسی تو شلوارش...؟" اگر رفقای ما فلان جایشان را از ترس خراب کردند، حق داشتند. چرا که نمیدانستند با چه کسانی روبرو شده اند. چه بسیار امثال من که منکر شکنجه های حکومت بودند و آن شب همه اش را باور کردند حتی از فلان آویزان کردن را. خرابی ما با دو آفتابه آب برطرف میشود اما خرابی شما چطور؟ خودتان را خراب کردید حضرات نیروی انتظامی! بدجور هم خراب کردید. دلتان خوش باشد که زهر چشم گرفته اید. اما نفهمیده و ندانسته خودتان را رسوا کردید حضرات آقایان! ترسها و دلهره هایتان را آشکار کردید. از چهارتا دانشجوی لاغر و زردنیو میترسید؟ باتوم و شلاق و سیر و لباس ضدشورش و موتور و گاز اشک آور و فلفل و تیر و... پایش بیفتند تانک هم می آورید. پشتوانه 40 میلیونی که دارید، پس از چه میترسید؟ مجوز میدادید برای



می‌کرد: مادرم.

توی زیرزمین وزارت کشور دنبال دوستانم گشتم و یکی یکی پیدایشان کردم. هم اتاق که بودیم هم بند هم شدیم! چندباری به هم نگاه انداختیم و چشمکی و گهگاهی حرف و سخنی. همه بودند. به جز... معده ام سوخت. یکی از بچه ها را هر چه میگشتم پیدا نمی‌کردم. یعنی کجا بردنش؟ اطلاعات؟ اوین؟...

پرسید "به کی رای دادی؟" گفتم "کروبی" یکی از این ستوان و سرهنگ ها بود. چند کلمه ای با هم اختلاط کردیم. همون موقعی بود که یه یاروی لباس شخصی که گویا اسمش هم علی بود داشت از ما فیلم میگرفت با موبایلش و اسم و مشخصات و گهگاهی هم یک متلک و مشتت یا لگدی. یادم نیست دقیق چی گفتم و چی گفتم. گفتم "شماها بچه ها رو تحریک کردین" اما یادم نیست چی جواب داد. اشاره میکرد به ماجرای سال 86 که کوی به خاطر اعتراض به غذا شلوغ شده بود. خلاصه هرکسی از راه میرسید یه سری به ماها میزد و یه سوالی میکرد و یه انگولی مینمود! علی الخصوص یه سرباز صفر بچه سال که هنوز ریشش هم در نیومده بود! چپ و راست میرفت و به هر بهانه ای لگدی یا شلاقی حواله ما میکرد. از هیچ کدام این گاردیها به اندازه این یه الف سرباز صفر متفر نشدیم. مثلا به شما گیر میداد که چرا گوشه لبنتان لبخند است! یا اینکه چرا به جای دوزانو نشستن زانوهایتان را بغل کرده اید یا چرا چهارزانو نشسته اید یا چرا سرتان کمی به بالا متمایل شده و یا چرا از گوشه چشمتان اطراف را نگاه کرده اید. یا چرا دستهایتان کمی شل بسته شده. آنقدر اذیتمان کرد که آخرهای قصه، فرمانده شان به طور غیابی و خطاب به باقی گاردیها تهدیدش کرد که میفرستدش بازداشتگاه!

ایول به مرام فرمانده! جمله آخر را هم گفتم تا فردا نگویند فلانی بی انصاف است! راستش را بخواهید سربازهای گارد نمیفهمیدند که چه زجر و توهینی به ما روا داشته اند. از ما میپرسیدند که چند نفرتان خدمت رفته اید. کاملا محسوس بود که میخواهند دق دلی سختی خدمتشان را سر ما خالی کنند!! دعوی دیشب با خانواده شان را هم ایضا. یکیشان میگفت "شماها که پول مملکت را میخورید و میخواید و صبح تا شب هم دختربازی میکنید! چه مرگتان است؟ مته بچه آدم بشینید درستان را بخوانید!" شاید همه اش بروز ناخودآگاهانه عقده های سرکوفته بود. شاید فروید راست میگفت! شاید آنها هم مقصر نبودند...

"بچه ها شرمنده اگه بوش میاد!" دستشویی کنار سلول در نداشت. دمپایی یکی را قرض گرفتم رفتم دستشویی تا اگر کتکمان زدند مثانه ام خالی باشد آبروریزی نشود! سلول حدود پانزده الی بیست متر مربع بود. بدون نورگیر و هواگیر. 46 نفر کنار هم تلنبار شده بودیم. یه سوراخ کوچکی

بود که هواکش داشت و یه لامپ کم مصرف کوچک. مرکز مبارزه با مواد مخدر شاپور. به قول وزارت کشوریا "پلیس امنیت".

"میخواستید انقلاب کنید؟ میخواستید نظام را عوض کنید؟ چرا مته موش آب کشیده شدید؟" احساس میکردند جلوی یک انقلاب را گرفته اند. واقعا جوگیر بودند. دلشان میخواست کار مهمی کرده باشند.

"میشناسمش!" دانه دانه چنگ میزد به مویمان و سرمان را میکشید عقب تا شناساگرشان شناساییمان کند. یادم نیست گفتم "میشناسمش" یا گفتم "آشناست". توی دلم گفتم شاید واقعا از رفقایمان است. بالاخره ما توی فامیل و دوستهایمان رفیق بسیجی هم داریم. خودمان هم در نزد بعضی دیگر از رفقایمان بسیجی محسوب میشویم! مرا بردند کنار تیر چراغ برق. روی سر بعضی از بچه ها کیسه میکشیدند. یه چیزی مته پاکت شیرینی. گفتم دستهایت را بگیر به تیر چراغ تیر چراغ را بغل کردم تقریبا. یه نفر با باتوم روی انگشتانم میزد تا روی تیر چراغ مرتب شوند! پیرهنم را کشیدند روی سرم. انگشتهای شست دو دستم را از پشت به هم بستند با تسمه ای پلاستیکی.

وقتی از تونل لباس شخصیها در نزدیکی ساختمان 23 با لگد و فحش بدرقه شدیم و از در پایین خوابگاه آمدیم توی امیرآباد، من را از بقیه جدا کرده و سوار موتورم کردند و بردند. فلان فلان شده ها استاد جنگ روانی بودند. بدجور جو میدادند! آنقدر که حتی خودشان هم باورشون شده بود خبر خاصی است! موقعی که سوار موتورم کردند، پیوسته بدوبیراه میگفتند. موهایم در چنگ نفر پشتی بود و نفر جلو سرش را به عقب پرت میکرد تا کوتاهترین لحظات را از دست ندهد!

"سیاسی هستی؟" خنده ام گرفته بود از سوالش. گفتم "منظورتون چیه؟ یعنی روزنامه و کتاب بخونم؟" اوضاع خنده داری بود. پرسید "هم کلاسیهای سیاسی ات کیان؟ کیا توی خوابگاه جو میدن؟" یادم نیست چی شد که یه دونه خوابوند زیر گوشم و گفتم "دروغ نگو!" عجب دست توپولی داشت! گفتم "من دروغ نمیگم" گفتم "کیا توی خوابگاه جو میدن؟ من اسم میخوام. نیگا کن رفیقت اسما رو نوشته برام" یه تیکه کاغذ رو جلوم گرفتم که با خط خرچنگ قورباغه یه چیزایی توش نوشته شده بود. گفتم "من آدم سیاسی نیستم" گفتم "شجاع بازی در میاری؟ وقتی [...] تو [...]ت کردم حرف میزنی" اون طرف تر چند تا از بچه ها رو روی زمین نشونده بودند. باتوم برقی میزدند یا چیز دیگه نمیدونم اما ناله بچه ها درآمده بود. دلم ضعف میرفت.

- "اینو نیگا چه قیافه مظلومی داره" پای برهنه ام رو نشونش دادم گفتم "اینجا





آن دوستم را خوب میشناسم. نمازش قضا نمیشود. اما تا آن لحظه نماز صبحش قضا شده بود. بعضیها که سر و دست و لباسشان خونی بود سوال میکردند که چه باید کرد؟ یادم باشد برای دفعات بعد از آقا استفتا کنم که در این مواقع چه باید کرد؟! *

- "بیخشید. صابونی چیزی هست؟ با این دست و پای کثیف..."
- "همینی که هست. وضو بگیر خدا خودش قبول میکنه!"

یکشنبه بعد از انتخابات - امیرآباد شمالی - جلوی دانشکده فنی - ساعتی قبل از تجمع احمدی نژادها در ولیعصر

دو تا موتور شاسی بلند خفن، لباس شخصی، دوترکه، باتوم به دست، مشغول استعمال لفظ رکیک کاف دار برای مردمی که جلوی در فنی ایستاده اند. در حال محافظت از گروه بیست نفره ای که در حمایت از احمدی نژاد به سمت جشن پیرویشان در ولیعصر در حرکت اند و هنگام عبور از جلوی در فنی امیرآباد با شعارهای "احمدی بای بای" و "مرگ بر دیکتاتور" بدرقه میشوند. حتی به خانمهای محجبه هم رحم نمیکنند. با چنان اطمینانی فحش میدهند که من حقیقتاً میترسم. جهالت در چهره هایشان موج میزند. از محیطی که برای رشد این قبیل آدمها فراهم شده میترسم. دوست بسیجی و حزب اللهیم جلو میرود و میگوید "آقا صلوات بفرست!"

- "از تارا... او میدید؟"

از گوانتانامو هم بدتره" از پشت لگد زد. کمی بعد او آمد جلوتر. موهای جلوی سرم رو گرفت کشید. "شماها نجس اید! آگه ما رو گیر میاوردین تیکه پارمون میکردین" جواب دادم "فعلاً که شما داری منو تیکه پاره میکنی"

خیلیها یمان پابرهنه بودیم. کف پارکینگ چهارم وزارت کشور روی زمین خاک و خل و روغنی حدود 14 ساعت نشسته بودیم. با دستانی که از پشت بسته بودند. البته رفت اسلامیشان را هم بگویم که فردا نگویند فلانی بی انصاف است: یکی دو ساعتی اجازه دادند کف زمین ولو شویم. دست من را هم یکیشان از پشت باز کرد از جلو بست که راحت بخوابم. کمرم درد میکرد. پشت سرم را نمیتوانستم زمین بذارم. با کوچکترین تماسی تیر میکشید. به پهلو دراز شدم.

آهای لباس شخصیه! آهای نیروی انتظامی! خیلی خوب زهر چشم گرفتید از ما! دست مریزاد! ایول به هنرنمایی هایتان! من اعتراف میکنم که از شما ترسیدم. شماها به طرز وحشتناکی احمق هستید. و چه چیز ترسناکتر از یک احمق؟ (خواننده گرامی! ما سعی میکنیم که بیطرف باشیم و جانبدارانه ننویسیم اما چه کنیم که این لباس شخصیه و نیروی انتظامی نمیگذارند که ما بیطرف بمانیم!)

"مگه شماها نماز هم میخوانید؟ خاک بر سرتون. حالا همشون نماز خون شدن!" سر ظهر کمی مهربان شده بودند. یکی از دوستان نزدیکم و چندتای دیگر رفتند برای نماز.





- "اسم نیر احمق!"

موهای سرم را در مشت گرفته و سرم را میپیچاند. "چی مصرف میکنی؟" لگد میزند تا نقش زمین ات کنند.

یکشنبه بعد از انتخابات - خ فاطمی - پیاده روی جلوی وزارت کشور - ساعتی قبل از تجمع احمدی نژادها در ولیعصر (ساعتی پس از ماجرای جلوی فنی)
"آقا سریعتر برو! وای نستا!" یه سرپازه باتومش رو تکون میده و نمیداره کسی اون جلوها وایسه. چند لحظه ای می ایستم و وزرات کشور را تماشا میکنم. "وای! اونجا رو ببین! یکی از اون موتورهای لباس شخصی که جلوی در فنی امیرآباد دیدیم! چه جالب! عین فیلم سینمایی شده! یعنی دنیا اینقدر کوچیکه؟" به میدان فاطمی که میرسم... یا ابوالفضل! مثل سوسک و مورچه و ملخ، پلیس و گارد و غیره...

"راه بیفت [...]!" و باز هم قصه فحش و مشت و لگد. "از پایین نرید تکه پاره شان میکنن" دلش برایمان سوخته بود؟ لباس شخصها ساختمان 23 را گرفته بودند. لباس شخصها از پایین کوی و گاردیها از بالا و از در اصلی کوی حمله کرده بودند. "سر پایین!" یعنی میرسیدند از شناخته شدن؟ "به رهبر فحش میدید؟" احساس میکرد فتنه عظیمی را خاموش کرده و کار بزرگی را به ثمر رسانده "ما برای نظام شهید دادیم"

"زنگ بزنی بنیاد شهید آقای [...] من فرزند شهیدم. نامه داده بود که کوی مهمان بشم" التماس میکرد. "خفه شو! من خودم برادر شهیدم! آبروی ما رو بردی! اون پسره میگه دیده که داشتی سنگ میزدی!" یه پسره را که ته صف نشسته صدا میکند. پسره می آید و مثل یک آدم رذل میگوید او را دیده که سنگ میزده است! خدایا! این پسره دانشجوست؟ حضرات اینقدر ترسناک اند یا دانشجوها اینقدر ترسو شده اند که برای خود شیرینی...

"بگو من خرم!" با موبایل از بچه ها فیلم میگرفت. پسره هم بی معطلی گفت "من خرم!" نمیدانستم اگر از من چنین چیزی بخواهد چه میکنم. آیا از لگدها و شلاق زدنهایش میترسم یا اینکه... بدبختانه قابل پیش بینی هم نبودند. آنچنان زهر چشمی از ما گرفتند که هیچ شکنجه ای را از آنها بعید نمیدیدیم.
- "اسمت چیه؟... بگو الاغ"
- "الاغ"

یاد حرفهای اون سرهنگه که می افتم دلم میخواست یک فصل کتکش بزنم. سر ما منت میداشت که با رفت اسلامی باهامون برخورد کرده.

- "چی میخونی؟"

- "الهیات"

- "خفه شو [...]! تو الهیات میفهمی؟" (خواننده گرامی!) من حوصله ندارم هر جا که مشت و لگد و باتوم میزدند بنویسم که چه گونه میزدند. خسته شدم. همانطور که آن لحظات از این همه کتک خوردن و تحقیر شدن و بلا تکلیفی خسته شده بودم.)

- "سرش خونریزی داره. همینطوری بمونه ممکنه بمیره!"

- "بذار بمیره!"

شایع شده بود که چند نفری را کشته اند. همه میرسیدند از کشته ها چه خبر؟ میگفتم من خبر موثق ندارم. اما آنطور که آنها حمله کردند هیچ بعید نیست چند نفری را هم...

- "شما فکر کن برادر کوچیک خودت. پسر خودت. این اگه چشمش رو از دست بده یک عمر بدبخته. یه پزشک ببریدش. چشمش چرک کرده." چشمش آنقدر سیاه شده و باد کرده بود که خود گاردیها بهش میگفتند "اونی که کوره!". ما نگرانش بودیم. خودش هم خیلی ساده بود.

- "بره از همونهایی که تحریکش کردن کمک بخواد!"

خواننده گرامی خیال نکند به ما خیلی هم بد میگذاشت. پس از مدتی به نظم موجود (یا همان بی نظمی خودمان!) عادت کردیم. انگار درستش هم همین بود. درستش همین بود که آن ها بازخواست کنند و ما پاسخگو باشیم. آنها فرمان بدهند و ما مطیع باشیم. درستش همین بود که ما با دستان بسته روی خاک و خل بشینیم و آقایان با پوتین واکس زده جلوی ما رژه برونند و بر سر ما بکوبند. انگار از اول هم حق ما همین بود که کتک بخوریم و فحش بشنویم و سرمان را پایین بگیریم. انگار تا آخرش هم همین طور بود: آن هنگام که فرشته های نجات در حیاط "پلیس امنیت" برایمان نطق آزادی میکردند. آن هنگام هم طبق عادت روی زمین، در صف و ستون منظم مینشستیم و سرمان را پایین میگرفتیم!

شنبه بعد از انتخابات - خ فاطمی - سه راه کاج - نزدیک وزارت کشور - بعد از ظهر

جمعیت معترضین از غرب خیابان حجاب به سمت وزارت کشور در حرکت هستند. سر سه راه کاج عده ای بسیجی که پرچم ایران و عکس احمدی نژاد در دست دارند خیابان را سد کرده اند. جمعیت معترض با فاصله صد متری آنها کف خیابان مینشینند و آرام شعار میدهند. ناگهان "ا... اکبر" گویان راهرویی در صف بسیجیها باز میشود و گاردیها با لباسهای سوسکی از پشت سر بسیجیها به سمت جمعیت معترض حمله ور میشوند. موتورسوارهای سوسکی هم پشت پیاده ها می آیند و جمعیت معترض را میزنند و متفرق میکنند. عده ای از مردم در پیاده روها و کنار خیابان مثل تماشاچیها ایستاده اند. جمعیت معترض که به عقب رانده شده بود ماشین آر دی یک آخوند را که از غرب به شرق فاطمی حرکت میکرد خرد و خمیر میکند. ماشین آخوند از یکی از کوچه های قبل از سه راه کاج به سمت جنوب میرو و از مهلکه میگریزد. لباس سوسکیها موبایل یه پسره را ازش میگیرن. پسره گریه می کند. مادرش هم پیشش هست. میگوید موبایل برای خودش نیست. خودش رو هم می خوان بگیرن. مردم پادرمیانی میکنند. یه درگیری لفظی بین پلیسها و مردم پیش می آید. خانم چادری تسبیح به دست در حال عبور، ذکرش شده لعن و نفرین به...

آن طرف زیرزمین داشتند کار ساختمانی میکردند. سروصدا و گرد و خاکش نصیب ما بود. نور آفتاب را آن سمت میدیدم. شاید هم نور چراغ بود. حدس زدیم صبح شده. یک کارتن آوردند تویش ساندویچ نان و پنیر بود. میگفتند اضافه ی صبحانه بچه هاست که برایتان آورده ایم. بیچاره ها دلشان میخواست مهربان و باارام باشند اما راهش را بلد نبودند. نمیدانستند که درد ما نان و پنیر نیست.

"فکر کردین فقط نظر شماها مهمه؟ یعنی اون کشاورزی که توی دهاته رایش به درد نمیخوره؟ شماها فکر کردین کشور فئودالیه؟" داشت نصیحتمان میکرد در حد وسع خودش.

طرفهای بعدازظهر هم که قرار بود بفرستندمان "پلیس امنیت" میگفتند هنوز اتوبوس نیامده. منتظر بودیم. سه تا سه تا جدایمان کردند و برایمان ماکارونی آوردند. میگفتند از سهم ناهار خودشان برایمان آورده اند. آب هم دادند. قاشق نداشت. ولی سس گوجه داشت. نان لواش هم بود. رفت اسلامی آقایان است



را به تنش بمالد. مگر دیگری که برای ما انقلاب کردند و سپردنش به دست ما کم سختی کشیدند؟ حالا ما الکی الکی این انقلابی را که برای ما کردند بدهیم دست شما؟ بدهیم دست شما بچه مزلفهای غربتی؟ نخیر! دانشجو بداند که مملکت هرکی به هرکی نیست. مملکت باتوم و گاز اشک آور دارد. مملکت لباس شخصی دارد. مملکت پلیس ضدشورش و یگان ویژه دارد. وزارت کشور مملکت، زیرزمین دارد! زیرزمین وزارت کشور چراغ دارد. دستشویی دارد. کمر بند و شلاق دارد. هرچند به بیرون در و پنجره ندارد اما مملکت "حاج مالک" دارد! برای بریدن موهای بلند تیغ دارد! برای تراشیدن موی موکشنگها ماشین اصلاح موزر آلمانی دارد! برای غلتاندن و ادب کردن بچه های بد، زمین خاک و خل و روغنی دارد. یک لباس شخصی به اسم "علی" دارد که موبایل دوربین دار از نوع سونی اریکسون کا-سیصد دارد و حتی با پای شکسته اش هم حال و حوصله بازجویی سرپایی دارد. یک سرباز صفر عقده ای دارد. مملکت زندان و شکنجه دارد. مملکت بازرس اطلاعات دارد. مملکت مفتش عقیده دارد. مملکت پلیس امنیت دارد. لولوخرخره دارد. مرکز مبارزه با مواد مخدر دارد. آن مرکز چندین سلول دارد. سلول، دستشویی بدون در و پیکر دارد. بوی گند دارد. البته مملکت سیب زمینی هم دارد!

پوستش را ریختیم جلوی دستشویی. جای دیگری که نمیشد ریخت. تازه جلوی دستشویی هم بچه ها دراز کشیده بودند. بوی گند دستشویی جلوی آن را خلوت میکرد. نان و سیب زمینی را به زور فرو کردیم در حلقمان. "نگهبان! نگهبان! نمک را بیاورید!" سیب زمینی را با نمک خودمان خوردیم!! سلول پانزده بیست متری فرصتی بود تا با خودمان خلوت کنیم. راحت حرف بزیم و درد دل کنیم. بگویم و بخندیم و شعری زمزمه کنیم. با اتوبوس آوردندمان اینجا. 46 نفری که با دو دستگاه مینی بوس برده بودند وزارت کشور با یک اتوبوس منتقل کردند به اینجا. آنجا -منظورم همین اینجا است!- عده دیگری از بچه های خوابگاه را دیدیم. 87 نفر را. 87 نفری که از همان اول آورده بودند پلیس امنیت. جمع بزید این دو را میشود 133 نفر؟ 133 تا دانشجو را گرفتند برایشان پرونده اقدام علیه امنیت ملی ساختند. تعداد دیگری را هم بردند اوین. بعضیها را تا همین الان که اینها را مینویسم آزاد نکرده اند.

- "اینجا هوا خیلی بده. بیزحمت برای ما آب بیاورید"
- "از همون دستشویی بخورید"
- "لااقل به لیوانی چیزی بدید"

با اینکه به لحاظ فیزیکی سلول پلیس امنیت خفه ترین جایی بود که ما رو بردند اما برای اولین بار اونجا احساس به آزادی نسبی پیدا کردم. اونجا کسی غیر از خود ما نبود. همه دانشجو بودند. با رفقا حرف می زدیم و حال و احوال میکردیم. به همدیگه قوت قلب می دادیم که به زودی آزاد می شیم. زیر لب زمزمه میکردیم "مرغ سحر..."

اسمهامون رو می خوندن تا بریم پرونده مون رو انگشت بزیم و سوار اتوبوس آزادی شیم! اسم منو که خوندن می خواستم به نگاهی به پرونده بندازم و بعد انگشت بزیم. "بزنگشتو ببینم، حالا می خواد بخونه واسه من" قیافه اش را که میدیدی برای زهره ترک شدن هفت پشتت بس بود. "چی می گه؟ بیا اینجا ببینم. چی میگی؟" هر حرفی که می زدی از نظر آنها اضافه بود. ممکن بود مجبور شی همونشون بمونی. باید خفه می شدی.

راستی! راجع به دستبندها چیزی براتون گفتم؟ گفتم که دست منو از پشت با

دیگر. از تساهل و تسامح، نان و پنیر و ماکارونی اش را خوب یاد گرفته اند! سرهنگشان میگفت "اگه نخورید جلوی اسمتان مینویسم اعتصاب غذا تا پدرتان را دریابورند" در آن اوضاع مسخره، خوشمزگیهای جدی مآب آقایان هم بدجوری بیمزه بود.

سوار اتوبوسمان کردند. "به پرده ها دست نزنید. سرها رو بذارید رو صندلی جلو. کسی سرشو بیاره بالا سرشو میترکونم" سرم روی صندلی بود اما زیرچشمی به بیرون نگاه می کردم. از پشت پرده بیرون خوب دیده نمی شد. اما به خوبی ساختمان وزارت کشور رو تشخیص دادم. بعدش هم میدون فاطمی، بلوار کشاورز، بل کالج... "پایین نگاه کن [!]" نمی دونم با من بود یا نه. اما در هر صورت ترسیدم و نگاهم رو به پایین انداختم. دیگه نتونستم بقیه مسیر رو دنبال کنم.

زیرزمین وزارت کشور خلایی بود که هر بلایی میخواستند میتونستن سرمون بیارن. هیچ نشانی از قانون نبود. رافت اسلامی شان هم که... وارد "پلیس امنیت" یا همون مرکز مبارزه با مواد مخدر که شدید خیالمون کمی راحتتر شد. چون لااقل یه دفتر و دستکی میدیدیم. بوی ضعیف قانون می آمد. چهارتا کاغذی، عکسی، پرونده ای... بچه ها را توی راهرو نشانده بودند. دانه دانه صدا می کردند. باید اسم پدرتو بلند می گفتی. اسم من رو که خوند بلند شدم و رفتم. دو ضربه باتوم محکم بر گرده ام فرود آمد. فقط به خاطر اینکه 2 ثانیه و 5 صدم ثانیه اسم پدرم را دیر گفتم! یکی از بچه ها که خیلی اعصابش به هم ریخته بود بعدها میگفت "بدترین چیزی که حال منو به هم می زد این بود که جای شاکو و متهم عوض شده بود. نصفه شیبی می ریزن تو محل زندگیت، همه چیز رو له و لورده می کنن. از روی تختخواب با چک و لگد و فحش و بدویبراه می برنت. یه 24 ساعت عذابت میدن. بعد به خاطر اقدام علیه امنیت ملی ازت شکایت می کنن بعد هم با ریش سفیدی و پادرمیانی دو نفر که از خودشون منت سرت می دارن و آزادت می کنن، تازه اونم به قرار کفالت، یعنی مرامی، یعنی در واقع باید می فرستادندمون اوین، اما لطف کردن و موقتاً آزادمون کردن، اما پرونده مون همچنان بازه. این است مملکت اسلامی آقایان"

- "گرایشم کنترلر"
- "کنترل کیفیت؟"

توی زیرزمین وزارت کشور پایم را دراز کرده و به ستون تکیه داده بودم. ماکارونی را میبلعیدم که سربازه آمد سر صحبت را باز کرد و راجع به رشته ام پرسید. جواب دادم "نه! منظور کنترلر یک سیستم. کلا از هر نوع" گفت "خفه شو! خودم میدونم!" نمیدانستم باید بخندم یا گریه کنم!

بالاخره اینها هم مامورند و معذور. باید امنیت را تضمین کنند برای مردم. اگر روی خوش به مجرم نشان بدهند که دیگر امنیت را نمیتواند برقرار کنند. بالاخره تشر زدن و زهرچشم گرفتن لازم است. توهین و فحش و تحقیر اجنباط ناپذیر است. (خواننده گرامی! کمی شوخی با برویج وزارت و نیرو انتظامی که ایرادی نداره؟ امنیت ملی که دچار مشکل نمیشه؟ ها؟) دانشجو باید بداند که در رختخواب خوابیدن (!) بدون هزینه نیست. دانشجو نباید فکر کند که استراحت کردن کار راحتی است. دانشجو نباید فکر کند که ایجاد تغییر و یا حتی ایجاد عدم تغییر (!) آسان است. دانشجو باید بداند که همه ی اینها در حکم محاربه با نظام و اقدام علیه امنیت ملی است. خوابیدن در اتاق کوی که جای خود دارد، اعتراض و انتقاد که دیگر حرفش را هم زن که ازت دلخور میشم! دانشجو بداند که اصلاحات و انقلابات و تغییرات و کلا این مزخرفات هزینه دارد. دانشجو باید پیه این هزینه ها



تشکر کنم که همکاری کرد تا شما زودتر آزاد بشید! اینو که گفت می خواستم همونجا بلند شم ... (!) و ازش بیرسم "تشکر بابت چی؟" شاید نسبت به رهبر، حتی بیشتر از اون سرباز صفره... فردا پس فردا توی تلویزیون دیدمش که آمده تا کشته شدن دانشجویان در کوی را انکار کند. یاد آن شایعات افتادم که میگفتند [...] ***

توی اتاق نشسته ایم. تخت پشت در است. از پنجره له شدن یکی از بچه ها زیر باتوم های گاردی ها را میبینیم. به یکی از بچه ها زنگ می زنم. وضعیتمون رو براش توضیح می دم. می گم به هرکس که میتونه زنگ بزنه. چه باید کرد؟ مقاومت کنیم؟ تسلیم شیم؟ زیر تخت ها قایم شیم؟ گوشه اتاق جمع شیم و بالش ها رو بالای سرمون بگیریم؟ خفه شیم یا داد بزنیم؟ صدای شکسته شدن درها و شیشه های طبقه پایین به گوش می رسه. * پایان.

دستبند پلاستیکی (معروف به اسرائیلی) بستند؟ گفتم توی زیرزمین وزارت کشور دستهای همه را با بند کفش از پشت بستند؟ گفتم در کل ماجرا فقط توی "پلیس امنیت" دستها مون رو باز کردند تا پرونده هامون رو کامل کنیم و امضا و انگشت بزنیم؟ (البته برای ماکارونی خوردن و دستشویی رفتن دستمان را لحظاتی باز کردند) گفتم که نان و پنیر وزارت کشور به بعضیها نرسید؟ گفتم که یه ذره ماکارونی ریخت کف زمین سرباز تشر زد که بردار بریز توی ظرف غذات؟ گفتم که به یه سرباز گفتم "غذا میدید تا جون بگیریم دوباره بزنیدمون؟" و سرباز خندید؟ گفتم که یکی از بچه ها به حاج مالک که با ماشین اصلاح موزر روی سر بعضیها چهارراه درست کرده بود خیلی جدی گفت "مالک جان! این پشت موی مرا میتوانی یه خط بندازی؟" و حاج مالک با خنده گفت "مگه من آرایشگرم؟! و ما زیر لب خندیدیم؟ قصه آن کسی که اسمش را اشتباه گفته بود و موقع رفتن به "پلیس امنیت" راستش را به حاج مالک گفت و حاج مالک و رفقایش حسابی از خجالتش درآمدند و حسابی روی خاک و خل زیرزمین غلتش دادند گفتم؟ گفتم

یا نگفتم؟ گفتم که هنگام پرکردن آخرین برگه کفالت بچه ها طبق عادت کپ زدن دوران دانشجویی، از روی دست هم کپ میزدند؟ گفتم که یارو گفت "امتحان که نمیدید. دو خط بنویسد تموم شه بره" و یکی از بچه ها خندید و یه یاروی دیگه زد توی گوشش؟ گفتم که بعضی از بچه ها گریه میکردند؟ گفتم که... ***

اتوبوس حامل (!) ما که از پلیس امنیت خارج می شد خانواده های بازداشت شدگان را دیدیم که پشت در پلیس امنیت به انتظار خیری از فرزندان شان جمع شده بودند. یاد صحنه های آزادی اسرای جنگ ایران و عراق افتادم. دلمان میخواست سرمان را از پنجره بیرون ببریم و برای آنها دست تکان بدهیم!! اشک شوق بریزیم و فریاد بزنیم "به امید آزادی تمام اسرا!!" ***

"هرکی لباسش خونی شده بیاد تی شرت و شلوار بگیره" چه ارزان خریدند جنایاتشان را. توی حیاط مرکز مبارزه با مواد مخدر نشاندند بودندمان. در این یک ساعت آخر با ساندویچ کالباس و نوشابه و کیک و ساندیس و تی شرت و شلوار سرمان را حسابی گول مالیدند. فرهاد رهبر، رییس دانشگاه تهران و زاکانی، نماینده مجلس فرشته نجات ما شده بودند. انصافا بعد از 24 ساعت درد و رنج و وحشت و بلا تکلیفی همه ما با ولع بسیار گولها را خوردیم و پوشیدیم. شیرینی این آزادی آنقدر زیاد بود که حس و حال اندیشیدن به 24 ساعت گذشته را نداشتیم. فرهاد رهبر میگفت که آن شب توی دانشکده تربیت بدنی بوده. بچه ها میگفتند آن شب بعد از حمله آمده کوی گفته من به گاردیها اجازه دادم بیان تو تا جلوی لباس شخصیها رو بگیرن! (البته بعدها حرفشو تکذیب کرد. گفت من به گارد اجازه ورود ندادم) می گفت باید دوباره تلفنی از احمدی مقدم





روایت یکی از شاهدان عینی از شکنجه و آزار دانشجویان در پلیس امنیت شاپور

اتهام: اقدام علیه امنیت ملی!

اقتباس از 25khordad88.blogspot.com

بسمه تعالی

تلاش فراوان به بهترین دانشگاه کشور آمده بودند تا درس بخوانند و مملکت را آباد کنند. دانشجویانی که ساعتها بعد، برای آزاد شدن مورد لطف و منت رئیس دانشگاه قرار گرفتند و وی آنان را مدیران آینده این کشور خواند! رییس دانشگاهی که خودش همان موقع که در هر گوشه کوی یک دانشجو مشغول فحش شنیدن بود و دیگری مشغول کتک خوردن و اکثرا مشغول هر دو، پشت زده های دانشکده تربیت بدنی، از آن سوی خیابان امیرآباد، فقط نظاره گر تکه پاره شدن فرزندان عزیز خود و مدیران آینده کشور بود!!

القصه، ساعت حدود یک بامداد بود و من از پشت شیشه اتاق سر و صدا و گاه تصویر درگیری جلوی کوی را میدیدم. شاید آن شب صدها گاز اشک آور به درون کوی پرتاب شد تا روز بعد، بعد از هجوم وحشیانه یاران گروه خدا(۱) و خالی شدن کوی از بندگان خدا، کوی شاهد اجساد کلاغ ها و گربه هایی باشد که از این حمله در امان نمانده بودند! از گوشه و کنار خبر میرسید که امشب وضع کوی استثنائی است و کاش این خبر زودتر از حوالی یازده شب به بچه ها میرسید تا راه فراری از کوی می بود! نه آن موقع که هر سه در کوی دانشگاه تحت کنترل نیروهای جان بر کف نیروی انتظامی و مخصوصا لباس شخصی ها بود. حتی به پیشنهاد بعضی دوستان که می گفتند به کتابخانه مرکزی پناه ببریم هم توجهی نکردیم و ارزش این عدم توجه را وقتی فهمیدیم که دانشجویانی که در کتابخانه مشغول درس خواندن بودند، با سر و رویی خونین و دست و پای شکسته در بازداشتگاه پلیس مواد مخدر دیدیم!

حمله به ساختمان: "نکند اینها همه مرده اند!؟"

خواب بر چشمانم داشت غلبه میکرد و من پر از ترس و اضطراب، کم کم داشتم در مقابل چشمان خسته و پلک های سنگین تسلیم می شدم شاید در آن خواب کوتاه، خواب هم دیدم! به ناگاه با صدای وحشتناک ناسزا و باتوم بر در و دیوار سالن ساختمان از جا پریدم! نمیدانستم چه کنم. ضربان قلبم به شدت بالا رفته بود. صدای لگدهای شخصی که دیوانه وار در راهرو میدوید و درها را میکوبید شنیده میشد. در اتاق میچرخیدم. شاید حتی لحظه ای به ذهنم خطور کرد که از پنجره به بیرون ببرم. بعد ها از بچه ها شنیدم که کسانی پریدند و بعضی هاشان حتی توانسته بودند فرار کنند! در آن لحظه تنها چیزی که به ذهنم رسید این بود که قبل از اینکه خودشان به داخل اتاق بورش بیاورند خودم از اتاق به سمت بیرون بدم و صد البته می دانستم که در بیرون در کسانی منتظرمان هستند و راهی برای فرار وجود ندارد. هنگامی که احساس کردم کسی پشت در نیست و مشغول شکستن در اتاق کناری هستند، قفل در را باز کردم و فرار کردم! هنگام دویدن از در اتاق تا رسیدن به جلوی در ساختمان چند بار باتوم های نیروها که با حرص و ولع خاصی در هوا می گردید بر بدن هایمان فرود آمد و ناسزا های مامورین

الان چندین روز است که از آن روز تلخ میگذرد و من هنوز مطمئن نیستم که باید بنویسم آنچه بر ما گذشت را یا نه! طی این چند روز بارها و بارها خودم را متقاعد کردم که بنویسم. بارها تصمیم گرفتم، بارها خودکار و کاغذ به دست گرفتم، ولی باز منصرف شدم. از طرفی میترسیدم که این نوشته ها به دست کسی که نباید بیفتد... و از طرفی میترسیدم که بعدها یادم برود که چه بر سر ما گذشت و باز از طرفی میترسیدم که بازگو کردنش دردم را بیشتر کند. نه درد جسم را که درد روح را. درد تحقیر شدن را. درد ناسزا شنیدن را. تصمیم گرفتم بنویسم. بالاخره خواستم و توانستم. شاید این نوشته ها بعدا هیچ وقت خوانده نشود. اما فرقی نمی کند. مهم این است که مینویسم و وجدانم را راحت میکنم و اعصابم را ناراحت! خدایا! کمک کن که جزء جزء آن روز را به یاد بیاورم و بنویسم تا شاید بعدها مدرکی باشد علیه دروغ و نیرنگ. خدایا! من و دوستان بی گناه کاری نکرده بودیم جز این که به حرف این و آن که می گفتند بسیج امشب قصد حمله به کوی را دارد توجهی نکردیم! در جواب تک تکشان میگفتم "یعنی می گویی که شبانه می آیند و بر در می کوبند و در را می شکنند و ما را به زور کتک و مشت و لگد میبرند و آب از آب تکان نمیخورد؟! حاشا و کلا! نیروی نظامی و کوی؟ کوی دانشگاه تهران که که به گفته رهبری خانه دانشجویان است؟! مگر اینها تابع همان رهبری نیستند که ده سال پیش، بعد از حمله به کوی، به گفته خودشان قلبشان جریحه دار شد؟! اما دیدیم که آمدند و در را شکستند و مارا به زور تازیانه و کتک و باتوم و ناسزا بردند و آب هم از آب تکان نخورد!

حمله به کوی :

هرکس دو نفر را معرفی کند آزاد است

اما ماجرا چه بود؟ یکشنبه شب، دومین شب بعد از انتخابات بود. شب قبل نیز کوی دانشگاه محل درگیری دانشجویان معترض به نتیجه انتخابات و نیروی یگان ویژه، جلوی در اصلی کوی دانشگاه بود. یکشنبه شب وقتی حدود غروب آفتاب از چهارراه امیرآباد به سمت خوابگاه می رفتم با مخالفت گاردیهایی که خیابان را بسته بودند مواجه شدم. اصرار من فایده ای نداشت. مجبور شدم از در پشتی وارد کوی شوم. در همان لحظه، دیدم که چطور یکی از نیروهای یگان ویژه، یک دانشجو را که میخواست از خیابان امیرآباد وارد کوی شود، به باد باتوم و ناسزا گرفت! در آن لحظه اصلا گمان نمی بردم که این اراذل چند ساعت بعد حتی تا کنار تخت خوابم هم بیایند! نمیدانستم که بامداد دوشنبه، درست ساعتی قبل از فجر صادق، چه سرنوشتی در انتظار حدود 150 نفر از دانشجویان نخبه این کشور است؟ دانشجویانی که از سراسر کشور و با لهجه ها و قومیت های مختلف، با



به او کمک کنم اما بند پلاستیکی چنان محکم بسته شده بود که کسی توان باز کردن آن را بدون چاقو نداشت و من آنجا به شخصه کم کم داشتم از انگشتان آن دانشجو قطع امید می کردم و کبود شدنش را به چشم میدیدم. شخصی که گویا فرمانده آنان بود - کوتاه قد و چاق با ریش کم پشت سوار ماشین شد و پس از لحظاتی دستور حرکت داد. از لابلای پرده های شیشه های اتوبوس بیرون دیده میشد و انبوه موتورسواران که دور تا دور اتوبوس حرکت می کردند و بر روی هر یک دو سرباز ناجا (لباس سوسکی) با تفنگ هایشان سوار بودند. فرمانده به راننده آدرس داد و داشت او را راهنمایی میکرد که از کدام مسیر برود و تنها کلمه ای که یادم هست خیابان حافظ بود. یکی از دانشجویان مدام ناله میکرد و کمک می خواست. صدایش همه را نگران کرده بود. روحیه بچه ها به شدت تخریب میشد. مدام از درد سرش می نالید و هر بار هم با بد و بیراه مامور ساکت می شد.

بعد از دقایقی حرکت در خیابان ها، به محل مورد نظر رسیدیم و اتوبوس وارد محوطه بزرگی شد. نمیدانم کجا بود. جایی شبیه به یک پارکینگ بزرگ. آنجا فرمانده پیاده شد و مدت زیادی شاید حدود 45 دقیقه انتظار کشیدیم. در این مدت چند بار سربازان مختلف به درون ماشین می آمدند و هر یک یا فحشی نثار ما میکرد و یا تحقیری و توهینی! یکی از بچه ها که فکر می کرد آن مامور که سوار ماشین است و هیچ وقت پیاده نمی شود اندکی از دیگران دلرحم تر است از او خواهش کرد که لااقل تنها به آن دانشجویی که بسیار درد دارد رسیدگی کنند و مامور هم در جواب گفت "بهرتر که همین الان بمیرد! تازه این اول کار است و حالا حالا ها با شما کار داریم." این حرف ها خیلی روی ما اثر می گذاشت و حتی یکی از بچه ها که کنار من ایستاده بود و پیدا بود سال اولی یا دومی است، بسیار ترسیده بود. من سعی می کردم او را آرام کنم و حتی چند دلیل برای او

محترم انتظامی هم به استقبالمان آمد! موقع خروج از ساختمان، دانشجویی را دیدم که التماس می کرد او را نزنند و با این وجود بیشتر میزدندش! آن لحظه تصویری که در مقابل ساختمان به یکباره در جلوی دیدگان ما قرار گرفت بسیار ترسناک بود. دیدن چندین انسان که به روی زمین دمر دراز کشیده اند و مطلقاً هیچ تکانی نمی خوردند. این تصور یک لحظه وجودم را پر کرد که "نکنند اینها همه مرده اند!؟" اما لحظه ای بعد که مامورین دستور دادند تا روی زمین بخوابم، متوجه شدم که تصور اشتباه بوده است و در همین فکرها بودم که ناگهان ضربه محکم باتوم بر سرم فرود آمد و صدایی مثل آزاد شدن یک فتر در سرم پیچید و همزمان بقیه صداها قطع شد.

با اینکه کاملاً به دستور آنان گوش داده بودم باز هم مثل سایرین مرتب مورد نوازش قرار میگرفتم! علاوه بر آن، انواع ناسزا که به صورت پی در پی نثار خانواده های ما می شد روان مارا نشانه گرفته بود. از همه بدتر تخریب روحیه دانشجویان با حرف هایی چون "دیگر کوی را نمیبینید"، "آخرین باری بود که خانواده تان را دیدید" و... لحظاتی آنجا بودیم. معلوم بود که افراد زیادی داخل کوی هستند. از گوشه و کنار صدای آنها شنیده می شد. یکی از سربازان به ناگاه گفت "هرکس دو نفر را معرفی کند آزاد است" و مشخص نکرد منظورش از دو نفر دقیقاً چه بود؟! کسی از بچه ها جوابی نداد و خودش هم دیگر چیزی نگفت. چیزی که آن موقع توجه ام را جلب کرد یکی رفتار غیر طبیعی سربازان بود به طوری که میشد حدس زد یا این رفتار در اثر مصرف داروی خاصی به وجود آمده و یا خستگی و اعصاب متلاشی آنان در اثر درگیری چند ساعته با دانشجویان جلوی در اصلی این رفتار را سبب شده است. و مورد دیگر اصرار سربازان و لباس شخصی ها برای تخریب همه چیز. به طوری که همانجا که همه دانشجویان روی زمین دراز کشیده بودند مشغول شکستن تمام شیشه های موجود در ساختمان و هر چیز دم دست دیگر بودند.

آگاهی شاپور:

تازه اول کار است و حالا حالا ها با شما کار داریم

همین طور که ناسزا ها و توهین ها ادامه داشت کسی آمد و گفت "همه بلند شوند" همه بلند شدیم و به دستور آن شخص به ستون یک به طرف در اصلی کوی حرکت کردیم موقع حرکت به سمت در با آنکه مدام تذکر می دادند که فقط پایین را نگاه کنید اما باز هم زیر چشمی می شد انبوه لباس شخصی ها و مامورین را با انواع وسایل از جمله باتوم و چوب و شلاق و غیره دید. در مسیر رسیدن به در اصلی هم هیچ کس جلودار نیروهایی که گاه و بیگاه به بهانه های واهی مدام بر سر و کتف و دست ما می کوبیدند نبود. بعضی وقت ها می شنیدیم که شخصی مدام می گفت "نزنید!" اما انگار فقط ما می شنیدیم! رفتیم تا رسیدیم به اتوبوس بنز سبز رنگ قدیمی که تقریباً جلوی در مخابرات که شب قبلش کاملاً سوخته بود به صورت عمود بر خیابان ایستاده بود. همه سوار آن شدیم. تصور من این بود که حدود 100 نفر سوار اتوبوس شده ایم. جا به شدت تنگ بود و اکثراً سرپا ایستاده بودیم و بعضی ها از شدت درد و یا خونریزی، داشتند از حال میرفتند و به هم خوابگاهی های تیره روز دیگرشان تکیه داده بودند و به سرنوشتی که در انتظارشان بود می اندیشیدند و در دل باورشان نبود که روزی فرا رسیده که ظلم اینقدر آشکار بر آنان چیره شده و هیچ دادرسی هم نیست که به فریاد برسد. دست بعضی از بچه ها را با دستبند پلاستیکی (معروف به اسرائیلی) بسته بودند. آن چنان محکم که دست ها داشت هر لحظه کبود تر میشد. یکی از بچه ها که جلوی من نشسته بود آهسته از من خواست که دست هایش را باز کنم و من هم طوری که سرباز تفنگ به دست جلوی در اتوبوس نبیند سعی کردم





خیس شده بود و این خیسی منجر به گل شدن فضای جلوی آن شده بود. در گوشه کنار سلول، گرد و خاک و بعضاً ته مانده غذاهای قبلی وجود داشت. به طوری که اولین چیزی که آنجا توجهم را جلب کرد تکه ای از یک سیب زمینی پخته بود و نمی دانستم که باید گریه کنم یا بخندم به این تقارن زیبا!

اکثراً دم یایی ها را زیر سرمان گذاشتیم و به خواب رفتیم. البته بعضی ها به علت دردی که داشتند نتوانستند بخوابند و با چهره ای غمگین و عصبانی به گوشه ای خیره شدند. انتظار می کشیدند تا یک نفر در را باز کند و خبر جدیدی بدهد! پس از مدتی در باز شد و این بار چند پزشک که روپوش سفید به تن و ماسک هایی بر دهان داشتند، از دم در گفتند که اگر کسی مشکل جدی دارد بیاید. بعضی ها رفتند و با سر و روی باند پیچی شده بازگشتند. بعضی ها از پزشکان سوال می پرسیدند و درخواست کمک میکردند. آنها هم میگفتند که معلوم نیست تا چند روز اینجا بمانید. ولی بعید است 3 یا 4 روز بیشتر شود! پزشکان هم رفتند و مارا با افکارمان تنها گذاشتند. بعضی از بچه ها سعی می کردند با یکدیگر شوخی کنند تا روحیه خودشان را حفظ کنند و بعضی دیگر با بغض به اینها نگاه می کردند و حوصله خندیدن نداشتند.

چند لحظه بعد دوباره در با صدای مهیب باز شد و دو سرباز که هیچ درجه ای روی شانه هاشان نبود، ماسک بر دهان وارد شدند! به هر نفر یک مربای کوچک و یک تکه نان دادند. تازه متوجه شدیم که دست هامان چقدر کثیف است. اکثراً از خیر صبحانه گذشتیم. فکر کنم از ظهر گذشته بود که همه را از سلول ها بیرون آوردند و دوباره در راهروی بیرون سلول نشاندهند و باز اسم و مشخصات ما را به ترتیب نوشتند و همانجا بود که یکی از بچه ها بر اثر خورنریزی زیاد یا علت دیگری جلوی چشم من در حالی که داشت با مامورین حرف می زد به زمین افتاد و از حال رفت!! ما چند نفری به کمکش رفتیم و بلندش کردیم. من از روی مکالمات مسئولین آنجا حدس زدم که قرار است ما را به دادسرا ببرند و حتی شنیدیم که ماموری مشغول سفارش سه اتوبوس برای انتقال ما است. آنجا با شخص جدیدی آشنا شدیم که اسامی ما را مینوشت. مرد چاقی که حدوداً 50 ساله می زد و سر و روی مرتب ولی خشمگین داشت. هنگام ایستادن بچه ها جلوی در سلول برای اولین بار به ماهیت خبیث او پی بردیم. به یکبار با فریاد بسیار بلندی به ما دستور داد که به درون سلول برویم و بعد، از دریچه در سلول شروع کرد به نعره کشیدن و قدرت نمایی کردن و با میله بر در آهنی سلول کوبیدن و تهدید کردن به اینکه "کوچکترین صدایی بشنوم گاز فسفر به درون سلول می اندازم!" همه درون سلول نشستیم که دیدیم از زیر در، آب کثیفی به درون سرازیر شده است و از صدای بیرون فهمیدیم که سربازان مشغول شستن کف راهرو و هدایت آب ها به درون سلول ها هستند! ما که با خوش بینی حدس می زدیم این کار عمدی نباشد اعتراض کردیم و جواب این اعتراض، همان داد و فریاد همیشگی بود.

لحظاتی بعد دوباره در باز شد و سربازی ما را به بیرون هدایت کرد و اشاره کرد که در یک صف به سمت سلول دیگری برویم و به ما یادآور شد که "جناب سرگرد خیلی عصبانی هستند و بدون اینکه سر و صدا کنید وارد سلول بغلی شوید" موقع بیرون آمدن جناب سرگرد را دیدیم که میله نیم متری به دست، دم در ایستاده، طوری که انگار هر لحظه ممکن است ضربه اش به ما اصابت کند! ما بدون کوچکترین حرکت اضافه (!) و بدون جلب توجه وارد سلول دیگری شدیم. تعداد ما در این سلول بیشتر شد. شاید حدود 40 نفر. البته در جابجاییهای بعدی تعدادمان از این هم بیشتر شد! بعد ها با خودم می اندیشیدم که آن سرباز و آن مافوقش چه نمایشی برای ما ترتیب داده بودند! در ادامه نمایش آن مامور چاق (یا همان سرگرد!) به صدای بلند 5 نفر را صدا زد و گفت "هر کسی را می

آوردم که دیگر کتک نمیخوریم و او چقدر دوست داشت که دلایل من برایش قابل قبول باشد. صد البته انتظار کتک خوردن بدتر از خود آن است و چیزی که آن موقع ما را اذیت می کرد همین بود که هر لحظه احتمال این را می دادیم که دستور بدهند که پیاده شویم و مارا به باد کتک بگیرند.

بعد از مدت زیادی که آنجا بودیم یکی از مامورین به همه گفت که موبایل ها را دست به دست کنند و به دست او برسانند و تهدیدش این بود که اگر بفهمد کسی موبایلش را نداده است همین جا از بقیه جدایش میکند و خونش پای خودش است! آنگاه اتوبوس تکانی خورد و بعد از چند بار دور زدن، وارد جایی شد و همه به دستور فرمانده پیاده شدیم. از بنر هایی که در حیاط آنجا بود می شد فهمید این جا مربوط به مواد مخدر است. بعدها هنگام خروج، تابلوی پلیس مواد مخدر را دیدیم که حدسمان را تایید کرد.

در حیاط کلاتری (یا همان "پلیس امنیت" یا مرکز مبارزه با مواد مخدر شاپور)، در شش ردیف نشستیم. من تا سرم را برگرداندم دیدم نه خبری از لباس شخصی هست و نه مامور ناچا! فقط چند مامور کلاتری با لباس سبز یشمی ایستاده اند و متحیرانه به سر و روی خونی بچه ها می نگرند! حتی یکیشان پرسید "شما چه می کردید؟" و یکی که جرأتش از همه بیشتر بود آهسته گفت "در خوابگاه خودمان خواب بودیم!" وقتی همه دیدیم که خبری از آن موجودات وحشت برانگیز نیست، یک نفر با ناله درخواست آب کرد. هیچ کس انتظار نداشت کسی به این خواسته واقعی بنهد. اما در کمال تعجب، فرمانده آنجا به یکی از سربازان گفت که چند بطری آب بیاورد و یکی دیگر هم مامور باز کردن دست ها شد. آن لحظه برای همه ما بدون شک یکی از بهترین لحظات آن روز بود و شاید یک لحظه آن فرمانده به نظر از بندگان مقرب الهی آمد که اینچنین مهربانانه به ما کمک میکرد!! یکی مامور نوشتن اسامی همه ما شد و نام و نام خانوادگی و نام پدر و رشته مان را می پرسید. آنگاه در گروه های چند نفره ما را به درون ساختمان بردند و همه درون راهرو نشستیم. همان طور که نشسته بودیم یکی از مامورین به من نزدیک شد و پرسید چه شده است و پیدا بود همه از قیافه های خونین ما بسیار تعجب میکنند و چهره های ما بیشتر شبیه عده ای از جنگ برگشته بود تا دانشجو آن هم در خوابگاه خودش! به آن مامور گفتیم که در اتاقمان خواب بودیم و با صدای لگد و باتوم از خواب پریدیم و مارا به اینجا آوردند. بعد از او پرسیدم تا کی آنجا خواهیم بود و او گفت احتمالاً تا ظهر تکلیفتان مشخص می شود و اگر اسمتان جایی باشد نگهتان میدارند وگرنه نه! ماموری دیگر آمد و دوباره شروع به اسم نوشتن کرد اینبار علاوه بر موارد قبل شماره تلفنمان را هم پرسید!

سلول هایی برای 15 نفر: چشمان نمناک، چهره های مضطرب
آنگاه در گروه های تقریباً 15 نفره وارد سلولهای آنجا شدیم که فکر می کنم حدود 6 تا بود. وقتی در سلول بسته شد و صدای قفل شدن آن را از آن طرف شنیدیم واقعا لحظه غم انگیزی بود و باورمان نمی شد که واقعا زندانی شده ایم! درون سلول تقریباً تاریک بود. تنها یک لامپ کم مصرف داشت که از پس میله های قفس شکل درون سقف به سلول می تابید و همین وضعیت در مورد هواکش هم وجود داشت. در سلول هم یک دریچه کوچک داشت که کمی نور و هوا را به درون راه می داد که همان هم گاهی اوقات توسط سربازان بسته می شد! دستشویی درون سلول وجود داشت، اما صدای بسیار مهیب لولای در آن باعث می شد که هر بار یکی وارد آن شود، همان یک ذره آرامش بچه ها هم کاملاً از بین برود! مخصوصاً که بچه ها کلاً به صدای بلند حساس شده بودند و حتی موقع باز کردن در سلول که آن هم صدای بلندی داشت همه از جا می پریدند! کف آنجا موزاییک بود و دیوار ها سرامیک. جلوی دستشویی، در اثر رفت و آمد کمی



که یکی دیگر از مامورین، فقط برای اینکه یکی از بچه ها لحظه ای به عقب برگشته و به او نگاه کرده بود، پس گردنی محکمی با تمام قوا بر او وارد کرد! پس از این بازجویی کتبی -که باید انتهای هر جمله را امضا میکردیم وارد سلول دیگری شدیم. این بار تعدادمان از دفعات قبل هم بیشتر شده بود. هوای گرم سلول و جمعیت زیاد بچه ها به طوری که بعضی از بچه ها مجبور به نشستن جلوی در دستشویی و بعضی نیز مجبور به ایستادن شدند شرایط را بدتر میکرد. چند ساعت در همین حالت منتظر بودیم تا کسی بیاید و باز جای سلول عوض شود و یا لاقط تعداد کمتری از بچه ها در یک سلول باشند تا امکان تنفس به اندازه کافی وجود داشته باشد!

یک بطری آب برای همه

بعد از مدت زیادی باز سربازی در را باز کرد و همه را به بیرون هدایت کرد و اینبار همه به بیرون ساختمان رفتیم. باز فرم دیگری در اختیارمان قرار گرفت و باز همان سوالات تکراری و همان جواب های قبلی! بعد از امضا کردن، کمی آن طرف تر بین باغچه و ساختمان در سه صف نشستیم و به ترتیب برای گرفتن عکس به جلوی دوربین می رفتیم و کاغذی که روی آن نام و نام خانوادگی و نام پدر و تاریخ دستگیری مان نوشته بود را در دست می گرفتیم و عکاس از ما عکس می گرفت و دستیارش هم فیلم می گرفت! یکی از مواردی که واقعا غیر قابل تحمل بود شوخی کردن این ظالمان، آن هم از موضع قدرت بود. به عنوان

خوانم نام پدرش را بلند بگوید و بیاید بیرون" پس از بیرون بردن 5 نفر اول، ناگهان صدای عریده او و صدای کوبیده شدن میله آهنی بر در و دیوار بلند شد! بدبینی بچه ها نیز باعث شد نمایش تکمیل شود و همه باور کنند که الان آن 5 نفر زیر مشت و لگد و آن میله در حال اعتراف به تمام گناهمانی هستند که آدم ابوالبشر از اول خلقت مرتکب شده! این تصور را کسانی نیز از داخل سلول تشدید می کردند. دانشجویی بود که مدام جلوی در بچه می ایستاد و حدسیات خودش را به خورد دیگران می داد و بچه ها هم همه پیش بینی می کردند که لحظه کتک خوردن فرا رسیده است و آن موقع جزء بدترین لحظات آن روز بود و چشمان بسیاری نمناک و چهره های بسیاری مضطرب و نگران بود.

آن موقع بعضی از بچه ها به نماز ایستادند. بعضی با تیمم و بعضی با وضو از شیر آبی که در دستشویی برای... دستشویی این یکی سلول در نداشت. بوی بسیار بد آن از صدای وحشتناک در آن یکی سلول هم بدتر بود! جمعیت بسیار زیاد ما در آن سلول که از سلول های مختلف همه به اینجا آمده بودیم تنفس را مشکل می کرد. موقعی که اسم من را صدا زدند، بسیار ترسیدم. آنقدر که صدای قلبم را می شنیدم و دهانم هم خیلی خشک شده بود. درست مثل ابتدای ورودمان به کلاتری، احساس کردم از شدت خشکی دهان دیگر هیچ عصبی درون آن کار نمیکند!

هوای گرم سلول، جمعیت زیاد و نشستن جلوی در دستشویی

وقتی بیرون رفتیم دیدیم بر خلاف انتظار ما، تعدادی خودکار و کاغذ به جای میله آهنی و باتوم آورده اند. یک اتاق حدود ده پانزده متری بود که دور آن مثل بانک پیشخوان داشت. پیشخوان سنگی که آنطرفش چند نفر نشسته بودند و کاغذ و خودکار میدادند. روی کاغذ تعدادی سوال با خط بد که روی یک سربرگ چاپ شده بود قرار داشت تعدادی مامور هم آنجا بودند که مدام به تحقیر و ارباب بچه ها می پرداختند. سوالات به گونه ای طرح شده بود که انگار همه چیز واضح است و اصلا ابهامی وجود ندارد و این سوالات هم جنبه صوری دارد! سوالاتی شبیه به این که "چرا با این که گفتیم دیگر سنگ نپرانید شما ادامه دادید؟" و جواب ما قطعا این بود که ما اصلا دست به هیچ سنگی نزدیم! البته من چند سنگ زیر تختم قایم کرده بودم! زیرا آن شب، هنگامی که با دوستان به شوخی همه این اتفاقات را پیش بینی می کردیم، سنگهایی زیر تختم قایم کردم تا در صورت حمله افراد نامعلوم حداقل سلاخی داشته باشم! 3 عدد سنگ که حد اکثر موجب ترساندن گریه های کوی می شدند!! سوال بعدی این بود که "شما به سران نظام فحاشی کردید چه دفاعی دارید؟!" و یا "شما متهم به اقدام علیه امنیت ملی هستید. از خود دفاع کنید." و سوالاتی ازین دست!

یکی از سربازان آنجا موقع دیدن سر و وضع یکی از بچه ها که چهره اش کاملا با خون پوشیده شده بود ناسزایی نثار مهاجمین به کوی کرد! ما که فکر کردیم چه انسان باشرف و باانصافی! از او پرسیدیم که چه بلایی سر ما می آید و او گفت به این زودی ها آزاد نمی شوید! موقع نوشتن مشخصات برای چندمین بار، یکی از بچه ها احتمالا به خاطر اضطراب یا زخم دستش، اسمش را خط زد تا دوباره بنویسد. در این هنگام مامور بالا سرش، او را به باد توهین گرفت و گفت "خاک بر سرت دانشجوی دانشگاه تهران! حیف آن پول که صرف درس خواندن تو می شود که تو حتی اسمت را نمی توانی بنویسی!" شنیدن این حرف در آن شرایط از زبان یک انسان بیسواد که برای سیر کردن شکم خودش دانشجو کتک میزد، قلب ما را به درد می آورد. همان موقع بود





ساختمان رفت و آمد می کردند، شنیدیم که دکتر زاکانی نماینده مجلس به کلاتری آمده است. همانجا حدس زدیم که انگار مسئولین بالاخره فهمیده اند که چه فاجعه ای دیشب در کوی رخ داده است! خلاصه، رفت و آمد مسئولین چند وقتی ادامه داشت و از آن طرف بچه های آمده از وزارت کشور را هم میدیدیم که همه مراحل که قبلا ما طی کرده بودیم مانند پر کردن فرم ها و غیره را داشتند انجام می دادند. همین موقع ها بود که صدای بلندی از درون ساختمان توجه همه را به خود جلب کرد. فهمیدیم یکی از مامورین به بهانه واهی مشغول مشیت و لگد زدن به یکی از بچه های درون ساختمان جلوی سلول ها است. پس از مدتی گفتند بچه های دانشجو بیایند این طرف و همه به محوطه پشت ساختمان کلاتری هدایت شدیم. آن مامور که به نظر انسان خوبی می آمد و همانجا فهمیدیم به گفته خودش سرهنگ اطلاعات است، شروع کرد به سخنرانی و گفتن اینکه ما سعی کردیم شما را آزاد کنیم و از این جور حرف ها! پس از آن شخص دیگری که می گفتند قاضی است شروع به سخنرانی کرد که "چون ما مطمئن نیستیم که همه شما آشوب گر باشید بدون هیچ فشار سیاسی از بالا فعلا شما را آزاد می کنیم و با تطبیق عکستان با عکس و فیلم هایی که قبلا از اغتشاش گری های جلوی کوی گرفته شده است هر کدامتان که ریگی به کفشتان باشد قطعاً دوباره دستگیر می کنیم! وگرنه پرونده تان بسته می شود و کسی کاری به کار شما ندارد!" پس از او نوبت به زاکانی رسید تا او هم تقریباً همین حرف ها را تکرار کند. نکته جالب عکس العمل بچه ها بود که اکثراً باورشان نمی شد که قرار است آزاد شوند! بعضی گریه می کردند و بعضی دیگر هم نمی گذاشتند بچه ها سوال کنند تا مبادا در اثر این سوالات نظر مسئولین امر برگردد!

سرهنگ اطلاعات دوباره شروع به سخنرانی کرد و گفت با این سر و وضع که نمی توانید به کوی برگردید به همین دلیل بعضی از بچه ها را از بقیه جدا کرد و به کارمند کلاتری که با تعدادی تی شرت آن طرف ایستاده بود اشاره کرد و به بچه ها گفت که باید لباس خونی تان را در بیاورید. هرکس مخالفت می کرد با عکس العمل جدی مواجه می شد. انگار این مسئله خیلی برایشان اهمیت داشت که لباس خونی از کلاتری بیرون نرود! پس از آن مقداری شلوار کردی هم آوردند و به بچه هایی که چون از تخت خواب مستقیماً به اینجا آورده شده بودند با شلوارک بودند دادند! جالب این که در اثر یورش وحشیانه، خیلی از بچه ها دم پای به پا نداشتند و یک نفر هم مسئول خرید دمپایی بود که اینقدر دیر آمد که مسئولین از خیر آن گذشتند! پس از آن دیگر بچه ها از حالت رسمی و بازداشتگاهی در آمده بودند. در گروه های چند نفری با هم به صحبت مشغول بودیم. عده ای هم اطراف نماینده مجلس گرد آمده بودند و از رفتار لباس شخصی ها گلگه می کردند و اینکه چطور ناجا می تواند به درون کوی بیاید؟! و حدس و گمان هایی هم زده شد و بعدها منابع بسیار موثق حکایت از یورش یگان ویژه با اجازه شخص رئیس دانشگاه می کرد! لحظاتی بعد دیدیم دو کارمند دیگر با تعداد زیادی ساندویچ و نوشابه وارد شدند و از همه خواستند به صف بیایند و غذایشان را بگیرند و آنجا تازه یادمان آمد که امروز ناهاری هم در کار نبود! بلافاصله کیک و ساندیس هم رسید! جالب این که همه بدون اینکه به روی خودمان بیاوریم که معنی این کارها را می دانیم به سرعت مشغول خوردن شدیم! همان لحظات بود که ماشینی به درون محوطه آمد و شخصی که رفتار و چهره اش خیلی شبیه همان برادران یاران گروه خدا (!) بود وارد کلاتری شد. انگار کلافه بود از آزادی ما! بیست و چند ساله می زد و مرتب مشغول رایزنی با افراد مختلف از جمله زاکانی و قاضی شد! از حرکاتش از دور کاملاً میشد فهمید با آن عصبانیت چه نیت پلیدی در ذهن دارد و خدا را شکر که توانست کاری از پیش ببرد. در این هنگام یکی از بچه ها که از نزدیک او می خواست عبور کند به یکباره با عکس العمل وحشیانه او روبرو شد

مثال هنگامی که یکی از بچه ها برای عکس گرفتن آماده می شد، یکی از مامورین لباس شخصی که دقایقی پیش به بهانه گم شدن یک خودکار برای همه خط و نشان کشیده بود - اتفاقاً خیلی هم خوش تیپ بود. پیراهن صورتی و موهای ژل زده و شلوار لی! به او گفت که برای عکس گرفتن باید هزینه اش را هم بپرداز و صورت آن پسر از خنده ای حزن آلود پر شد. معلوم نبود در دلش چه بد و بیراهی به مامورین میگفت! خنده اش از سر ترس بود یا واقعا میخندید؟ بعد از عکس گرفتن دوباره در ردیف های سابق نشستیم و این بار یکی از سربازان یک بطری آب برای همه آورد و به نوبت همه از آن آب خوردند. پس از امضا کردن یک فرم دیگر که با خط بسیار بدی نوشته شده بود و تنها چیزی که از آن در یادمان باقی مانده کلمه "قرار آزادی" و "وثیقه" است به نوبت و پس از خواندن اسممان به درون اتاقی نزدیک در ساختمان کلاتری می رفتیم و آنجا باز توسط یک مامور لباس شخصی دیگر که او هم اتفاقاً پیراهن صورتی به تن کرده بود و به قول یکی از بچه ها چهره اش به وهابیان عربستان خیلی شبیه بود! مشخصات ما - یعنی متهمان! در پرونده های قرمز رنگ که حاوی سه فرم امضا شده قبلی ما بود نوشته میشد. البته این آقا بیشتر مسئول تخریب روحیه دانشجویان بود تا تکمیل پرونده. به عنوان مثال هنگام پرسیدن "دین"، یکی از بچه ها گفت "مسلمان" و او شروع کرد به تمسخر او و اینکه واقعا فکر می کند که مسلمان است! صد البته ما دینمان را از امثال او و رهبران فکری او نگرفته بودیم تا منطبق بر آرای او باشیم. دین ما توهین و تحقیر و سرکوب را به هیچ قیمتی مجاز نمی داند. دین ما دستور به مهربانی حتی با حیوانات را داده است. دین ما دروغ را سر منشاء همه گناهان می داند. دین ما از رفتار تمام کسانی که آنروز به نمایندگی از دین البته به گفته خودشان مامور سرکوب مخالفانشان بودند بسیار دور بود!

همان موقع ها بود که دیدیم اتوبوس دیگری وارد کلاتری شده و چهره های بچه هایی که پیاده می شوند بعضاً آشناست! آنها نیز گروه دیگری از دانشجویان بودند که به جای پلیس مواد مخدر به طبقه منفی چهار وزارت کشور رفته و آنجا حسابی پذیرایی شده بودند! این را می شد از لباس های به شدت خاکی آنها و از سر و روی کیف، خسته و البته مجروح آنان فهمید. همه به صف پیاده شدند و در حالی که دست هایشان از پشت بسته بود بدون اینکه به اطراف نگاه کنند کنار حیاط نشستند و بعد از مدتی به دستور مامورین وارد ساختمان کلاتری شدند. در آن موقع بچه های ما به ترتیب برای بازجویی به درون اتاق مذکور می رفتند و در پرونده هر نفر معرفی به اوین وجود داشت و از اینجا مطمئن شدیم که مقصد بعدی اوین است! دو نفر مسئول صدا کردن و بردن ما به درون اتاق بودند که یکی میانسال با ریش نامرتب و عینک درشت بر چشم و کوتاه قد و دیگری جوان شاید حتی زیر 19 سال سن، که ریش هایش به تازگی رشد کرده بود و کم پشت بود. لباس هایش تقریباً مثل همکارش بود ولی رفتارش به مراتب بدتر! طوری که یادمان هست جایی همین طور که همه مان در گوشه فرورفتگی کنار دیوار کلاتری جمع شده بودیم و منتظر خوانده شدن اسممان بودیم یکی از بچه ها که برای لحظه ای لبخند به لب داشت، از جانب او با بد و بیراه مورد اعتراض قرار گرفت!

تی شرت های اهدایی به جای لباس های خونین:

"با این سر و وضع که نمی توانید به کوی برگردید"

همین حدود بود که به یک باره شخصی را دیدیم که از بقیه مرتب تر، خوش تیپ تر و با رفتار بسیار بهتر با بعضی از بچه ها صحبت می کند. به یکی از بچه ها گفت هر کاری از دستم بر آید برای آزادی شما انجام می دهم. حرف هایش برای ما خیلی امیدوار کننده بود. در این اثنا که اشخاص بسیاری مرتباً به درون



بعد از چند بار نمایش بالا و پایین رفتن به اتوبوس های مختلف و انگشت زدن پرونده و نام پدر را گفتن و دوباره اتوبوس را عوض کردن به بهانه این که اشتباه شده و از غیر دانشجویان سوار اتوبوس شده اند و... زمان به نفع غارت گران تلف می شد تا ما زود تر از ساعت 1 بامداد با اتوبوسی بسیار شبیه همان که صبح با آن مارا بردند بعد از حدود 24 ساعت به کوی برنگردیم. چیزی که آنجا دل ما را به درد می آورد نگاه مظلومانه و با حسرت جوانان دیگری بود که گوشه کلاتری زانوی غم بغل گرفته بودند و شاید هنوز هم جایی از این شهر در بند باشند...

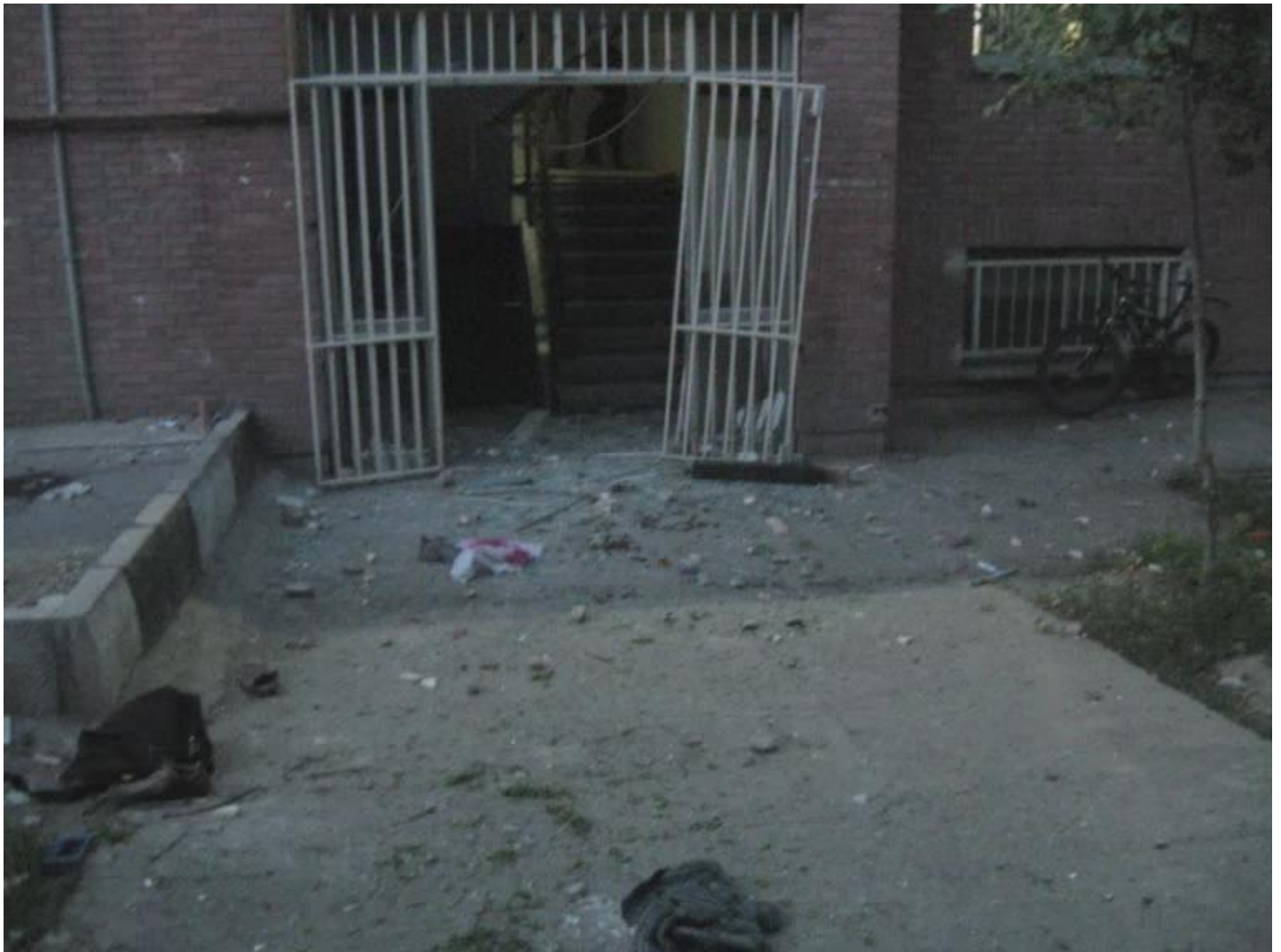
شکایتی به پروردگار

پس از رسیدن به کوی با تصویر وحشتناک خرابه اتاق هایمان روبرو شدیم. شاید این تصاویر بی شباهت به وضعیت ایران پس از حمله مغول نبود. درهای شکسته شده، وسایل به هم ریخته، شیشه های خرد شده، وسایل شخصی به غارت رفته، کمد های به هم ریخته و... دیگر چیزی به اذان صبح نمانده بود و من در اندیشه 24 ساعتی که بر من و دوستانم گذشت در کوی قدم میزدم و منتظر صدای اذان بودم که به مسجدی که حتی آن هم از حمله در امان نمانده بود و شیشه هایش خرد شده بود بروم و شکایتم را به پروردگاری بکنم که با بندگانش عهد بسته است که تا خودشان دست به تغییر نزنند سرنوشتشان همین خواهد بود. والسلام علیکم ورحمه...

و با لگد محکمی از آنجا دور شد! دردآور این که او هیچ اعتراضی نکرد و انگار این کتک کاملاً حق او بوده به آرامی به طرف بچه های دیگر حرکت کرد.

فرهاد رهبر: "بچه ها برویم کوی یا برویم مهمانسرا؟!"

لحظاتی بعد رئیس دانشگاه به آنجا آمد و شروع کرد به سخنرانی ای که می شد عکس العمل بچه ها را از چهره هایشان در قبال این سخنان فهمید! اول از همه از ریاست نیروی انتظامی تشکر کرد که قبول کرده ما را آزاد کند و حتی گفت بر خودم لازم می داند یک بار دیگر به او زنگ بزنم و تشکر کنم! انگار نه انگار که آن روز بر ما چه گذشته و چه کسی حمله کرده و چه کسی اجازه داده و... حرف دیگرش از اولی هم بد تر بود که "بچه ها به هر حال عده ای هستند که سوء استفاده می کنند! و من از طرف شما قول دادم!" سخن دیگرش این بود که ما به شدت پیگیری می کنیم که چه کسی به ساحت دانشجویان توهین کرده است! و انگار هیچ کس نمی داند که در تمام مدت این اهانت، خودش شاهد این توهین بوده و حتی به دستور خود او... و کاش آخرین حرفش را لاقلاً نمی زد. آنجا که گفت "بچه ها برویم کوی یا برویم مهمانسرا؟!" و نمی دانست که که ما از صبح مفصل پذیرایی شدیم و فقط جایی را می خواهیم که بتوانیم تمام آلودگی های آنجا را به همراه خاطراتی که ذهنمان را پر کرده بود از جسم و روحمان بزدااییم... می گفت شما نخبه های این مملکت و مدیران آینده این مرز و بومید! و ما آنجا به این کشور گریستیم که مدیران آینده اش چه نفرتی از گذشتگان خود خواهند داشت!





روایت یکی از دانشجویان منتقل شده به پلیس امنیت از تهاجم به کوی و توهین و آزار دوران بازداشت

کوی دانشگاه پس از حمله: در اوج سکوت پر از فریاد بود

اقتباس از 25khordad88.blogspot.com

بسمه تعالی. مدتی از حادثه 25 خرداد در کوی دانشگاه می گذرد. ولی هنوز اطلاعات دقیق و صحیحی از جزئیات این واقعه تاسف برانگیز حتی در بین دانشجویان و مسئولین پیگیر این امر وجود ندارد. مرور دوباره آن همه خاطره تلخ، مرا در نوشتن این متن مردد می کرد. خاطراتی که یادآوری آنها با بغض و اضطراب همراه است. اما وظیفه خود دانستم تا آنچه بر ما گذشت را بازگو کنم. امیدوارم از نوشتن این متن حادثه دیگری گریبانم را نگیرد و متهم به اتهامات دیگر نشوم. قصد من فقط بازگو کردن آن چیزی است که اتفاق افتاد و نه خط دادن یا تشویش اذهان عمومی. از خداوند بزرگ می خواهیم تا تحمل شنیدن حقایق را به همه ما عطاء کند. از او می خواهیم که خشم و نفرت اکنون باعث زیاده گویی یا دور شدن از مسیر حقیقت گذشته نگردد. از مسئولین تقاضا دارم به جای برخورد با انتشار این متن ها از اطلاعات موجود در آن ها استفاده کنند.

بسببجان در میدان ولیعصر:

"قرار ما ساعت 4 صبح، کوی دانشگاه"

چنین وضعی کنترل نمی کردند تعجب کرده بودیم. در تمام این مدت دنبال دلیلی می گشتیم تا خودمان را قانع کنیم که امشب اتفاقی نخواهد افتاد و به این نتیجه رسیدیم که بعد از واقعه 18 تیر 1378 غیر ممکن است که دیگر نیروهای امنیتی وارد کوی شوند. بالفرض اگر هم وارد شوند سراغ همه ساختمان ها نمی آیند. با این وجود اگر وارد ساختمان ما شدند احتمال اینکه در تک تک اتاق ها را بزنند و آنها را تخلیه کنند بسیار کم است. ولی اگر واقعا این همه زحمت را قبول کردند و تشریف آوردند حقیقتا این است هر بلایی خواستند سرمان بیاورند. اگر ما آنقدر کم اقبال هستیم، همان بهتر که به دست آنها بیفتیم! ولی باز با این حال گفتیم اگر خطری حس کردیم همه این احتمالات را فراموش کرده و مشکلات را نادیده میگیریم و راهی منزل دوستان می شویم. در راه یکی از آشنایان را دیدیم و دلایل خود را برای او بازگو کردیم. خنده ای کرد و گفت "آخه دقیقا تو ماجرای 18 تیر همه این احتمالات شما عملی شد". ما یکه خورده بودیم ولی دوست نداشتیم حرف های او را باور کنیم. چون ورای همه این دلایل و احتمالات، کوی دانشگاه خانه ما بود. خانه ای که مدت ها در آن سکونت داشتیم. خانه ای که در این شهر غریب و وسیع به آرامش در اتاق های کوچکش دل خوش کرده بودیم. خانه ای که به آن دلبستگی داشتیم. خانه ای که بخشی از هویت ما شده بود. اما شاید واقعا این دلیل ماندن ما نبود. ما احساس خطر نمی کردیم، ما خیلی ساده نگاه می کردیم و ساده می اندیشیدیم.

تعدادی از بچه ها مقابل ساختمان ایستاده بودند و ما به آنها پیوستیم تا از آنها درباره اوضاع کوی پرس و جو کنیم. یکی گفت "خبری نیست بابا، امن و امانه" ولی دیگری در جوابش گفت "نخیر، امروز تو میدون ولیعصر بسیجیا میگفتن قرار ما ساعت 4 صبح، کوی دانشگاه" و همان کسی که اوضاع را عادی می دید گفت "اینا جو سازه، مگه مهمونیه که بخوان قرار بذارن. باور کنین خبری نیست". به سمت اتاق رفتیم. در را که باز کردم نگاهم به پنجره افتاد. پنجره هایی که برای جلوگیری از خرد شدنشان به سبک پنجره های زمان جنگ رویشان چسب زدیم. چون در درگیری های دیشب دو طرف بدجور به هم سنگ میزدند.



که همیشه آستان حادثه بود. اولین گروهی که به محض خارج شدن از ساختمان مشاهده کردم، گروهی 20 تا 30 نفری بود که کنار مسجد جمع شده بودند و موضعی برخلاف اکثریت دانشجویان داشتند. با اینکه حرکتشان باعث تعجب شده بود ولی نمی‌خواستم از بچه‌ها جدا شوم. به همین دلیل با آنها به سمت در اصلی کوی حرکت کردیم. جایی که اوج درگیری بود. اما اندکی بیشتر از حرکت ما نگذاشته بود که دیگران را در حال دویدن به داخل کوی دیدیم. بدون کوچکترین وقفه ما هم دویدیم. بیشتر از چند گام نرفته بودم که فهمیدم اتفاقی رخ نداده‌است. ایستادم و اطرافم را به قصد یافتن دوستانم نگاه می‌کردم. وقتی چند تایی از آنها را پیدا کردم دوباره با احتیاط به سمت در اصلی حرکت کردیم. باورم نمی‌شد. تا به حال کوی را در این وضعیت ندیده بودم. از در اصلی کوی تا میدان داخل خوابگاه که در مقابل هم و به فاصله حدود 100 متر از یکدیگر قرار دارند و محل اصلی اجتماع بچه‌ها بود، آتش‌های زیادی درست شده بود که بعضا بزرگ هم بودند. از یکی از بچه‌هایی که آنجا حضور داشت پرسیدم که "واسه چی این همه آتیش درست کردن؟". او هم در جوابم گفت "بس که بی‌شرفا اشک‌آور می‌زنن". در انتظار ادامه حرفش به چشمانش خیره ماندم. ولی چشمان او از ابتدای کلامش آسمان سیاه را نگاه می‌کرد. ناگهان شروع کرد به دویدن. من که نمی‌دانستم برای چه فرار می‌کند به آسمانی نگاه کردم که احتمالا علت دویدنش بود. دیدم جسمی نورانی که ماریچی حرکت می‌کرد، به سرعت در حوالی من در حال فرود آمدن است. تا به حال اینچنین چیزی ندیده بودم. وقتی کنارم افتاد تازه در حال فرار کردن بودم. دودی که به سرعت از آن خارج می‌شد باعث این بود تا بفهمم این گاز اشک‌آور است. ولی دیر شده بود. چشم و گلویم می‌سوخت. دیگر نتوانستم بدوم. ایستادم و سعی می‌کردم نفس بکشم. اشک از چشمانم جاری شده بود. یک نفر که نمی‌توانستم او را ببینم دستم را گرفت و از

وقت گرفتن شام شده بود. به سلف سرویس رفتیم. به نظر نمی‌رسید که با روزهای دیگر تفاوتی داشته باشد و این باعث دلگرمی ما شده بود. به اتاق برگشتیم. هنوز هم با ما تماس گرفته می‌شد که نگران وضعیت ما هستند. ما هم دلایل خود را برای آنها توضیح می‌دادیم و سعی می‌کردیم نگرانی‌های آنان را کاهش دهیم. زمان می‌گذشت و من از معدود انسان‌هایی بودم که از گذر سریع آن خوشحال می‌شدم. دوست داشتم زودتر از این نیز بگذرد. بگذرد و به پایان شب نزدیک شود بدون هیچ درگیری و تجمعی که باعث دخالت پلیس و ایجاد شرایط بحرانی شود. اما این رویایی بود که خیلی زود از دایره حقیقت خارج شد.

آتش‌هایی برای مقابله با گاز اشک‌آور: "بس که بی‌شرفا اشک‌آور می‌زنن"

اولین صداها و فریادها به گوش رسید. صداهایی که شعار بود و فریادهایی که بقیه را به حمایت فرامی‌خواند. در این مدت که ساکن کوی بودم از این نوع فریادها و صداها بسیار شنیدم و تقریبا به شنیدنشان عادت داشتم. حتی شاهد دو سه درگیری که منجر به دخالت ضد شورش‌ها و بعضا باعث ورود لباس شخصی‌ها به کوی شود نیز بودم. ولی نمی‌دانم چرا این بار وقتی اولین صداها به گوشم رسید مضطرب شده بودم. با خودم می‌گفتم شاید به خاطر شایعات و خبرهایی است که در مورد حمله امشب شنیده‌ام. سعی می‌کردم با این اضطراب بجنگم. باعث تعجب خودم شده بودم چون من اغلب اوقات بسیار خونسرد و آرام و به قول نزدیکان بی‌خیالم. در حالیکه با دوستم در اتاق مشغول پیگیری و تحلیل اوضاع بودیم از چند نفر از دوستانمان دعوت کردیم به اتاق ما بیایند. این کار هم باعث می‌شد تنها نباشیم و هم اینکه می‌خواستیم نظر آنها را نیز درباره وضعیت کوی پرسیم. هنوز شعله درگیری‌ها زبانه نکشیده بود. طبق معمول اوقاتی که دور هم جمع



می‌شویم زمان زیادی برای شوخی و بدون اینکه از موضوع اصلی حرف چندانی بزنیم گذشت. دقایقی از ساعت 22 گذشته بود که تصمیم گرفتیم برای آشنایی با فضا و غلبه بر اضطراب ناچیزمان به محوطه کوی برویم. گویا در مدتی که ما در اتاق مشغول صحبت کردن بودیم، تور درگیری در حال گرم شدن بود. همه با هم از اتاق خارج شدیم. به محض خارج شدن از ساختمان و ورود به محوطه کوی، التهاب و سنگینی فضا را حس کردم. بوی آتش و دود همیشگی. کم‌کم تمام خیالاتم در مورد آرامش کوی به دست فراموشی سپرده می‌شد ولی هنوز شرایط و فضا مشابه درگیری‌های قبل بود. این نکته را از تجربیات سکونت در کوی دریافته بودم. کوی دانشگاهی



دعوا شه. "در همین حال از دیگران شنیدم که مقابل در اصلی کوی درگیری شدت یافته است. دیشب هم کلی گاز اشک آور زده بودند. بچه‌ها هم برای خنثی کردن اثر آن هر چند متر آتشی روشن می‌کردند. به سمت اجتماع شعار دهندگان رفتم تا بینم اوضاع از چه قرار است. دیگر مردم هم از خانه‌ها بیرون آمده بودند و شعار... اکبر می‌دادند. بعضی از آنها را در کوچه جنب بانک صادرات می‌دیدم.

ناگهان در اجتماع شعار دهندگان سر و صدایی ایجاد شد. در اطراف جمعیت شکافی ایجاد شد و دو نفر از دل آن بیرون آمدند در حالیکه بر سر هم فریاد می‌زدند. یکی از آنها سیامک، مسئول اجتماع کنندگان بود. سریعا چند نفر دیگر آمدند تا اوضاع را آرام کنند و به اصطلاح آن دو نفر را جدا کنند. اما دو نفر مایل بودند با هم صحبت کنند. سیامک با صدای بلند می‌گفت "اگه مشکل داری برو. ما که از کسی دعوت نکردیم". آن یکی در جواب گفت "کارتون اشتباهه آخه". تازه فهمیدم که دعوا بر سر چیست. یکی از بچه‌های مسجد آمده بود تا بقیه را از کارشان منصرف کند اما با برخورد تشدشان مواجه شده بود. همان تذکری که من قصد داشتم به آنها بدهم. هنوز صدای فریاد سیامک می‌آمد که "آخه تا کی باید از این خوابگاه به صدا بلند شه، اونم فقط صدای آدمایی که مخالفن؟". طرف مقابل که هنوز موفق به شناختنش نشده بودم گفت "اگه همون مخالفا بیان و دعوا شه کی جواب میده؟" سیامک هم گفت "ما قصد دعوا نداریم. به بچه‌ها گفتم فقط می‌خوایم ما هم عقیدمونو بگیم. ما که با کسی دعوا نداریم. اگه اوضاع خراب شد می‌ریم". این را گفت و به طرف جمعیت برگشت. حالا نوبت یک نفر دیگر از جمعیت بود تا به جای سیامک حرف بزند. می‌شناختمش. همیشه در مسجد می‌دیدمش. اینجور شروع کرد که "تازه دعوا هم بشه. مگه ما می‌ترسیم؟ مگه ما آرزوی شهادت نداریم؟". اما این دفعه طرف مقابل بود که راهش را عوض کرد و برگشت تا این غائله هم ختم شود.

آغاز حضور لباس شخصی‌ها

همانطور که داشتم اوضاع خیابان‌ها و کوچه‌ها و مردم را رصد می‌کردم، با شنیدن صدای موتور سیکلت‌ها چشمانم به سمت صدایشان خیره ماند. آخر به سرم آمد از آنچه می‌ترسیدم. خیلی زود حدود 10 موتور سیکلت که بر هر کدامشان دو نفر سوار بودند مقابل دیدگانمان ظاهر شدند. بچه‌ها می‌گفتند انصار حزب... هستند. نمی‌دانستم چگونه توانستند با یک نگاه بفهمند که آنها که هستند! رییس گروه یک بلندگوی دستی داشت که دستوراتش را از طریق آن به سایر اعضا منتقل می‌کرد. طوری رفتار می‌کردند که انگار باکی ندارند از اینکه چهره‌هایشان شناسایی شود. با اینکه فاصله کمی با ما داشتند اما سعی نمی‌کردند چهره‌هایشان را مخفی کنند. تا



من خواست تا چشمانم را باز کنم. بوی دود سیگار می‌آمد. حس می‌کردم در هاله‌ای از دود سیگار قرار دارم. بالاخره توانستم چهره کسی را که مقابلم ایستاده بود به زحمت ببینم. هنوز اشک از چشمانم جاری بود. او که سیگارش تمام شده بود مرا به سمت آتش هدایت کرد تا در کنار آن چند نفس عمیق بکشم. این کار باعث شد تا در کمتر از یک دقیقه بهتر شوم. تازه فهمیده بودم که روشن کردن آتش در این فضا چقدر ضرورت دارد. در این محیط، استشمام دود آتش از تنفس اکسیژن خالص مفیدتر است. من کم‌کم داشتم به فضا و جزئیات آن آشنا می‌شدم. حالا دیگر هر از چند گاهی به آسمان نگاه می‌کردم تا مسیر فرود آمدن اشک‌آورها را تشخیص دهم. خواستم کمی جلوتر بروم. اما با دیدن سنگ‌هایی که چند متر جلوتر از من به زمین می‌خوردند و مقابلم می‌ایستادند، تصمیم عوض شد. از همان جا کنجاوی کردم. روی پنجه ایستادم. واقعا شبیه صحنه‌های مبارزه فلسطینی‌ها شده بود. عده‌ای آن جلو به سمت ضد شورش‌ها سنگ پرتاب می‌کردند. آنها هم با سنگ و اشک‌آور پاسخ می‌دادند. ناخودآگاه چند متری جلوتر آمده بودم. این تغییر مکان را وقتی دریافتم که مجبور شدم در برابر یک سنگ که تصادفا مقابل آن قرار داشتم عکس‌العمل نشان دهم. آنقدر مهوت فضا شده بودم که جدا شدنم از دوستانم را فراموش کرده بودم. محیط پر بود از دود آتش و گاز اشک‌آور که اکنون بیشتر از قبل شلیک می‌شد و این باعث سختی دیدن می‌شد. به علاوه، مسلما قد من هم در آن زمان کم آنقدر بلندتر نمی‌شد که بتوانم بهتر از این اوضاع را در خط مقدم مشاهده کنم. لذا تصمیم گرفتم به کنجاوی پایان دهم و به سمت ساختمانان بروم.

در راه، همان بچه‌های مسجد را دیدم که کنار در ورودی آن تجمع کرده بودند و با حرارت در حمایت از کاندیدای مورد نظرشان شعار می‌دادند. "چپ، راست، کارگزار، علیه خدمتگزار"، "احمدی، احمدی، تو انتخاب اصلحی"، "احمدی، احمدی، حمایت می‌کنیم". خیلی از آنها را می‌شناختم. حالا وقتش بود از آنچه در هنگام رفتن باعث تعجب شده بود سر دربیآورم. برخی دیگر از بچه‌های مسجد که از همان کاندیدا حمایت می‌کردند چند متر آن طرف‌تر ایستاده بودند. به جمع آنها پیوستم. همدیگر را می‌شناختیم. بعد از سلام و احوال‌پرسی از آنها پرسیدم "چی کار دارن می‌کنن؟ واسه چی جمع شدن شعار بدن؟" یکی از ایشان در جوابم گفت "نمی‌دونم و... حالا که وقت این کارا نیست. فقط همینو کم داریم که تو کوی بزنبزن بشه. میدونین اگه دعوا شه چی میشه؟". به آنها پیشنهاد دادم که برویم و با مسئولشان صحبت کنیم. یکی پاسخ داد "ولشون کن. این سیامک آتیشش تنده. نمیشه باهاش حرف زد. چند بار بچه‌ها بهش گفتن نزدیک بود



ببرد. چند بار فریاد زدم تا کسی به دادم برسد. نفسم به سختی در می‌آمد. سینه‌ام می‌سوخت. حالت تهوع داشتم. به شدت سرفه می‌کردم. از فرط سرفه کردن بالا آوردم. اشکم نیز جاری شده بود. گونه‌ها و تمام صورتم که از اشک و عرق خیس شده بود به شدت می‌سوخت. صورتم از سوزش در حال ترکیدن بود. مثل دانه‌های بلال روی آتش. حالا تازه یک نفر پیدا شده بود تا یک مقوا را آتش بزند و به نفس کشیدنم کمک کند. دود آتش را نیازمندتر از اکسیژن خالص، با ولع تنفس می‌کردم. وقتی وضعیت تنفسم بهبود یافت، همانجا نشستیم. با خودم گفتم "درگیری‌ها که جلوی در اصلیه. پس چرا اینجا زدن نامردا".

عصبی شده بودم. ترجیح دادم به اتاقم بروم. جلوی آینه اتاق ایستادم تا صورتم را ببینم که هنوز می‌سوخت. چشمانم مثل دو عدد آلبالو قرمز شده بود. انگار روی گونه‌هایم سوهان کشیده بودند. سریعاً یک عکس از خودم گرفتم تا تاثیر آن لعنتی را به بقیه هم نشان دهم. روی تخت نشستم و از پنجره مشغول تماشای ساختمان روبرو شدم که یکی از دوستانم وارد اتاق شد. از قیافه‌اش پیدا بود که او هم از گازها نوش جان کرده‌است. سراغ بقیه دوستان را گرفتم و او گفت که در راه هستند. دوباره سرم را چرخاندم تا ساختمان روبرو را نگاه کنم. چند نفری روی بام آن جمع شده بودند و گهگاه چند سنگ هم به سمت پلیس پرتاب می‌کردند. از دوستم جویای اوضاع شدم. گفت "خدا به خیر کنه امشبو". همین یک جمله کافی بود تا وخامت اوضاع را بفهمم. در پشت بام ساختمان روبرو هم بچه‌ها مشغول ساختن یک سنگر یا چیزی شبیه آن بودند تا از شر سنگ‌هایی که از بیرون پرتاب می‌شد در امان بمانند. این کار را با در پشت بام انجام دادند. دو نفر دیگر از دوستانم هم آمدند. آنها هم چهره‌شان قرمز بود. دیگر مطمئن شدم که ضد شورش‌ها ما را به چشم حشراتی مودی می‌دیدند که برای از بین بردنمان باید تمام محیط زندگیمان را از این گازها پر کنند. تصمیم گرفتند جای بخورند. چند نفر دیگر از دوستان را هم به نوشیدن چای دعوت کردیم و آنها هم فوراً خود را رساندند. مجموعاً هشت نفر شدیم. بحث در مورد وضعیت کوی و احتمال حمله به آن آغاز شد. من گفتم "با وجود اینکه نسبت به دفعه‌های قبل دارن تو ولخرجی کردن سنگ تموم میذارن و هی اشک آور و فلفل حروم میکنن اما شرایط کلی هنوز از خط قرمز رد نشده. هنوز شبیه درگیری‌های قبله". لحظه‌ای ذهنم مشغول شد که واقعا قیمت این گازها چقدر است؟ آیا ارزان است یا ساخت داخل است که این همه می‌زنند یا ما خیلی مهم هستیم که به هر قیمتی باید خفه شویم. یکی گفت "بعید می‌دونم اوضاع بهتر از این بشه ولی بی‌خیال، تهش خبری نیست". یکی دیگر از دوستان که گویا خیلی تحت تاثیر جو قرار گرفته بود گفت "غلط می‌کنن بریزن تو کوی. مگه ما مردیم". من هم با یک نگاه عاقل اندر سفیه در جوابش گفتم "این غلطو ده سال پیش کردن". هم اتاقیم گفت "یه غلطی کردن ولی اقد هزینش واسشون سنگین بود که دیگه از این غلطو نمیکنن". دوست جوگیرم گفت "کوی حدود پنج هزار نفر جمعیت داره. اگه بخوایم پدرشونو در میاریم. مگه چند نفرن؟" گفتم "اولا کمتر از نصف دانشجوها تو کوی هستن که اونام احتمالا آدمای خنگی مته ما هستند که موندن. ثانیاً همه مته تو شجاع نیستن که جلوی این ضد شورشیای ترسناک وایسن". او هم گفت "اونا که نمیریزن تو کوی. اگه بخوان بیان لباس شخصی‌ها میان. دقیقاً مثل 18 تیر". هم اتاقی‌ام به او یادآور شد که "احتمالا تو 18 تیر هم بچه‌ها فکر نمی‌کردن که بهشون حمله شه". اما او که به هیچ صراطی مستقیم نمی‌شد گفت "تازه اگه هم بخوان بیان مگه چند نفرن؟ مگه به چند تا از ساختمان‌ها می‌تونن حمله کنن؟ مگه چند نفر تو می‌تونن بزنی یا بزنی؟". من و هم اتاقی‌ام نگاهی به هم انداختیم و لبخندی زدیم.

همان کوچه جنب بانک صادرات که درست مقابل ما بود و مردم هم در آن شعار می‌دادند پیش آمدند. با صدای موتورهایشان قصد داشتند بچه‌ها را بترسانند. اکثر بچه‌ها همان طرفداران یکی از کاندیداها بودند که در کنار مسجد جمع شده بودند. ظاهراً نیروی انتظامی مانع نزدیکی آنها به متن ماجرا شده بود. تعداد لباس شخصی‌ها هم در آن موقع کمتر از آن بود که بتوانند با بچه‌ها درگیر شوند. البته در آن شلوغی امکان شنیدن صحبت‌های آنان وجود نداشت. ولی از چهره و حرکات مسئول لباس شخصی‌ها می‌شد حدس زد که به نتیجه مطلوبشان نرسیده‌اند و این می‌توانست یک خبر خوب باشد. مردم که گویا در طی این چند روز شجاع‌تر شده بودند بدون هراس از وجود لباس شخصی‌هایی که در اول کوچه آنان حضور داشتند شعار... اکبر می‌دادند. اما لباس شخصی‌ها که اجازه ورود به درگیری با بچه‌ها را دریافت نکرده بودند برای بیکار نبودن و خالی کردن خشم خود از این تصمیم، به سمت مردمی که بیرون از خانه‌هایشان در حال شعار دادن بودند حمله‌ور شدند. حتی به زنها هم بی‌احترامی می‌کردند. رفتارشان به شدت زشت و رعب‌آور بود. قلبم شکست ولی از شکستن بغض جلوگیری کردم. پس از آنکه مردم را سرکوب کردند با موتورهایشان به سرعت برگشتند. بچه‌های کنار مسجد هنوز شعار می‌دادند. یکی از موتورهایشان به طرف ما حرکت کرد. حدود 2 متر با ما فاصله داشت که ایستاد و مسئولشان از عقب موتور پیاده شد. می‌شد کاملاً واضح چهره‌هایشان را دید. جلوتر آمد. طوریکه اندکی با ما فاصله داشت. لاغر بود و پیراهنش را بیرون از شلوارش گذاشته بود. دیگری اما چاق بود و چهره عبوسی داشت. از بچه‌هایی که آنجا بودند درخواست همکاری کرد، یعنی همانهایی که کنار مسجد شعار می‌دادند. سیامک در میان همه بچه‌ها به سمت آقای مسئول رفت تا از پشت زرده‌های خوابگاه که حائل میان ما و آنها بود به درخواستشان پاسخ دهد. دو سه نفر از بچه‌ها برای پایان دادن به همه‌ها با صدای بلند از دیگران می‌خواستند که ساکت باشند تا سیامک بتواند به عنوان نماینده صحبت کند. آن فرد چاق که سوار بر موتور بود با ملایمت گفت "برین این درو یه جوری وا کنین تا ما بیایم تو. خودتون که دارین وضعیتی می‌بینین. نامردیه به‌خدا. یعنی ما همینجوری اینجا وایسیم و اونا هر کاری دلشون خواست بکنن؟" سیامک که تضاد بین لحن ملایم و چهره خشن او را فهمیده بود پاسخ منفی به آنها داد. ولی من که از حيله لباس شخصی‌ها می‌ترسیدم سریعاً برگشتم تا به دوستانم خبر دهم. به زحمت توانستم از طریق تلفن همراه با یکی از دوستانم ارتباط برقرار کنم. از او خواستم هر چه سریعتر دیگران را پیدا کند و از آنها بخواهد یا برگردند یا اینکه به شدت مراقب اوضاع باشند. نمی‌دانم چرا ولی تا آمدن دوستم تصمیم گرفتم تا یک پوکه گاز اشک‌آور پیدا کنم.

خبر موثق دارم که امشب قراره بریزن تو کوی. اینجا نمونین
شدت درگیری‌ها بیشتر شده بود. از تعداد شلیک‌های پلیس می‌شد این نکته را دریافت. اندکی گشتم ولی درحالی‌که ناامید به سمت اتاق می‌رفتم در نزدیکی ساختمان گرفتار تجربه جدید دیگری شدم. تجربه گاز فلفل. حالا دیگر اشک‌آور جای خود را به گاز فلفل داده بود. سعی کردم هرچه زودتر خودم را به ساختمان برسانم. به هر زحمتی که بود خودم را به در ساختمان رساندم. در را بسته بودند تا گاز وارد ساختمان نشود. نمی‌دانستم چرا این گازها دقیقاً باید کنار من بیافتند. مشکل از بخت من بود یا خود من؟ احتمالاً مشکل از بخت من بود. چون از بخت بدم نه آتشی بود و نه سیگاری که سوز آن لعنتی را از بین



که همه در رو بستن". پاسخ داد "داریم می‌ریم پیش یکی از رفقا. ساختمان‌ش ته کویه. فکر نکنم دیگه تا اونجاها بیان. شما هم به جایی پیدا کنین. لااقل از اینجا برین". از اینکه خبر موثقش را در اختیارمان گذاشته بود از او تشکر کردم. دیگر بی‌اختیار قبول کردیم که حتما امشب به کوی حمله می‌شود. بچه‌ها هم داشتند خطوط قرمز را رد می‌کردند. خط قرمز یعنی توهین به سران کشور. تنها دلیلی که می‌شد با آن آرامش یافت این بود که بعد از 18 تیر هرگز دیگر وارد کوی نخواهند شد. آن خبر آنقدر روی ما تاثیر گذاشته بود که از آن به بعد بحث بین من و دوستم در چگونگی عکس‌العمل به حمله آنها خلاصه می‌شد. اینکه آیا مقاومت کنیم یا تسلیم شویم. اینکه اگر در را قفل کنیم یا پشت آن تخت و یخچال بگذاریم شاید باعث شک آنها شود و در اینصورت اگر با اصرار داخل شوند یا باید از پنجره به پایین بیافتیم یا دمار از روزگارمان در بیاورند و اگر در را قفل نکنیم باید دو دستی خودمان را تقدیمشان کنیم. در پایان به این نتیجه رسیدیم که در را قفل کنیم اما پشت آن وسیله‌ای قرار ندهیم. در اینصورت نه خیلی راحت وارد می‌شدند و نه در صورت اصرار برای ورود به زحمت می‌افتادند و زحمتشان را با نوازش ما جبران می‌کردند. هنوز کنار پنجره نشسته بودم و پشت بام ساختمان روبرو را دیدم می‌زد. درگیری به اوج خود رسیده بود. ضدشورش‌ها سعی می‌کردند تا با انواع گازها بچه‌هایی که روی پشت بام‌ها بودند را متفرق کنند. اما نمی‌توانستند گاز را دقیقاً روی پشت بام شلیک کنند. بچه‌ها هم برای تخریب روحیه آنان می‌گفتند "خاک تو سرتون. یه سال می‌خورین و می‌خوابین و پول مفت می‌گیرین واسه همین چند شب. حالاشم عرضه ی به اشک‌اور انداختن ندارین. گندتون بزنی". واقعا شبیه یک نبرد تمام عیار شده بود. یک جنگ که انگار دو طرف آن مدت‌هاست از هم کینه‌ای عمیق به دل دارند. گاهی ضدشورش‌ها سعی می‌کردند نزدیک در اصلی شوند. ولی بچه‌ها مثل ماجرای ابابیل چنان سنگ بر سر آنان فرومی‌ریختند که با آن همه وسایل حفاظتی و سپر مجبور به فرار می‌شدند. صدای شلیک‌های پلیس و یرتاب سنگ بچه‌ها یک فضای مهیج و بسیار ملتهب ساخته بود. به هم اتاقی‌ام گفتم "اینام عجب دل و جراتی دارنا. واقعا از این غولها نمی‌ترسن؟". گفتم "خدا به دادشون برسه. اگه شناساییشون کنن زنده نمی‌مونن". گفتم "انصافا با این جیگری که اینا دارن اگه جنگ رو کنتراتی می‌دادن بهشون سر دو سال برده بودیم". صدای سه ضربه با فاصله آمد. در را باز کردیم. همان دو دوست جوگیرمان بودند. تنفس گازها حسایی دمار از روزگارشان درآورده بود. تنها خبری که داشتند افزایش درگیری و بحران بود. من در ذهنم مشغول محاسبه تمام احتمالات ممکن و عکس‌العمل‌های مناسب آن بودم. گویی حمله به کوی بر من مسجل شده بود. زیرا اوضاع موجود دیگر در محدوده تجربه‌های قبلی قرار نداشت. و این بلا تکلیفی بدترین حالت ممکن بود. دوستانمان تصمیم گرفتند برای استراحت به اتاق خودشان بروند. باز هم ما تنها ماندیم. نمی‌دانستم خوابیدن بهتر است یا بیدار بودن. در خواب گذر زمان را حس نمی‌کردیم اما فرصت عکس‌العمل هم نداشتیم. از آنجایی که راه حل خاصی برای مقابله یا فرار به ذهنمان نرسیده بود بر آن شدیم که بخوابیم تا حداقل از اضطراب این لحظات در امان باشیم. اما خواب در این لحظات مانند دارویی کمیاب بود. آخرین باری که ساعت را دیدم از بامداد 25م خرداد دقایقی گذشته بود. با زمزمه هرچه بادا باد سعی می‌کردم خواب را به چشمانم بکشم. انواع فکرها و عواقب این ماجرا از ذهنم می‌گذشت.

حرف‌هایش شبیه استدلال‌های خودمان بود برای آرام کردن آنهايي که نگرانمان بودند. با خنده به او گفتم "اتفاقا تو 18 تیر دقیقاً همین کارا رو کردی". او هم خندید و گفت "جوگیر شدین حاجی. عمرا نمیان". خیلی دوست داشتم حرف‌هایش را باور کنم ولی باز با این حال گفتم "اگه شرایط بدتر شه شاید بیان". گردنش را اندکی کج کرد و گفت "بابا بی خیال. انقدر جو ندین. شما الان تو جوین وگرنه اگه بیان مبریم مجالشون می‌کنیم". مثل اینکه بحث ما بی‌نتیجه بود. به جمع دوستان پیوستیم. هوای اتاق کوچکمان گرفته بود. پنجره را کمی باز کردم. اما به محض باز شدنش سوزش گاز فلفل را حس کردم و آنچنان سریع پنجره را بستم که دوستم به شوخی گفت "بازم که جو دادی". اما واقعا هوای بیرون از انواع گازهای زهرماری پر شده بود. اصلا دلم نمی‌خواست دوباره نفسم به شماره بیافتم. چند لحظه بعد دیگران هم سوزش گاز را حس کردند تا مطمئن شوم جوگیر نشده‌بودم. خوردن چای تمام شد. ولی درگیری روی پشت بام روبرو تازه شروع شده بود و هر لحظه هم شدیدتر می‌شد. با افزایش درگیری‌ها، وخامت اوضاع و اضطراب ما هم بیشتر می‌شد. دو نفر از دوستان که گویا خیلی به فیلم‌های اکشن علاقه داشتند به محوطه برگشتند. بقیه هم به اتاق خودشان رفتند. قبل از رفتنشان هم اتاقی‌ام به آنها گفت "ما درو قفل می‌کنیم. اگه خواستین دوباره بیان رمز ما سه تا ضربه با فاصله" و دوست جوگیرمان هم با لبانی که تا بناگوش باز شده بود گفت "باز که جو دادین. جو گرفتونا". شاید حق داشت که بخندد چون شبیه داستان‌های هیجانی نخ نما شده بودیم. سه نفر ماندیم در اتاق. چند دقیقه گذشت. من که کم‌کم در تصمیم رفتن از کوی مطمئن می‌شدم با پیشنهاد دوستم مبنی بر ترک کوی مواجه شدم. شاید اغراق‌آمیز به نظر برسد ولی کوی دانشگاه خانه ما بود و دفاع از آن وظیفه همه ما. با اینکه من شخصا با شیوه اعتراض و مبارزه بچه‌ها مشکل داشتم ولی با این حال ترک کوی برای من مانند ترک خانه بود و مایه خجالت. همیشه از سکوت در برابر ظالم و متجاوز احساس حقارت می‌کردم. آنقدر که حتی با وجود این همه دلیل، برای ترک کوی مردد بودم. از طرفی در قسمت اعظمی از ذهنم نگران مادرم بودم. مادری که اگر از اوضاع با خبر بود بدون شک از نگرانی و غصه. . . . کاش هیچکدام از این نگرانی‌ها نبود. نگرانی خانواده، شغل آینده، ادامه تحصیل و هزاران مثل اینها که گاهی انسان را مجبور به حقارت می‌کنند. بالاخره پاسخ مثبت دادم. دوباره بحث شروع شد که "به نظرم بمونیم. اتاق از همه جا امن‌تره"، "آره ولی تا وقتیکه نریزن تو"، "نه، اگه تو هم بیان همونایی که تو محوطه هستن رو میگیرن"، "اگه میخوایم بریم باید عجله کنیم"، "اگه موقع رفتنمون بریزن و تو محوطه بگیرنمون چی؟"، "تازه چه جوری بریم. در بالا و پایین که درگیریه. در گیشا رو هم مته اینکه بستن. احتمالا لباس شخصی‌ها هم هستند" و این یعنی اینکه مجبوریم بمانیم. نه می‌توانیم از دیگران خواهش کنیم که به این مبارزه مزخرف و زشت پایان دهند و نه اینکه از این میدان جنگ بیرون رویم. حالا با رفتن یکی از دوستانمان شده بودیم دو نفر، ساکنان اصلی اتاق.

بچه‌ها برای تسلط بر نیروهای سرکوب‌گر در پشت بام ساختمان‌های دیگر نیز سنگر گرفته بودند. با اینکه در شرایط متشنجی قرار داشتیم ولی باید آرامش خود را حفظ می‌کردیم. وقتی برای مدتی در اتاق را باز کردیم اتاق روبرو را دیدم که مشغول جمع‌آوری بعضی از وسایلشان هستند. هنگام رفتن، یکی از ایشان گفت "خبر موثق دارم که امشب قراره بریزن تو کوی. اینجا نمونین". مثل اینکه قرار نبود آن شب روی آرامش را ببینم. سعی کردم خودم را مسلط به اوضاع نشان دهم. گفتم "این خبرای موثق از کجا میاد؟ جایی نمیشه رفت



لباس شخصی‌ها در اتاق‌های دانشجویان:

"شما می‌خواهین دولت عوض کنین . . . ای مادر . . ."

پوتین‌هایشان از خودشان هم ترسناک‌تر بودند. خیلی زود فهمیدم رمز کمتر کتک خوردن در مرده بودن است. یعنی نه باید ترست را بفهمند و نه خشمت را. آنهایی که ترسیده بودند بیشتر کتک می‌خوردند. سکوت در برابر این متجاوزان و قرار داشتن در نهایت موضع ضعف باعث تحقیرم می‌شد. همه شیشه‌ها را مقابل دیدگان ما می‌شکستند. چنان وحشیانه و غیر عادی می‌زدند که گویی ما از سنگ یا آهنیم. چنان سه نفر از آنها بر سر و صورت یکی از بچه‌ها ضربه می‌زدند و او آنچنان مظلومانه نشست بود که تمام وجودم بغض و فریاد شد. شک داشتم سالم بماند. دیگر کسی را نیاوردند. همه ما دراز کشیده بودیم. چنان از ما خشمناک بودند که گویی دشمن دیرینه آنان هستیم و پس از یک نبرد جانانه ما را خلع سلاح کرده‌اند و وقت آن شده بود تا ما را به سزای اعمالمان برسانند. حالا حق انتخاب با آنان بود تا هر کسی را که می‌خواهند، کتک بزنند. یکی از بچه‌ها که به شدت ترسیده بود گفت "به خدا من به احمدی‌نژاد رای دادم". و این حرف نابجا چنان آنان را وحشی کرد که به فجیع‌ترین شکل ممکن به جان بچه‌ها افتادند. بدتر از ضربه‌هایشان، الفاظ رکیکی بود که تارمان می‌کردند. "پس چرا لال شدین . . . ای مادر . . . می‌خواهین؟ مادرتونو . . . شما می‌خواهین دولت عوض کنین . . . ای مادر . . . ؟ مگه ما مردیم؟ دهنتونو . . . دیگه نه از خوابگاه خبریه نه از خونه". هیچ وقت فکر نمی‌کردم در مقابل این اهانت‌ها سکوت کنم. حساسی تحقیر شده بودیم. آن هم از طرف عده‌ای بی‌سواد که فقط نان رذالت و پستی خود را می‌خوردند. آنقدر بی‌رحمانه می‌زدند که یکی از خودشان داد می‌زد "بسه دیگه ابوالفضل. کشتیش. بهت گفتم بسه. آروم باش. ابوالفضلو بگیرش". اما نه کسی ابوالفضل را گرفت و نه خود او آرام شد. من که به خاطر سالم بودن سر و صورتم مورد توجه یکی از آنها قرار گرفته بودم، شاهد خودم را خواندم. نمی‌شد به این زبان نفهم‌ها توضیح داد که اگر سرم سالم است در عوض آن کمر و پاها و بازویم به شدت ناسالم است. خدا را شکر که او شخصا وارد عمل نشد و این کار را به خاطر مشغله فراوانش به دیگری سپرد که او هم از فرط زدن خسته شده بود. یک نفرشان بین ما حرکت می‌کرد و با ضربه باتوم

سعی کردم با سرعت از بین آنها عبور کنم. ولی سرعت ضربه‌های آنها بیشتر از من بود. بازو و کمرم به شدت می‌سوخت. پله‌ها را چند تا یکی طی کردم. حتی سالن ورودی ساختمان هم که شیشه مناطق زلزله‌زده شده بود و بوی خون می‌داد نتوانست مانع سرعتم شود. اما چه حاصل که ابتدای ساختمان انتهای مسیر فرار بود. تعداد زیادی ضدشورشی منتظر بودند. تصویر بچه‌هایی که روی زمین دراز کشیده و مثل مرده‌ها بی‌حرکت بودند حس بسیار بدی به من داد. در میان ضربات باتوم با لگد روی زمین پخش شدم. یکی از آنها که دقیقا بالای سرم ایستاده بود. ناگهان ضربه‌ای به پایم زد داد زد "پاهاتو بچسبون به هم". ضربه‌اش چنان محکم بود که تمام بدنم لرزید و این لرزش به قیمت ضربه محکم دیگری به کمرم تمام شد. من که از شدت ضربه فقط سرم را بالا آورده بودم با ضربه پوتین همان کسی که بالای سرم ایستاده بود مواجه شدم. "مگه نگفت بهت تکون نخور گوشاله".



سعی کردم با سرعت از بین آنها عبور کنم. ولی سرعت ضربه‌های آنها بیشتر از من بود. بازو و کمرم به شدت می‌سوخت. پله‌ها را چند تا یکی طی کردم. حتی سالن ورودی ساختمان هم که شیشه مناطق زلزله‌زده شده بود و بوی خون می‌داد نتوانست مانع سرعتم شود. اما چه حاصل که ابتدای ساختمان انتهای مسیر فرار بود. تعداد زیادی ضدشورشی منتظر بودند. تصویر بچه‌هایی که روی زمین دراز کشیده و مثل مرده‌ها بی‌حرکت بودند حس بسیار بدی به من داد. در میان ضربات باتوم با لگد روی زمین پخش شدم. یکی از آنها که دقیقا بالای سرم ایستاده بود. ناگهان ضربه‌ای به پایم زد داد زد "پاهاتو بچسبون به هم". ضربه‌اش چنان محکم بود که تمام بدنم لرزید و این لرزش به قیمت ضربه محکم دیگری به کمرم تمام شد. من که از شدت ضربه فقط سرم را بالا آورده بودم با ضربه پوتین همان کسی که بالای سرم ایستاده بود مواجه شدم. "مگه نگفت بهت تکون نخور گوشاله".



اتوبوس یکی فریاد زد "به این بچه بگین دهنشو ببند". یکی از بچه‌ها به هر وسیله‌ای بود دستبندش را باز کرد تا کمی آرام بگیرد. انوبوس دوباره ایستاد. یکی از جلوی ماشین گفت "هر کی موبایل داره دست به دست بده بیاد جلو. موبایل پیش کسی بومونه از بقیه جداس می‌کنم". نفس کشیدن در آن محیط سخت شده بود. در تمام طول راه از این می‌ترسیدم که به یک ناکجا آبادی برده شویم که قصد پذیرایی دوباره از ما را داشته باشند. درد این ندانستن‌ها به انضمام تهدیدها و ارعابی که از جانب آنان انجام می‌شد از کتک خوردن هم بیشتر بود.

از اتوبوس پیاده شدیم. جایی شبیه یک اداره بود. بنرهایی در مورد اعتیاد و مواد مخدر در آن وجود داشت. به خاطر وجود سربازان وظیفه در آنجا حدس زدم یک کلانتری یا جایی مشابه آن باشد. از نبودن ضدشورشی‌ها در آن محل احساس امنیت بیشتری می‌کردم. ما را در ردیف‌های شش نفری نشاندهند. از اینکه می‌توانستم اطرافم را نگاه کنم حس خوبی پیدا کردم. سربازها از دیدن اوضاع بچه‌ها متعجب بودند. بیشتر شبیه آسیب دیدگان زلزله یا افراد زخمی جنگ بودیم تا اینکه شبیه دانشجوی نخبه مملکت. بین بچه‌ها به دنبال دوستم می‌گشتم. دو ردیف جلوتر از من نشسته بود. با حرکت لب حالش را پرسیدم و اینکه آیا سالم است و آسیب ندیده است. ظاهراً سالم بود. در جوابم گفت که سالم است و از حال من پرسید. من هم گفتم خوبم. تازه می‌شد به خوبی وضع اسفبار بچه‌ها را دید. یکی که از سر تا پایش خونی شده بود. با خودم گفتم "چی کارش کردن این بیچاره رو کتافتا". یا حتی کارگر تاسیسات کوی که تمام صورتش خونی شده بود. یکی از بچه‌ها درخواست آب کرد. وقتی یکی از مسئولان آنجا به سربازان دستور داد تا چند بطری آب بیاورند همه چشم‌ها خیره ماند. باورمان نمی‌شد که قبول کنند. انگار وارد بهشت شده بودیم. حال یکی از بچه‌ها بسیار بد بود. از شدت ضربه و خونریزی از حال رفت. یکی از بچه‌ها قند خواست. حتی قند هم به ما دادند. از اینکه دوباره کتک نمی‌خوریم حس خوبی داشتیم. یعنی واقعا خشونت‌ها و توهین‌ها تمام شده بود؟ یک نفر از آنها که لباس عادی به تن داشت مشخصات همه را یادداشت می‌کرد. بعضی از بچه‌ها به پزشک نیاز داشتند. اما آنها گفتند که پزشک صبح می‌آید. دیدن اوضاع جسمی بچه‌ها و رفتاری که با ما داشتند چنان خشمی در وجودم ایجاد می‌کرد که درونم را آتش می‌زد. نوشتن مشخصات هر ردیف که تمام می‌شد، آنها را به داخل ساختمانی می‌بردند.

دمپایی به جای بالش!

وقتی مشخصات ما را هم نوشتند وارد ساختمان شدیم و فهمیدم که آنجا بازداشتگاه است. در راهروی باریک بازداشتگاه در دو ردیف نشستیم. با نوشتن مشخصات و شماره تلفن، بچه‌ها را وارد سلول‌ها می‌کردند. با اجازه یکی از مسئولین توانستم مکانم را تغییر بدهم و در کنار دوستم بنشینم تا در یک سلول باشیم. این دفعه دیگر واقعا می‌توانستیم با هم صحبت کنیم. بعد از احوال پرسی از من معذرت خواست که مانع رفتن ما به خانه یکی از دوستانمان شده بود. من که از وقتی به اینجا منتقل شدیم، روحیه‌ام خیلی بهتر شده بود به او گفتم "کتکاشون که درد نداشت. چیز خاصی هم که به ما نگفتن. اینجا هم که دارن به بهترین نحو از ما پذیرایی می‌کنن. تجربه خوبیه‌ها!". در کنار دوستم همان کسی نشسته بود که در اتوبوس خیلی ناله می‌کرد. از او پرسیدم "حالت بهتر شد؟ مشکلک چی بود؟". جواب داد "دستم رو خیلی محکم بسته بودن بی‌شرفا. بی‌حس شده بودن دستام. کلی هم تو سرم زده

میگفت "هر کی اسم دو نفر و بگه آزاد". نمی‌دانستم منظورش اسم چه کسانی است. هنوز صدای شکسته شدن شیشه‌ها و حرکت موتور سیکلت‌ها می‌آمد. آنقدر وحشیانه زده بودند که خسته شدند. یکی از آنها فریاد زد "پاشین". همه ایستادیم. نگران هم اتاقتی‌ام بودم. به صف شدیم. نفر دوم بودم. "دستا رو شونه نفر جلویی. سرا پایین. هر سری بالا بیاد دهنشو". هنوز هم صدای ناله بچه‌ها می‌آمد. هنوز هم بعضی‌ها را می‌زدند. از ما خواستند تا به طرف در کوی حرکت کنیم. نفر اول پرسید که از کدام در برویم. یکی از ضدشورشی‌ها امیرآباد را نشان داد. آنها آنقدر با عجله و شتابزده آمدند که حتی نمی‌دانستند از کجا و از چه راهی وارد کوی شدند. آنقدر با عجله که گویی قرار بود تعداد محدودی از آنها را با اولویت وارد شدن به کوی در بهشت سکونت دهند. من زیرچشمی اطراف را می‌دیدم. یک جوان 20 الی 25 سال با تی‌شرت غربی عکس‌دار، شلوار جین و چوب به دست از ضد شورشی‌ها خواست تا ما را از درب پایین یعنی درب کنار دانشکده فنی ببرند اما آنها موافقت نکردند.

بالاخره به راه افتادیم. هر از چندگاهی صدای ناله کسی به گوش می‌رسید. انگار نه انگار که آن همه باتوم خورده بودم. خیلی درد نداشتیم. از قدرت بدنی و مقاومت در برابر ضربه‌های باتوم متعجب شده بودم. در میانه راه جرات کردم و سرم را کمی بالا آوردم. چهره یکی از ضد شورشی‌ها را دیدم. وارد خیابان اصلی کوی شدیم. همانجا که تا ساعاتی پیش محل اوج درگیری‌ها بود. اما حالا شبیه قبرستان شده بود. آتش‌هایی که خاموش شده بودند و نیروهایی که تمام کوی را پر کرده بودند. شاید توهم زده‌اند که قلب دشمن را تصرف کرده‌اند. کوی دانشگاه، خانه ما ویران شده بود. وارد امیرآباد شدیم که از انواع پلیس‌ها و لباس شخصی‌ها و ماشین‌ها و موتور سیکلت‌ها پر شده بود. نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌ها در کنار یکدیگر بودند، دست در دست هم، دست بر گردن هم. اتوبوسی زرد رنگی را نشانمان دادند تا سوارش شویم. چند متر آن طرف‌تر از در اصلی کوی.

آسیب دیدگان زلزله و جنگ‌زدگان یا دانشجوی نخبه مملکت؟

همین که وارد اتوبوس شدم نیمی از روحیه خود را از دست دادم. تمام صندلی‌ها پر شده بود از بچه‌هایی که سر و صورتشان خونی بود. روی هر دو صندلی سه نفر نشسته بودند. وضعیت جسمی بچه‌ها بسیار خراب بود. دیدن این همه مجروح برایم غیر قابل باور بود. بوی خون و عرق و استفرغ تمام اتوبوس را پر کرده بود. مجبور بودم بایستم. کنارم، روی صندلی جوانی عینکی نشسته بود که تمام صورتش و حتی عینکش خونی بود. کف دستش پاره شده بود. آن یکی دستش هم به شدت ورم کرده بود. گهگاهی بالا می‌آورد. ولی باز با این حال روحیه خوبی داشت. می‌گفت در کتابخانه مشغول درس خواندن بود که سر و کله آن وحشی‌ها پیدا شد و به شدت کتکش زدند. بعد پرتش کردند روی شیشه خرده‌ها. کف دستش پاره شد. آنقدر روی دستش زدند که گویا شکسته بود. نمی‌دانستم باید خوشحال باشم یا ناراحت. ولی مطمئن بودم باید حسابی خدا را شکر کنم. دست بعضی از بچه‌ها را با دستبندهای پلاستیکی معروف به دستبند اسرائیلی بسته بودند. مال برخی را آنقدر محکم بستند که گریه و ناله‌شان درآمده بود. پس از مدتی اتوبوس حرکت کرد. تعداد زیادی موتور سیکلت که ضدشورشی ولی با اسلحه بودند ما را اسکرت می‌کردند. اتوبوس مدتی بود که متوقف شده بود. گرمای هوای داخل آن محیط بسته با حدود هشتاد نفر سرنشین آزار دهنده بود. ماشین دوباره به راه افتاد. یکی از بچه‌ها از شدت درد دستبند می‌نالید. از جلوی



کار می‌کنم؟". دکتر گفت "معلوم نیست. شاید امروز، شاید 4 یا 5 روز دیگر. اون دفعه که در اویش رو آوردن اینجا به چند روزی نگهشون داشتن". با این پاسخ همه ساکت شدند.

با آمدن دکتر حال بچه‌ها بهتر شده بود. تا حدی که شروع کردند به حرف زدن و شوخی کردن با یکدیگر. در سلول دوباره باز شد. این بار دو سرباز با نان و مربا آمده بودند. به هر نفر تکه‌ای نان و یک عدد مربا دادند و رفتند. من هم مانند بیشتر بچه‌ها به خاطر کثیف بودن بیش از حد دستانمان اندکی بیشتر نخوردم. همان قدر برای خالی نبودن معده کافی بود. بچه‌ها در حال صحبت کردن با هم بودند که از زیر در سلول آب وارد آن می‌شد. در آن فضای دلپذیر و بهداشتی فقط همین یک مورد را کم داشتیم. بچه‌ها با داد زدن اعتراض کردند. گویا مشغول شستن راهروی بازداشتگاه بودند. یک نفر ماجرای کتک خوردنش را برای دیگری تعریف می‌کرد. از سر و وضعش پیدا بود که ماجرای مفصلی داشت. می‌گفت که ارشد است و مشغول درس خواندن در کتابخانه مرکزی بود که متوجه ورود نیروهای لباس شخصی شده بود. ولی چون دیر فهمیده بود امکان فرار نداشت. می‌گفت چند نفری با چوب و باتوم به جانش افتاده بودند. از طبقه سوم تا جلوی در کتک خورده بود. از بالای راه‌پله‌ها هلش می‌دادند که تا پایین آن غلت می‌خورد. دوباره دلم گرفت.

یک بار دیگر هم در سلول باز شد. این بار سربازی در را باز کرد و گفت "بیاین بیرون". از این که به کار ما رسیدگی می‌شد خوشحال بودم. آنقدر

بودن. سرم داشت می‌ترکید. الان به خرده بهترم". اما دردهای من تازه داشت شروع می‌شد. بازوی چپ، شانه راست، کمر و پای چپ. شاید آنقدرها هم که فکر می‌کردم مقاومم بالا نبود. بچه‌ها از برخی از مسئولین یا حتی سربازان درباره آینده و وقایع آن سوال می‌پرسیدند و جواب‌های متفاوتی هم می‌گرفتند. من و دوستم جزء آخرین نفراتی بودیم که وارد سلول‌ها می‌شدیم. از بخت بد یکی از بدترین سلول‌ها قسمت ما شد. هنوز داخل آن نشده بودم که بوی گند و کثافت بر مشام رسید. بوی توالی بود که داخل سلول قرار داشت. تحمل آن بو بسیار سخت بود. به همین خاطر به آن کسی که مشخصات ما را می‌نوشت اعتراض کردم که آنجا بوی گند می‌دهد. او هم از یکی از سربازان پرسید که آیا سلول خالی وجود دارد یا نه. قرار شد به سلول روبرویی که خالی بود منتقل شویم. بوی بد این سلول کمتر بود. ظاهر سلول‌ها باعث تعجب شده بود. اتاقی حدودا 25 متری که کف و دیوارش سنگی بود. تنها راه ورود نور و هوا یک مستطیل کوچک مشبکی در بالای در و دریچه‌ای روی در بود که گاهی هم بسته می‌شد. تقریبا 15 نفر بودیم. ساعت حدود 5:30 صبح بود. بسیار خسته بودم. تازه فهمیده بودیم بوی بد توالی به خاطر نبود وسایل شستشو حتی یک آفتابه بوده است. تعدادی از بچه‌ها مشغول شوخی و خنده بودند. عده‌ای دیگر از درد به خود می‌پیچیدند. عده‌ای دیگر هم به در دیوار سلول خیره بودند و فکر می‌کردند. یکی یکی روی کف سنگی و سرد سلول دراز کشیدند. من هم که فکر کردن به انواع اتفاقاتی که افتاده بود یا احتمال داشت که بیافتد، ذهنم را بسیار خسته کرده بود مثل دیگران دراز کشیدم. دمپایی‌ام را به عنوان بالش، زیر سرم گذاشتم. اما خیلی از بچه‌ها حتی دمپایی هم نداشتند و پابرهنه آورده شده بودند. کمی طول کشید تا به خاطر درد کمر بتوانم به دراز کشیدن روی سنگ عادت کنم.

صدای در آمد. از خواب پریدیم. من یکی که به همه صداهای ناگهانی و صدای در حساسیت پیدا کرده بودم. اما چه فایده که صدای در آن توالی لعنتی بود. خوابیدن روی آن سنگ سرد باعث شده بود تا در تمام بدنم احساس کوفتگی کنم. مخصوصا درد جاهایی که به آنها ضربه وارد شده بود مرا اذیت می‌کرد. کتف دست راستم آنقدر درد می‌کرد که به سختی حرکتش می‌دادم. با خودم گفتم "احتمالا دست راستم جویری زدن که تا قیام قیامت هم تکون نخوره تا مجبور شم نامه اعمالم با دست چپم بگیرم". در حال فکر کردن مدام خوابم می‌برد و بیدار می‌شدم.

ساعت از 8 گذشته بود. این دفعه اما صدای باز شدن در سلول بود که بیدارمان کرد. یک نفر با روپوش سفید وارد شد و گفت "هر کی نیاز به دکتر و دوا درمون داره بیاد بیرون". خیلی از بچه‌ها رفتند. سلول خلوت شده بود. به غیر از چند نفری که به این راحتی‌ها نمی‌شد درمانشان کرد بقیه با سر و دست باندپیچی شده به سلول برمی‌گشتند. بیشتر بچه‌ها پشت گردنشان به علت ضربه باتوم ورم کرده بود. من هم که حالت تهوع داشتم نزد دکتر رفتم. دو عدد قرص به من داد. در لیوان یکبار مصرفی که در کف آن قرص بروفن له شده وجود داشت کمی آب ریخت. در آخر به من گفت "به بچه‌ها تون بگو آب زیاد بخورن. مخصوصا اونایی که زیاد ضربه خوردن". با تعجب از او پرسیدم که از کجا می‌توان آب خورد. گفت که نمیداند، از هر کجا که می‌توانیم. یک نفر از بچه‌ها از دکتر پرسید "تا کی اینجا نگهون می‌دارن؟ باهامون چی





باباشون، هر غلطی دلشون میخواد بکنن". در باز شد و اسم چند نفر دیگر را هم خواندند. وقتی آن چند نفر اول به سلول بازنگشتند، مطمئن شدم که همه اینها به خاطر ترساندن ماست. دیگر با خیال راحت و در آرامش دراز کشیدم. حالا سلول خلوت تر شده بود. روحیه ام خوب بود. به دوستم گفتم "تا منو داری غم نداشته باش".

اسم مرا خواند. بعد هم اسم دوستم را. ما را به اتاقی بردند که در ابتدای راهرو قرار داشت. در دو طرف آن پیشخوان‌هایی شبیه بانک‌ها قرار داشت که روی آنها با فاصله‌ای از هم چند کاغذ و خودکار موجود بود. آن کاغذها برگه‌های بازجویی بودند که باید آنها را پر می‌کردیم. چند نفر با لباس‌های شخصی هم آنجا بودند که مرتباً داد می‌زدند و به بچه‌ها بی‌احترامی می‌کردند. سوالاتشان طوری طراحی شده بود که یک لحظه به بی‌گناهی خودم شک کردم. چرا با اینکه به شما گفته شده بود سنگ نزنید و آرام باشید با پلیس درگیر شدید؟ آیا به گروه یا حزبی وابستگی دارید؟ با توجه به اتهامات، از مسئولین چه تقاضایی دارید؟ شما متهم به اقدام علیه امنیت ملی، اخلال نظم عمومی، آسیب به اموال دولتی، سنگ زدن و شعار دادن علیه مسئولین کشور می‌باشید. چرا این اقدامات را انجام دادید؟ جالب اینکه برای این همه اتهام فقط دو خط جای توضیح دادن داشتیم. باید انتهای پاسخ‌هایمان را امضاء می‌کردیم. یکی از بچه‌ها که به علت اضطراب یا هر دلیل دیگری نامش را با خط خوردگی نوشته بود با تمسخر یکی از آن لباس شخصی‌ها مواجه شد. "خاک تو سرت. فوق لیسانس حقوق داری اما هنوز استمو بلد نیستی بنویسی. مرده شور اون مدرکی رو بیرن که به شماها میدن". پس از جمع کردن برگه‌ها ما را همانجا نشاندهند. فکر می‌کردیم این برگه‌ها به منزله تعهد ماست و بعد از امضای این تعهد آزاد خواهیم شد. یکی از آنها گفت "دو روزه که ملت از دست شما آرامش ندارند. ناموس ملت امنیت نداره بیاد خیابون". دلم می‌خواست در مکانی دیگر رو در روی هم قرار می‌گرفتم تا امنیت را نشانش بدهم. در انبوه توهین‌های آنان دوباره ما را به یک سلول دیگر بردند. این بار حتی جای نشستن هم نبود. در آن فضای کوچک، 48 نفر بودیم. البته با قسمت‌هایی از جلوی توالی که جای خیس دمپایی بچه‌ها باعث گل و کثافت شدن آن شده بود و مطمئناً کسی حاضر نبود که آنجا بنشیند. من ترجیح می‌دادم که بایستم تا اینکه با پاهای جمع شده بنشینم. پایم درد می‌کرد. هوای داخل سلول به شدت گرم و غیر قابل تحمل شده بود. آنقدر که هر لحظه ماندن در آنجا عذابی دشوار می‌نمود. بچه‌ها کلافه و بی‌حوصله شده بودند.

بعد از گذشت حدود دو ساعت، در باز شد. دوباره اسم می‌خواندند. همین که بیرون از سلول رفتم نفسی عمیق کشیدم. ما را جلوی ساختمان بازداشتگاه نشاندهند. دو نفر که از دادگاه انقلاب آمده بودند برگه‌هایی را بین بچه‌ها تقسیم می‌کردند. این بار هم باید در برابر اتهامات از خودمان دفاع می‌کردیم. رؤیای آزادی محقق نشد. کارشان واقعا مضحک بود. وقتی دفاع خود را تمام کردیم، ما را چند متری آن طرف‌تر در ردیف‌های چهار نفره نشاندهند. روی یک برگ کاغذ نام، نام خانوادگی، نام پدر و تاریخ دستگیری هر کدام از ما را می‌نوشتند. کاغذ را روی سینه می‌گرفتم تا از ما عکس بگیرند. حتی در این لحظات هم از تمسخر و توهین بچه‌ها دست برنمی‌داشتند. معطلی در هوای آزاد را به خوابیدن در سلول ترجیح می‌دادم.

سه چهار نفر در گوشه‌ای از محوطه ایستاده بودند. فهمیدیم که نمایندگان مجلس هستند و برای پیگیری وضعیت ما آمده‌اند. این خبر باعث دلگرمی ما شده بود. نوبت امضای یک برگه دیگر فرارسید. در این میان با چهره جدیدی

دلیل برای بی‌گناهی‌ام داشتم که مطمئن باشم اگر به کارمان رسیدگی کنند باید آزاد شوم. در راهروی بازداشتگاه در یک صف نشستیم. آن جلو یکی روی صندلی نشسته بود و باز هم مشخصات ما را می‌پرسید و می‌نوشت. آنطور که بچه‌ها زیر لب می‌گفتند و از صحبت‌های مسئولین می‌شد فهمید آن بود که قرار است ما را به دادگاه انقلاب ببرند. حتی شنیدم که درخواست کردند تا سه عدد اتوبوس برای انتقال ما بیاید. در سلول باز بود تا بعد از گفتن مشخصات، دوباره به آنجا برگردیم. به علت بد بودن هوای درون سلول عده‌ای از بچه‌ها جلوی در آن ایستاده بودند تا در زمانی که کار دیگران تمام می‌شود از هوای بیرون سلول استفاده کنند. اما ناگهان با صدای فریاد مسئول بازداشتگاه به داخل سلول رفتند. وقتی همه وارد سلول شدیم و در آن بسته شد آن آقای مسئول که فردی چاق با صورتی خشن بود از در بچه در فریاد زد "اگه یه بار دیگه جلوی در جمع شین یا سر و صدا کنین یه گاز فسفر می‌زنم تا دهنتم . . .". البته هیچ کس تذکر او را جدی نگرفت. با خودم گفتم "مگه گاز فسفر همونی نبود که اسرائیلیا تو جنگ نوار غزه زدن و همه شاک می‌شدن؟ پس این خپله چی میگه؟!".

هوای سلول گرم شده بود. بین بچه‌ها بحث بود که قرار است با ما چه کار کنند. ذهنم به شدت درگیر بود. اینکه چقدر از اسلام اصیل و اهداف انسانی‌اش دور شدیم. اینکه آیا مملکت اسلامی ما واقعا اسلامی است؟ اینکه آیا می‌توان این جامعه خشن و منافق و راکد را اصلاح کرد یا نه؟ اینکه عکس‌العمل من در برابر ماجراهایی که بر سرم گذشت یا قرار است بگذرد چگونه باید باشد؟ فکر کردن باعث می‌شد تا گذر زمان را حس نکنم. نمی‌دانم چقدر گذشته بود که بار دیگر در سلول باز شد. ما را به سلول دیگری در انتهای راهرو انتقال دادند. هنگام خروج از سلول خودمان سربازی به ما گفت که جناب سروان عصبی است، چیزی نگوئیم و مراقب رفتارمان باشیم. جناب سروان همان مرد چاق و خشنی بود که حالا جلوی در سلولی که باید وارد آن می‌شدیم با یک باتوم بلند طوری ایستاده بود که انگار همین حالا می‌خواست آن را بر سر ت فرود بیاورد. در را بست و تاکید کرد که ساکت باشیم.

حالا تعدادمان تقریباً دو برابر شده بود و این یعنی مکان کمتر. من و دوستم گوشه سلول خودمان را جا کرده بودیم. یک نفر از بچه‌های مسجد را دیدم. پسر خوبی بود. مشغول صحبت کردن شدیم. از اینکه کجا و چگونه هر یک از ما را گرفته بودند و چه بلایی قرار بود بر سرمان بیاورند. هوای سلول نامناسب شده بود. دوباره در سلول باز شد.

فهرست بلند اتهامات دانشجویان

جناب سروان آمد. "اسم هر کی رو که خوندم بیاد بیرون و اسم پدرشو بگه". نام حدود ده نفر را خواند و آنها را برد. صدای داد و بیداد جناب سروان و چند نفر دیگر، حساسی فضا را ترسناک کرده بود. همان چیزی که امروز به جنگ روانی موسوم است. صداهایی شبیه ناله بچه‌ها و ضربه‌هایی به در و دیوار و فریادهای آمرانه باعث تضعیف روحیه بچه‌ها شده بود. یکی از بچه‌ها هم که کنار در سلول ایستاده بود و سعی می‌کرد از صداهایی که می‌شنود از اوضاع باخبر شود دائماً با گفتن جملات ناامید کننده وضعیت را وخیم‌تر می‌کرد. "فکر کنم دارن اونا رو می‌زنن"، "اوه، اوه، خدا به دادمون برسه"، "فکر کنم دارن از شون اعتراف می‌گیرن". من و دوستم سعی می‌کردیم به هم روحیه بدهیم. می‌گفتم "اگه قرار به زنده که ما یه عالمه خوردیم. دیگه از کتک خوردن نمی‌ترسیم"، "خیالت تخت. هیچ کاری باهامون ندارن"، "گور



بد شده بود.

با اینکه نزدیک عصر بود اما هنوز ناهار نخورده بودیم. یکی از سربازان که دلش به حال ما سوخته بود ظرف غذایی را به بچه‌ها داد. یک ظرف غذا و هشتاد نفر! آن نوجوانی که تازه موی صورتش درآمده بود و دائما غرغر می‌کرد، به دوستش گفت "سه روزه از دست این اراذل روزه بی سحر و افطار گرفتیم". ای کاش می‌شد این کودک سرکش را تربیت کنم. ناگهان قاضی پرونده درحالی‌که با تلفن همراهش صحبت می‌کرد از مقابل ما عبور کرد. "درگیر پرونده یه عده اراذل و اوباش سیاسی‌ام". چهار سال ما را نخبگان کشور لقب دادند اما در یک شب تبدیل به اراذل و اوباش شدیم. تمام آن توهین‌ها مثل هیزم‌هایی بودند که آتش خشم و نفرتم را شعله‌ور می‌کردند. دیگر نمی‌توانستم درونم را آرام کنم.

مدتی گذشت و ما همانجا نشسته بودیم. آن افسر مهربان پلیس امنیت به ما گفت که به احتمال 99 درصد همین امروز آزاد می‌شوید. اما این خبر دیگر برایم مسرتی نداشت. آنقدر در درونم غوغا و در گلویم بغض بود که مجال خوشحالی نبود. زمان می‌گذشت. مسئولین مدام در حال رفت و آمد بودند. بعد از مدتی قاضی از اتاقش بیرون آمد. افسر امنیت با نگاهش تایید کرد که حکم ما تبدیل به آزادی شده است. قاضی از ما خواست تا در گوشه‌ای از محوطه بنشینیم. قصد سخنرانی داشت.

با نام خدا آغاز کرد. خلاصه کلامش این بود "شما دانشجویید، منم دانشجوی دکترا هستم. شما اهل یادگیری هستید و من هم فعلا درگیر دکترا. راستش من قصد داشتم حکم اوین براتون صادر کنم. اما دیدم که شواهد و مدارک برای اتهام شما کامل نیست. به همین خاطر تصمیم گرفتم حکمتون رو بدل به آزادی کنم". وقتی این جمله را گفت خیلی از بچه‌ها گریه کردند. خیلی‌ها هم از ته دل خندیدند و به هم تیریک گفتند. "این تصمیم رو خودم شخصا گرفتم و از طرف هیچ مقام یا نهادی هم تحت فشار نبودم. اما یادتون باشه که پرونده‌های شما هنوز بازه. عکسای شما با عکسا و فیلمهایی که از این شبها گرفتیم

آشنا شدیم. نوجوانی که به زحمت سن او به 18 سال می‌رسید. تازه روی قسمت‌های کمی از صورتش مو درآمده بود. رفتار و حرکاتش باعث شد که در مدت کمی حس بسیار بدی نسبت به او داشته باشم. در میان آن همه انسان پلید خدا یک فرشته برایمان فرستاده بود، یک افسر پلیس امنیت. هر بار که ما را می‌دید یا با سوالات بچه‌ها مواجه می‌شد با ملایمت و لبخند می‌گفت "نگران نباشین. ما داریم تلاش می‌کنیم که همین امروز آزادتون کنیم". شنیدن واژه آزادی در دل ما قند آب می‌کرد. مقابل ساختمان بازداشتگاه نشسته بودیم که گروهی دیگر را نیز به اینجا منتقل کردند. در میان آن گروه حدود 50 نفری دوستانی را که دیشب با آنها چای خورده بودیم در سلامت ظاهری دیدم.

شرط آزادی از بند:

"وقتی رفتین بیرون به این قضایا دامن نزنین"

از دادگاه انقلاب یک قاضی آمده بود. اسم ما را روی یک پرونده صورتی رنگ نوشته بودند و با صدا زدن اسم در گروه‌های سه نفری وارد اتاق قاضی می‌شدیم. کنار در اتاق منتظر بودیم تا کار سه نفر قبلی تمام شود. داخل اتاق را نگاه می‌کردم. دو نفر که بسیار جوان بودند و مطمئنا از ما کوچکتر بودند مشخصات بچه‌ها را می‌نوشتند و به پایان آن مهر می‌زدند. از اینکه این همه کودک آنجا مسئولیت داشتند بسیار متعجب شده بودم. یکی از آن دو نفر بسیار بی‌ادب و گستاخ بود. با دیدن یک اتفاق تمام وجودم به آتش کشیده شد. وقتی شغل پدر یکی از بچه‌ها را پرسید، او جواب داد که پدرش شهید شده است. با نگاه تحقیرآمیزی به او گفت "خاک تو سرت بریزن". ابروهای آن پسر از خشم در هم کشیده شد و گفت "واسه اینکه پدرم شهید شده؟". "ببند دهنشو. حاجی بیا این دسته گل رو تحویل بگیر. فرزند شهیده خاک تو سر. خجالتت نمی‌کشه. برو گم شو". صورت آن پسر قرمز و چشمانش درشت شده بود. خون در رگم می‌جوشید. دلم می‌خواست دمار از روزگارش در بیاورم. به شدت از او

متنفر شده بودم. خدایا اینها دیگر چه قومی هستند. بغضم گرفت. آن پسر که بچه بدی هم به نظر نمی‌رسید در هنگام خروج از اتاق بغض کرده بود و رگهای گردنش برآمده شده بود. حق داشت. قاضی آمده بود تا حکم اوین برای ما صادر کند. تا به حال فکر می‌کردم که قرار است آزاد شویم. راستش دیگر خیلی برایم مهم نبود. آن فرزند شهید مقابل ساختمان زانو به بغل زده بود و هنوز صورتش قرمز بود. دیگر حالم از این مملکت کنیف





دهند. یکی می‌گفت "حالا فعلا جونتون رو بردارین و از اینجا برین. گوشیهاتون رو فردا میدیم". حالا دیگر سرباز وظیفه‌ها هم به ما متلک می‌انداختند. یاد این ضرب‌المثل افتادم که "شهر که بی کلانتر بشه قورباغه هم هفت تیر کش میشه". در این میان یک جوان که تا حالا دیده نشده بود وارد صحنه شد. گویا از حکم آزادی ما ناراحت بود. با قاضی و آقای زاکانی و آقای نادران بحث می‌کرد. بعد از اینکه فهمید رای را نمی‌تواند تغییر دهد، خشمش را با لگد زدن به یکی از بچه‌هایی که از کنار او می‌گذشت بروز داد. جالب آنکه هیچکدام از مسئولینی که آنجا حضور داشتند عکس‌العملی به آن حرکت نشان ندادند.

رهبر: شما با همکاری سردار احمدی مقدم آزاد شدید

ظاهر شیک بعضی از آن مسئولین نظرم را جلب کرده بود. پیراهن صورتی با شلوار جین و کفش اسپرت، کمربند چرم کلفت و صورت‌های تیغ‌زده. با خودم گفتم "احتمالا اطلاعاتی که میگن همینان". اتوبوس آمده بود. برای گذر وقت و به بهانه‌های مزخرف چند دفعه ما را سوار و پیاده کردند. کلافه شده بودیم. آقای فرهاد رهبر آمده بود. بچه‌ها به شدت از دست او عصبانی بودند. ولی برای رهایی از آن مکان لعنتی مجبور بودیم سخنانش را بشنویم. گفت "ما پیگیر کارتون بودیم و هستیم. ازتون می‌خوام فقط آرامشتون رو حفظ کنین تا ما پیگیر حقوقتون باشیم. شما با همکاری سردار احمدی مقدم رییس نیروی انتظامی آزاد شدین. من باز هم باید از ایشون تشکر کنم. این کار رو فردا حتما انجام میدم". نمی‌دانستم چرا باید از کسی که نیروهای او ما را کتک زدند قدردانی شود. یکی از بچه‌ها توانست طاقت بیاورد و پرسید "این راسته که با اجازه شما وارد کوی شدن؟ آقای زاکانی اینو گفته". رییس دانشگاه جواب داد "نه. من خودم اینجا میگم اشتباهه. من همچین کاری نکردم. حالا بگین که دوست دارین برین کوی یا مهمانسرا؟". این سوال او تمام خشم مرا دوباره برانگیخت. همه بچه‌ها یک صدا جواب دادند کوی. بعد از بچه‌ها شنیدم که روز بعد از حمله به کوی، آقای رهبر در جمع دانشجویان معترض گفته بود که برای حمله به کوی از او اجازه گرفته بودند.

بعد از کلی انتظار بالاخره سوار شدیم و اتوبوس به راه افتاد. هنگام خروج از آنجا به سردر آن توجه کردم. نوشته شده بود پلیس مواد مخدر تهران بزرگ. اما گویا با تغییر کاربری به پلیس امنیت تبدیل شده بود. عده‌ای از خانواده‌ها مقابل در آن ایستاده بودند. غیر از ما افراد بسیار دیگری هم به آنجا آورده شده بودند. ساعت از 1 بامداد گذشته بود. حس عجیبی داشتم. اتوبوس از در اصلی وارد کوی شده بود. چند نفری هم برای استقبال از ما آمده بودند. پیاده شدیم. به خانه خود بازگشتیم. قدم‌زنان تا ساختمان رفتیم. همه چیز شکسته و سوخته بود. صحنه‌های دردناکی بود. دلم خیلی پر بود. وای به حال کشوری که نخبگان و آینده‌سازانش این همه خشم و نفرت داشته باشند. دیدن درها و پنجره‌ها و لکه‌های خون روی زمین داغ دلان را تازه می‌کرد. حتی به توالت‌ها هم رحم نکرده بودند. کوی هنوز ویران بود، هنوز غریب بود، هنوز داغ بود، هنوز در اوج سکوت، پر از فریاد بود، هنوز بغض داشت، هنوز سوز هوایش اشک از چشمانم جاری می‌کرد.

و ما لنا الّا تتوکل علی ... و قد هدانا سبلنا و لنصبرنّ علی ما اذیتونا و علی ... فلیتوکل المتوکلون

مقایسه میشه. اگه تو اونا نباشین که هیچ وگرنه دوباره در خدمتون هستیم. اگر یک بار دیگه هم به هر دلیلی اینجا پیداتون بشه پرونده تون دوباره باز میشه. فقط یه خواهش برادرانه هم دارم ازتون. حالا که ما از روی برادری و اینکه خلاصه ما هم یه جورایی دانشجوییم حکم آزادیتون رو صادر کردیم شما هم لطف کنین و وقتی رفتین بیرون به این قضایا دامن نزنین. حالا دیگه شما آزادین. فقط باید یه فکری برای این وضع ناهنجار ظاهرتون بکنیم. حرف‌های او شدت فشار بغض گلویم را بیشتر کرد. این کمال بی‌انصافی بود که برای من بی‌گناه بعد از ضرب و توهین و تحقیر پرونده درست کنند و از اینکه حکم زندان‌ام را به حکم آزادی مشروط تبدیل کرده‌اند منت به سرم بگذارند و از من بخواهند تا دهانم را در برابر تمام این زشتی‌ها و تلخی‌ها ببندم. آن قاضی که حکم آزادی را به ما مزده داد همان کسی بود که ما را اراذل و اوباش خوانده بود. از آزادی خوشحال بودم. ولی ناراحتی و خشمم بیشتر بود. اما بچه‌ها آنچنان تحت تاثیر آن خبر قرار گرفته بودند که حتی مانع پرسیدن سوال دیگران از قاضی می‌شدند. به این دلیل که مبدا نظرش عوض شود. پشت سر من یک نفر نشسته بود که از خوشحالی به گریه افتاده بود. هنگامی که دستم را بالا بردم تا از قاضی پیروم که چه تضمینی وجود دارد که پرونده‌های ما را ببندید، دستم را گرفت و از من خواهش کرد تا حرفی نزنم که باعث تغییر نظر قاضی شود. خنده‌ام گرفته بود. انگار نه انگار که ما در این بازی باختیم.

زاکانی: "اونا از رهبر اجازه گرفته بودن"

افسر پلیس امنیت آمد و بچه‌هایی را که لباسشان پاره یا خونی یا نامناسب بود جدا کرد و از آنها خواست تا لباس‌های خونی خود را تحویل دهند و لباس نو بگیرند. صحنه‌هایی بود که دلم را می‌شکست. نزد آقای زاکانی نماینده مجلس رفتم. خواستم با او در مورد این معامله ناعادلانه صحبت کنم. ولی او گفت که الان وقت این حرف‌ها نیست. از او پرسیدم "لااقل بگین مگه قانون مصوب خودتون نبود که این وحشیا حق ندارن بیان خوابگاه؟". گفت "آره. ولی اگر از رییس دانشگاه اجازه بگیرن می‌تونن بیان. اون جور که ما فهمیدیم اونا از آقای فرهاد رهبر اجازه گرفته بودن". خشکم زده بود. از تحیر نمی‌توانستم حرف بزنم. روی زمین نشستم. دلم می‌خواست‌های گریه کنم، فریاد بکشم. بیشتر از همیشه خشمناک بودم. بالاخره توانستم یکی را پیدا کنم که بتواند مرا درک کند. همان پسر خوب مسجدی. او هم به نتیجه این بازی شکایت داشت. گفتن درد دلم به او باعث شد سبک شوم. ساعت از 8 گذشته بود.

خیلی خسته بودم. روحم بیشتر از جسمم درد می‌کرد. دوستانم را دیدم. همان‌ها که به اتاقم آمده بودند. همدیگر را در آغوش گرفتیم. به او گفتم "حالا دیدی کی جو می‌داد جوگیر؟ دیدم چه جوری با لشگر پنج هزار نفری کوی شکستشون دادی". خندید و خنده او از غم کاست. همانهایی که صبح به ما توهین می‌کردند حالا برایمان ساندویچ خریده بودند. فقط دلم می‌خواست هر چه زودتر از آن محیط خراب‌شده خارج شوم. این همه لطف و مهربانی بعد از آن همه توهین و تحقیر واقعا مسخره بود. آنقدر به ما علاقه پیدا کرده بودند که حتی برای دسر به ما آمبویه و کیک دادند. شاید هم دلشان نمی‌خواست که به این زودی به کوی برویم. با بهانه‌های خرید دمپایی برای پابرهنه‌ها و آمدن اتوبوس کلی ما را معطل کردند. از آنها خواستیم که گوشی‌های ما را پس دهند. اما با لحنی که آنها جواب می‌دادند گویا قرار نبود گوشی‌ها را تحویل



متن مکتوب اظهارات دانشجویان منتقل شده به بازداشتگاه وزارت کشور

شب‌ی در منفی چهار وزارت کشور "اینجا از گواتانامو صد پله بدتر است"

مکتوب زیر گزارشی است مختصر از سیر تاثر انگیز بازداشت تعدادی از دانشجویان کوی دانشگاه تهران و انتقال آنها به بازداشتگاه زیرزمینی وزارت کشور. امید است که اساتید و دانشجویان خواننده این متن تدبیری برای بازرسی این مکان مخوف و جهنمی ببینند.

بازداشت دانشجویان در کوی دانشگاه با رفتاری بسیار خشونت آمیز، خصمانه و توهین آمیز صورت گرفته است. نیروهای لباس شخصی و پلیس دانشجویان را در هنگام بازداشت به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و انواع توهین‌ها و ناسزاهای زشت و شرم آور را به آنها نسبت داده‌اند. با این حال، ضرب و شتم و توهین و تحقیر دانشجویان به مرحله دستگیری آنها در اتاق‌های کوی دانشگاه یا محوطه کوی محدود نمانده، بلکه وضعیتی به مراتب بدتر به لحاظ شکنجه جسمی و روحی در بازداشتگاه وزارت کشور رخ داده است. دانشجویان بازداشت شده که بی دلیل و تنها بر اساس خوشایند نیروهای لباس شخصی برای انتقال به بازداشتگاه انتخاب شده‌اند، اغلب به زیرزمین وزارت کشور یا بازداشتگاه یکی از کلاتری‌ها انتقال یافته‌اند. برخی نیز بعداً به زندان اوین فرستاده شده‌اند که البته هنوز آزاد نشده‌اند. گزارش پیش‌رو شرح بازداشت تعدادی از دانشجویان است که به شکنجه‌گاه وزارت کشور انتقال یافته‌اند. گفته‌هایی که در پی می‌آید نقل به مضمون از گفته‌های دانشجویان است.

محوطه حضور داشت.

در مرحله بعدی، روی زمین نشسته و به طور متناوب به ما دستور نگاه کردن به زمین یا سقف را می‌دادند. پس از آنکه چند دقیقه‌ای دستور خیره شدن به زمین به ما می‌دادند، به ناگهان از پشت با باتوم و لگد بر سر و گردن مان می‌کوبیدند. یا در حالی که سر ما رو به پایین بود و به زمین خیره شده بودیم، سرباز وظیفه‌ای که در سنگدلی از ماموران گارد هم بدتر بود، با لگد بر سر برخی دانشجویان می‌کوبید و می‌گفت که "چرا به زمین نگاه نمی‌کنی؟؟" در حالی که سر همه دانشجویان رو به زمین بود. یکی از رفتارهای شکنجه آمیز در این بخش، صدای وحشتناک شکستن آجر توسط کارگرانی بود که در ظاهر در بخش پستی محوطه مشغول به کار بودند اما مشخص بود که در واقع برای ایجاد سر و صدای عمدی در آنجا کار می‌کردند. در حالی که ما در بخشی از

محوطه جمع کرده و سرهامان رو به پایین بود، کارگران در فاصله‌ای دورتر آجرها را به طرز وحشتناکی خرد می‌کردند که صدای آنها به شدت باعث عصبی شدن ما می‌شد. برخورد با دانشجویانی که قصد استفاده از دستشویی داشتند به شدت وحشتناک و غیرانسانی بود. اولاً اینکه دستشویی بدون در و پوشش بود و کسی که به دستشویی می‌رفت در معرض دید بود؛ ثانیاً زمان دستشویی 30 ثانیه بود؛ پس از تمام شدن 30 ثانیه دانشجویان را با غیرانسانی‌ترین شکل ممکن به



"ما در یک گروه 46 نفره توسط یک مینی‌بوس به زیرزمین وزارت کشور انتقال پیدا کردیم. در داخل مینی‌بوس، چشم دانشجویان بسته شد. روی صندلی‌هایی نشانه شدیم که بر قسمت بالای صندلی سرپوشی حلبی مانند قرار داده شده بود که در بالای سر قرار می‌گرفت؛ در طول مسیر به طور دائم با باتوم روی این حلبی‌ها می‌کوبیدند که صدای وحشتناکی در گوش ما ایجاد می‌کرد و بدترین نوع شکنجه روانی در آن شرایط بود. پس از طی مسیر، به ناحیه‌ای رسیدیم که از حرکت چرخشی رو به پایین مینی‌بوس متوجه شدیم که در حال ورود به یک زیرزمین هستیم. بعدها در زمزمه‌های ماموران و نیروهای لباس شخصی همراه فهمیدیم که این زیرزمین در وزارت کشور واقع است. زیر زمین یک محوطه حدوداً صدمتری بود که کف آن پوشانده از خاکستری سیاه بود که از آن بخار

برمی‌خاست. پس از آنکه به محوطه وارد شدیم مجبورمان کردند روی زمین دراز بکشیم و سپس وادار به غلتیدن روی زمین مان کردند. باید به گونه‌ای غلت می‌زدیم که سرمان به پای ردیف بعدی برخورد نکند؛ به محض برخوردی کوچک، با باتوم و لگد بر سر و بدن مان می‌کوبیدند. دائماً می‌گفتند که "می‌خواهید انقلاب کنید... و سپس فحش‌های هرزه و ناموسی بود که پشت سر هم تارمان می‌کردند. برای جمع حدوداً پنجاه نفری ما بیش از بیست نیروهای گارد و لباس شخصی در این



چهار وزارت کشور بود که زبان از گفتن و بازگو کردن ان شرم دارد. رفتارهای غیرانسانی و شکنجه آمیز به منفی چهار وزارت کشور محدود نبود. پس از انتقال ما به پلیس امنیت نیز شکنجه جنسی به نوعی انجام شد.

حضور یک روزه ما در منفی چهار وزارت کشور، بدترین روز زندگی مان بود که هرگز از ذهن ما پاک نخواهد شد. یکی از ماموران که به محوطه زیرزمینی آمده بود، می گفت اینجا از گوتانامو هم هزار بار بدتر است. الفاظ رکیک و توهین های ناموسی که به ما می کردند، فراموش ناشدنی است. در برخی لحظات واقعاً فکر می کردیم که برای همیشه اینجا خواهیم ماند و هیچ کس به داد ما نخواهد رسید. یکی از رقت بارترین لحظات، زمانی بود که تقریباً بعد از یک ساعتی که در منفی چهار روی زمین غلت داده بودندمان، دور هم جمع مان کردند؛ در این حال یکی از دانشجویان شروع به گریه کرد و ناگهان همه زدند زیر گریه ...

هنگامی که به پلیس امنیت آوردن مان، رئیس دانشگاه - دکتر رهبر - به همراه یکی از نماینده های مجلس آمده بود. در حالی که خبرنگارانی برای عکس گرفتن از این حرکت افتخارآمیز! رئیس دانشگاه همراه شان بودند، به هر دانشجو یک تی شرت هدیه دادند! تا لباس های پوشیده از خون دانشجویان در معرض دید مردم قرار نگیرد. سوالی که از ذهن همه ی ما می گذشت این بود که دکتر رهبر در شب حمله کجا بود و چرا هیچ کاری برای جلوگیری از حمله نکرد؟ تلقی عموم دانشجویان این بود که آمدن رهبر به پلیس امنیت هم حرکتی تبلیغی بود؛ چون اگر به واقع به فکر دانشجویان بود، باید در مقابل حمله به کوی دانشگاه مقاومت می کرد ...

آیا قابل تصور است که در کشوری که حکومت ان ادعای اسلامی بودن دارد چنین فجایع و جنایات غیرانسانی ای رخ دهد؟ چه کسی مسئول ایجاد چنین بازداشت گاه وحشتناکی در "وزارت کشور" این مملکت است؟ آیا به راستی وزارت کشور که باید مامن تامین امنیت مردم باشد، شایسته است که به شکنجه گاه دانشجویان بی گناه بدل گردد؟

به عقیده ما وظیفه تمامی دانشگاهیان است که به عنوان پاسداران حقیقت و محافظان حریم دانشگاه، نسبت به بازرسی حضوری از این شکنجه گاه مخوف اقدام کنند. ما به جای ترحم های ظاهری مسئولان دانشگاه و اهدای تی شرت خواسته ای جز بازدید حضوری اساتید و مسئولان دانشگاه از منفی چهار وزارت کشور نداریم؛ تا این عزیزان از نزدیک و با چشمان خود ببینند که بدترین و جهنمی ترین روز زندگی تعدادی دانشجوی بی گناه چگونه رقم خورده است.

بیرون پرتاب می کردند. یکی از رقت بارترین صحنه ها که هرگز از مقابل چشم دانشجویان پاک نخواهد شد، زمانی بود که زمان 30 ثانیه ای دستشویی یکی از دانشجویان به پایان رسید؛ در این هنگام مامور دستشویی با لگد و در حالی که این دانشجو هنوز عریان بود او را از دستشویی به بیرون پرتاب کرد و به وسط جمع دانشجویان انداخت.

یکی از دانشجویان از ناحیه چشم دچار آسیب شده بود. وی به ماموری که نزدیکش بود گفت که چشمش به شدت درد می کند و در حال از دست دادن بینایی خود است؛ اما نه تنها به وی یک پارچه کوچک برای قرار دادن روی چشمش داده نشد که بدتر با مشت و لگد بر صورتش کوبیدند. دانشجوی دیگری از ناحیه پا با شکستگی روبرو شده بود به گونه ای که گوشه ای افتاده بود و نمی توانست حرکت کند، اما حتی به او هم رحم نمی کردند.

حتی آب را از دانشجویان دریغ کردند. برای یک مرتبه که می خواستند به دانشجویان آب بدنند به آنها دستور دادند سرهای خود را بالا بگیرند و دهان را باز کنند. سپس به طور ردیفی (دانشجویان در ردیف های 5 نفری پشت سر هم چیده بودند) ظرف آب را برای چند لحظه از بالا روی دهان دانشجویان می ریختند. دفعه بعد که یکی از فرماندهان برای بازدید آمد، گفت "سیراب شان کرده اید؟". مامور حاضر گفت بله. سپس به دانشجویی که پایش شکسته بود و در گوشه ای افتاده بود اشاره کرد و گفت "پس چرا این داره می میره؟ ... آب به شان بدهید". اما فکر می کنید واقعاً می خواستند به ما آب بدهند؟ این بار شلنگ آبی آوردن؛ بچه ها به گمان اینکه به آنها می خواهند آب بدهد به سمت شلنگ رفتند؛ اما آنچه از شلنگ بیرون می آمد، آب جوش بود که باعث سوختن لب و دهان دانشجویان شد. با این حال بعضی دانشجویان از شدت تشنگی آب جوش را می خوردند!

غذایی که به ما دادند، ماکارونی ماسیده ای بود که بدون قاشق در کف دست های مان ریختند. می گفتند اگر یک رشته روی زمین بیفتد باید از روی زمین بردارید و بخورید. اگر کسی غذای ریخته شده را بر نمی داشت، با لگد بر سرش می کوبیدند. دانشجویان به زحمت می توانستند دست خود را به دهان شان برسانند؛ اما از ترس مجبور بودند غذایی که روی زمین می افتاد و با خاکستر و کثافت پوشانده می شد را بردارند و بخورند. همین کار در موقع دادن صبحانه!! تکرار شد. برای صبحانه یک لقمه کوچک نان که پیری وسط آن قرار داده شده بود به دانشجویان می دادند و می گفتند با بغل دستی خود نصف کنید. نان خشک بود و کوچک؛ در نتیجه هنگام نصف کردن لاجرم خرده های آن روی زمین می ریخت. باید خرده های نان را از لای خاکستر برمی داشتیم و می خوردیم. اگر این کار را نمی کردیم، با لگد و باتوم بر سرمان می کوبیدند.

یکی دیگر از رفتارهای زشت و کنیف با دانشجویان شکنجه جنسی آنها در منفی

جلالی: به وضعیت زندان طبقه منفی چهار وزارت کشور رسیدگی می کنیم

مخبر کمیسیون امنیت ملی با اشاره به اینکه او هم شایعات در خصوص زندان طبقه منفی چهار وزارت کشور را شنیده است، تاکید کرد که به این مسئله رسیدگی خواهد شد. کاظم جلالی که در جمع خبرنگاران پارلمانی حاضر شده بود در پاسخ به سؤال خبرنگار پایگاه خبری فراکسیون خط امام (ره) مجلس «پارلمان نیوز»، در خصوص اینکه آیا کمیته ویژه مجلس برای بررسی وضعیت بازداشت شدگان با توجه به اخباری که در مورد زندان های غیرقانونی از جمله زندانی طبقه منفی چهار وزارت کشور منتشر شده از این زندان ها بازدید می کند گفت: «بله من هم این موضع را شنیده ام که بهتر است اسم نبریم، از این مکان های غیرقانونی چندین مورد شنیده ایم که حتماً به وضعیت آنها رسیدگی می کنیم.» وی در خصوص بازداشتگاه کهریزک نیز اظهار داشت: «نمی دانم این بازداشتگاه زیر نظر کدام نهاد است اما با بازجوها و افرادی که با زندانیان بدرفتاری کرده اند برخورد خواهد شد.»

مواضع و دیدگاه‌های مسئولان رسمی

برای آن یافت؛ جز آنکه باید اذعان داشت کودتاگران چنان از باده تقلب و قدرت سرمست بودند و احساس غلبه بر حریف بر آنها مستولی شده بود که نمی‌فهمیدند در حال انجام چه کاری هستند؟

سبعیت و عمق خشونت به‌کارگرفته در جریان حمله به کوی دانشگاه چنان بود که بخش‌ها مختلف حاکمیت را به تکاپو واداشت تا در ابتدا به محکوم کردن تهاجم به خوابگاه دانشجویان و آزار و شکنجه آنها بپردازند. مقام رهبری، رئیس و نمایندگان مجلس، رئیس دانشگاه و ... شماری از مسئولان بودند که بر برخورد فوری و قاطعانه با مهاجمان به کوی دانشگاه تاکید کردند. اما به تدریج که بحران سیاسی در کشور ادامه یافت و برخوردهای امنیتی شدت بیشتری یافت، تمامی مسئولان وعده‌های پوشالی روزهای آغازین را فراموش کردند و از موضع ضعف خارج شده، حوادث کوی دانشگاه را به اغتشاش‌گری شماری افراد معلوم الحال نسبت دادند که در مواجهه با این افراد، نیروهای «خودسر» نیز وارد عمل شده و اقدامات «خودسرانه‌ای» ترتیب داده‌اند. بدین ترتیب، دانشجویان به جای شاکي در موضع متهم نشستند و در نهایت نیز به حبس و شلاق محکوم گردیدند. این بخش از ویژه‌نامه را به مواضع مسئولان رسمی کشور اختصاص داده‌ایم. از خلال بررسی این مواضع می‌توان به خوبی سیر تبدیل شدن دانشجویان از شاکي به متهم را به نظاره نشست ...

تهاجم سبعانه نیروهای حکومتی به کوی دانشگاه در شب 25 خرداد 1388 حادثه‌ای هزینه‌زا و چالش‌آفرین برای حکومت بود. هیات حاکم از یک سو نمی‌توانست نسبت به تحرکات دانشجویی در کوی دانشگاه که هر آن احتمال گسترش آن به نواحی اطراف می‌رفت بی‌تفاوت باشد و لازم بود به طریقی این تحرکات مهار شوند؛ از سوی دیگر هر گونه تلاش برای مهار اعتراض‌های دانشجویی در نهایت به درگیری و ضرب و شتم دانشجویان می‌انجامید و به دلایل گوناگون از جمله بازتاب وسیع در رسانه‌های بین‌المللی امری به شدت چالش‌برانگیز و پرهزینه برای هیات حاکم به شمار می‌رفت.

در حالی که اعتراض‌های دانشجویی کوی دانشگاه تهران، اصفهان، شیراز، بابل و بیرجند را می‌شد با هزینه‌ای به مراتب کمتر برای هیات حاکم مهار کرد، خوشبختانه یا متأسفانه، نیروهای نظامی و شبه‌نظامی حکومت به گونه‌ای غیرقابل‌باور و حیرت‌انگیز با این اعتراض‌ها مواجه شدند. تهاجم وحشیانه به کوی دانشگاه و در هم شکستن اکثریت قریب به اتفاق ساختمان‌های کوی و ورود به یک‌ایک اتاق‌های دانشجویان و دستگیری شمار متعددی دانشجو (بیش از 135 تن) و سپس انتقال حیرت‌انگیز دانشجویان به بازداشتگاه وزارت کشور و به‌کارگیری وحشیانه‌ترین اشکال خشونت ممکن برای شکنجه و آزار آنها، شماری از رخدادهای حمله به کوی دانشگاه است که هیچ تحلیل منطقی یا عقلانی نمی‌توان





دانشگاه تهران با صدور بیانیه ای تعرض به دانشجویان کوی دانشگاه را محکوم کرد 1388/03/25

دانشگاه تهران در اطلاعیه ای حوادث کوی دانشگاه تهران را شدیداً محکوم و اعلام کرده است: مسئولین دانشگاه تهران وظیفه خود می دانند برای دفاع از حریم مقدس دانشگاه از طریق مراجع قانونی تا احقاق حقوق فرزندان خود از هیچ کوششی دریغ نکرده و مجدانه پیگیری لازم را به عمل آورند. دانشگاه تهران در اطلاعیه ای با دعوت از دانشجویان فهیم و فرهیخته دانشگاه به هوشیاری بیشتر اعلام کرد: دانشگاه تهران حضور غیرقانونی و رفتار خلاف قانون و حریم شکنانه افرادی غیرمسئول که از خارج دانشگاه به دانشجویان تعرض کرده و با وارد کردن ضرر و زیان به اموال دانشگاه موجب شکستن حریم مقدس دانشگاه شده اند را شدیداً تقبیح و محکوم کرده و از قوه قضائیه و نیروی انتظامی خواستار شناسایی و معرفی متخلفان و برقراری نظم و تضمین امنیت حریم دانشگاه و فرزندان عزیز خود می باشد. مسئولین دانشگاه تهران وظیفه خود می دانند برای دفاع از حریم مقدس دانشگاه از طریق مراجع قانونی تا احقاق حقوق فرزندان خود از هیچ کوششی دریغ ننموده و مجدانه پیگیری لازم را به عمل آورند. بر همه ملت غیور و دانشجویان عزیز روشن است که دانشجویان، این فرزندان فرهیخته ملت ایران هیچگاه اخلال گر نبوده و تفکیک صفوف آنان از سایرین برای حفظ ساحت مقدس علم ضروری است. رئیس، هیات رئیسه، مجموعه مدیران دانشگاه، دانشجویان دانشگاه تهران را فرزندان خود دانسته و همچون پدری دلسوز با همه وجود از استقلال و آرامش آنان و دانشگاه دفاع خواهند نمود و صیانت از حریم مقدس دانشگاه و دانشجویان را بر خود فرض می دانند.



بیانیه فرهاد رهبر: تعرض به کوی موجی از تاسف به دنبال داشت/ حادثه را پیگیری می‌کنم 1388/03/25

فرهاد رهبر در بیانیه ای تاسف خود از ضرب و شتم دانشجویان کوی دانشگاه را اعلام و تاکید کرد از طریق مراجع ذیربط شناسایی و مجازات عاملین این اقدام موهن را پیگیری می‌کنم. تعرض به کوی دانشگاه تهران، نماد آموزش عالی کشور توسط گروهی متجاوز و ضرب و شتم دانشجویان عزیزی که دغدغه ای جز اعتلاء، دانشگاه و کشور را ندارند موجی از تاسف و تاثر در دل اینجانب و تک تک دانشگاهیان را به دنبال داشت. اینجانب به عنوان رئیس دانشگاه تهران به شما عزیزان اطمینان می‌دهم که علیرغم مشکلات و محدودیتها، نهایت مساعی خود را به منظور حفظ امنیت و آرامش شما عزیزان به کار برده و از طریق مراجع ذیربط شناسایی و مجازات عاملین این اقدام موهن را پیگیری می‌کنم. دانشگاه تهران در طول تاریخ پرافتخار خود همواره مأمّن و خانه همه فرهیختگان، دانش پژوهان و دانشگاهیان بوده و هست لذا حفظ امنیت و آرامش آن وظیفه تک تک اعضای این خانواده بزرگ است. اینجانب ضمن دعوت همگان به آرامش، کمک و مساعدت شما فرزندان عزیز را در این راستا خواهانم.



لاریجانی هیئتی را مامور رسیدگی به اتفاقات ناگوار در برخی نقاط کرد 1388/03/25

در پی بروز برخی اتفاقات ناگوار در برخی از نقاط از جمله کوی دانشگاه تهران رئیس مجلس شورای اسلامی هیئتی را به سرپرستی حجت الاسلام سیدمحمد حسن ابوترابی فرد مامور رسیدگی به این امر کرد. متن پیام لاریجانی به این شرح است:
جناب آقایان حجت الاسلام ابوترابی فرد، دکتر الیاس نادران، دکتر حمیدرضا کاتوزیان، دکتر علی عباسپور تهرانی، دکتر کاظم جلالی، دکتر علیرضا زاکانی پس از مشارکت کم نظیر ملت ایران در انتخابات روز بیست و دوم خرداد ماه 88، اینک که مردم شریف ما در جشن حضور خود به سر می‌برند بعضاً اخباری از اتفاقات ناگوار در برخی نقاط از جمله کوی دانشگاه تهران می‌رسد و دستهایی درصدد تهیه خوراک تبلیغاتی برای رسانه‌های بیگانه می‌باشند و همچنین گزارشهایی مبنی بر برخورد با مردم به مجلس شورای اسلامی واصل شده است. بدین منظور به شما ماموریت داده می‌شود با مدیریت جناب آقای ابوترابی نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی در اسرع وقت گزارش جامع و بیطرفانه‌ای در مورد آنچه اتفاق افتاده تهیه و به اینجانب ارائه نمایید. بی‌تردید مهمترین وظیفه امروز همگان ایجاد آرامش و برهیز از التهاب آفرینی می‌باشد.



قمصری خبر داد: آزادی 80 دانشجوی کوی دانشگاه تهران / کوی آرام است 1388/03/26

معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تهران با بیان اینکه کوی دانشگاه تعطیل نخواهد شد، گفت: دوشنبه شب کوی دانشگاه آرامش خود را دوباره پیدا کرد. دکتر سید مهدی قمصری با بیان این مطلب افزود: امتحانات دانشگاه تهران لغو شده و زمان برگزاری امتحانات هنوز تعیین نشده است اما دانشجویانی که آمادگی دارند می‌توانند با مراجعه به گروه آموزشی در امتحان شرکت کنند. وی درباره حادثه کوی دانشگاه نیز گفت: آمار مشخصی از دستگیرشدگان حادثه کوی نداریم اما شب گذشته نزدیک به 80 نفر آزاد شده اند. خسارت مالی هم هنوز برآورد نشده است. معاون دانشگاه تهران ضمن محکوم کردن حادثه کوی دانشگاه به بیانیه فرهاد رهبر و هیئت رئیس دانشگاه تهران در این زمینه اشاره کرد و گفت: این حادثه از سوی مسئولان دانشگاه پیگیری می‌شود.



اطلاعیه دانشگاه تهران: هیچ دانشجویی در حادثه کوی دانشگاه کشته نشده است 1388/03/26

دانشگاه تهران در اطلاعیه ای اعلام کرد در حادثه کوی دانشگاه هیچ دانشجویی کشته نشده است. در این اطلاعیه دانشگاه تهران آمده است: در پی درج خبری مبنی بر کشته شدن پنج دانشجوی دانشگاه تهران در حادثه کوی دانشگاه به اطلاع عموم مردم شریف ایران و دانشجویان و دانشگاهیان عزیز می‌رساند که این خبر کذب محض است. همانگونه که در بیانیه های قبلی دانشگاه تهران درخواست شده در این شرایط حساس، آگاهی دانشجویان عزیز و تلاش مستمر مدیران دانشگاه ضامن حفظ امنیت و سلامت دانشجویان بوده و ضروری است در مقابل جنگ روانی دشمنان و بدخواهان کشور عزیزمان ایران از هوشیاری لازم برخوردار باشیم.





امروز برگزار شد: اعتراض هیئت علمی دانشگاه تهران به حوادث کوی دانشگاه

1388/03/26

اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران به همراه برخی از اساتید دانشگاههای امیرکبیر، علم و صنعت و صنعتی شریف و جمعی از دانشجویان دانشگاه در اعتراض به حوادث کوی دانشگاه صبح امروز سه شنبه در مسجد دانشگاه تهران تجمع کردند. در این تجمع که اساتیدی از کلیه دانشکده های دانشگاه تهران به همراه جمعی از دانشجویان و گروهی از هیئت رئیسه دانشگاه تهران حضور داشتند، چند نفر از دانشجویان کوی دانشگاه مشاهدات خود را برای سایرین بیان کردند. در ادامه یکی از اساتید دانشکده فنی خواستار استعفای هیئت رئیسه دانشگاه تهران در اعتراض به تجاوز به حریم دانشگاه تهران شد. وی اضافه کرد: من خوابگاه را دیدم و شهادت می دهم که متأسفانه هنوز توجهات به دانشگاه معطوف نشده است. دانشجویان ما مظلوم هستند. این استاد دانشگاه تهران ادامه داد: انتظار این است که هیئت رئیسه دانشگاه تهران در برابر این تجاوز به حریم دانشجویان در خوابگاه کوی، اقدام عملی کنند و استعفای دسته جمعی دهند.



در ادامه این تجمع دکتر جعفر توفیقی ضمن ابراز همدردی با دانشجویان صدمه دیده در این حوادث یادآور شد: دانشجویان فرهیخته و مظلوم مورد حمله قرار گرفته اند و تصاویری که از این حوادث منتشر شده است چهره خوبی از ما به نمایش نمی گذارد و این موضوع بیشتر مایه ناراحتی است که این دانشجویان همان افرادی هستند که در 22 خرداد حماسه آفریدند.

همچنین جمعی از اساتید دانشگاه علم و صنعت نیز ضمن ابراز همبستگی با تجمع اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران یادآور شدند که نسبت به این موضوع ابراز همدردی می کنند. در بخش دیگری از این تجمع یکی از اساتید دانشگاه امیرکبیر نیز اعلام کرد به مناسبت ابراز همدردی با دانشجویان و اساتید دانشگاه تهران برای حوادثی که برای کوی دانشگاه تهران اتفاق افتاده است تجمع اساتید دانشگاه امیرکبیر در مسجد این دانشگاه برگزار شده است.

لاریجانی تاکید کرد: برخوردهای صورت گرفته در حوادث کوی دانشگاه ناسنجیده بود

1388/03/26

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به حوادث کوی دانشگاه برخوردهای صورت گرفته را ناسنجیده خواند و ضمن اینکه وزیر کشور را مسئول پاسخگویی به این حوادث دانست از سیاستمداران و ملت ایران خواست تا با هوشیاری، سخنان و اقدامات را سنجیده و به بیگانگان فرصت هرزه گویی ندهند. علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در آغاز جلسه علنی امروز با بیان اینکه این روزها شاهد یکسری اغتشاشات در کشور هستیم که باید نسبت به آن احساس مسئولیت کنیم، اظهار داشت: برخی برخوردهای ناسنجیده و نادرست در کوی دانشگاه و مجتمع مسکونی سبحان و مجتمع مسکونی نمایندگان و چند نقطه دیگر باعث ناراحتی دانشجویان عزیز و ساکنان این مناطق شده است بنده خود از برخی از این مراکز بازدید داشتم و از چند نفر از نمایندگان خواستم به این موارد رسیدگی و به مجلس گزارش شود. لاریجانی تاکید کرد: چه معنایی دارد نیمه شب به دانشجویان در کوی دانشگاه حمله شود و یا ساعت 2:30 بامداد عده ای به مجتمع مسکونی سبحان حمله کنند و آسایش ساکنان را بر هم بزنند؟ وزیر کشور در این زمینه مسئول است و باید پاسخگو باشد. وی گفت: در این موارد هم باید چارچوب قانونی رعایت گردد و مجلس شورای اسلامی با جدیت این خواسته را دنبال می کند.



بیانیه فراکسیون خط امام مجلس در خصوص حوادث کوی دانشگاه تهران

1388/03/26

فراکسیون خط امام مجلس شورای اسلامی با صدور بیانیه ای در خصوص حوادث اخیر کوی دانشگاه تهران، خواستار پیگیری این موضوع از سوی نهادهای ذیربط شد. متن کامل این بیانیه به شرح زیر است: خبرهای تأسف آوری که از حوادث کوی دانشگاه تهران می رسد هر انسان آزاده و وطن خواه را به شدت آزرده می کند و قلب انسان های حقیقت خواه را به درد می آورد. بر اساس اخباری که به گوش می رسد تعدادی افراد سازماندهی شده با لباس شخصی به کوی دانشگاه تهران وارد شده و ضمن ایراد خسارات به اموال عمومی و اموال و امکانات دانشجویان به ضرب و شتم آنها پرداخته و تعداد زیادی از آنان را به محل های نامعلوم انتقال داده اند که از سرنوشت آنان اطلاع دقیقی در دست نیست. مشابه این حوادث در تعداد دیگری از محیط های دانشگاهی در تهران، شیراز و تبریز و شهرهای دیگر هم اتفاق افتاده است که همه این حوادث به شدت موجبات نگرانی همه علاقه مندان به اعتلای میهن اسلامی را فراهم نموده است. وقوع این فجایع در شرایطی است که وزیر کشور که به عنوان رئیس شورای امنیت کشور مسئولیت برقراری امنیت داخلی و حفاظت از جان و مال شهروندان را بر عهده دارد از این مسئله بسیار مهم غافل بوده و نیروی انتظامی و دیگر نهادها به دلیل بی تدبیری وزیر کشور در معرض جدی اتهام سازماندهی این عوامل خود سر مدیریت حوادث فوق قرار گرفته اند و وزیر علوم و تحقیقات فناوری علیرغم مسئولیت قانونی خود در حفاظت از دانشجویان و محیط های دانشگاهی عکس العمل موثری در برابر این حرمت شکنی های آشکار از خود بروز نداده است. ضمن ابراز تأسف شدید از وقوع این حوادث دردآور که حرمت محیط دانشگاه را مخدوش نموده و موجب آزار و اذیت دانشجویان این سرمایه های ارزشمند انسانی کشور گردیده است از مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایرانی می خواهیم که با تصمیمی درست و شایسته ضمن احترام به حقوق ملت، رعایت حرمت دانشجویان و دانشگاهیان را در دستور کار جدی دستگاه های مسئول قرار داده و برخورد جدی و فوری با عناصر خودسر سازمان یافته به عمل آورند. بدیهی است که نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی استیفای حقوق ملت و دفاع از دانشجویان عزیز را در سرلوحه پیگیری های خود قرار داده و ابعاد پنهان این اقدامات خیانت بار را به اطلاع ملت شریف خواهند رساند.





سؤال 52 نماینده مجلس از وزیر کشور در خصوص حوادث اخیر 1388/03/26

52 تن از نمایندگان مجلس با ارائه سؤالی به وزیر کشور دلایل برخورد های خلاف قانون برخی ماموران با مردم، دانشجویان و تعرض آنان به کوی دانشگاه و محیط های مسکونی و اموال مردم و بی تدبیری و عدم کفایت در کنترل نیرو های تحت امر را خواستار شدند. متن سؤال 52 نماینده مجلس از وزیر کشور به شرح زیر است: طی روز های اخیر و بعد از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری از سوی وزارت کشور، شاهد اعتراضات مردمی نسبت به نتایج اعلام شده بودیم که در مقابله با این اعتراضات، برخوردهای شدید و افراطی از سوی برخی نیروها و گروه های سازمان یافته با لباس شخصی که از سوی نهادهای فوق الذکر سازماندهی و هدایت می شوند، صورت گرفته است که با فجایع تاسف باری همراه بوده است. در متن سؤال مذکور عنوان شده که حمله لباس شخصی ها به کوی دانشگاه تهران و دیگر خوابگاه های دانشجویی در تهران و سایر شهرستانها و تخریب اموال عمومی و اموال دانشجویان مظلوم توسط آنان و جرح و ارباب و دستگیری دانشجویان که برای نمونه در دانشگاه تهران وضعیت بیش از یکصد نفر از دانشجویان ساکن مشخص نیست و شایعات زیادی در مورد بازداشت های خود سرانه و... وحشت در کشور ایجاد کرده است. نمایندگان سؤال کننده همچنین تعرض برخی عوامل گروه های خودسر با لباس شخصی به مردم، اتومبیل های شخصی، مجتمع های مسکونی که با شعار الله اکبر و به صورت مسالمت آمیز به نتیجه انتخابات اعتراض دارند و هتک حرمت و سلب امنیت مردم و شهروندان عادی و جسارت و توهین به آنان را سبب ایجاد فضایی از رعب، وحشت و ناامنی در کشور دانستند که مسئولیت کامل این وضعیت بر عهده وزیر کشور به عنوان رئیس شورای امنیت کشور است. در شرح سؤال 52 نماینده مجلس از وزیر کشور نمایندگان سؤال کننده از وزیر کشور درخواست کردند که در مجلس حاضر شده و در خصوص بی کفایتی و اهمال و بی تدبیری های به عمل آمده در شرایط حساس کنونی توضیحات لازم را ارائه کرده و مسئولین نیز این اقدامات خلاف قانون را مشخص کنند.



ابوترابی فرد تاکید کرد: لزوم برخورد با آمرین و عاملین حوادث کوی دانشگاه و دلجویی از دانشجویان 1388/03/26

نائب رئیس مجلس شورای اسلامی ضمن لزوم برخورد با آمرین و عاملین کوی دانشگاه و جبران خسارتهای مادی و معنوی آنها خواستار دلجویی از دانشجویان شد. کمیته پیگیری رویدادهای اخیر که از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی مامور بررسی و پیگیری شده اند صبح امروز به ریاست ابوترابی و با حضور جمعی از مسئولان ذیربط تشکیل جلسه داد و با توجه به اهمیت حوادث کوی دانشگاه تهران و بعضی از دستگاه های کشور به تحلیل و بررسی این حوادث پرداختند. ابوترابی فرد رئیس کمیته پیگیری رویدادهای اخیر درباره مسائل مطروحه در جلسه فوق اظهار داشت: در این جلسه 5 ساعته ابتدا اینجانب و آقایان جلالی، نادران، سروری و زاکانی گزارشی از بازدید روز گذشته خود از کوی دانشگاه تهران و بعضی از رویدادهای اخیر ارائه کردیم. وی افزود: در ادامه جلسه فرهاد رهبر رئیس دانشگاه تهران حادثه را شرح داد و جانشین فرماندهی نیروی انتظامی نیز درباره اتفاقات اخیر و آنچه در روزهای شنبه و یکشنبه در کوی گذشت گزارشی ارائه نمود. نائب رئیس مجلس شورای اسلامی عنوان کرد: اعضای کمیته ضمن قدردانی از تلاش های نیروی انتظامی بر این مسئله تاکید کردند که چه افرادی و چگونه و بدون توجه به معیارهای قانونی وارد کوی دانشگاه تهران شدند و به دانشجویان و اموال آنان و اموال دولتی خسارت وارد کردند. به نظر کمیته آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که چرا افرادی با لباس شخصی و بدون داشتن مأموریت از طرف نهادهای مسئول داخل نظام وارد کوی شدند. از نظر کمیته این افراد کاملاً مشکوکند و باید هر چه سریعتر هویت آنان توسط دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی کشف و فاش شود. ابوترابی فرد با بیان اینکه این مسئله همچنین مورد تاکید جدی وزیر علوم تحقیقات و فناوری و رئیس دانشگاه تهران بوده و آنان نیز دارای سؤال و ابهام جدی بودند، افزود: نیروی انتظامی ضمن مردود دانستن اقدام این گونه افراد موظف شد در خصوص شناسایی هویت و برخورد با آنان اقدامات جدی انجام دهد. وی افزود: در این جلسه گزارشی از روند آزادی دانشجویان دستگیر شده که با پیگیری جدی این کمیته و ریاست دانشگاه تهران و نگاه صحیح و قابل تقدیر نیروی انتظامی و قوه قضائیه انجام شد ارائه گردید. نایب رئیس مجلس تصریح کرد: همچنین کمیته مقرر نمود که ضمن برخورد با آمرین و عاملین کوی دانشگاه و فنی جبران خسارت های مادی و معنوی هر چه سریعتر از دانشجویان دلجویی شود. کمیته همچنین مصر است به منظور عدم تکرار این حوادث تلخ تا روشن شدن کامل حقایق به منظور ریشه یابی پیگیری کامل نماید.



رئیس کمیته پیگیری رویدادهای اخیر با اشاره به اینکه در این جلسه دکتر کاتوزیان ضمن ارائه گزارشی از بازدید خود در معیت محترم مجلس شورای اسلامی از شهرک سبحان مقرر شد عاملان حملات به آن شهرک شناسایی و با آنان برخورد جدی و خسارات مردم نیز جبران شود، گفت: کمیته برای بررسی و تحلیل دقیق رویدادهای اخیر و اتخاذ راهکارهای مناسب اقداماتی را در دستور کار خود دارد که متعاقباً به اطلاع مردم شریف خواهد رسید.

گفتگو با فرهاد رهبر: استعفاء معنایی ندارد/ تلاش برای آزادی تمام بازداشت شدگان کوی 1388/03/27

رئیس دانشگاه تهران با تاکید بر اینکه از سمت خود استعفا نخواهد داد و استعفا در چنین زمانی یک راحت طلبی است تاکید کرد: ما ایستاده ایم و از حقوق دانشجویان دفاع می کنیم و تا روشن شدن کامل حوادث کوی و مجازات مسببین آن این موضوع را پیگیری خواهیم کرد. دکتر فرهاد رهبر افزود: همانطور که در اطلاعیه ها و بیانیه های متعدد بیان کرده ایم هر آنچه که در توان دانشگاه تهران باشد برای رفع مشکل دانشجویانی که در کوی دانشگاه صدمه دیده یا بازداشت شده اند بکار خواهیم بست. وی در پاسخ به این پرسش که دانشگاه چه اقدامات عملی برای دانشجویان دستگیر شده در درگیری های حوادث کوی دانشگاه انجام می دهد، گفت: اکثر قریب به اتفاق این دانشجویان آزاد شده اند اما تعداد معدودی از آنها هنوز بازداشت هستند که با همکاری نیروی انتظامی به زودی آزاد خواهند شد. رهبر درباره چگونگی احقاق حقوق دانشجویان توسط دانشگاه گفت: پیگیری های لازم از سوی دانشگاه با مسئولان امر انجام شده تا مستندات مربوط به احقاق حق دانشجویان ارائه شود. رئیس دانشگاه تهران در پاسخ به خواسته جمعی اساتید دانشگاه تهران برای استعفاء دسته جمعی هیئت رئیسه دانشگاه تهران به مهر گفت: چرا ما باید استعفا دهیم. ما باید همچنان محکم بایستیم تا از دانشجو حمایت کنیم. استعفا در این برهه اصلاً معنایی ندارد. وی اضافه کرد: دانشجویان باید از من بخواهند که هر کاری که می توانم برای آنها انجام دهم.





معاون دانشجویی دانشگاه تهران خبر داد: آزادی 80 دانشجوی کوی دانشگاه تهران / کوی آرام است
1388/03/27

معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تهران ضمن محکوم کردن حادثه کوی دانشگاه به بیانیه فرهاد رهبر و هیئت رئیس دانشگاه تهران در این زمینه اشاره کرد و گفت: این حادثه از سوی مسئولان دانشگاه پیگیری می شود.

کامران خبر داد: گزارش حوادث کوی دانشگاه در جلسه غیر علنی غیر رسمی امروز مجلس قرائت شد
1388/03/27

در جلسه غیر علنی غیر رسمی مجلس که صبح امروز برگزار شد محمد حسن ابوترابی فرد نایب رئیس اول مجلس گزارش ریزشها درباره حوادث اخیر و حمله به کوی دانشگاه را در صحن علنی ارائه کرد. حسن کامران، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس پس از پایان این جلسه غیر علنی با حضور در جمع خبرنگاران با بیان این مطلب اظهار داشت: این گزارش در خصوص حوادث کوی دانشگاه و مسائل کلی اغتشاشات و آشوبها بود که به نظر مفید آمد. وی افزود: به نظر می رسد می شود مسائل را با سه صدر و حوصله با طرفین نامزدها حل و فصل کرد. کامران تصریح کرد: چون در این گزارش اختلاف نظرهایی وجود داشت قرائت آن به جلسه بعد موکول شد. وی دلایل این اختلاف نظرها را عنوان نکرد و گفت: معدودی از نمایندگان درباره این گزارش اختلاف نظر داشتند. نماینده اصفهان تاکید کرد: وظیفه وزارت اطلاعات است که با سرخط های اغتشاش گران برخورد کند. وی ادامه داد: البته باید میان اغتشاش گران و کسانی که به نتایج انتخابات معترض هستند تفاوت قائل شد.



در نامه ای به استاندار ؛ وزیر کشور دستور پیگیری حادثه کوی دانشگاه تهران را صادر کرد
1388/03/27

صادق محصولی در نامه ای به استاندار تهران دستور پیگیری حادثه کوی دانشگاه تهران را صادر کرد. متن نامه وزیر کشور به استاندار تهران به این شرح است: اهمیت جایگاه دانشگاه و دانشجویان عزیز به عنوان قشر فرهیخته و نخبه جامعه ایجاب می نماید مسئولان ذیربط در همه صحنه ها و رخدادها به این مهم توجه جدی داشته باشند. بدنبال برخی اقدامات مخرب از سوی بدخواهان نظام مقدس جمهوری اسلامی و عوامل اغتشاشگر و واکنش طبیعی و قانونی مجریان امنیت و نظم عمومی، بالاخص در روزهای اخیر، اخباری مبنی بر ورود افراد و دستجات مشکوک به حریم کوی دانشگاه و وارد کردن لطمه و خسارت مادی و معنوی به دانشجویان محترم واصل گردید، لذا به جنابعالی مأموریت داده می شود با تشکیل هیئتی مرکب از افراد خبره و مسئول ضمن ملاحظت و دلجویی از فرزندان عزیز دانشجوییمان با همکاری ریاست محترم دانشگاه تهران در اسرع وقت نسبت به:



- 1- شناسایی و چگونگی ورود افراد غیرمسئول به مجموعه کوی دانشگاه و مشخص کردن ماهیت واقعی مهاجمین
 - 2- نحوه و میزان خسارات وارده
 - 3- بررسی شکایات دانشجویان محترم ساکن کوی
 - 4- راههای ترمیم مشکلات مادی و معنوی بوجود آمده و جبران خسارات مالی اقدام و نتیجه را به اینجانب منعکس نمایید.
- بدیهی است کلیه دستگاه ها و سازمان های ذیربط حداکثر همکاری را معمول خواهند داشت.

واکنش وزارت علوم به حوادث اخیر در دانشگاههای تهران و شیراز
1388/03/28

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بیانیه ای در خصوص پیگیری حوادث اخیر در دو دانشگاه تهران و شیراز صادر کرد. وزارت علوم در این بیانیه با اشاره به گفته های حضرت امام و رهبر معظم انقلاب در میزان توجه به دانشگاه به عنوان یکی از اصلی ترین مراکز دستیابی به اقتدار علمی کشور، هرگونه ایجاد ناامنی و سلب آرامش و آسایش از دانشگاه و دانشجو عامل انحطاط و عقب ماندگی دانسته شده است. در ادامه این بیانیه تاکید شده است: "متأسفانه گاه و بیگاه برخی از دانشگاههای کشور با حوادث غیر قابل قبولی مواجه می شوند و با تأسف کوی دانشگاه تهران به عنوان نماد آموزش عالی کشور در یک دهه گذشته چند بار دستخوش اتفاقات ناخوشایند و دردآوری بوده که به دلیل عدم واکاوی دقیق علل و عوامل آن و نیز عدم برخورد جدی با عاملان آن، بار دیگر تکرار شده و به دانشگاه شیراز نیز تسری پیدا می کند. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری همچنین در این بیانیه با ابراز تأسف شدید از وقوع این حوادث درد آور که حریم دانشگاه را مخدوش کرده و موجبات سلب آسایش و ناراحتی دانشجویان که از سرمایه های ارزشمند انسانی محسوب می شوند، ادامه داده است: "وزارت علوم به جامعه دانشگاهیان ایران اسلامی اعم از اساتید، دانشجویان و کارکنان اطمینان می دهد که پیگیر حوادث فوق خواهد بود. از این رو از مسئولان قضایی کشور به صراحت درخواست شده است که در خصوص شناسایی، دستگیری و محاکمه عاملان حوادث اخیر کوی دانشگاه تهران و شیراز اقدام عاجل و جدی مبذول داشته و اجازه ندهند بار دیگر حرمت دانشگاه و دانشجو در جامعه خدشه دار شود." این وزارتخانه در بخش پایانی این بیانیه خاطر نشان کرده است: "وزارت علوم در دولت نهم همواره درصدد بوده است که در دانشگاهها فضای آرام و به دور از هرگونه تنش را فراهم سازد و امیدوار است که با دستگیری، محاکمه و مجازات عاملان حوادث اخیر برای همیشه ضمن آرامش بخشیدن کامل به دانشگاههای فوق، هرگونه فتنه شوم بدخواهان را ناکام گذارد."





جلالی خبر داد: جزئیات بررسی حادثه کوی دانشگاه و دیدار با هاشمی، موسوی و کروبی 1388/03/29

عضو کمیته پیگیری حوادث کوی دانشگاه و مسائل مربوط به اغتشاشات اخیر اتفاقات رخ داده در کوی دانشگاه را کاملاً مشکوک خواند و گفت: پیگیرهای اخیر مجلس نشان می دهد نهادهای مسئول در نظام به هیچ وجه در این اتفاقات دخیل نبودند. کاظم جلالی با اشاره به دیدار اعضای کمیته پیگیری حوادث کوی دانشگاه و اغتشاشات اخیر و سه نامزد انتخابات و آیت الله هاشمی رفسنجانی اظهارداشت: دیدار روز سه شنبه با آقایان کروبی و موسوی و دیدار روز چهارشنبه با هاشمی رفسنجانی و رضایی بود که در این ملاقاتها بر استفاده از ظرفیتهای قانونی کشور برای حل و فصل مسائل انتخابات و اختلافات تاکید شد. عضو کمیته پیگیری حوادث کوی دانشگاه ادامه داد: مسائل مربوط به حادثه کوی را پیگیری کردیم و مشخص شد جریانی که در کوی اتفاق افتاد کاملاً مشکوک است و به هیچ وجه نهادهای مسئول در جمهوری اسلامی در این حادثه دخیل نبوده اند و برخی تلاش دارند این را وارونه جلوه دهند. وی گفت: ما تلاش داریم به شکل جدی موضوع را پیگیری کنیم معتقدیم این اتفاقات به دور از ساحت نهادهای نظام است و باید پیگیری شود پشت صحنه این حادثه کجاست و نهایتاً گزارش خود را به مجلس ارائه خواهیم کرد. جلالی تاکید کرد: ما به دنبال کارهای شعاری نیستیم و کمیته قصد دارد با طمأنینه و جدی کار خود را انجام دهد. درعین حال کمیته و اعضای آن به دنبال فضا سازی رسانه ای نیستیم و امیدواریم با انصاف و تدبیر موضوع پیگیری و حل شود. وی با اشاره به پیگیری های انجام گرفته از سوی رسانه ها برای اطلاع از گزارش کمیته پیگیری حوادث کوی دانشگاه و همچنین مجتمع های مسکونی مورد حمله قرار گرفته تاکید کرد: ما نمی خواهیم در فضای تعجیل کار خود را انجام دهیم رسانه ها هم از ما نخواهند با عجله بررسی های خود را انجام دهیم.



مسعودی ریحان خبر داد: احضار وزرای علوم و کشور به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس 1388/03/30

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس از احضار وزرای علوم و کشور به دلیل حوادث اخیر کوی دانشگاه خبر داد. غلامحسین مسعودی ریحان گفت: نامه ای را امضا کرده ایم تا دو وزیر علوم و کشور به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس احضار شوند و در مورد حوادث اخیر به وجود آمده در کوی دانشگاه پاسخگو باشند. وی ادامه داد: هنوز در رابطه با زمان این احضار تصمیم گیری نشده است و این امر باید در هیئت رئیسه بررسی شود و سپس زمان آن اعلام شود.



قمصری خبر داد: نمایندگان مجلس با دانشجویان آسیب دیده کوی دانشگاه دیدار کردند 1388/03/31

معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تهران از دیدار دو تن از نمایندگان کمیته پیگیری حوادث کوی دانشگاه در مجلس با دانشجویان آسیب دیده حوادث اخیر کوی در صبح امروز یکشنبه خبر داد. سید مهدی قمصری گفت: کمیته ای در مجلس شورای اسلامی مسئول پیگیری حوادث اخیر کوی دانشگاه تهران شده است که در حال حاضر دو تن از این نمایندگان در حال صحبت با دانشجویان زخمی و آزاد شده هستند. وی ادامه داد: قبل از دیدار این نمایندگان با دانشجویان، اطلاعات مربوط به پیگیری های دانشگاه در مورد حوادث اخیر کوی، زخمی ها و دانشجویان آزاد شده را به اطلاع نمایندگان رساندیم. معاون دانشجویی دانشگاه تهران در رابطه با تعطیلی کوی دانشگاه اظهار داشت: هر ساله مطابق با یک برنامه مشخص 10 روز بعد از پایان امتحانات کوی را تعطیل می کردیم که امسال هم مطابق برنامه قبلی قرار بوده است که کوی از 13 تا 26 تیرماه برای تعمیرات تعطیل شود. وی افزود: این برنامه از قبل اعلام شده بوده است و مربوط به حوادث اخیر کوی نیست البته آسیبهای وارد شده به کوی در روزهای اخیر بار کاری همکاران ما را در تعمیرات کوی بیشتر می کند.



فرهاد رهبر: خسارت وارده به کوی جدی نیست 1388/03/31

رئیس دانشگاه تهران گفت: تاکنون بر اساس گزارشهایی که به دفتر ریاست دانشگاه ارائه شده است تمامی دانشجویان بازداشت شده در شب حادثه کوی دانشگاه و دانشجویانی از این دانشگاه که در سطح شهر دستگیر شده اند، آزاد شده اند و مشکلی برای آنها وجود ندارد. دکتر فرهاد رهبر افزود: موارد معدودی بوده که دانشجویان دانشگاه تهران در خارج از کوی دانشگاه دستگیر شده اند که این موضوع نیز پیگیری شده و این دانشجویان نیز آزاد شده اند. وی در پاسخ به این پرسش که آیا همه دانشجویان دانشگاه تهران آزاد شده اند، تاکید کرد: در حال حاضر گزارش جدیدی به هیئت رئیسه دانشگاه تهران ارائه نشده است. فرهاد رهبر گفت: هیئت رئیسه دانشگاه به طور کامل به وضعیت دانشجویان رسیدگی کرده و موردی در دانشگاه وجود ندارد که خانواده ای از فرزند خود بی خبر باشد. وی در خصوص میزان خسارت وارد شده در حوادث نیمه شب دوشنبه به کوی دانشگاه تهران به مهر گفت: برآورد خسارت کامل انجام نشده اما خسارت وارده خیلی جدی نبوده و قابل ترمیم است. رئیس دانشگاه تهران ادامه داد: در حال حاضر ما سعی می کنیم خسارت بوجود آمده را ترمیم کرده و امکانات را دوباره احیا کنیم البته این خسارت آنقدر جدی نبوده که باعث وقفه کار شود.





بررسی حوادث دانشگاهها با حضور وزیر علوم در فراکسیون دانشگاهیان مجلس 1388/04/01

رئیس فراکسیون دانشگاهیان مجلس از احضار وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به مجلس برای بررسی حوادث اخیر کوی دانشگاه و دیگر دانشگاههای کشور خبر داد. مصطفی کواکبیان گفت: وزیر علوم، تحقیقات و فناوری روز سه شنبه در فراکسیون دانشگاهیان مجلس حضور پیدا می کند و با نمایندگان در رابطه با حوادث اخیر دانشگاهها گفتگوی متقابل خواهد داشت. وی ادامه داد: در این جلسه بحث دانشگاههای مختلف از جمله حمله به کوی بررسی می شود. این نماینده مجلس افزود: در این جلسه درباره تمهیدات وزارت علوم با توجه به شرایط موجود برای جلوگیری از حمله به کوی دانشگاه و دانشگاههای کشور سؤال خواهد شد. وی اظهار داشت: همچنین اقدامات صورت گرفته، تصمیمات و پیشنهادات وزارت علوم در این جلسه بررسی خواهد شد.



کواکبیان خبر داد: نتایج جلسه فراکسیون دانشگاهیان مجلس درباره وقایع اخیر کوی دانشگاه 1388/04/03

رئیس فراکسیون دانشگاهیان مجلس گفت: جلسه ای برای بررسی حوادث اخیر دانشگاهها به خصوص کوی دانشگاه با حضور وزیر علوم، هشت تن از روسای دانشگاههای کشور و مسئولین کوی در مجلس برگزار شد. مصطفی کواکبیان با بیان این مطلب افزود: وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به همراه معاونین و روسای هشت دانشگاه کشور مانند دانشگاههای تهران، علامه طباطبایی، علم و صنعت، ارومیه، گیلان و مسئولان کوی دانشگاه تهران در جلسه فراکسیون دانشگاهیان مجلس شرکت کردند که نمایندگان هم در این جلسه حضور داشتند. وی ادامه داد: در این جلسه مسئله حمله عده ای به کوی دانشگاه و اقداماتی که وزارت علوم در این راستا انجام داده است تشریح شد و مشخص شد که در بعضی از دانشگاههای کشور درگیری ها درون خود دانشگاه و توسط دانشجویان صورت گرفته است. نماینده مردم سمنان در مجلس افزود: اما درگیریهای کوی دانشگاه از بیرون تحمیل شده و خسارات زیاد مادی و معنوی به دانشجویان وارد شده است.



وی اضافه کرد: البته حجم خسارات مادی نسبت به ماجرای 18 تیر کمتر بوده و تعداد دانشجویان مجروح و بازداشتی هم به مراتب کمتر از آن زمان بوده است اما خسارات معنوی و برخورد های خشونت بار با دانشجویان بسیار شدید بوده است. کواکبیان اظهار داشت: مسئله اصلی که هنوز برای ما لاینحل باقی مانده هویت کسانی است که به کوی دانشگاه حمله کرده اند. وی ادامه داد: دوستان ما در وزارت علوم می گویند شناسایی این افراد برای ما مقدور نیست و اصولاً این امر در حیطه وظایف وزارت علوم نیست و مدعی هستند که این امر باید از دستگاههای دیگر سؤال شود. رئیس فراکسیون دانشگاهیان مجلس افزود: نکته مهم این است که چگونه دانشجویان به راحتی بازداشت شده اند اما کسانی که به کوی حمله کرده اند به راحتی گریخته اند و فردی از میان آنها بازداشت نشده است. وی در رابطه با تعداد دانشجویان بازداشتی گفت: تعدادی از دانشجویان که می گویند جرم محرز داشته اند همچنان در بازداشت هستند و بر اساس اطلاعاتی که ما داریم اینها تعداد اندکی هستند که در بحث درگیری ها نقش داشته اند. کواکبیان اضافه کرد: به دنبال این هستیم که جلسه دیگری در صحن مجلس و به صورت غیرعلنی با حضور مسئولان ذیربط امنیتی، اطلاعاتی، انتظامی و قضایی داشته باشیم تا مشخص شود چه کسانی به کوی حمله کرده اند. وی ادامه داد: تاریخی برای این جلسه تعیین نشده است و برای تعیین تاریخ این جلسه با هیئت رئیسه مجلس صحبت خواهیم کرد.

عباسپور خبر داد: نتایج بررسیهای مجلس درباره حوادث دانشگاهها / وضعیت دانشجویان بازداشتی 1388/04/06

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نتایج آخرین بررسیهای این کمیسیون در مورد حوادث اخیر کوی دانشگاه، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه شیراز را تشریح کرد و گفت: خسارت توهین به دانشجویان بیش از خسارات مالی وارد شده به کوی است. علی عباسپور تهرانی فرد در رابطه با فعالیتهای مجلس و کمیسیون آموزش و تحقیقات در زمینه حوادث اخیر دانشگاهها گفت: یکشنبه هفته گذشته در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گزارشی توسط وزیر علوم و روسای دانشگاهها در رابطه با حوادث اخیر دانشگاهها ارائه شد. وی ادامه داد: مسئله کوی دانشگاه وجه مهمتری است که می توان به آن اشاره کرد چرا که بسیاری از دانشجویان خوب ما مانند دانشجویان دکتری مورد اهانت قرار گرفته اند. رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی افزود: از کوی دانشگاه بازدید کرده ایم و با دانشجویان هم دیدارهایی داشته ایم. خساراتی که از نظر مالی به کوی وارد شده اند قابل جبران هستند اما توهینی که نسبت به دانشجویان صورت گرفته است برای ما بسیار سنگین است. وی اظهار داشت: همچنین روز سه شنبه هفته گذشته یک کمیته در کمیسیون تشکیل شد تا پیگیر مسائل کوی باشد. البته کمیته منتخبی به طور فعال از ابتدای جریان حمله به کوی دانشگاه یعنی فردای روز حمله وارد عمل شده و فعالیتهای ارزنده ای را در مورد وضعیت رسیدگی به دانشجویان و احیاناً برخوردهایی که با آنها شده و آزادسازی دانشجویان انجام داده است. عباسپور در رابطه با آزادی دانشجویان زندانی کوی گفت: تا جایی که اطلاع داریم دانشجویانی که نقشی در آشوبها نداشته اند و در کوی بازداشت شده بودند آزاد شده اند.



وی افزود: کمیته منتخب مجلس از روز بعد حمله به کوی دانشگاه فعالیتهایش را آغاز کرد. کمیسیون آموزش و تحقیقات نیز بر روی مسائل خاص دانشگاهها متمرکز شد و این مسئله را از ابعاد مختلف مانند خساراتی که به دانشجویان وارد شده است، بعد قانونمند کردن حرکت های دانشجویی و نظم بخشیدن در دانشگاههای توسط نیروی انتظامی بررسی کرد که البته باید بر روی تمام این موارد مطالعه علمی صورت گیرد. رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در رابطه با بررسی مسائل اخیر دیگر دانشگاههای کشور در مجلس گفت: در کنار مسائل کوی که در کمیته مورد بررسی قرار گرفته ابعاد دیگر قضیه که در دانشگاههای دیگر به وقوع پیوسته نیز مد نظر است.



عباسپور خبر داد: نتایج بررسی مجلس درباره محل صدور مجوز برای ورود نیروی انتظامی به کوی 1388/04/06

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس صدور مجوز برای ورود ماموران نیروی انتظامی به کوی دانشگاه توسط دانشگاه تهران را تکذیب کرد و گفت: نیروی انتظامی با مجوز شورای تأمین وارد کوی شده است. علی عباسپور تهرانی فرد افزود: در مورد ورود نیروهای انتظامی به کوی دانشگاه تهران نقل شده بود که این کار با مجوز دانشگاه صورت گرفته است اما با بررسیهایی که در کمیته منتخب، کمیسیون آموزش و تحقیقات و کمیسیون فرهنگی مجلس صورت گرفت مشخص شد که این مجوز از سوی شورای تأمین شهر تهران صادر شده است. وی اظهار داشت: علیرغم این مسئله رئیس دانشگاه تهران نیز در جلسه مشترک کمیسیون آموزش مجلس اعلام کرده است که چنین مجوزی به نیروی انتظامی داده نشده است. رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت: مشخص شدن هویت لباس شخصیهایی که به دانشگاه وارد شده اند نیز در دست بررسی است. وی با ابراز امیدواری نسبت به اینکه به سمتی برویم که دیگر شاهد چنین حوادثی در فضای دانشگاهها نباشیم گفت: بحث اختلاف نظر و اظهار نظر سیاسی و اینکه محیط دانشگاه باید محیطی برای آزاد اندیشی باشد قابل قبول است اما نباید این تبادل نظرها به مرحله ای برسد که عواملی به دانشگاه وارد شوند و این تبادل نظرها را به اغتشاش بکشند.



قمصری خبر داد: تشکیل چهار کارگروه برای بررسی حوادث اخیر کوی / تشکیل کمیته حقیقت یاب 1388/04/07

معاون دانشجویی دانشگاه تهران از تشکیل چهار کارگروه ویژه برای بررسی مسائل اخیر کوی دانشگاه تهران خبر داد و گفت: یکی از این گروهها مسئول پیگیری تشکیل کمیته حقیقت یاب برای شناسایی عوامل حوادث اخیر کوی شده است. سید مهدی قمصری گفت: بعد از حوادث اخیر در کوی دانشگاه توافقی برای تشکیل کمیته پیگیری مسائل کوی مطرح شد و با حضور جمعی از معتمدین، اساتید، نماینده نهاد رهبری در دانشگاه و نماینده تشکلهای دانشجویی دانشگاه تهران دو جلسه این کمیته هفته گذشته برگزار شده است. وی ادامه داد: همچنین در این جلسات حجت الاسلام ابوترابی و سه تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی عضو کمیته پیگیری این حوادث حضور داشتند. معاون دانشجویی دانشگاه تهران افزود: در جلسه دوم این کمیته چهار کارگروه تعیین شدند که هر کدام از این کارگروهها وظایف خاصی را در رابطه با مسائل اخیر کوی بررسی خواهند کرد. وی در رابطه با این کارگروهها گفت: کمیته پیگیری آزادی دستگیر شدگان کوی، کمیته بررسی خسارات وارد شده به دانشگاه و دانشجویان و راههای جبران آن، کمیته بررسی ساز و کارهایی که بتوان به لحاظ قانونی شرایطی را فراهم کرد که از ورود افراد شخصی به کوی جلوگیری کرد و کمیته پیگیری تشکیل کمیته حقیقت یاب و شناسایی عوامل تا مجازات افراد خاطی این چهار گروه هستند. قمصری اضافه کرد: کار گروهها جلسات خود را آغاز کرده اند و بررسی مسائل اخیر کوی دانشگاه تهران در حال بررسی در این کارگروهها است.



کوهکن: نیروی انتظامی با درخواست فرهاد رهبر وارد کوی دانشگاه شد 1388/04/09

سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی خبر داد که نیروهای انتظامی با درخواست فرهاد رهبر رئیس دانشگاه تهران وارد کوی این دانشگاه شده بودند. محسن کوهکن در حاشیه جلسه علنی روز سه شنبه مجلس در جمع خبرنگاران با بیان اینکه که طبق قانون به درخواست رئیس دانشگاه نیروهای انتظامی می تواند، وارد محل دانشگاه شود گفت: در مسایل اخیر هم خود آقای رهبر عنوان کرد که برای تأمین امنیت از نیروهای امنیتی خواسته بود که وارد کوی دانشگاه تهران شوند. وی همچنین در پاسخ به سوالی مبنی بر توقف کار هیئت منتخب از سوی رئیس مجلس جهت رسیدگی به اغتشاشات اخیر، گفت: هیچ درخواستی تاکنون برای توقف کار این هیئت وجود نداشته است، البته این هیئت باید تمام جوانب امر را مورد بررسی قرار دهد. خبرنگاری از کوهکن پرسید که عنوان شده لباس شخصی هایی که وارد کوی دانشگاه تهران شدند، شناسایی شده و آنها را معرفی کرده اند که وی پاسخ داد: هیئت منتخب رئیس مجلس بررسی های خود را در این زمینه انجام خواهد داد، معرفی این افراد هم کاری مقدماتی است و باید این مسئله در پروسه قانونی و قضایی خود پیش برود. کوهکن تأکید کرد که کار این هیئت زمانی تمام می شود که گزارش خود را از اغتشاشات اخیر تهیه و آن را ارایه کند و پیگیری های بعدی این گزارش در دستور قضایی و قانونی قرار خواهد گرفت.



فرهاد رهبر: درخواست یا مجوزی برای ورود نیروی انتظامی به کوی دانشگاه صادر نکردم 1388/04/09

رئیس دانشگاه تهران ادعای سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه نیروهای انتظامی با درخواست رئیس دانشگاه تهران وارد کوی شده بودند را تکذیب کرد. فرهاد رهبر افزود: "ورود نیروی انتظامی به کوی دانشگاه تهران با اجازه و درخواست من نبوده و اظهارات این نماینده مجلس را به شدت تکذیب می کنم." وی اظهار داشت: "من پس از ورود نیروی انتظامی به کوی از جریان اطلاع پیدا کردم و در صحنه حاضر بودم اما درخواستی مبنی بر ورود نیروی انتظامی نداشتم."



آزادی 80 دانشجوی کوی دانشگاه تهران 1388/04/10

معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تهران روز بعد از حادثه کوی دانشگاه با تأکید بر اینکه آمار مشخصی از دستگیرشدگان حادثه کوی در دست نیست گفت: نزدیک به 80 نفر از بازداشت شدگان دانشگاه تهران آزاد شده اند. رئیس دانشگاه تهران نیز از تلاش برای تمامی بازداشت شدگان کوی خبر داد و گفت: ما ایستاده ایم و از حقوق دانشجویان دفاع می کنیم و تا روشن شدن کامل حوادث کوی و مجازات مسببین آن این موضوع را پیگیری خواهیم کرد. وی ادامه داد: تاکنون بر اساس گزارشهایی که به دفتر ریاست دانشگاه ارائه شده است تمامی دانشجویان بازداشت شده در شب حادثه کوی دانشگاه و دانشجویانی از این دانشگاه که در سطح شهر دستگیر شده اند، آزاد شده اند و مشکلی برای آنها وجود ندارد. دکتر فرهاد رهبر نیز در پاسخ به این پرسش که آیا همه دانشجویان دانشگاه تهران آزاد شده اند، تأکید کرد: در حال حاضر گزارش جدیدی به هیئت رئیسه دانشگاه تهران ارائه نشده است. رئیس دانشگاه تهران گفت: هیئت رئیسه دانشگاه به طور کامل به وضعیت دانشجویان رسیدگی کرده و موردی در دانشگاه وجود ندارد که خانواده ای از فرزند خود بی خبر باشد.





تکذیب توقف یا درخواست توقف فعالیت کمیته حقیقت یاب/ بررسی حوادث اخیر کوی 1388/04/13

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با تاکید بر آنکه فعالیت کمیته حقیقت یاب مجلس درباره حوادث بعد از انتخابات ادامه می یابد گفت: هرگز اعلام نکرده ام از کمیته حقیقت یاب مجلس خواسته شده به فعالیت خود خاتمه داده و نتایج کسب شده تاکنون را به عنوان پایان فعالیت این کمیته ارائه کنند. علی عباسپور تهرانی فرد با اشاره به اظهاراتی از قول وی مبنی بر متوقف شدن ادامه بررسیهای وقایع بعد از انتخابات ریاست جمهوری در مجلس افزود: " اینک به نقل از بنده عنوان شده است مسئولان از کمیته حقیقت یاب مجلس خواسته اند بیش از این تحقیقات و بررسی های خود را ادامه ندهد و نتایجی را که تا کنون به دست آورده اند را به مسئولان مربوطه ارائه داده و پرونده های کنونی را مختومه اعلام کنند را تکذیب می کنم." وی اظهار داشت: " هیچ کدام از مسئولان امنیتی از کمیته حقیقت یاب نخواستند که بررسی خود را متوقف کنند و در کمیته حقیقت یاب هیچگونه بحثی راجع به توقف کار این کمیته مطرح نشده است. ضمن اینکه کمیسیون آموزش و تحقیقات نیز بر اساس وظیفه ای که دارد حوادث اخیر مربوط به دانشگاهها از جمله کوی دانشگاه تهران را در دستور کار خود دارد."



فرمانده نیروی انتظامی: عده ای خودسر وارد کوی دانشگاه شده بودند که با یکدیگر درگیر شدند 1388/04/15

تمامی بازداشت شدگان حوادث اخیر کوی دانشگاه به گفته فرمانده نیروی انتظامی کشور آزاد شده اند. سردار اسماعیل احمدی مقدم یکشنبه با اشاره به آزادی تمام بازداشت شدگان کوی دانشگاه افزود: تمام بازداشت شدگان با اصرار رئیس دانشگاه و مسئولیت شخص بنده آزاد شدند. وی اضافه کرد: در جریان کوی دانشگاه عده ای در داخل اقدام به آشوب کرده بودند و عده ای خودسر وارد کوی دانشگاه شده بودند که با یکدیگر درگیر شدند. احمدی مقدم افزود: در این بین پلیس تعدادی را بازداشت کرد که همگی آنها هم اکنون آزاد شدند.



فرهاد رهبر خبر داد: کوی دانشگاه همچنان دانشجویی بازداشتی دارد/ کوی تعطیل است 1388/04/16

رئیس دانشگاه تهران با بیان اینکه هنوز دو تن از دانشجویان ساکن کوی و تعدادی دیگر از دانشجویان این دانشگاه در بازداشت به سر می برند، گفت: تلاش دانشگاه برای آزادی همه دانشجویان ادامه دارد و در این راستا اداره حقوقی دانشگاه در حال پیگیری موضوع است. فرهاد رهبر در رابطه با تعداد دانشجویان زندانی دانشگاه تهران اظهار داشت: عدد مشخصی را نمی توانم اعلام کنم اما تعدادی از دانشجویان هنوز در بازداشت به سر می برند. وی ادامه داد: تقریباً تمامی دانشجویانی که در حادثه کوی بازداشت شده بودند به غیر از دو نفر آزاد شده اند که تلاش برای آزادی این دانشجویان هم ادامه دارد. رئیس دانشگاه تهران اضافه کرد: دیگر دانشجویان زندانی دانشگاه تهران دانشجویانی هستند که در خارج از محیط دانشگاه دستگیر شده اند که در این مورد هم دانشگاه در حال پیگیری برای آزادی دانشجویان است.



وی درباره برنامه های دانشگاه در رابطه با وقایع اخیر گفت: کمیته های مختلفی در دانشگاه برای پیگیری موضوع تشکیل شده اند اما تا زمانی که کار به نتیجه نرسد هیچ کدام از این فعالیتها فایده ای نخواهد داشت. فرهاد رهبر ادامه داد: دانشگاه فعلاً در آرامش کامل است و کوی دانشگاه تهران نیز به دلیل تعمیرات دو هفته تعطیل خواهد بود. در حالی که فرهاد رهبر اعلام می کند دو یا سه تن از دانشجویان کوی دانشگاه همچنان در بازداشت به سر می برند سردار اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی کشور یکشنبه با اشاره به آزادی تمام بازداشت شدگان کوی دانشگاه گفته بود: تمام بازداشت شدگان با اصرار رئیس دانشگاه و مسئولیت شخص بنده آزاد شده اند. وی اضافه کرده بود: در جریان کوی دانشگاه عده ای در داخل اقدام به آشوب کرده بودند و عده ای خودسر وارد کوی دانشگاه شده بودند که با یکدیگر درگیر شدند. احمدی مقدم افزوده بود: در این بین پلیس تعدادی را بازداشت کرد که همگی آنها هم اکنون آزاد شدند.

فرهاد رهبر خبر داد: میزان خسارات وارد شده به کوی/ دانشجویی به کمیته انضباطی احضار نشده است 1388/04/21

رئیس دانشگاه تهران با بیان اینکه خسارت مادی قابل ملاحظه ای به دانشگاه تهران در حوادث اخیر وارد نشده است گفت: خسارت معنوی که به دانشجویان کوی دانشگاه وارد شده بسیار با اهمیت تر از خسارت مادی است که این خسارت غیرقابل محاسبه است. فرهاد رهبر با بیان این مطلب افزود: دانشگاه تهران در حوادث اخیر خسارت مادی نداشته است اما خسارت مادی وارد شده به کوی دانشگاه نزدیک به 150 میلیون تومان تخمین زده شده است. وی ادامه داد: در حوادث اخیر دانشگاه خسارت معنوی وارد شده به دانشجویان و دانشگاهیان بسیار زیاد بوده و می توان گفت که غیر قابل محاسبه است. رئیس دانشگاه تهران اضافه کرد: پیگیریهای مربوط به حوادث اخیر متوقف نشده و با جدیت در حال انجام است اما نتیجه کار بسیار مهم است. وی در رابطه با احضار دانشجویان خاطی در حوادث اخیر به کمیته انضباطی دانشگاه گفت: دانشجویان خاطی در هر زمان و با هر تخلفی اعم از حوادث کوی و یا تخلف امتحانی به کمیته انضباطی معرفی می شوند و این یک امر کلی است اما در رابطه با حوادث اخیر هنوز دانشجویی به کمیته انضباطی دانشگاه تهران معرفی نشده است.



زاهدی پس از جلسه هیئت دولت: وضعیت دانشجویان و اساتید بازداشت شده 1388/04/24

وزیر علوم با تاکید بر اینکه ما نه تنها در مورد دانشجویان بازداشتی بلکه در خصوص برخی اعضای هیئت علمی که در مقطعی خاص بازداشت شده بودند پیگیر کار هستیم، تاکید کرد اعضای هیئت علمی که در اغتشاشات اخیر دستگیر شده بودند آزاد شده اند. زاهدی درباره بازداشتی های کوی دانشگاه و پیگیری وزارت علوم نیز گفت: ما نه تنها در مورد دانشجویان بازداشتی بلکه در خصوص برخی از اعضای هیئت علمی که تعدادی از آنها در مقطعی خاص بازداشت شده بودند مرتب پیگیر کار هستیم. وزیر علوم در پاسخ به خبرنگاری که اصرار داشت هنوز تعدادی از اعضای هیئت علمی در زندان هستند، تعبیر زندان را درست ندانست و گفت: زندان تعبیر درستی نیست آنها در بازداشت هستند و اگر کسی در بازداشت باشد صرفاً یکی دو نفر هستند. آن هم اگر باشند باز پیگیری می کنیم. آخرین خبری که من داشتم همه آزاد شده اند.





نتایج بررسی کمیته پیگیری مجلس / نحوه برخورد با دانشجویان دخیل در حوادث 1388/04/27



حجت الاسلام محمدحسن ابوترابی صبح جمعه در حاشیه چهاردهمین المیاد علمی دانشجویی در خصوص پیگیری آزادی دانشجویان و اساتید بازداشت شده در حوادث اخیر گفت: با توجه به نگاه نظام، نگاه مسئولان امنیتی، اطلاعاتی به مجامع دانشگاهی، استادان و دانشجویان، من و همکارانم در کارگروه پیگیری با مسئولین ذریبند در ارتباط بودیم و دوستان ما در دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی و قضایی با سعه صدر برخورد کردند. وی خاطر نشان کرد: ما به دنبال این بوده ایم که در کوتاهترین زمان ممکن با رفع بعضی از تنگناها نسبت به آزادی بعضی از دانشجویان و افرادی که در رابطه با مسائل اخیر با تنگناهایی روبرو شده اند اقدام کنیم. ابوترابی یادآور شد: البته اگر افرادی باشند که در برخی از اغتشاشات مستقیماً حضور داشته اند طبعاً در چارچوب قانون با آنها برخورد می شود اما در عین حال در برخورد با این افراد با مرتبه ای از رحمت و عطف اسلامی برخورد خواهیم کرد. وی در ادامه در خصوص فعالیتهای کمیته پیگیری حوادث اخیر دانشگاهها به مهر گفت: پس از انتخابات در جلساتی که با بعضی از مسئولین امنیتی و سیاسی داشته ایم جلسات در مورد پیگیری حوادث اخیر دانشگاهها ادامه داشت. نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: در همین راستا با روسا و مسئولین دانشگاهها و مسئولین وزارت علوم جلسات متعددی برگزار شد و با توجه به تاکیدات مقام رهبری و پیگیری دفتر معظم له برای کالبدشکافی مسائل مربوطه به دانشگاهها به ویژه کوی دانشگاه تهران کمیته ای تشکیل شد که این کمیته با دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و برخی از شخصیت های سیاسی جلسات متعددی داشته و در همین راستا منتظر اقدامات جدی هستیم. وی گفت: دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی عهده دار این موضوع شده است و نتایج بر اساس گزارشی که از این نهاد قانونی با توجه به مجموعه گزارش هایی که در اختیار داشته و ما نیز در اختیار آنها قرار دادیم، بدست خواهد آمد. حجت الاسلام ابوترابی و سه تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از سوی دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی به عنوان مسئول پیگیری حوادث رخ داده پس از انتخابات در کوی دانشگاه تهران شده اند که در این زمینه گزارشی تهیه کرده اند

تصمیمات دانشگاهها برای احضار دانشجویان خاطی حوادث اخیر به کمیته انضباطی 1388/04/27



احضار دانشجویان خاطی حوادث اخیر به کمیته انضباطی دانشگاهها موضوعی است که این روزها بسیار به آن پرداخته می شود. به همین منظور گفتگوهایی با رؤسا و معاونان دانشگاهها انجام دادیم تا آخرین اخبار کمیته های انضباطی را جویا شویم. دانشگاههای تهران، صنعتی اصفهان، شیراز، صنعتی بابل و بیرجند از جمله دانشگاههایی هستند که پس از انتخابات ریاست جمهوری با حوادثی همراه بودند. در ابتدا به سراغ فرهاد رهبر رئیس دانشگاه تهران رفتیم تا به سوال ما درباره دانشجویان احضار شده به کمیته انضباطی به دلیل حوادث اخیر پاسخ دهد. فرهاد رهبر رئیس دانشگاه تهران در رابطه با احضار دانشجویان خاطی در حوادث اخیر به کمیته انضباطی دانشگاه به مهر گفت: دانشجویان خاطی در هر زمان و با هر تخلفی اعم از حوادث کوی و یا تخلف امتحانی به کمیته انضباطی معرفی می شوند و این یک امر کلی است اما در رابطه با حوادث اخیر هنوز دانشجویی به کمیته انضباطی دانشگاه تهران معرفی نشده است. رئیس دانشگاه شیراز نیز با تاکید بر اینکه مسائل و حوادث اخیر این دانشگاه در کمیته انضباطی مورد بررسی قرار می گیرد، گفت: برخورد با تخلفات دانشجویان طبق روال عادی صورت می گیرد. محمد هادی صادقی در رابطه با احضار دانشجویان به کمیته انضباطی در حوادث اخیر ادامه داد: با دانشجویانی که در دانشگاه تخلفی داشته اند برخورد خواهیم کرد.

رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان از احضار دانشجویان خاطی در حوادث اخیر این دانشگاه پس از تکمیل پرونده ها خبر داد. غلامرضا قربانی گفت: در حال تکمیل پرونده های تخلفات اخیر در دانشگاه صنعتی اصفهان هستیم و هنوز دانشجویی به کمیته انضباطی دانشگاه احضار نشده است. رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان پیش از این میزان خسارات وارد شده به این دانشگاه در حوادث روزهای اخیر را نزدیک به دو میلیارد تومان برآورد کرده بود.

معاون دانشجویی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل نیز به مهر گفت: تاکنون دانشجویی در رابطه با حوادث اخیر به کمیته انضباطی دانشگاه احضار نشده است. حسن امینی راد افزود: اگر بنا باشد دانشجویی به کمیته انضباطی احضار شود به طور رسمی در تابلوی اعلانات دانشگاه اعلام خواهد شد. محمد رضا میری رئیس دانشگاه بیرجند نیز با بیان اینکه دانشگاه در حال حاضر تعطیل است گفت: در ایام تعطیلی دانشگاه کمیته انضباطی هم تعطیل است و مسلمان دانشجویی به این کمیته احضار نشده است.

دبیر شورای مرکزی کمیته انضباطی وزارت علوم نیز با تشریح مراحل صدور حکم برای دانشجویان متخلف در طول تحصیل به مهر گفت: تا کنون هیچ رای قطعی از دانشگاهها مبنی بر تخلف دانشجویی در حوادث اخیر به دبیرخانه شورای مرکزی کمیته انضباطی وزارت علوم نرسیده است. حسینعلی علیخانی با بیان این مطلب افزود: دانشجویی به هر شکلی تخلف می کند کمیته بدوی انتظامی در دانشگاه تشکیل می شود و متناسب با تخلف یک تنبیه برای دانشجو در نظر گرفته می شود و حکمی صادر می شود که این حکم به اطلاع دانشجو می رسد و این دانشجو 10 تا 15 روز برای دفاع فرصت دارد و بعد از این دفاع کمیته تجدیدنظر در دانشگاه تشکیل می شود و رای را صادر می کند. وی ادامه داد: تنبیهاتی که برای دانشجویان در نظر گرفته می شود از یک تا 20 ضعف و شدت دارد که تا حد 12 در اختیار دانشگاه است و بعد از آن به وزارتخانه فرستاده می شوند. دبیر شورای مرکزی کمیته انضباطی وزارت علوم اضافه کرد: تا به حال هیچ رای قطعی از هیچ کدام از دانشگاهها در رابطه با تخلف دانشجویی در حوادث اخیر به دبیرخانه نرسیده است. وی در رابطه با اظهارات محمود ملاباشی معاون دانشجویی وزارت علوم مبنی بر برخورد با دانشجویان خاطی در حوادث اخیر افزود: در جریان صحبتهای دکتر ملاباشی نیستیم اما تنها در صورتی که از دانشگاهها درخواستی برای ما ارسال شود در رابطه با دانشجویان خاطی تصمیم گیری می شود. وزیر علوم نیز هفته گذشته در جمع خبرنگاران از برخورد یا اخراج دانشجویان خاطی حوادث اخیر اظهار بی اطلاعی کرد و تنها به تلاش وزارت علوم برای آزادی تمامی دانشجویان بازداشت شده در حوادث اخیر تاکید کرد.



اولین گزارش حوادث کوی ارائه شد 1388/04/28

محمد مهدی زاهدی در حاشیه افتتاح دو دانشکده جدید در دانشکده تربیت مدرس در رابطه با پیگیریهای وزارت علوم در رابطه با حوادث اخیر کوی دانشگاه گفت: اولین گزارش مربوط به این قضیه در روز چهارشنبه به من داده شده است که آن را به طور کامل مطالعه کرده ام اما برای اعلام نتیجه بسیار زود است. وزیر علوم اضافه کرد: گزارشی که به دست من رسیده است نواقصی داشته که دستور تکمیل این گزارش را داده ام. تیم وزارت علوم در این قضیه بسیار فعال است و تا به حال هم مستندسازی های خوبی صورت گرفته است. وی ادامه داد: وزارت علوم در پیگیری این امر بسیار مصمم است اما مطمئنم در کنار وزارت علوم باید دستگاههای دیگری هم کمک کنند تا ضمن اینکه این امر ریشه یابی شود با عوامل آن هم برخورد شود و تمهیدات لازم برای داشتن فضای بهتر در دانشگاهها و کوی فراهم شود. خوشبختانه دولت در این زمینه بسیار مصمم است.



سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس: ورود نیروی انتظامی به کوی با مجوز شورای تامین 1388/05/04

کاظم جلالی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، در حاشیه اردوی سیاسی نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاهها که شب گذشته در دانشگاه شهید عباسپور گشایش یافت در زمینه نتایج کمیته رئیس مجلس شورای اسلامی برای بررسی حوادث کوی دانشگاه گفت: حوادث کوی دانشگاه ثمره یک حرکت مشکوک است. این حرکت نمی تواند حرکت یک انسان معتقد به خدا و قیامت باشد حتی اگر افرادی که وارد شده باشند شعارهای خاصی سر داده باشند اما این حرکت مشکوک است و به دانشجو لطمه زده است. وی اضافه کرد: دستی می خواسته کوی دانشگاه را تکان دهد و 18 تیر را تکرار کند و از روحیه پاک دانشجو سوء استفاده کند. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی ادامه داد: ما باید به دقت بررسی کنیم و چشم فتنه را از حدقه درآوریم. از هر کس و هر گروهی که می خواهد باشد. کاظم جلالی افزود: با حمله به کوی دانشگاه قصد داشتند دانشجو از صحنه خارج شود و بین دانشجو و حاکمیت فاصله ایجاد شود اما خوشبختانه این اتفاق نیفتاد زیرا انقلاب اسلامی و این نظام الهی با گذشته قابل مقایسه نیست. کاظم جلالی درباره پیگیری حوادث کوی دانشگاه به خبرنگاران گفت: پیگیری این حوادث ادامه دارد و باید با جدیت این پیگیری صورت گیرد و کسانی که به کوی حمله کردند شناسایی شده و به اشد مجازات محکوم شوند. وی در مورد زمان اعلام نتایج پیگیری کمیته رئیس مجلس شورای اسلامی پیرامون حوادث کوی دانشگاه گفت: به هیچ عنوان نمی توانم زمان مشخصی را اعلام کنم اما امیدواریم تا قبل از آغاز سال تحصیلی نتایج مشخص و اعلام شده باشد. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی در ادامه در پاسخ به سؤال خبرنگاری که درباره وجود تصاویری از حمله کنندگان به کوی پرسید گفت: من این تصاویر را ندیده ام و در جریان آن نیستم. وی همچنین تأکید کرد: کمیته رئیس مجلس برای پیگیری حوادث کوی مانند بسیاری از کمیته هایی که پس از رخدادی تشکیل می شوند نیمه کاره رها نخواهد شد و تا حصول نتیجه نهایی به کار خود ادامه خواهد داد. زیرا انگیزه برای پیگیری این حادثه مهم بسیار قوی است و لاریجانی رئیس مجلس نیز بر این موضوع تأکید کرده است. جلالی با تأکید بر اینکه برای عدم تکرار چنین حوادثی باید چشم فتنه را از حدافه بیرون آورد در پاسخ به مهر درباره آزادی دانشجویانی که در شب حادثه کوی دانشگاه بازداشت شدند گفت: فردای همان شبی که حادثه کوی اتفاق افتاد با پیگیریهای صورت گرفته توسط کمیته رئیس مجلس و همچنین دانشگاه تهران بخش اعظمی از دانشجویان آزاد شدند و تنها دانشجویانی که خود نیز نقشی در درگیری داشتند که تعدادشان کمتر از انگشتان دست بود همچنان در بازداشت ماندند. وی در ادامه به مهر درباره آزادی اسائیدی که پس از حادثه کوی دانشگاه به دلیل تجمع در دانشگاه بازداشت شدند گفت: تمام تلاش ما این است که این موضوع را پیگیری کنیم و دانشجویان و اسائیدی که نقشی نداشته و اقدامات خلافی انجام نداده اند آزاد شوند. کاظم جلالی درباره اختلاف نظر در مورد مرجع صدور مجوز ورود نیروی انتظامی به کوی دانشگاه به مهر گفت: فرهاد رهبر از نیروی انتظامی تقاضا نکرده که وارد کوی دانشگاه شوند اما نیروی انتظامی با مجوز شورای تامین وارد کوی دانشگاه شده است. وی همچنین در رابطه با تعداد زیاد دانشجویان احضار شده به کمیته های انضباطی به مهر گفت: اساسا دانشجو در اظهار نظر آزاد است اما تا زمانی که اخلاص ایجاد نشود و خدشه ای وارد نشود. در این صورت باید عکس العمل صورت گیرد. اما کسانی که در حوادث اخیر اخلاص ایجاد کرده اند دانشگاه می تواند طبق قانون آنها را به کمیته های انضباطی احضار کند. اما تأکید ما این است که تا جایی که امکان دارد با دانشجویانی که از روی اشتباه در حوادث نقش داشته اند و قصد و نیتی در کار آنها نبوده است با گذشت برخورد شود و کمیته های انضباطی با آنها مدارا کنند.



رئیس کمیسیون آموزش مجلس: مغایرت در گزارشات حوادث اخیر دانشگاهها/ وزارت علوم ضعیف عمل کرد 1388/05/11

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی گفت: گزارش نیروی انتظامی در کمیسیون آموزش مغایر با برخی مشاهدات و گزارشات بود به طوریکه متوجه شدیم حقایق توسط مسئولین نیروی انتظامی در کمیسیون آموزش عنوان نشده است. علی عباسپور تهرانی فرد با اشاره به جلسه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با نیروی انتظامی درباره حوادث اخیر در برخی دانشگاهها افزود: در این جلسه از نیروی انتظامی درباره عملکردش در جریانات اخیر برخی دانشگاهها مانند دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی اصفهان و شیراز سؤالاتی پرسیده شد که توضیحاتی که توسط نیروی انتظامی ارائه شد متناقض با گزارشی بود که پیش از این توسط مدیران ارشد نیروی انتظامی ارائه شده بود. وی افزود: این پاسخها همچنین با مشاهدات برخی دانشجویان تحصیلات تکمیلی که بعضا با دفتر مقام رهبری در دانشگاهها نیز ارتباط داشتند مغایرت داشت. رئیس کمیسیون آموزش گفت: از نیروهای انتظامی درباره روز درگیری مقابل کوی دانشگاه که توسط ارادل و ابابش صورت گرفته بود و از دانشجویان نیز دعوت به همکاری به عمل آمده بود، همچنین درباره روز پس از آن و اتفاقات کوی دانشگاه که افرادی تحت لباس شخصی وارد کوی شده بودند، سؤالاتی پرسیده شد. عباسپور تأکید کرد: باید در نحوه برخورد نیروی انتظامی با دانشجویان دقت شود زیرا برخورد با محیط دانشگاهی احتیاج به متانت دارد. وی اظهار داشت: شرایط تعریف شده خاصی برای ارتباط نیروی انتظامی با دانشگاهها وجود ندارد و همین امر موجب گلايه مندی شده و خواهد شد. عباسپور گفت: دانشجویان در ملاقاتهایی که داشتیم بیشتر به دلیل توهینهایی که به آنها شده بود ناراحت بودند اما کمیته حقیقت یاب مجلس به کار خود و پیگیریها در جریانات اخیر ادامه می دهد و گزارشی را تهیه و به مسئولین ذریبط ارائه خواهد داد.





جلالی خبر داد: تاکید مقامات قضایی بر حضور تمام بازداشت شدگان در اوین
1388/05/10

سخنگوی کمیته ویژه پیگیری وضعیت بازداشت شدگان حوادث اخیر با اعلام اینکه فردا مسائل مربوط به کوی را در جلسه ای ویژه با حضور اعضای کمیته پیگیری حوادث کوی پیگیری خواهیم کرد، گفت: طبق اطلاعاتی که مقامات قضایی به ما می دهند همه بازداشت شدگان حوادث اخیر در زندان اوین بسر می برند. کاظم جلالی با بیان اینکه آخر هفته گذشته جلسه کمیته پیگیری حوادث کوی دانشگاه به ریاست ابوترابی فرد نایب رئیس مجلس برگزار شد، گفت: فردا یکشنبه مسائل مربوط به کوی را در جلسه ای ویژه با حضور اعضای کمیته پیگیری حوادث کوی پیگیری خواهیم کرد.



قمصری خبر داد: پرداخت خسارت به دانشجویان آسیب دیده کوی / آزادی تمام بازداشت شدگان کوی
1388/05/11

معاون دانشجویی دانشگاه تهران با بیان اینکه تمامی دانشجویان آسیب دیده در حادثه اخیر کوی دانشگاه باید میزان خسارت وارد شده را اعلام کنند، گفت: تا به حال تعدادی از دانشجویان فرمهای پیش بینی شده در این رابطه را پر کرده و ارائه کرده اند. سید مهدی قمصری اظهار داشت: تعدادی از دانشجویان میزان خسارت وارد شده را اعلام کرده اند اما از آنجا که تعدادی از دانشجویان کوی فردای حادثه از دانشگاه رفته اند هنوز از میزان خسارت پرداخت کرده است اما دانشجویانی که خود برای درمان اقدام کرده اند باید هزینه هایی که صرف کرده اند را به دانشگاه اطلاع دهند تا در رابطه با پرداخت این هزینه ها تصمیم گیری شود. معاون دانشجویی دانشگاه تهران اضافه کرد: تعدادی از دانشجویان آسیب دیده در همان روزهای نخست با پیگیریهای دانشگاه و تعداد دیگر نیز به صورت سرپایی در مرکز بهداشت دانشگاه درمان شده اند. وی افزود: در حال حاضر هیچ دانشجویی از حادثه کوی بازداشت نیست.



کاتوزیان خبر داد: تکمیل گزارش کمیته حقیقت یاب از حوادث کوی طی 10 روز آینده
1388/05/11

عضو کمیته حقیقت یاب مجلس شورای اسلامی از کامل شدن گزارش حوادث کوی دانشگاه تهران ظرف 10 روز آینده خبر داد. حمیدرضا کاتوزیان با اعلام این خبر، صحبت در خصوص فعالیت کمیته حقیقت یاب مجلس شورای اسلامی را به تکمیل گزارش حوادث کوی دانشگاه تهران موکول کرد. پیش از این عضو کمیته حقیقت یاب مجلس شورای اسلامی با اشاره به پیگیری امور محوله به این کمیته تا روشن شدن حقایق، یادآور شده بود که در این خصوص تعدادی از نمایندگان مجلس نسبت به کار این کمیته نظرات آنچنانی دارند که بایستی صبر کنند تا واقعیات روشن شود.



نامه محمدیان به شاهرودی: قوه قضاییه با خاطیان حادثه کوی قاطعانه برخورد کند
1388/05/13

رئیس نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاهها در نامه ای خطاب به آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضاییه خواستار برخورد قاطع و بدون ملاحظه با خاطیان حوادث کوی شد. حجت الاسلام محمدیان در این نامه آورده است: همانگونه که مستحضرید در حوادث پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری وقایعی در کوی دانشگاه تهران به وقوع پیوست که موجب تآثر فراوان علاقمندان به انقلاب و نظام گردید. به گونه ای که رهبر عظیم الشان انقلاب در خطبه های نماز جمعه فرمودند: "انسان دلش خون می شود از بعضی از این قضایا برون کوی دانشگاه جوان ما را دانشجویان را آن هم دانشجویان مومن و حزب اللهی را نه آن شلوغ کن ها را مورد تهاجم قرار دهند آن وقت شعار رهبری هم بدهند. در شب 25 خرداد ماه سال جاری در خیابانهای اطراف کوی دانشگاه تهران تعداد محدودی دانشجو به همراهی افراد غیردانشجو - که خود را در میان دانشجویان قرار داده بودند تا نیمه های شب ضمن تجمع، اقدام به سر دادن شعارهای تند علیه نظام نموده و با پرتاب سنگ و مواد آتش زا به سوی نیروهای انتظامی به زد و خورد با آنان پرداختند. با ورود تعدادی از افراد لباس شخصی به داخل کوی و مقارن با آن ورود نیروی انتظامی به کوی، اغلب افراد اغتشاشگر صحنه را ترک کرده و از سمت شمال کوی اقدام به فرار می کنند و تعداد محدودی نیز به اتاقهای خوابگاه و یا کتابخانه پناه می برند. رفتار و برخوردهایی که با دانشجویان مستقر در کوی انجام گرفته است - که بیشتر آنها هیچ نقشی در اغتشاشات نداشته و اغلب از دانشجویان متدین و انقلابی بوده و مشغول استراحت یا مطالعه برای امتحان بودند - با هیچ منطقی قابل دفاع نمی باشد. تخریب درب اتاقها، فحاشی به دانشجویان و ضرب و شتم ایشان موجب صدمات فراوان جسمی و روحی آنان گردیده است که جبران این لطمات مدهای مدیدی به طول خواهد انجامید و با کمال تأسف شدید باید گفت این حادثه خاطره تلخی را در اذهان دانشجویان حک کرده است که فقط با برخورد قاطع و بدون ملاحظه با خاطیان این حوادث ممکن است از خاطره ها زدوده و تا حدی التیام یابد. جبران این خسارتهای بزرگ در گرو شناسایی، محاکمه و برخورد با همه عاملان و مسببان - اعم از دانشجویان و اغتشاشگر و مهاجمان به دانشجویان بی گناه - می باشد که این امر با عزم جدی و پیگیری مستمر مسوولان عالی امنیتی و قضایی کشور میسر خواهد بود. از حضرت تعالی که همواره نسبت به امور مربوط به دانشگاهیان دلسوزی و عنایت ویژه ای داشته اید تقاضا می شود با توجه به حساسیت و اهمیت فراوان این موضوع دستور فرمایید پیگیریهای جدی و لازم در این خصوص به عمل آید. امیدواریم با تدابیر حضرت تعالی ترتیبی اخذ گردد تا ان شاء الله از این پس هیچگاه شاهد بروز چنین حوادث تلخ و ناگواری نباشیم.



جمشیدی خبر داد: آخرین وضعیت پرونده عاملان حوادث اخیر کوی دانشگاه
1388/05/20

سخنگوی قوه قضاییه آخرین وضعیت پرونده عاملان حوادث اخیر کوی دانشگاه را اعلام کرد و خواستار همکاری دانشگاه تهران در این زمینه شد. دکتر علیرضا جمشیدی سه شنبه در آخرین نشست خبری در دوره مدیریت آیت الله هاشمی شاهرودی در جمع خبرنگاران در ارتباط با پرونده عاملان کوی دانشگاه گفت: پرونده ای در این ارتباط در سازمان قضایی نیروهای مسلح تشکیل شده است و درخواستمان از مسوولان دانشگاه این است که به عنوان شکات همکاری لازم را برای مشخص شدن زوایای این پرونده داشته باشند.





بررسی راهکارهای جبران خسارت دانشجویان آسیب دیده در جریانات اخیر 1388/05/23

محمدحسن دوگانی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی و عضو کمیته ویژه پیگیری بازداشت‌های اخیر درباره راهکارهای جبران خسارت دانشجویان آسیب دیده در جریانات اخیر گفت: کمیته ویژه موضوع آسیب دیدگان را هم بررسی می‌کند و راهکارهایی برای جبران خسارت این افراد وجود دارد را پیدا می‌کند. دوگانی با اشاره به بازدید از مجموعه کوی دانشگاه تهران و خسارت‌های وارد شده به آن در شب 25 خرداد 88 یادآور شد: خسارت‌هایی که به این مجموعه وارد شده است نسبت به خسارت‌های زمان 18 تیر 78 بسیار کمتر است و برآوردی که از خسارت به کتابخانه، در و دیوار، سایت کامپیوتر و سایر مکانها وارد شده است حدود 200 میلیون تومان است که در مقایسه به 18 تیر کمتر است.



فرهاد رهبر: تلاش برای قرار گرفتن پرونده دانشجویان بازداشتی در ساز و کار دانشجویی 1388/05/24

رئیس دانشگاه تهران درباره پیگیری‌های این دانشگاه در زمینه دانشجویان و اساتید بازداشتی در حوادث اخیر گفت: تلاش دانشگاه تهران بر این بوده که پرونده‌های دانشجویان در ساز و کار دانشجویی قرار گیرند تا در آینده به عنوان مجرم و آشوبگر به آنها نگریسته نشود. فرهاد رهبر در جلسه شورای دانشگاه تهران با اشاره به حادثه 24 خرداد در کوی دانشگاه و وقایع پس از آن از جمله دستگیری استادان و دانشجویان تأکید کرد: "رسالت علمی" وظیفه اصلی دانشگاه تهران است لذا نباید اجازه دهیم مسائل دیگر باعث ایجاد افت مسائل علمی و پژوهشی در دانشگاه شود. وی افزود: تلاش دانشگاه تهران بر این بوده است که پرونده‌های دانشجویان را در ساز و کار دانشجویی قرار دهد تا در آینده به عنوان مجرم و آشوبگر به آنها نگریسته نشود. فرهاد رهبر گزارشی در مورد پیگیری‌های انجام شده توسط دانشگاه تهران برای آزادی دانشجویان و اعضاء هیئت علمی بازداشت شده نیز در این جلسه ارائه کرد. روسای کمیسیونهای مشورتی دانشگاه تهران نیز ضمن ارائه گزارش از اقدامات انجام شده از تلاشهای مجدانه فرهاد رهبر برای آزادی دانشجویان و اساتید دستگیر شده تقدیر کردند.

عضو کمیته ویژه پیگیری بازداشت‌های اخیر نیز ضمن اعلام تعداد اساتید و دانشجویان بازداشتی بر اساس گزارشهای واصله گفت: کمیته ویژه در حال تحقیق است تا پس از بررسی جرائم دانشگاهیان بازداشتی در صورت قابل اغماض بودن آنها تا زمان بازگشایی دانشگاهها آزاد شوند. محمدحسن دوگانی افزود: بر اساس این گزارش غیررسمی اسامی 16 نفر به کمیته داده شده که عنوان می‌شود این افراد دانشجوی هستند. بر همین اساس ما در حال پیگیری از وزارت علوم هستیم که مشخصات این دانشجویان، دانشگاههای محل تحصیل و سایر موارد ضروری مشخص شود. عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی گفت: کمیته ویژه در حال تحقیق است که این 16 نفر دارای چه جرایمی هستند و اگر این افراد جرم سنگین و ریشه دار نداشتند و قابل اغماض بود، این افراد پیش از آغاز سال تحصیلی آزاد شده و به درس خود ادامه دهند. عضو کمیته ویژه پیگیری بازداشت‌های اخیر در خصوص احتمال آزادی دانشجویان زندانی به مهر گفت: با توجه به پیگیری‌های که در حال انجام است امیدواریم در هفته آینده موضوع دانشجویان زندانی به نتایج مثبتی برسد.



پرونده دانشجویان خاطی به کمیته انضباطی دانشگاه انتقال داده شود 1388/05/26

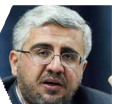
سید مهدی قمصری با بیان این مطلب درباره اخباری مبنی بر برخورد با دانشجویان خوابگاهی این دانشگاه به دلیل الله اکبر گفتنهای شبانه آنان گفت: برخورد انضباطی با دانشجویان دختر ساکن کوی فاطمیه را تکذیب می‌کنم. برخورد دانشگاه با دانشجویان به لحاظ قانونی ساز و کار خاص خود را داراست و هرگونه فعالیت سیاسی و آموزشی و رفتاری تا زمانی که منجر به احضار و پیگیری کمیته انضباطی نشود از نظر ما برخورد به حساب نمی‌آید. وی ادامه داد: اگر تذکری از سوی مسئولان حراست به دانشجویان داده شده باشد که من از این موضوع هم بی‌اطلاعم، نمی‌توان آن را برخورد به حساب آورد. معاون دانشجویی دانشگاه تهران همچنین به درخواست مدیریت دانشگاه تهران مبنی بر قرار گرفتن پرونده دانشجویان بازداشتی حوادث اخیر در ساز و کار دانشجویی اشاره کرد و گفت: این درخواست دکتر فرهاد رهبر در جهت تخفیف فضای کنونی ارائه شده است. وی ادامه داد: برخی مدعی اند تعداد محدودی از دانشجویان در حوادث اخیر که پس از انتخابات رخ داد شرکت داشته و دچار تخلف شده اند که در همین راستا عده‌ای هم دستگیر شده اند. خوشبختانه با پیگیریها و مساعدتهای لازم بیشتر این دانشجویان بازداشتی آزاد شده اند. اکنون امیدوار هستیم با همکاری و موافقت مسئولان، پرونده دانشجویان خاطی که همچنان در بازداشت به سر می‌برند به کمیته انضباطی دانشگاه انتقال داده شود تا از مجرای دانشجویی به اتهامات آنها رسیدگی شود. قمصری در بیان علت این پیشنهاد و درخواست به مهر گفت: این پیشنهاد دانشگاه تهران باعث می‌شود به این دانشجویان که در آینده ای نزدیک فارغ التحصیل می‌شوند به عنوان مجرم و آشوبگر نگریسته نشود.



فرهاد رهبر: پیگیری مسائل حوادث کوی هشتم/ تنها به سئوالات علمی پاسخ می‌دهم 1388/05/31

رئیس دانشگاه تهران با تأکید بر اینکه به سئوالات غیر علمی و مسائل حاشیه‌ای پاسخ نخواهم داد گفت: تنها همین را بدانید که بی‌شک ما در دانشگاه تهران در حال پیگیری موضوع حوادث اخیر کوی دانشگاه و وضعیت دانشجویان و اساتید هستیم. فرهاد رهبر در پاسخ به این سؤال که با توجه به اظهارات سخنگوی قوه قضاییه مبنی بر لزوم شکایت رسمی دانشگاه تهران از متجاوزین به کوی دانشگاه گفت: به منظور حفظ و دوری دانشگاه تهران از مسائل حاشیه‌ای و سیاسی برنامه‌ها و اقدامات انجام شده در این زمینه را فعلا اعلام نخواهم کرد. تنها همین را بدانید که بی‌شک ما در حال پیگیری این موضوع هستیم. پیش از این علیرضا جمشیدی سخنگوی قوه قضاییه در ارتباط با پرونده عاملان کوی دانشگاه گفته بود: پرونده‌ای در این ارتباط در سازمان قضایی نیروهای مسلح تشکیل شده است و درخواستمان از مسئولان دانشگاه این است که به عنوان شکات همکاری لازم را برای مشخص شدن زوایای این پرونده داشته باشند.

فرهاد رهبر با اشاره به حادثه 24 خرداد در کوی دانشگاه و وقایع پس از آن از جمله دستگیری استادان و دانشجویان تأکید کرده بود: "رسالت علمی" وظیفه اصلی دانشگاه تهران است لذا نباید اجازه دهیم مسائل دیگر باعث ایجاد افت مسائل علمی و پژوهشی در دانشگاه شود. وی افزود: تلاش دانشگاه تهران بر این بوده است که پرونده‌های دانشجویان را در ساز و کار دانشجویی قرار دهد تا در آینده به عنوان مجرم و آشوبگر به آنها نگریسته نشود.





رهبر معظم انقلاب: برخورد با تخلفات قطعی است

1388/06/05

آیت الله خامنه ای با تأکید بر اینکه "در حوادث پس از انتخابات تخلفات و جنایاتی صورت گرفته است که به طور قطع با آنها برخورد خواهد شد" خطاب به دستگاه قضایی فرمودند: دستگاه قضا باید براساس دلایل محکم قضاوت کند. به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری؛ دانشجویان دانشگاههای مختلف، نخبگان علمی - فرهنگی دانشگاهها و "اعضا و نمایندگان" تشکلهای مختلف دانشجویی، عصر چهارشنبه در فضایی صمیمانه و پرنشاط با آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیدار کردند.



در این دیدار پس از سخنان نمایندگان دانشجویان و تشکلهای دانشجویی آیت الله خامنه ای با اشاره به سخنان چند نفر از دانشجویان درباره لزوم برخورد و محاکمه مجرمان پشت پرده حوادث اخیر خاطرنشان کردند: در مسائلی با این درجه از اهمیت، نباید با حدس و گمان و براساس شایعه حرکت کرد. آیت الله خامنه ای با اشاره به سخنان دانشجویان درباره لزوم پیگیری دستور رهبری در برخورد با حادثه کوی دانشگاه و مسئله کهریزک افزودند: در حوادث پس از انتخابات تخلفات و جنایاتی صورت گرفته است که بطور قطع با آنها برخورد خواهد شد. ایشان با تأکید بر لزوم پرهیز از کارهای صرفاً تبلیغاتی در موضوع برخورد با عاملان کوی دانشگاه و حوادث مشابه افزودند: کار تبلیغاتی لازم نیست اما از اولین روزها دستور اکید داده شد که ضمن مراقبت و دقت لازم با اینگونه مسائل برخورد قاطع شود. آیت الله خامنه ای خاطرنشان کردند: در حادثه کوی دانشگاه تخلفات بزرگی انجام شده که پرونده ویژه ای برای آن تشکیل شده تا مجرمان بدون توجه به وابستگی سازمانی، به مجازات برسند. آیت الله خامنه ای با تشکر و تقدیر از خدمات پلیس امنیت، پلیس انتظامی و بسیج خاطرنشان کردند: این خدمات بزرگ نباید موجب رسیدگی نکردن به برخی جرائم شود و اگر کسی با وابستگی به هر کدام از این سازمانها، تخلف و جرمی مرتکب شده، باید کاملاً رسیدگی شود. رهبر انقلاب اسلامی در همین زمینه افزودند: عده ای، ظلم بزرگی را که پس از انتخابات به مردم و نظام اسلامی شد و هتک آبروی نظام در مقابل ملتها را نادیده می گیرند و مسئله کهریزک یا کوی دانشگاه را قضیه اصلی قلمداد می کنند اما این نگاه، خود یک ظلم آشکار است.

احمدی نژاد: اتفاقات بازداشتگاهها اجزای سناریوی دشمن بود

1388/06/06

احمدی نژاد رئیس جمهور که به مناسبت هفته دولت سخنران پیش از خطبه های نماز جمعه این هفته تهران بود خاطرنشان کرد: حوادث های بدی اتفاق افتاد جمعی از مردم آسیب دیدند. حوادث بسیار تلخ بود، عده ای به کوی دانشگاه حمله کردند کارهای زشتی کردند، در برخی از بازداشتگاه ها اقدامات زشتی انجام شد. احمدی نژاد تأکید کرد: من می خواهم اینجا به شما اعلام کنم این کارهایی که در کوی دانشگاه و بازداشتگاه و امثال این انجام شد بدانید که اینها هم اجزای سناریوی دشمن بود و توسط وابستگان به جریان براندازی انجام شد. ما امروز شواهد و دلایل و اسناد روشن داریم ساحت نیروهای انقلاب و ساحت نیروهای امنیتی و نظامی و اطلاعاتی ما از این اقدامات شرم آور میرا است. بسیجی های ما در خیابان فداکارانه کتک خوردند و مراقب حقوق عمومی بودند که مبادا به کسی تعرض شود به مغازه ای شخصی، ماشینی، به مردمی، کتک خوردند و دم برنیاوردند. مطمئن باشید نفوذی های جریان برانداز در سناریوی دشمن فساد و اقدام کردند. احمدی نژاد با در خواست از مسئولان امنیتی و قضایی کشور خواست تا کسانی که در لباس دوست دست به اقدامات غیر انسانی زدند با آنها بدون گذشت و قاطع برخورد کنند زیرا اینها دو خیانت کردند اول ضربه زدن به مردم، دوم مشوه کردن چهره پاک نظام اسلامی و نیروهای انقلاب در نیروهای نظامی و امنیتی و انتظامی. وی تأکید کرد: مبادا عناصر اصلی از مصونیت و امنیت برخوردار باشند و عناصر دسته چنم و فریب خورده مجازات شوند.



امام جمعه تبریز: عاملان کوی دانشگاه و بازداشتگاه کهریزک باید محاکمه شوند

1388/06/06

نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز بر لزوم محاکمه عاملان کوی دانشگاه و بازداشتگاه کهریزک تأکید کرد. آیت الله محسن مجتهد شبستری در خطبه های نماز جمعه امروز تبریز افزود: قطعاً تشکیلات قضایی با مسببان کوی دانشگاه و کهریزک برخورد جدی خواهد داشت و با توجه به منویات رهبری افراد خاطی به مجازات خواهند رسید.



جوانفکر: نفوذیهای دشمن در حوادث کوی دانشگاه و بازداشتگاهها باید مجازات شوند

1388/06/07

مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور درباره اظهارات اخیر رئیس جمهور گفت که کمیته ویژه مجلس و مسئولان قضایی ابعاد حوادث کوی دانشگاه و بازداشتگاهها و مجازات عاملان نفوذی آنها را طبق قانون تعیین کنند. علی اکبر جوانفکر مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور در پاسخ به سؤالی در خصوص اینکه منظور رئیس جمهور از این اظهارات که "اتفاقات بازداشتگاهها اجزای سناریوی دشمن بود" و "مطمئن باشید نفوذیهای جریان برانداز در سناریوی دشمن فساد و اقدام کردند" چیست اظهار داشت: ابعاد این موضوع و مجازات آن باید طبق قانون و دستگاه قضایی تعیین شود. وی همچنین در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر اینکه این نفوذیها عوامل چه کسانی بوده اند افزود: توضیحات بنده نیز در این خصوص همان توضیحات روز گذشته رئیس جمهور است و این موضوع روشن است. مشاور مطبوعاتی احمدی نژاد ادامه داد: به منظور روشن شدن این قضایا باید مسئولان ذی ربط و کمیته ویژه مجلس که برای رسیدگی به وضعیت بازداشت شدگان مرتبط با حوادث پس از انتخابات تشکیل شده موضوع را دنبال کنند.





با حکم آیت الله لاریجانی، هیئت نظارت بر رسیدگی به حوادث اخیر، کوی و بازداشتگاهها تشکیل شد 1388/06/07

رئیس قوه قضائیه طی حکمی معاون اول قوه قضائیه، دادستان کل کشور و رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه را مامور نظارت بر رسیدگی به پرونده های مربوط به حوادث بعد از انتخابات از جمله حادثه کوی دانشگاه و بازداشتگاه کهریزک کرد و از آنها رسیدگی دقیق بر چگونگی رعایت حقوق متهمین را خواستار شد. متن حکم آیت الله صادق لاریجانی به شرح زیر است: حجت الاسلام والمسلمین رئیسی معاون اول محترم قوه قضائیه، حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه ای، حجت الاسلام والمسلمین خلفی مشاور محترم رئیس قوه قضائیه و رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه؛ نظر به ضرورت رسیدگی عادلانه، قاطع و سریع به پرونده های متشکله مربوط به حوادث اخیر و اغتشاشات پس از حماسه ملی انتخابات ریاست جمهوری و کوی دانشگاه و بازداشتگاه کهریزک و لزوم پیگیری مستمر و نظارت بر روند دادرسی و شناسایی عوامل و مسببان اصلی و برخورد قانونی و قاطع با متخلفین در هر رتبه و جایگاهی که باشند، مقرر می دارد بر کلیه مراحل رسیدگی اعم از تحقیقات دادرسی و محاکمات دادگاهی ضمن رعایت کلیه ضوابط قانونی و حقوق متهمین نظارت مستمر به عمل آورده و مراتب را به اینجانب گزارش نمایند.



گفتگو با علی مطهری: سخنان احمدی نژاد درباره بازداشتگاهها مغایر فرمایشات رهبری است 1388/06/08

نماینده تهران در مجلس سخنان رئیس جمهور درباره ارتباط عاملان حوادث کوی دانشگاه و بازداشتگاهها با دشمن را در تعارض با بیانات رهبر معظم انقلاب خواند و گفت: اگر قرار است به اتهام همه کسانی که در دامن زدن به حوادث اخیر نقش داشتند رسیدگی شود رئیس جمهور هم باید پاسخگوی رفتار و گفتارهای انتخاباتی خود باشد. دکتر علی مطهری نماینده تهران، درباره اظهارات دیروز رئیس جمهور در نماز جمعه تهران مبنی بر اینکه "کارهایی که در کوی دانشگاه و بازداشتگاه و امثال این انجام شد هم اجزای سناریوی دشمن بود و توسط وابستگان به جریان براندازی صورت گرفت"، گفت: برای من هم خیلی روشن نبود که مقصود رئیس جمهور چیست. شاید ایشان می خواهد مسئولیت رسیدگی به این تخلفات را از خود به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی و مدیر بحران سلب کند. وی با بیان اینکه رئیس جمهور باید بیشتر در این مورد توضیح می داد، تاکید کرد: کمیته ویژه مجلس باید با جدیت کار خود را ادامه دهد. سخنان صریح مقام رهبری در چند روز گذشته مویید این مسئله است که تخلفات و بلکه جنایاتی توسط معدودی از ماموران صورت گرفته است، اما حرفهای رئیس جمهور منافی با این فرمایشات رهبری است. به هر حال تعدادی از ماموران و مسئولان آنها متهم هستند و باید محاکمه شوند. همین طور قضاتی که بازداشت شدگان را به جاهایی مثل کهریزک فرستادند باید محاکمه شوند. این نماینده اصولگرای مجلس ادامه داد: این افراد متهم هستند و همانطور که رهبر انقلاب فرمودند باید پاسخگو باشند و با آنها برخورد جدی شود. لذا سخنان آقای احمدی نژاد در این زمینه صرفاً یک ادعا است و هیچ دادگاهی تا کنون این مسئله را بررسی نکرده است. مطهری تاکید کرد: همانطور که آشوبگران مقصر بودند متأسفانه برخی ماموران امنیتی و انتظامی نیز علی رغم خدماتشان مقصر بودند که بدون ملاحظه باید به اتهامات آنان به طور موازی با اتهامات آشوبگران رسیدگی شود. البته همان طور که رهبر انقلاب فرمودند ظلم بزرگتر توسط کسانی انجام شد که به بهانه تقلب، مردم را به خیابانها کشیدند.



وی ادامه داد: در مجموع فکر می کنم حرفهای دیروز رئیس جمهور با سخنان رهبری هماهنگ نبود زیرا رهبر انقلاب حتی نسبت به وابستگی این افراد به خارج نیز ابراز تردید کردند و تاکید داشتند براساس احتمالات و شایعات نمی شود تصمیم گیری کرد. نماینده تهران گفت: در صورت اثبات جرم متهمان در ارتباط با برخورد با بازداشت شدگان، نباید به بهانه حفظ نظام ملاحظه کاری کرد و منافع افراد را به مصالح نظام ترجیح داد. وی با اشاره به مشخص شدن 12 نفر از ماموران متخلف نیروی انتظامی و برکناری برخی قضات خاطرنشان کرد: تا الان تحقیقات مسیر خوبی را طی کرده است و مقام رهبری نیز به طور جدی موضوع را دنبال می کنند و خواهان مجازات مجریان حوادث بازداشتگاهها هستند.

مقام رهبری: نظام اسلامی با تخلف و جنایت مجامله و گذشت ندارد 1388/06/09

آیت الله خامنه ای با اشاره به آسیبهای وارد شده به برخی افراد در حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری فرمودند: همه افرادی که در این حوادث دچار آسیب شده اند بدانند، نظام تصمیم بر مجامله و گذشت ندارد و همانگونه که با افرادی که صریحاً با نظام مقابله می کنند، از موضع قانون و حق برخورد می کند اگر کار بد و جنایتی انجام شده باشد با عوامل این اقدامات نیز از موضع قانون و حق برخورد خواهد شد. آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی یکشنبه شب در دیدار جمعی از اساتید و اعضای هیات علمی، نخبگان، و رؤسای دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی با ایشان با اشاره به آسیب های وارد شده به برخی افراد در حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری افزودند: همه افرادی که در این حوادث دچار آسیب شده اند، بدانند نظام، تصمیم بر مجامله و گذشت ندارد و همانگونه که با افرادی که صریحاً با نظام مقابله می کنند از موضع قانون و حق برخورد می کند، اگر کار بد و جنایتی انجام شده باشد، با عوامل این اقدامات نیز از موضع قانون و حق، برخورد خواهد شد.



رسیدگی جدی به جرایم کوی و کهریزک 1388/06/09

سخنگوی کمیته ویژه مجلس در پی دیدار این کمیته با رئیس قوه قضائیه خبر داد: آیت الله لاریجانی با اشاره به ضرورت آزادی سریع بخشی از بازداشت شدگان و مجازات عوامل حوادث کوی دانشگاه و کهریزک تاکید کرده که دادرسی در محاکم متهمان مربوط به حوادث پس از انتخابات باید دقیقاً بر اساس آیین دادرسی کیفری انجام شود. کاظم جلالی سخنگوی کمیته ویژه بررسی وضعیت بازداشت شدگان اخیر از تشکیل جلسه ای با آیت الله لاریجانی رئیس قوه قضائیه خبر داد که یک ساعت و نیم به طول انجامیده است. جلالی با بیان اینکه آیت الله لاریجانی ضمن استماع نقطه نظرات کمیته بر مسئله حفظ حقوق شهروندی تاکید کرد، گفت: ضمن برخورد با مسببان حوادث پس از انتخابات که در اصل آبروی نظام را خدشه دار کردند و باید با آنها برخورد قاطع قانونی صورت گیرد بر حفظ حقوق شهروندی تاکید کرد و گفت باید با تخلفات و ظلمهایی که در ماجرای کهریزک و کوی دانشگاه انجام شد با جدیت برخورد شود و دستگاه قضایی با تمام توان و جدیت برخورد خواهد کرد.





ارائه گزارش محرمانه کمیته ویژه به رئیس مجلس 1388/08/20

عضو کمیته ویژه بررسی حوادث بعد از انتخابات از ارائه گزارشی محرمانه به رئیس مجلس شورای اسلامی پیرامون حوادث بعد از انتخابات خبر داد. فرهاد تجری با اشاره به اینکه بررسی گزارش ویژه حوادث بعد از انتخابات بعد از اعتماد به وزیران پیشنهادی به صحن مجلس ارائه خواهد شد، تصریح کرد: این گزارش همچنان در حال به روز شدن است. تجری خاطر نشان کرد: البته گزارش های دیگری به صورت محرمانه به علی لاریجانی درباره حوادث بعد از انتخابات داده شده است. نماینده قصر شیرین با تاکید بر اینکه ممکن است گزارش های کمیته ویژه به برخی استنادات نیاز داشته باشد تصریح کرد: البته در نهایت هیئت رئیسه تصمیم می گیرد که گزارش به چه صورت و چه مقدار قرائت شود.



تجری: اطلاعیه سازمان قضایی تقریباً منطبق با گزارش کمیته ویژه مجلس بود 1388/09/29

فرهاد تجری با اشاره به اطلاعیه اخیر سازمان قضایی نیروهای مسلح درباره بازداشتگاه کهریزک، گفت: گزارش اخیر سازمان قضایی نیروهای مسلح درباره بازداشتگاه کهریزک، گزارشی جامع، کامل و منطبق با واقعیات و همچنین تقریباً منطبق با یافته های کمیته ویژه مجلس بود. وی با اظهار امیدواری از اینکه مراجع ذیربط به همین شکل و با قاطعیت بدون هیچ ملاحظه ای به روند کنونی ادامه دهند و حکم نهایی را در مورد متهمان پرونده کهریزک عادلانه صادر کنند، گفت: اطلاعیه اخیر سازمان قضایی نیروهای مسلح نشان از خود اصلاحی و خود پالایشی مجموعه نظام است. نایب رئیس کمیسیون قضایی مجلس، اجرای عدالت در یکی از نهادهای قضایی نظام مقدس جمهوری اسلامی را از افتخارات این نظام به شمار آورد و عنوان کرد: به نظر می رسد که سازمان قضایی نیروهای مسلح همانند گذشته بدون هیچ هیاهو و تبلیغات کار ارزشمند خود را تکمیل کرده و با خاطیان و متهمان این پرونده برخورد قاطع و قانونی کنند و همچنین حقوق افرادی را که حقتشان در این حادثه تضییع شده را احیاء کنند. تجری در پایان با اعلام اینکه هفته گذشته قرار بر این بود که گزارش کمیته ویژه پیگیری حوادث بعد از انتخابات مجلس در صحن علنی قرائت شود، اما بنا به دلالتی این موضوع از سوی هیئت رئیسه مجلس به تعویق افتاد، گفت: در صورت صلاحدید و تشخیص هیئت رئیسه مجلس گزارش کمیته ویژه بزودی در صحن علنی مجلس شورای اسلامی قرائت خواهد شد.



کمیته جدید قوه قضائیه جایگزین کمیته قبلی شد / ارائه گزارش به شاهرودی 1388/06/14

با تشکیل کمیته سه نفره نظارت بر رسیدگی به پرونده های مربوط به حوادث بعد از انتخابات از جمله موضوعات کوی دانشگاه و بازداشتگاه کهریزک که به دستور آیت الله صادق لاریجانی تشکیل شد، کمیته قبلی که در قوه قضائیه شکل گرفته بود، جای خود را به کمیته جدید داد. چندی پیش آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی رئیس سابق قوه قضائیه با ورود به موضوع بازداشت فعالان سیاسی، دستور تشکیل فوری کمیته سه نفره ای را صادر کرد تا در یک ضرب الاجل یک هفته با تک تک زندانیان در بازداشتگاه ها ملاقات و از روند بازجویی ها، رعایت حقوق شهروندی آنها و وضعیت بازداشتگاه ها و زندان ها گزارش تهیه کرده و به رئیس قوه قضائیه ارائه کنند.



این کمیته متشکل از حجج الاسلام ابراهیم رئیسی، معاون اول رئیس سابق و فعلی قوه قضائیه، مصطفی پور محمدی رئیس سازمان بازرسی کل کشور و قربانعلی دری نجف آبادی دادستان سابق کل کشور بود که البته گفته می شود گزارش های لازم را در این زمینه تهیه و به استحضار رئیس سابق قوه قضائیه پیش از خداحافظی او از دستگاه قضایی رسانده اند. اما رئیس جدید قوه قضائیه با آغاز به کار خود به منظور جلوگیری از انجام کار موازی طی حکمی حجج الاسلام رئیسی، معاون اول قوه قضائیه، محسنی اژه ای، دادستان کل کشور و خلفی، رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه را مامور نظارت بر رسیدگی به پرونده های مربوط به حوادث بعد از انتخابات از جمله حادثه کوی دانشگاه و بازداشتگاه کهریزک کرد و از آنها رسیدگی دقیق بر چگونگی رعایت حقوق متهمین را خواستار شد.

وی در حکم خود خطاب به کمیته جدید قوه قضائیه اعلام کرده بود: نظر به ضرورت رسیدگی عادلانه، قاطع و سریع به پرونده های متشکله مربوط به حوادث اخیر و اغتشاشات پس از حماسه ملی انتخابات ریاست جمهوری و کوی دانشگاه و بازداشتگاه کهریزک و لزوم پیگیری مستمر و نظارت بر روند دادرسی و شناسایی عوامل و مسببان اصلی و برخورد قانونی و قاطع با متخلفین در هر رتبه و جایگاهی که باشند، مقرر می دارد بر کلیه مراحل رسیدگی اعم از تحقیقات دادرسی و محاکمات دادگاهی ضمن رعایت کلیه ضوابط قانونی و حقوق متهمین نظارت مستمر به عمل آورده و مراتب را به اینجانب گزارش نماید. گفتنی است از روند کاری و گزارش های کمیته قبلی قوه قضائیه خبری خاصی منتشر نشده بود و با تشکیل کمیته جدید هیچ گونه خبری مبنی بر اتمام کار کمیته قبلی اعلام نشده بود.

قمصری خبر داد: پرداخت 34 میلیون تومان به خسارت دیدگان کوی / 80 دانشجو خسارت گرفتند 1388/06/22

معاون دانشجویی دانشگاه تهران با اشاره به حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری در کوی دانشگاه گفت: دانشجویان متضرر در حوادث اخیر کوی دانشگاه ادعای خسارت کردند که پس از بررسی و تایید در مجموع مبلغ 34 میلیون تومان به آنها پرداخت شد. سید مهدی قمصری گفت: تا کنون خسارت حدود 80 نفر از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه پرداخت شده است. وی افزود: پرداخت این خسارتها از محل بودجه دانشگاه بوده و تاکنون در این باره وجهی به دانشگاه تهران پرداخت نشده است. معاون دانشگاه تهران گفت: دانشجویان به مسئولین خوابگاه مراجعه کرده و تقاضای پرداخت خسارت خود را ارائه می دهند که پس از انجام بررسیهای لازم توسط مسئولین کوی افراد واجد شرایط به معاونت دانشجویی معرفی شده و خسارت آنها پرداخت می شود. وی افزود: این هزینه به برآورد نهایی خسارت کوی دانشگاه که حدود یک میلیارد و 300 میلیون ریال است افزوده خواهد شد تا در صورت پرداخت خسارت محاسبه شود. قمصری تاکید کرد: در همان روزهای اول بعد از واقعه قول هایی در رابطه با تامین و پرداخت خسارت به دانشگاه تهران داده شد که امیدواریم با پیگیری ریاست و مسئولین دانشگاه این امر تحقق یابد.





قمصری خبر داد: نحوه همکاری دانشگاه تهران با هیئت سه نفره رسیدگی به حوادث بعد انتخابات
1388/06/23

معاون آموزشی دانشگاه تهران گفت: دانشگاه تهران با هیئت سه نفره قضایی رسیدگی به حوادث و اغتشاشات بعد از انتخابات که قوه قضاییه برای بررسی حمله به کوی دانشگاه مشخص کرده همکاری لازم را انجام داده است. سید مهدی قمصری گفت: طی مدتی که از شروع فعالیت هیئت سه نفره قضایی رسیدگی به حوادث و اغتشاشات بعد از انتخابات می گذرد هرگونه مدرک و سندی را که خواسته شده در اختیارشان گذاشتیم و همکاری خوبی ایجاد شده است. وی افزود: با توجه به شکایت و پیگیری ریاست و مسئولین دانشگاه تهران این پرونده تشکیل شده و بدیهی است که هماهنگی مورد نیاز بین دانشگاه و این هیئت سه نفره برقرار است.



دانشجو عنوان کرد: حوادث کوی در حال رسیدگی است
1388/06/31

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با تأکید بر پی گیری حوادث کوی دانشگاه و برخورد قاطعانه با عوامل آن افزود: با توجه به تأکيدات مقام رهبری موضوع کوی دانشگاه در حال رسیدگی است اما مسائل کوی دانشگاه و کهریزک نباید ما را از اصل موضوع یعنی اینکه دشمن در صدد است عمود خیمه انقلاب که همان ولایت فقیه است را از بین ببرد غافل کند.



ارائه گزارش نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران از حوادث کوی به مراجع ذیربط
1388/07/07

نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه تهران در بیانیه ای که به مناسبت آغاز سال تحصیلی منتشر کرده با محکوم کردن هجمه به کوی دانشگاه، ضرب و شتم دانشجویان و تخریب اموال آنان و نیز اموال دانشگاه اضافه کرده است: با همه دانشجویانی که در آن واقعه متحمل صدمات روحی و جسمی شده اند ابراز همدردی می کنیم و نهاد نمایندگی از ساعات اولیه پس از حادثه با همه توان پیگیری های خود را آغاز و طی چند ماه گذشته با تهیه و ارائه گزارشهای تفصیلی و مستندات اطمینان بخش به مراجع مربوطه خواستار برخورد قاطع با مسببان و عاملان آن حادثه شده است. در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: با توجه به تأکید و دستور مقام رهبری بار دیگر از مسئولان امر مجدانه می خواهیم بدون هرگونه اغماضی موضوع را پیگیری، متخلفان و قانون شکنان را شناسایی و به دست عدالت بسپارند. امیدواریم با برخورد قانونی با متخلفان، پیش بینی مکانیزم های لازم و تصویب قوانین پیشگیرانه، راه به وجود آمدن چنین حوادث تلخی در آینده به کلی مسدود شود.



کمیته حقیقت یاب گزارش تهیه نکرده است/ در یکماه ونیم اخیر جلسه نداشتیم
1388/07/07

عضو کمیته حقیقت یاب مجلس خبر داد: گزارش کمیته حقیقت یاب مجلس تا کنون تهیه نشده است و این کمیته در یک ماه و نیم گذشته هیچ جلسه ای برای جمع بندی نداشته است. حمید رضا کاتوزیان این خبر را اعلام کرد و در پاسخ به این سؤال که چطور شما در مصاحبه های گذشته از نهایب شده این گزارش خبر داده بودید، نیز گفت: علت این بود که افرادی که مسئول تهیه این گزارش بودند مدام سخن از تهیه آن گفتند اما در زمان کنونی هیچ گزارشی آماده نشده است، زیرا در صورت تهیه گزارش باید یک جلسه برای جمع بندی آن تشکیل شود که در یک ماه و نیم گذشته هیچ جلسه ای تشکیل نشده است. عضو کمیته حقیقت یاب مجلس یادآور شد: به نظر می رسد فرد یا افراد مسئول که ماموریت نوشتن این گزارش را داشتند پیگیری لازم را نداشته و هیچ اقدامی برای تهیه آن نکرده اند.



کمیته حقیقت یاب مجلس بعد از حمله عده ای ناشناس به کوی دانشگاه و مجتمع مسکونی سبحان در حوادث و اتفاقات اعتراضی نسبت به نتایج انتخابات تشکیل شد و ماموریت شناسایی عوامل حمله کننده به کوی و مجتمع سبحان و همچنین بررسی ابعاد دیگر این حادثه را بر عهده داشت. در طول ماههای گذشته خبرهای زیادی از تهیه این گزارش و ارائه آن به مجلس منتشر شد، اما صرفاً یک گزارش اولیه در جلسه غیر علنی مجلس ارائه شد که به دلیل مخالفت عده ای از نمایندگان با این گزارش و اعتراض به آن در زمان ارائه، تنش فیزیکی نیز بین نمایندگان پیش آمد. به گفته برخی از اعضای این کمیته قرار بود گزارش نهایی آن به زودی در مجلس ارائه شود و حتی بر سر قرائت متن این گزارش در جلسه علنی یا غیر علنی نیز بحث هایی بین اعضای کمیته مطرح بوده است، اما در تماس خبرنگار مهر با افرادی چون الیاس نادران و محمد حسن ابوترابی فرد که گفته می شود مسئولیت تهیه گزارش را به عهده دارند، هیچ پاسخی به این سؤال که آیا گزارش کمیته تهیه شده و آیا در آینده نزدیک به مجلس ارائه خواهد شد، دریافت نشد. رئیس مجلس 25 خرداد ماه حسن ابوترابی فرد، حمید رضا کاتوزیان، علیرضا زاکانی، الیاس نادران، علی عباسپور و کاظم جلالی را به عضویت در کمیته حقیقت یاب منصوب کرده بود.

احمدی مقدم عنوان کرد: پلیس مداخله ای در داخل دانشگاهها ندارد/ یک دلیل برای حادثه کوی
1388/07/08

فرمانده نیروی انتظامی کشور در رابطه با تجمعات دو روز گذشته در دو دانشگاه کشور گفت: پلیس هیچ گونه مداخله ای در داخل دانشگاهها ندارد.، سرتیپ اسماعیل احمدی مقدم در رابطه با تجمعات اخیر در دانشگاههای تهران افزود: در چند روز اخیر ما شاهد برپایی تجمعاتی در بعضی از دانشگاهها بودیم که افراد معترض در این تجمعات اعتراضات خود را بیان کردند. فرمانده نیروی انتظامی با اشاره به حوادث کوی دانشگاه گفت: ناهماهنگی بین رده های مسئول باعث به وجود آمدن چنین حوادثی شد. در صورتی که اگر مسئولین دانشگاه هماهنگی لازم را داشتند باعث نمی شد افراد خودسر در این موضوع دخالت کنند و چنین حوادثی به وجود آید.





تجری مطرح کرد: برخورد بدون اغماض با متخلفان بازداشتگاه کهریزک و کوی دانشگاه 1388/08/25

عضو کمیته ویژه بررسی وضعیت بازداشتگاه ها در حوادث پس از انتخابات گفت: برخورد با متخلفان بازداشتگاه کهریزک و کوی دانشگاه بدون اغماض و تعارف انجام می شود. فرهاد تجری با بیان این مطلب تاکید کرد: اقدامات و برخوردهایی با نیروهای نظامی و انتظامی متخلف در این زمینه انجام شده است و تازمانی که محکومیت آنان قطعی نشود این موضوع رسانه ای نمی شود. عضو کمیته ویژه مجلس شورای اسلامی گفت: اراده و اعتقادی راسخ در پی محاکمه متخلفان این پرونده هاست و کمیته ویژه نیز گزارش خود را آماده کرده و پس از تقدیم به مجلس در اختیار مردم قرار می دهد.



سروری: شاکیان کهریزک بیش از 100 نفرند / با پزشک متوفی کهریزک دیدار نداشته‌ایم 1388/08/30

رئیس کمیته ویژه بررسی وضعیت بازداشت شدگان حوادث بعد از انتخابات با اشاره به دیدار خود با رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح شاکیان بازداشتگاه کهریزک را بیش از 100 نفر اعلام کرد و گفت: دادگاه متهمان کهریزک زودتر از متهمان کوی دانشگاه برگزار می شود. پرویز سروری که با خبرنگار پارلمانی مهر گفتگو می کرد با اشاره به اینکه با رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح درباره برگزاری دادگاه متهمان کوی دانشگاه و بازداشتگاه کهریزک دیدار داشته است، خاطر نشان کرد: به گفته رئیس این سازمان، دادگاه متهمان کهریزک قبل از دادگاه متهمان کوی دانشگاه برگزار می شود اما با توجه به اینکه متهمان این پرونده بیش از 100 نفرند تشکیل دادگاه ها امری زمان بر است.



بروجردی: درباره فیلم حادثه کوی دانشگاه باید تامل کرد / راوی قابل اعتماد نیست 1388/12/09

علاء الدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در حاشیه برگزاری جلسه علنی روز یکشنبه در جمع خبرنگاران در پاسخ به این سؤال که کمیسیون امنیت ملی چه برنامه ای برای پیگیری فیلم منتشر شده در برخی رسانه ها و سایتها از حادثه کوی دانشگاه دارد، با اظهار بی اطلاعی از وجود چنین فیلمی منع انتشار آن را از خبرنگاران سؤال کرد. وی زمانی که با پاسخ خبرنگاران مبنی بر انتشار این فیلم در شبکه بی بی سی فارسی و سایت های اینترنتی دیگر مواجه شد، گفت: راحت ترین کار در هنر فیلم سازی مونتاژ فیلم است تا خواسته های تولید کننده را تامین کند. بروجردی گفت: لذا باید با تامل برخورد کرد به خصوص اینکه راوی بی بی سی است و قابل اعتماد نیست. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در پاسخ به سؤال مکرر خبرنگاران در این خصوص که کمیسیون امنیت ملی در برخورد با این مسئله چگونه عمل خواهد کرد، گفت: در نهایت به دبیر کمیسیون اطلاع می دهم و کمیسیون امنیت ملی موضوع را پیگیری می کند.



جلالی: کمیته بررسی کننده حوادث کوی دانشگاه موضوع فیلم منتشر شده را پیگیری کند 1388/12/09

کاظم جلالی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در حاشیه برگزاری جلسه علنی روز یکشنبه در جمع خبرنگاران پارلمانی در پاسخ به این سؤال که آیا کمیسیون امنیت ملی از موضوع انتشار فیلم مربوط به حادثه کوی دانشگاه مطلع است و آیا در صورت اطلاع پیگیری خواهد کرد، گفت: معتقدم کمیته ای که مسئول بررسی حوادث کوی دانشگاه و مجتمع مسکونی سبحان بوده است و مسئولیت آن را آقای ابوترابی برعهده دارد خوب است که این فیلم را نیز مورد بررسی قرار دهد. وی گفت: مناسب است اعضای این کمیته فیلم منتشر شده را مشاهده کرده و نهایتاً در خصوص این مسئله از جمله نوع برخورد با دانشجویان که دغدغه ای برای مقام رهبری و مسئولان نظام بود به جمع بندی برسند. جلالی در پاسخ به این سؤال که چرا کمیته ای که با مسئولیت آقای ابوترابی تشکیل جلسه داد صرفاً به ارائه یک گزارش اولیه آن هم در صحن غیر علنی بسنده کرد و گزارش دوم آن هیچ گاه قرائت نشد، گفت: مسئولیت این کمیته همانطور که گفتید با آقای ابوترابی است و باید از ایشان پرسید که چرا تشکیل جلسه نمی دهد. وی گفت: گزارش اولیه ای که ارائه شد شفاهی و در جلسه غیر علنی بود و تمرکز آن به مسائلی غیر از مسائل کوی دانشگاه بود بنابراین بهتر است این سئوالات را از آقای ابوترابی پرسید.



دو مسئول دانشگاه تهران: فیلمی درباره حادثه کوی دانشگاه ندیده‌ایم 1388/12/10

مسئولان دانشگاه تهران درباره فیلمی که یکی از رسانه های غربی آن را با عنوان حوادث کوی دانشگاه پس از انتخابات 88 پخش کرده است ابراز بی اطلاعی کردند. یکی از رسانه های غربی چند روز پیش با انتشار فیلمی چند دقیقه ای آن را به حوادث پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری در کوی دانشجویان دانشگاه تهران نسبت داد. این فیلم سعی می کند نشان دهد که برخوردهای نامناسب با دانشجویان صورت گرفته است. خبرنگاران پارلمانی مهر در حاشیه جلسه علنی مجلس از علاء الدین بروجردی رئیس و کاظم جلالی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس سؤال کردند که کمیسیون امنیت ملی برای پیگیری فیلم منتشر شده که به حادثه کوی دانشگاه پس از انتخابات نسبت داده می شود چه برنامه ای دارد. البته علاء الدین بروجردی نیز مانند مسئولان دانشگاه تهران از وجود این فیلم ابراز بی اطلاعی کرد اما وقتی از خبرنگاران مطلع شد که منبع انتشار آن یک شبکه بیگانه است احتمال مونتاژ فیلم و فریب بیننده توسط این رسانه بیگانه را بعید ندانست.



کاظم جلالی نیز کمیته بررسی حوادث کوی دانشگاه در مجلس که به ریاست حجت الاسلام ابوترابی فرد فعالیت می کند را مرجع خوبی برای بررسی این فیلم دانست. سید مهدی قمصری که در زمان حوادث پس از انتخابات معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تهران بود درباره شباهت فیلم منتشر شده با آنچه که واقعیت شب حادثه بوده است گفت: "بنده اصلاً این فیلم را ندیده ام که بخواهم اظهار نظر کنم." معاون دانشجویی سابق دانشگاه تهران خاطر نشان کرد: "برای اولین بار است که درباره این فیلم می شنوم." امیر رستمی معاون دانشجویی و فرهنگی فعلی دانشگاه تهران نیز گفت: "اصلاً این فیلم را ندیده ام. پیگیری می کنم و نتیجه را اعلام خواهم کرد."



جلالی خبر داد: فیلم کوی دانشگاه در کمیسیون امنیت ملی بررسی شد

1388/12/14

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گفت: فیلم پخش شده در شبکه بی بی سی تحت عنوان کوی دانشگاه در جلسه هیئت رئیسه این کمیسیون بررسی شد. کاظم جلالی درباره پخش فیلمی موسوم به کوی دانشگاه در شبکه بی بی سی و اظهارات بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مبنی بر اینکه این فیلم در کمیسیون مورد بررسی قرار می گیرد، تصریح کرد: در پی پخش این فیلم هیئت رئیسه کمیسیون امنیت ملی طی جلسه ای با حضور مسئولان مربوطه این موضوع را مورد کنکاش و بررسی قرار داد. نماینده مردم شاهرود در مجلس هشتم تاکید کرد: در نتیجه بررسی های کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، آنچه که از ناحیه شبکه بی بی سی به عنوان فیلم کوی دانشگاه پخش شد هیچ مطلب جدیدی اضافه بر آنچه که در همان مقطع وقوع به اطلاع افکار عمومی رسیده بود، نداشت. جلالی بیان داشت: در همان مقطع از ناحیه مسئولان موضوع کوی دانشگاه مورد بررسی قرار گرفته بود و در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و نمایندگان عضو کمیته منصوب از جانب رئیس مجلس به ریاست آقای ابوترابی نایب رئیس اول مجلس موضوع به صورت دقیق پیگیری شده بود و گزارشات آن در همان مقطع به اطلاع مسئولان نظام رسید و پیگیری قضایی موضوع نیز در دستور کار مقامات قضایی قرار دارد. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی اضافه کرد: پخش این فیلم در این مقطع زمانی بعد از حضور شورانگیز مردم ایران در راهپیمایی با شکوه 9 دی و 22 بهمن و موفقیت های ملت ایران در بخش های هوا، فضا و هسته ای و دریایی و نیز دستگیری تروریست شرق کشور جهت ایجاد محرک جدید به منظور مهندسی افکار عمومی ملت ایران صورت گرفته است. وی یادآور شد: البته مردم ایران هوشمندتر از آن هستند که تحت تاثیر این القانات قرار بگیرند.



سردار ساجدی نیا خبر داد: بررسی صحت و سقم فیلم کوی دانشگاه

1388/12/16

فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ پیش از ظهر یکشنبه در اولین نشست خبری خود با اشاره به فیلم منتشر شده از کوی دانشگاه گفت: سیستم قضایی کشور پیگیر این موضوع است و اقدامات لازم را انجام می دهد، ضمن اینکه توسط یک تیم کارشناسی صحت و سقم این فیلم در حال بررسی است.



مقصران پرونده کوی دانشگاه تهران به دستگاههای امنیتی معرفی شدند

1388/12/17

استاندار تهران با اعلام اینکه مقصران پرونده کوی دانشگاه تهران شناسایی و اسامی آنان به دستگاههای امنیتی کشور ارایه شده است گفت: بر اساس مصوبه شورای تامین مسئولیت حفظ آرامش در دانشگاهها بر عهده مدیران دانشگاه است. مرتضی تمدن صبح امروز دوشنبه در آخرین نشست خبری سال 88 با بیان اینکه پرونده جریانات کوی دانشگاه تهران در سه بخش علل ایجاد حوادث، عوامل موثر در جریانات و مصونیت بخشی فضای دانشگاه مورد بررسی تحقیق و تفحص قرار گرفته است گفت: طی اقدامات صورت گرفته افراد مقصر شناسایی شده و اسامی آنان به دستگاههای امنیتی کشور ارایه شده است. وی در ادامه افزود: در طول مدت اغتشاشات و ناآرامی در تهران بر اساس مصوبه شورای تامین، نیروهای انتظامی و امنیتی حق ورود به دانشگاهها را نداشته و مسئولیت حفظ آرامش در دانشگاهها بر عهده مدیران دانشگاه بوده است. تمدن گفت: در صورتی که مسئولان دانشگاه قادر به آرام کردن فضای دانشگاه نبودند می توانستند از نیروهای امنیت و انتظامی درخواست کمک کنند که خوشبختانه در طول مدت ناآرامیها چنین گزارشی ارایه نشد.



گفتگو با وزیر علوم: یک عده کهریزک و کوی را مطرح کردند تا توطئه براندازی نظام فراموش شود

1389/01/29

دکتر کامران دانشجو که از سوی رئیس جمهور در آغاز دولت دهم به عنوان وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به مجلس معرفی شد و از سوی نمایندگان خانه ملت رای اعتماد دریافت کرد، در پاسخ به سوال خبرنگار مهر گفت: مسئله کوی دانشگاه که رهبر معظم انقلاب هم روی آن تاکید داشتند، باید پیگیری شود و به نتیجه برسد. ما هم از طریق از مجلس محترم و قوه قضائیه دنبال آن هستیم. همانطور که مسئله کهریزک را دنبال کردند باید موضوع کوی نیز پیگیری و روشن شود. اما اینجا یک نکته وجود دارد. تخلفی شده است و چند نفر تخلف کرده اند که باید به آن رسیدگی شود اما نباید از اصل موضوع منحرف شویم. اصل موضوع این است که یک عده آمده بودند نظام را از بین ببرند. یک عده کهریزک و کوی را مطرح کردند تا توطئه براندازی نظام فراموش شود. باید با درایت در این زمینه برخورد کرد. کسی که برای نظام دلش بسوزد باید حواسش جمع باشد که از موضوع اصلی نباید منحرف شد. نمی شود از موضوع براندازی غافل شد که البته نشان داده شده است که در این زمینه غفلت صورت نخواهد گرفت. وی در ادامه در خصوص خش فیلم کوی دانشگاه توسط بی بی سی اظهار داشت: هر عقل سلیمی می داند چه این فیلم درست باشد چه نباشد برای تحت الشعاع قرار دادن بحث ریگی از سوی بی بی سی پخش شد. والا مگر بی بی سی دلش برای مردم ما می سوزد. مگر برای دانشجو اهمیت قائل است؟ بی بی سی بودجه اش از دولت انگلیس تامین می شود. حال اگر انگلیس دلش برای مردم می سوخت در افغانستان و عراق این گونه عمل نمی کرد. دل بی بی سی و انگلیس برای انسانیت نمی سوزد. دلش برای کوی دانشگاه و عزیزان صدمه دیده نمی سوزد. پس مشخص است که امیال سیاسی داشته است. وی در خصوص بررسی این فیلم در مجلس اظهار داشت: فیلم کوی دانشگاه در مجلس بررسی شد و گویا سخنگوی کمیسیون امنیت اعلام کرد که چیز جدیدی در آن نیست. اینکه کمیسیون امنیت ملی اینگونه در مورد فیلم کوی دانشگاه اظهار نظر می کند، دست بی بی سی را کاملا رو می کند. دانشجو در انتها گفت: باز هم می گویم که به هر حال بحث کوی دانشگاه از سوی مسئولان باید پیگیری شود و حقایق مشخص شود. اگر خطایی صورت گرفته است باید به آن رسیدگی شود اما نباید بحث انحراف یا غفلت از موضوع اصلی یعنی اینکه دشمن قصد براندازی نظام را داشته است فراموش شود.





ابوترابی فرد: بررسی زمان ارائه گزارش کوی دانشگاه به مردم

1389/02/22

محمد حسن ابوترابی فرد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، امروز چهارشنبه در حاشیه اجلاس کمیته سیاسی مجمع مجالس آسیایی در جمع خبرنگاران در پاسخ به یکی از خبرنگاران که از ابوترابی به عنوان رئیس کمیته پیگیری مسائل کوی دانشگاه پرسید: در مصاحبه ای گفته شد که چنین کمیته ای تشکیل نشده است و ابوترابی گفت: من مصاحبه آقای انصاری را ندیدم اما فکر می کنم نظر وی درباره عنوان کمیته بوده است. ابوترابی فرد افزود: کمیته ای در زمینه مسائل کوی دانشگاه شکل گرفت و گفتگوهای طولانی با دانشجویان، تشکل های دانشجویی، مسئولان دانشگاهها، دستگاههای امنیتی و قضایی انجام شد و براساس تصمیمات شورای عالی امنیت ملی گزارش بسیار جامع و کاملی از کوی دانشگاه تهیه شد که بر اساس آن دستگاه های قضایی مسئولیت پیگیری این مسئله را دارند. وی با بیان اینکه پیگیری این مسئله به طور جدی در دستورکار قرار دارد گفت: زمان ارائه گزارش به عموم در حال بررسی است.



احمدی مقدم: آشوبها سازمان یافته بود و فرمانده داشت / حادثه کوی خودسرانه بود

1389/03/21

سردار سرتیپ اسماعیل احمدی مقدم در گفتگویی مشروح ضمن آسیب شناسی و کالبدشکافی حوادث پس از انتخابات، ناگفته هایی از مهمترین رویدادهای یک سال اخیر از جمله نقش رهبر معظم انقلاب در عبور از فتنه، ماجرای کهریزک، کوی دانشگاه و قتل ندا آقاسلطان را بیان کرد. فرمانده نیروی انتظامی همزمان با سالگرد انتخابات ریاست جمهوری دهم با انتقاد از رفتار خودسرانه برخی نیروهای یگان ویژه در ماجرای کوی دانشگاه تهران، حضور پیشگیرانه پلیس را در محیط های دانشگاهی یکی از راههای جلوگیری از وارد آمدن خسارت های بیشتر در موارد مشابه دانست و ادامه داد: من اگر اشتباهی کرده باشم می گویم و معذرت می خواهم. حوادث اخیر فتنه بود و من به خبرنگاری گفتم کهریزک تلخ ترین حادثه پارسال بود. مشروح گفتگوی سردار اسماعیل احمدی مقدم درباره حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم در شماره 1441 هفته نامه "سروش" منتشر شده است که فردا شنبه 22 خردادماه 89 در دسترس علاقمندان قرار می گیرد.



محسن رضایی: در پیگیری تخلفات انجام شده در حوادث کوی دانشگاه هیچ مسامحه ای نشود

1389/04/25

محسن رضایی در حاشیه مراسم سالگرد محسن روح الامینی که شب گذشته در مسجد حضرت ولیعصر (عج) (مسجد خوزستانی ها) در تهران برگزار شد، در جمع خبرنگاران و در پاسخ به این سؤال که ارزیابی شما از نحوه رسیدگی و نوع اطلاع رسانی نسبت به پرونده تخلفات صورت گرفته در حوادث کوی دانشگاه و بازداشتگاه کهریزک چیست؟ عنوان کرد: انتظاری که مقام رهبری و مردم دارند این است که هیچ مسامحه ای در پیگیری تخلفات انجام شده در حوادث کوی دانشگاه و بازداشتگاه کهریزک صورت نگیرد و عدالت کاملاً رعایت شود. وی تصریح کرد: باید منتظر باشیم تا نتیجه دادرسی ها و دادگاه ها کاملاً به اطلاع مردم رسانده شود تا بتوان در مورد آن یک قضاوت درست کرد.



اژه ای: روند رسیدگی به پرونده کوی دانشگاه سرعت گرفته است

1389/06/01

دادستان کل کشور در رابطه با روند رسیدگی به پرونده کوی دانشگاه که روز گذشته مورد انتقاد مقام رهبری قرار گرفت گفت: رسیدگی به این پرونده اخیراً روند قابل قبولی به خود گرفته است. حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه ای در حاشیه مراسم بزرگداشت دوازدهمین سالگرد شهادت اسدالله لاجوردی که عصر امروز دوشنبه در مسجد بلال صدا و سیما برگزار شد در پاسخ به این سؤال خبرنگار مهر که علت تاخیر در رسیدگی به پرونده کوی دانشگاه چه بوده که اخیراً مورد انتقاد مقام رهبری نیز قرار گرفته است؟ گفت: این پرونده ابتدا در دادرسی نظامی تهران پیگیری می شد که سرعت قابل قبولی نداشت ولی پس از تعیین هیئت سه نفره از سوی رئیس قوه قضائیه رسیدگی به این پرونده به سرعت قابل انتظار دست یافته است. وی در رابطه با اینکه آیا تمامی جرایم به وقوع پیوسته در این پرونده در دادرسی نظامی تهران رسیدگی می شود یا خیر؟ گفت: به تشخیص قاضی تاکنون رسیدگی به این پرونده در حیطه اختیارات دادرسی نظامی تهران قرار داشته و تا برخوردن پرونده به مورد مهمی که نیاز به ارجاع به مرجع دیگری داشته باشد در همین مسیر پیگیریها دنبال می شود.



دادستان کل کشور: مقصران حوادث کوی دانشگاه و کوی سبحان شناسایی شده اند

1389/07/10

حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه ای با اعلام اینکه پلیس مقصران حوادث کوی دانشگاه و کوی سبحان را شناسایی کرده گفت: تعدادی از این افراد بازداشت شده و پرونده آنان به دادگاه رفته است که پس از قطعی شدن حکم آنان اعلام می شود. دادستان کل کشور عصر شنبه در حاشیه همایش اقدار فرماندهی یگان ویژه گفت: نیروهای پلیس در حال حاضر آمادگی صد درصدی برای برخورد با هر موضوع و مشکلی دارند. وی با اشاره به حوادث کوی دانشگاه و کوی سبحان گفت: در هر دو مورد پلیس به خوبی عمل کرده و مقصران را شناسایی کرده است. همچنین تعدادی از این افراد بازداشت شده و پرونده آنان به دادگاه رفته است که پس از قطعی شدن حکم آنان اعلام می شود.





نخستین جلسه دادگاه متهمان کوی برگزار شد / پایان تحقیقات درباره 17 متهم
1389/07/13

نخستین جلسه رسیدگی به پرونده موسوم به حوادث کوی دانشگاه در شعبه دوم دادگاه نظامی یک تهران برگزار شد. به نقل از روابط عمومی سازمان قضایی نیروهای مسلح، متعاقب اطلاعیه قبلی این سازمان پیرامون صدور کیفرخواست در خصوص اتهامات 27 نفر از متهمان حوادث کوی دانشگاه، اولین جلسه دادگاه رسیدگی به این پرونده صبح امروز سه شنبه برگزار شد.



در این جلسه که 23 نفر از متهمان حوادث کوی دانشگاه و وکلای آنان و تعدادی از شکات حضور داشتند، رئیس دادگاه با اشاره به روند رسیدگی به این پرونده و بیان برخی از مقررات آئین دادرسی کیفری با تأکید بر ضرورت رعایت ماده 327 قانون آئین دادرسی کیفری مصوب 1290 اعلام کرد که مطابق قانون، انتشار اسامی متهمان پس از قطعی شدن حکم دادگاه میسر خواهد بود. در ادامه کیفرخواست صادره علیه متهمان پرونده قرائت شد و موضوع اتهامات و دلایل آن توسط رئیس دادگاه به متهمان تفهیم شد سپس شاکیان و وکلای آنان و نماینده حقوقی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نماینده حقوقی دانشگاه تهران شکایت خود را مطرح کردند و یکی از متهمان و وکیلش به دفاع پرداختند و نماینده دادستان نیز از کیفرخواست دفاع کرد. جلسات بعدی دادگاه جهت رسیدگی به اتهامات متهمان در روزهای بعد ادامه خواهد یافت. علاوه بر رسیدگی به اتهامات 27 نفر از متهمان که رسیدگی به اتهام آنان در دادگاه آغاز شده است تحقیقات در مورد 17 متهم دیگر پرونده نیز در دادرسی نظامی خاتمه یافته و پرونده این متهمان به زودی با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال خواهد شد.

کواکبیاں مطرح کرد: پرونده کوی دانشگاه به نمایندگان مجلس ارائه شود
1389/08/19

مصطفی کواکبیاں نماینده سمنان در جلسه نوبت عصر روز چهارشنبه مجلس گفت: نامه های فراوانی در آستانه روز دانشجو به فراکسیون دانشجویان رسیده است که خواهش می کنم بررسی شود. وی از لاریجانی خواست تا به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس اعلام کند نتیجه پیگیری پرونده حمله کوی دانشگاه تهران را به هیئت رئیسه ارائه کند تا رئیس مجلس نیز آن را در اختیار نمایندگان بگذارد.



آیت الله آملی لاریجانی خبرداد: در پرونده کوی دانشگاه نیروهای امنیتی هیچ گونه کمکی به دستگاه قضایی نکردند
1389/09/01

رئیس قوه قضائیه با اشاره به بررسی پرونده کوی دانشگاه گفت: در این پرونده نیروهای امنیتی هیچ گونه کمکی به دستگاه قضایی نکردند و ما بر اساس اطلاعاتی که از دستگاههای دیگر رسید بر روی این پرونده کار می کنیم. آیت الله صادق آملی لاریجانی عصر دوشنبه در همایش پیام ماندگار که به مناسبت تاسیس بسیج دانشجویی با همکاری نهادهای بسیج دانشجویی سایر دانشگاه ها در سالن علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد، در پاسخ به سؤال نمایندگان بسیج دانشجویی در سه محور مفاسد اقتصادی، اطلاع دادرسی و پرونده کوی دانشگاه گفت: در رابطه با پرونده کوی دانشگاه نزدیک به 30 نفر احضار شده اند، کیفرخواست آنها نیز صادر شده اما از شما دانشجویان می خواهم که از ما در این زمینه نخواهید که تعجیل کنیم و امیدوارم پرونده کوی دانشگاه به خوبی به پایان برسد.



انتقاد مطهری از عدم قرائت گزارش کوی دانشگاه مجلس را به تنش کشید
1389/12/11

علی مطهری نماینده تهران پس از قرائت گزارش کمیته بررسی ابعاد فتنه در مجلس، طی تذکری از عدم قرائت گزارش حادثه کوی دانشگاه انتقاد کرد که انتقاد وی موجبات تذکرات پیاپی نمایندگان به وی شد. علی مطهری نماینده تهران در جلسه علنی امروز چهارشنبه پس از قرائت گزارش کمیته بررسی ابعاد فتنه و حادثه 25 بهمن ماه طی تذکری خطاب به هیئت رئیسه گفت: حادثه 25 بهمن به هیچ عنوان قابل دفاع نیست اما بیش از یک سال است که از حادثه کوی دانشگاه گذشته و هنوز گزارش آن در مجلس قرائت نشده است. وی از هیئت رئیسه خواست تا قرائت این گزارش را در دستور کار قرار دهد.



نماینده تهران ادامه داد: مجلس موضع خود را نسبت به این حادثه مشخص کرده خوب است دولت هم موضع خود را مشخص کند. لاریجانی در پاسخ به تذکر اولیه مطهری گفت: نتایج کمیته مربوطه به قوه قضائیه ارسال شده است. مهدی کوچک زاده نماینده تهران نیز در واکنش به اظهارات مطهری طی تذکری گفت: من برای اطلاع ملت ایران عرض می کنم این توهین به مجلس است که یک نماینده نسبت دروغ به مجلس بدهد. نماینده تهران ادامه داد: گزارش کوی دانشگاه و مجتمع سبحان به مجلس داده شد و اینکه این گزارش قرائت نشده است، دروغ است.



محمد رضا خباز نماینده کاشمر و عضو فراکسیون اقلیت مجلس نیز طی سخنانی خطاب به رئیس مجلس گفت: در رابطه با حادثه کوی دانشگاه گزارش اولیه ای داده شد که مورد اعتراض برخی از نمایندگان قرار گرفت و قرار شد گزارش نهایی آن داده شود اما هیئت رئیسه مصلحت ندانست و این گزارش در صحن قرائت نشد و مستقیماً به قوه قضائیه ارسال شد. وی ادامه داد: آیا بحث مطرح شده از سوی آقای مطهری همین موضوع است یا اینکه موضوع دیگری در جریان است. لاریجانی در پاسخ به خباز گفت: بله گزارش اولیه کوی دانشگاه به مجلس داده شد اما اسناد و مدارک را به قوه قضائیه فرستادیم.



علی مطهری مجددا در واکنش به اظهارات کوچک زاده گفت: آقای کوچک زاده نسبت دروغ به بنده داد زیرا حتی گزارش اولیه ای از حادثه کوی دانشگاه به مجلس داده نشده است. وی گفت: آنچه که به مجلس ارائه شد گزارش هیئت مذکور با آقای موسوی و ... بود و باقی گزارش قرائت نشد. مطهری تاکید کرد: اساسا هیچ گزارشی از حادثه کوی دانشگاه در مجلس قرائت نشده است. لاریجانی در پاسخ به مطهری گفت: در همان روز که گزارش اولیه در مجلس قرائت شد بنده جلسه را غیر علنی اعلام کردم و آقای زاکانی و نادران گزارش اولیه ای از ماجرا ارائه کردند بنا بود این گزارش کامل شود اما وقتی دیدیم قوه قضائیه موضوع را بررسی می کند اسناد را به قوه قضائیه فرستادیم. مطهری نیز در پاسخ به لاریجانی گفت: بله بنا بود گزارش مشروحی قرائت شود که نشد.



اسماعیل کوثری نماینده تهران نیز در واکنش به اظهارات مطهری گفت: حضرت امام فرمود در مقابل دشمن بایستید بنابراین بچه ها ایستادگی کردند و 250 هزار شهید دادیم حال تاسف می خورم چرا یک نفر در مجلس آن هم فرزند شهید مطهری اینچنین مطلب را بیان می کند که اصل و فرع را تمیز نمی دهد. عده ای از نمایندگان با فریاد احسنت احسنت اظهارات وی را تایید کردند. کوثری گفت: من چون او را دوست دارم می خواهم کمی به فکر باشد که آیا آمریکاییها و صهیونیست ها جنایتکار نیستند؟



لاریجانی در پاسخ به کوثری گفت: اینکه شما بخواهید یکدیگر را نصیحت کنید نباید از تریبون مجلس باشد شما با هم رفیق هستید بروید و با هم صحبت کنید. حمید رسایی نماینده تهران نیز در تذکری گفت: از ابتدا هم مشخص بود آقای مطهری چه می خواهند بگویند همه ما متوجه این موضوع بودیم اگر فرصت تذکر به وی داده نمی شد این تذکرات دامنه دار هم بیان نمی شد اما ما موظفیم از حقوق ملت دفاع کنیم. رسایی ادامه داد: شاید آن روز که گزارش اولیه داده شد و برخی دوستان موضع گیری هایی کردند از یک سری مباحث بی اطلاع بودند. نماینده تهران ادامه داد: آن روز آقای کوچک زاده تذکری داد و یکی از نمایندگان (اشاره وی به خباز بود) که کوچک زادگان درباره بزرگ زادگان صحبت نکنند. رسایی ادامه داد: یک سال بعد معلوم شد کربوبی بزرگ زاده نیست شاید آن روز خیلی ها نمی فهمیدند و متوجه نبودند که این فتنه دعوی انتخاباتی نیست و یا حادثه کوی دانشگاه و مجتمع سبحان برای تحت الشعاع قرار دادن آتش هایی بود که در خیابان های تهران برپا شده بود یا اینکه یک نفر 200 میلیون هزینه کرد برای میداین تهران. وی ادامه داد: امروز دیگر کسی نیست که این قصه را نداند امروز همه به این موضوع توجه پیدا کرده اند و دوستان فراکسیون اقلیت هم همه قبول دارند که این موضوع جریان سیاسی صرف نیست و عناصر ضد انقلاب پشت آن هستند. رسایی تاکید کرد: موضع گیری آقای مطهری مثال این مثل مشهور است که یک نفر فضله موشی را در غذای پاک می اندازد برای خراب شدن آن. پس از این اظهارات رسایی کوچک زاده با صدای بلند فریاد احسنت احسنت سر داد.

مصطفی کواکبیان نماینده سمنان و عضو فراکسیون اقلیت مجلس نیز پس از اظهارات رسایی گفت: از آقای رسایی می خواهم از طرف فراکسیون ما صحبت نکند ما خودمان زبان داریم. کواکبیان ادامه داد: فرزند شهید مطهری برای ما یک افتخار است حداقل او را برای عضویت در این کمیته انتخاب می کردید. لاریجانی در پاسخ به کواکبیان گفت: در تشکیل این کمیته بحث انتخاب افراد مطرح نبود ما از روسای کمیسیون های تخصصی خواستیم تا موضوع را پیگیری کنند. کوچک زاده که همچنان در حال فریاد زدن بر سر کواکبیان بود اظهار می کرد که او از یک ضد انقلاب دفاع می کند.



محسنی اژه ای خبر داد: حکم پرونده کهریزک به زودی صادر می شود 1390/02/05

حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه ای در دومین نشست خبری خود در سال 90 در مورد آخرین وضعیت پرونده های کهریزک و کوی دانشگاه گفت: بخشی از این پرونده که مربوط به تخلف قضات بوده است هنوز در حال رسیدگی است و در مورد پرونده کوی دانشگاه باید بگویم که در این پرونده سه گروه متهم بودند. یک گروه دانشجو نبودند و از مکانی دیگر به کوی دانشگاه آمده و گروهی دیگر داخل کوی بودند و در تخریب و آتش سوزی مشارکت داشتند و گروه سوم هم دانشجو بودند و در کوی هم ساکن بودند و آنها هم در حوادث دخیل بودند که به دلیل پوشاندن چهره ها برخی شناسایی شدند. آخرین دفاع ها گرفته شده و به زودی حکم نهایی صادر می شود.



نشست خبری محسنی اژه ای: حکم متهمان کوی دانشگاه صادر شد؛ احکام قابل تجدیدنظر است 1390/02/19

سخنگوی قوه قضائیه با اعلام اینکه حکم متهمان کوی دانشگاه صادر شده گفت: 40 نفر از این متهمان به حبس، جزای نقدی و پرداخت خسارت وارد محکوم شده اند. حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه ای در نشست خبری بعد از ظهر دوشنبه با بیان این مطلب گفت: پرونده کوی دانشگاه و ساختمان سبحان در دادگاه بررسی و حکم برای متهمان صادر شد. وی ادامه داد: این پرونده 50 متهم داشت که 40 نفر آنان به حبس، جزای نقدی و پرداخت خسارت وارد محکوم شدند. محسنی اژه ای با بیان اینکه این پرونده به دلیل وسعت شاکیان و خسارت وارده بسیار سنگین بود، گفت: برخی از شاکیان از شکایت خود صرف نظر کردند. همچنین شناسایی برخی از متهمان به دلیل آنکه صورت خود را پوشانده بودند مشکل بود. برخی از این متهمان از خارج دانشگاه وارد کوی شده بودند و برخی در داخل دانشگاه اقدامات مجرمانه داشتند. سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به اینکه این دادگاه در 22 جلسه با حضور متهمین، شکات، وکلای آنها، نماینده وزارت علوم و نماینده دادستان برگزار شد، گفت: برای صدور احکام دقت و وسواس خاصی به کار برده شد اما اگر اعتراضی نسبت به آن وجود داشته باشد قابل تجدید نظر است و حکم نهایی هنوز ابلاغ نشده است.



اخبار بازداشت و محکومیت دانشجویان

محاکمات انضباطی گسترده‌ای را آغاز کرد. در آغاز سال تحصیلی 1389-1388 بیش از 130 ابلاغیه توسط کمیته انضباطی دانشگاه تهران صادر گردید و دانشجویان بر مبنای این ابلاغیه از حضور در محیط خوابگاه و دانشگاه محروم گردیدند. به طور موازی جلسات فوق‌العاده و چند ساعته کمیته انضباطی تشکیل و برای ده ها دانشجویان احکام محرومیت از تحصیل برای مدت یک، دو، سه یا چهار نیم سال صادره شده و چندین دانشجو نیز با حکم پیشنهاد اخراج به کمیته مرکزی انضباطی مواجه شدند. برگه‌های بازجویی و ایراد اتهام به دانشجویان در کمیته انضباطی از پیش آماده شده و دارای فرمت و شکل کاملاً یکسانی بود؛ برای تمامی احضارشدگان اتهام‌های فله‌ای و مشابهی نظیر «پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف، آتش زدن اموال دانشگاه، دادن شعار و توهین به مقدسات و مسئولان کشور، استفاده از پوشش صورت و ... در برگه‌های تفهیم اتهام ذکر شده و تمامی دانشجویان به شکل کاملاً برابر! از اتهام‌های مذکور بهره‌مند می‌شدند.

ادامه در صفحه بعدی

در طی قریب به دو سال پرونده‌سازی برای دانشجویان در خصوص حمله به کوی دانشگاه - از تیر 1388 تا خرداد 1390 - ده‌ها دانشجو با احکام سنگین انضباطی و قضایی مواجه شدند. احضار دانشجویان از همان تیر 1388 آغاز شد. بیش از 100 احضاریه با ظاهری مشابه توسط «شعبه سوم بازپرسی ویژه امنیت دادسرای عمومی و انقلاب» و به تاریخ 21 تیر 1388 برای دانشجویان دانشگاه تهران صادر گردید. این احضاریه‌ها در آغاز به حراست دانشگاه تهران تحویل گردید تا برای جلوگیری از انعکاس خبری گسترده، به طور تدریجی به دانشجویان تحویل گردد. مسئولان دانشگاه تهران مدعی بودند که در تلاش هستند تا نهادهای امنیتی را متقاعد سازند رسیدگی به اتهامات دانشجویان در چارچوب دانشگاه و کمیته انضباطی صورت پذیرد. گرچه نمی‌توان منکر رایزنی‌های مصلحانه برخی مدیران دانشگاه برای عملی شدن این امر شد، اما در عمل آنچه رخ داد همسویی مطلق دانشگاه با نیروهای امنیتی برای احضار، بازداشت و صدور حکم برای دانشجویان بود. رئیس دانشگاه تهران با این توجیه که دانشگاه توافق کرده که راساً به مساله تخلفات دانشجویان در جریان حمله به کوی دانشگاه رسیدگی کند، احضارها و





اخبار بازداشت و محکومیت دانشجویان

ادامه از قبل

احضار و مورد تفهیم اتهام قرار گرفتند تا اینکه در جلسه مهرماه دادگاه پرونده کوی دانشگاه در سازمان قضایی، شماری از دانشجویان نیز حضور یافتند و اطلاعیه سازمان قضایی نیروهای مسلح از صدور کیفرخواست برای 17 متهم دیگر که احتمالاً از دانشجویان بودند خبر داد. رسیدگی به اتهامات دانشجویان در دادگاه نظامی تا اردیبهشت 1390 ادامه یافت تا اینکه صدور بیش از 10 سال حبس و میلیون‌ها تومان جریمه نقدی بدل از شلاق، سهم دانشجویان از رسیدگی مسئولان قضایی به تهاجمی شد که بالاترین مقام سیاسی کشور از آن به عنوان فاجعه و جنایت یاد کرده بود و خواهان برخورد قاطعانه با مهاجمان شده بود!

بخش فعلی ویژه نامه به بازخوانی اخبار مربوط به احضار، بازداشت و محکومیت دانشجویان اختصاص دارد. این اخبار در مقایسه با آنچه در بیرون رخ داده، تنها مثنی نمونه خروار است. به سبب سیطره فضای امنیتی و خفقان موجود، ده‌ها دانشجوی دیگری که در این پرونده مورد تعقیب و مجازات قرار گرفته‌اند، تمایلی به رسانه‌ای کردن فشارهای وارد بر خود نداشته‌اند و همین امر سبب گردیده که گزارش‌های خبری از جریان احضار و بازداشت دانشجویان بسیار محدود و ناقص باشد. از آنجا که دسترسی به منابع مستقیم دانشجویی برای کسب اخبار دقیق‌تر برای ما فراهم نبود، ناچار به نقل همین اخبار منتشرشده در فضای مجازی بسنده کردیم. این اخبار عمدتاً توسط سایت جرس و پاره‌ای نیز توسط کلمه منتشر شده‌اند. بازخوانی این اخبار، گویای تنها گوشه‌ای از زخم وارد بر پیکر دانشگاه و تعقیب و پیگرد دانشجویان بی‌گناه است.

داده‌های شفاهی حاکی از آن است که در پی این بررسی‌ها، بیش از 100 نیم‌سال محرومیت از تحصیل (حدود 50 سال محرومیت!) برای دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران صادر گردید.

اما اوج بیدادگری اینجاست که مدیریت دانشگاه تهران، بر خلاف توافق پیشین با نیروهای امنیتی مبنی بر اینکه رسیدگی به اتهام دانشجویان تنها در چارچوب کمیته انضباطی صورت پذیرد، با این نیروها برای رسیدگی امنیتی و قضایی به اتهامات دانشجویان همکاری کامل کرد. از همان تابستان 1388 و مقارن با آغاز بررسی‌های انضباطی، احضار دانشجویان به دادرسی انقلاب نیز آغاز شد و در اولین گام چند دانشجو بازداشت شده و به اوین منتقل گردیدند. احضار و بازجویی از دانشجویان از مرداد 1388 آغاز و تا اواخر سال ادامه داشت که منجر به بازداشت شمار بیشتری از دانشجویان شد. این دانشجویان در زندان تحت فشارها و شکنجه‌های روحی سنگین برای اعتراف به «اغتشاشات» کوی دانشگاه بودند و در نهایت برای تعدادی از آنها احکام زندان و شلاق صادر گردید. فاز دوم پرونده کوی، پس از پذیرش مسئولیت قوه قضاییه توسط صادق لاریجانی و تعیین قاضی ویژه برای رسیدگی به پرونده کوی دانشگاه توسط رئیس جدید آغاز شد و طی این فاز، تمامی پرونده‌ها از گوشه و کنار در سازمان قضایی نیروهای مسلح تجمیع شد و احضارها و ایراد اتهامات در سال 1389 در این سازمان پی گرفته شد. در طی این یک سال بیش از 20 دانشجو به سازمان قضایی نیروهای مسلح

احکام سنگین برای دانشجویان آسیب دیده کوی 12 اسفند 1388

سایت ندای سبز آزادی گزارش داده بنا به خبرهای رسیده از دانشگاه تهران، پس از فیلم افشاگرانه بی بی سی در مورد حمله به کوی، کمیته انضباطی دانشگاه تهران و کمیته‌های دانشکده‌های تابعه اقدام به صدور احکام بسیار سنگین اخراج و تعلیق برای دانشجویانی کرده‌اند که در جریان حمله 24 خرداد ماه 1388 به کوی آسیب دیده یا بازداشت شده بودند. بسیاری از این دانشجویان، در ابتدای سال جاری تحصیلی نیز با محرومیت از تحصیل و محدودیت ورود به خوابگاه کوی دانشگاه مواجه شدند، با این حال احکام کنونی اغلب بسیار سنگین‌تر از قبل است. ظاهراً محروم کردن و اخراج کردن آسیب دیدگان اولین قدم در واکنش به افشاگری نیروهای امنیتی علیه یکدیگر بوده که در بی بی سی انعکاس یافت.

تجمع دانشجویان دانشگاه تهران در سالگرد حمله به کوی دانشگاه 24 خرداد 1389

اولین سالگرد حمله به دانشگاه تهران در خرداد ماه، امروز با تجمع تعداد زیادی از دانشجویان و سردادن شعارهای اعتراضی همراه بود. بنا به گزارش‌های رسیده به جرس، حوالی ظهر امروز در حالی که جمعی 50 نفره از بسیجیان، مقابل در اصلی دانشگاه تهران تجمع کرده و شعارهایی علیه جنبش سبز می‌دادند، دانشجویان دانشگاه نیز با شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "نبرد با دیکتاتور کار مضاعف ما است" تجمع خود را از سر در دانشگاه فنی، آغاز کردند. به گزارش یک شاهد عینی، رفته‌رفته با افزایش تعداد دانشجویان و حرکت به سوی در اصلی دانشگاه، عده‌ای از لباس شخصی‌ها برای ایجاد ترس مشغول فیلم‌برداری از دانشجویان معترض شدند. در این زمان دختران دانشجو با پوشاندن صورت خود در صف‌های جلو قرار گرفتند تا امکان فیلم‌برداری از چهره‌ها را به این افراد ندهند و حربه آنان را خنثی کنند. همچنین یکی دیگر از دانشجویان خبر داد که نیروهای نظامی پس از جمع شدن تعداد زیادی از دانشجویان، بلافاصله چند دستگاه اتوبوس را جلوی در اصلی دانشگاه مستقر کردند تا مانع دید عابران و ماشین‌های در حال عبور شوند. علاوه بر این به گزارش دانشجویان، در این تجمع تعداد لباس شخصی‌ها در اطراف دانشگاه و حتی داخل دانشگاه بسیار زیاد بود به گونه‌ای که تعدادی از آنان به داخل جمعیت دانشجویان آمده و اقدام به فیلم‌برداری می‌کردند.

همچنین تعدادی از لباس شخصی‌ها با شناسایی دانشجویان بعد از تجمع به ماموران نگهبانی دستور می‌دادند تا کارت دانشجویی این دانشجویان را از آنها گرفته و به آنان تحویل دهند. در موردی در ساعت پنج بعد از ظهر دو لباس شخصی وارد بوفه دانشکده حقوق دانشگاه شده و با نشان دادن دو تن از دانشجویان دختر به یکی از نگهبانان، از نگهبان مذکور خواستند تا کارت دانشجویی آنها را گرفته و تحویل شان دهد که این امر منجر به درگیری فیزیکی میان دانشجویان دانشکده و لباس شخصی‌ها گردید و دو دختر دانشجو توسط دانشجویان دیگر از دانشکده فراری داده شدند. گفتنی است یک سال پیش در چنین روزهایی نیروهای پلیس و لباس شخصی‌ها به کوی دانشگاه تهران حمله کردند و با فحاشی و خشونت به ضرب و شتم دانشجویان پرداختند. گرچه نیروهای نظامی تا مدت‌ها منکر این اتفاق می‌شدند اما بعدها فیلمی از تصاویر حمله نیروهای پلیس و لباس شخصی به کوی دانشگاه تهران از تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی پخش شد، که صحنه‌های دلخراشی از برخورد با دانشجویان را نشان می‌داد.



در آستانه آغاز سال تحصیلی : احضار و دستگیری گروهی از دانشجویان کوی دانشگاه تهران 24 شهریور 1389

بنا به گزارش منابع خبری دانشجویی، از آغاز شهریور ماه، قاضی غلامحسین ترکی بازپرس ویژه دادرسی نظامی تهران، در جریان پیگیری پرونده حمله سال 88 به کوی دانشگاه تهران، اقدام به احضار گسترده گروهی از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه بصورت تلفنی به سازمان قضائی نیروهای مسلح کرده است. از آنجا که دانشجویان احضار شده از داشتن وکیل محروم بوده اند، در جواب اعتراض فعالین دانشجویی به نحوه احضار و مکان احضار (سازمان قضائی نیروهای مسلح)، مأمور احضار کننده ابراز داشته است که قاضی ترکی "نماینده برادران لاریحانی بوده" و تمام پرونده های دادگاه انقلاب، وزارت اطلاعات و حراست دانشگاه در رابطه با پرونده کوی باید به آن دادگاه منتقل شود تا گزارش نهایی و تصمیم گیری نهایی در مورد کوی توسط قاضی ترکی اعلام شود.

طبق گزارش فوق، اتهاماتی که به دانشجویان پس از حضور در سازمان قضائی نیروهای مسلح تفهیم شده، "حضور در تجمعات اعتراض آمیز پس از انتخابات، سنگ پراکنی، آتش زدن بانک و آسیب به معابر عمومی و خصوصی، پرتاب کوکتل مولوتوف، درگیری با مأمورین، توهین به مسئولین و مقدسات نظام برای تحریک نیروهای بسیج و انتظامی برای حمله به کوی دانشگاه و ..." می باشد.

برای دانشجویان تفهیم اتهام شده همچنین وثیقه های ده تا پنجاه ملیونی و ... صادر شده ولی بدون دادن فرصت به آنها برای گذاشتن وثیقه، این دانشجویان به زندان اوین منتقل شده اند. بر اساس این گزارش تاکنون احضار و دستگیری این دانشجویان قطعی شده است :

1. سجاد اکبری از دانشکده علوم اجتماعی با قرار وثیقه 50 ملیونی
2. سینا چگینی از دانشکده علوم اجتماعی با قرار وثیقه 50 ملیونی
3. پیام صالحی از دانشکده مدیریت با قرار وثیقه 50 ملیونی
4. حسینی از دانشکده مدیریت
5. قیصری از دانشکده تربیت بدنی
6. شریفی از دانشکده تربیت بدنی با قرار وثیقه ده ملیونی

گفتنی است تعداد دانشجویان احضار شده بسیار بیشتر از این تعداد بوده و دانشجویانی نیز که از اوین آزاد شده اند، مکان حضور خود را بندی غیر از بندهای امنیتی معروف اوین توصیف کرده اند و می گویند برای پذیرش اتهامات وارده و اظهار ندامت شدید از رفتار خود، و همچنین پذیرفتن مسئولیت رخدادهای کوی (همچون حمله به کوی و ضرب و شتم دانشجویان)، به شدت تحت فشارهای مختلف روانی و جسمی قرار گرفته اند.

فعالین دانشجویی تحرکات اخیر قوه قضائیه در ارتباط با پرونده کوی را فشار بر فعالین دانشجویی و امنیتی کردن فضای دانشگاه ها با هدف ایجاد رعب و وحشت و تحت فشار قرار داشتن مسئولین قضائی در رابطه با این پرونده برای دادن رأی و ارائه گزارش به مسئولین عالی رتبه نظام و بستن پرونده کوی می دانند.

بی خبری از دبیر شورای صنفی دانشجویان دانشگاه تهران، بعد از احضار به مراجع قضایی 25 شهریور 1389

در راستای احضار جمعی از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران به مراجع قضایی در روزهای اخیر، ایوب نعمتی، دبیر شورای صنفی دانشجویان دانشگاه تهران نیز، که پیشتر بارها به مراجع قضایی احضار شده بود، بار دیگر فراخوانده شده و طبق آخرین گزارش ها، تاکنون خبری از وی در دست نیست. این فعال دانشجویی عصر چهارشنبه 24 شهریورماه به مراجع قضایی احضار شده بود و قاضی پرونده نیز، پاسخگویی در مورد وی را به روز شنبه آینده موکول کرده است. بنا به گزارش منابع خبری دانشجویی، از آغاز شهریور ماه، قاضی غلامحسین ترکی، بازپرس ویژه دادرسی نظامی تهران، در جریان پیگیری پرونده حمله سال 88 به کوی دانشگاه تهران، اقدام به احضار گسترده گروهی از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه بصورت تلفنی به سازمان قضائی نیروهای مسلح کرده است. بر اساس آخرین گزارش ها، تاکنون احضار و دستگیری این دانشجویان قطعی شده است: سجاد اکبری و سینا چگینی از دانشکده علوم اجتماعی، پیام صالحی و حسینی از دانشکده مدیریت، قیصری و شریفی از دانشکده تربیت بدنی، و چند تن دیگر.

گفتنی است تعداد دانشجویان احضار شده بسیار بیشتر از این تعداد بوده و دانشجویانی نیز که از اوین آزاد شده اند، مکان حضور خود را بندی غیر از بندهای امنیتی معروف اوین توصیف کرده اند و می گویند برای پذیرش اتهامات وارده و اظهار ندامت شدید از رفتار خود، و همچنین پذیرفتن مسئولیت رخدادهای کوی (همچون حمله به کوی و ضرب و شتم دانشجویان)، به شدت تحت فشارهای مختلف روانی و جسمی قرار گرفته اند. طبق گزارش های فوق، اتهاماتی که به دانشجویان پس از حضور در سازمان قضائی نیروهای مسلح تفهیم شده، "حضور در تجمعات اعتراض آمیز پس از انتخابات، سنگ پراکنی، آتش زدن بانک و آسیب به معابر عمومی و خصوصی، پرتاب کوکتل مولوتوف، درگیری با مأمورین، توهین به مسئولین و مقدسات نظام برای تحریک نیروهای بسیج و انتظامی برای حمله به کوی دانشگاه و ..." می باشد.

احضار مجدد تعدادی از دانشجویان به جای برخورد با عاملان حمله به کوی دانشگاه 11 مهر 1389

در حالی که امروز محسنی اژه ای خبر از بازداشت عاملان حادثه کوی دانشگاه داد، در خبر است که طی چند روز گذشته، دادرسی انتظامی نیروهای مسلح اقدام به احضار مجدد تعدادی از دانشجویان به اتهام "مشارکت در اغتشاشات کوی دانشگاه تهران در سال گذشته" کرده و برای برخی از آنان جلسات دادگاه ترتیب داده است. جلساتی که در طول هفته جاری و هفته های آینده برگزار خواهد شد. به گزارش جرس، پیش از این نیز جمعی دیگر از دانشجویان دانشگاه تهران به اتهام "مشارکت در اغتشاشات کوی" محاکمه و احکام زندان دریافت کرده اند که از آن جمله عباس کاکایی دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است که با همین اتهام، مدت 10 ماه است در زندان به سر می برد. احکام زندان برای جمعی دیگر از دانشجویان نیز صادر شده که هنوز اجرایی نشده است.



این‌ها همه در حالی صورت می‌گیرد که کمیته انضباطی دانشگاه تهران خود نیز راساً اقدام به صدور احکام طویل‌المدت محرومیت از تحصیل برای دانشجویان کوی کرده است. گفته می‌شود شکاف میان قوه قضاییه و وزارت اطلاعات سبب شده تا وزارت اطلاعات با مطرح کردن مداوم پرونده کوی دانشگاه و نام‌های دانشجویان، فضا را به نفع نیروهای خود موازنه کند و برخورد با عوامل اصلی حادثه کوی از جمله صادق محصولی که از نظر برخی، مسئول اصلی انتقال دانشجویان به "منفی چهار" وزارت کشور بوده است را ناممکن کند. بسیاری از دانشجویان معتقدند با توجه به سمت سابق فرهاد رهبر، رئیس دانشگاه تهران، به عنوان معاونت اقتصادی وزارت اطلاعات هیچ یک از این اقدامات بدون هماهنگی او انجام نمی‌شود. اما از سوی دیگر غلامحسین محسنی اژه‌ای امروز با اعلام اینکه پلیس مقصران حوادث کوی دانشگاه و کوی سبحان را شناسایی کرده گفت: تعدادی از این افراد بازداشت شده و پرونده آنان به دادگاه رفته است که پس از قطعی شدن حکم آنان اعلام می‌شود. به گزارش مهر، دادستان کل کشور گفت: نیروهای پلیس در حال حاضر آمادگی صد درصدی برای برخورد با هر موضوع و مشکلی دارند.

بازداشت نعیم آقایی، فعال دانشجویی دانشگاه تهران پس از احضار به دادرسی نظامی 20 مهر 1389

دبیر انجمن دموکراسی خواه دانشگاه تهران، روز سه شنبه 20 مهرماه 89، پس از احضار به دادرسی نظامی جهت "ادای توضیحاتی پیرامون پرونده کوی دانشگاه" بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شد. بنا به گزارش دانشجو نیوز، نعیم آقایی روز دوشنبه و سه شنبه، بطور پی در پی برای این توضیحاتی پیرامون پرونده کوی دانشگاه به سازمان قضایی نیروهای مسلح احضار شده بود؛ که روز سه شنبه پس از مراجعه به سازمان قضایی نیروهای مسلح در همانجا بازداشت و روانه بازداشتگاه می‌شود. این درحالیست که با گذشت دو هفته از محاکمه گروهی از "عاملان" حمله به کوی دانشگاه تهران در خرداد 88، و عدم جای معرفی نام و جزئیات عوامل آن حملات و خشونت‌ها، این بار یکی از دانشجویان مورد حمله واقع احضار و بازداشت می‌شود. گفتنی است نعیم آقایی از اعضای دفتر تحکیم وحدت و دبیر انجمن دموکراسی خواه دانشگاه تهران می‌باشد. دو هفته گذشته نیز، حبیب فرحزادی، دانشجوی محروم از تحصیل دانشگاه تهران، در حالیکه برای ثبت نام مجدد به دانشگاه مراجعه کرده بود، در مقابل درب دانشگاه توسط نیروهای لباس شخصی ربوده شد.

تداوم بازداشت دانشجویان دانشگاه تهران 25 مهر 1389

روز گذشته، شنبه 24 مهرماه، یک دانشجوی دیگر دانشگاه تهران بازداشت شد. به گزارش دانشجو نیوز، این بازداشت به فاصله چهار روز از بازداشت نعیم آقایی دبیر انجمن دانشجویان دموکراسی خواه دانشگاه تهران و در راستای پرونده سازی برای دانشجویان دانشگاه تهران برای تغییر ماهیت و متهمان واقعه حمله به کوی دانشگاه در خرداد ماه سال گذشته، صورت گرفته است. با بازداشت یکی دیگر از دانشجویان دانشگاه تهران در روز گذشته، تعداد دانشجویان بازداشت شده این دانشگاه طی چند ماه اخیر به حداقل چهار تن رسیده است. نام این دانشجوی بازداشت شده بنابر درخواست خانواده وی منتشر نشده است. پیش از این نیز حبیب فرحزادی نایب دبیر سابق "انجمن دانشجویان دموکراسی خواه دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران" روز یازدهم مهرماه توسط نیروهای امنیتی در مقابل دانشگاه بازداشت شد. ایوب نعمتی، دانشجوی محروم از تحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی و کاوه اکبری، دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیز از دیگر دانشجویان بازداشت شده دانشگاه تهران در ارتباط با پرونده کوی، در ماه‌های اخیر هستند.

علاوه بر این بازداشت‌ها، طی مدت اخیر تعدادی از دانشجویان دانشگاه تهران مورد بازجویی و بازداشت‌های کوتاه مدت چند روزه نیز قرار گرفته‌اند. بنابر اظهارات دانشجویان دانشگاه تهران، بازجویی‌های صورت گرفته از دانشجویان همراه با فشار و تهدیدهای بسیار و با ماهیت تغییر در پرونده حمله به کوی دانشگاه در سال گذشته، صورت گرفته است.

بازداشت‌های اخیر صورت گرفته به دستور قاضی ترکی انجام شده است. قاضی غلامحسین ترکی نماینده برادران لاریجانی و بازپرس ویژه دادرسی نظامی در پیگیری فاجعه حمله سال 88 به کوی دانشگاه تهران است. وی در مقاطعی اقدام به احضار گسترده ساکنین کوی دانشگاه بصورت تلفنی و بدون وکیل به سازمان قضایی نیروهای مسلح کرده است. بنابر اظهارات دانشجویان دانشگاه تهران، قاضی ترکی قصد دارد تا با پرونده سازی برای دانشجویان دانشگاه تهران، تخلفات نیروهای انتظامی و سپاهی کشور در حمله به کوی دانشگاه تهران در شامگاه 24 خرداد 1388 را سرپوش نهد و دانشجویان را به عنوان مقصرین آن واقعه معرفی کند. بنابر گفته‌های دانشجویان دانشگاه تهران به دانشجو نیوز، فعالین دانشجویی این دانشگاه و خانواده‌هایشان همچنان مورد تهدید قرار می‌گیرند. همچنین دانشجویان بازداشت شده تحت فشارهای شدید روحی و جسمی برای اعتراف گیری‌های غیرواقعی قرار دارند. دانشجویان معتقدند قاضی ترکی و بازجویان پرونده حمله به کوی دانشگاه تهران قصد دارند تا با فشار بر دانشجویان بازداشت شده، از آنان اعتراف‌های جعلی بر علیه خودشان و یا دیگر دانشجویان اخذ کنند تا ماهیت و واقعیت واقعه حمله به کوی دانشگاه کاملاً تغییر یابد.

اجرای حکم زندان علیرضا مرادی، دانشجوی دانشگاه تهران 21 آبان 1389

علیرضا مرادی دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات دانشگاه تهران برای گذراندن یک سال حکم زندان به قول حصار منتقل شد. به گزارش دانشجو نیوز، علیرضا مرادی به همراه برادرش سجاد، دو دانشجوی نخبه کرد دانشگاه تهران که هر دو با فاصله یک سال با رتبه 3 کنکور کارشناسی ارشد وارد دانشگاه شده بودند، در روز 16 آذر ماه از مقابل خوابگاه دانشگاه تهران بازداشت شدند. علیرضا مرادی سپس در بهمن ماه به صورت موقت آزاد شد. بر اساس این گزارش، این دانشجو در دادگاه انقلاب شعبه 15 از سوی قاضی صلواتی به یک سال حبس تعزیری محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدید نظر نیز تایید شد. گفتنی است که زندان قول حصار محل نگهداری مجرمان خطرناک است.



محاکمه دانشجویان در دادگاه نظامی

22 آبان 1389

دانشجویان این روزها بعد از احضار و بازجویی در دادگاه های نظامی محاکمه می شوند. اقدامی که برای اولین بار در جمهوری اسلامی انجام می شود. دانشجویان معتقدند که جای شاکیان و متهمان در دادگاه رسیدگی به متهمان کوی دانشگاه تهران تغییر کرده و این دانشجویان هستند که به جای متهمان محاکمه و زندانی می شوند. دانشجویان دانشگاه تهران و تعدادی دیگر از دانشگاه های کشور برای بازجویی به دادگاه های نظامی احضار می شوند. بهانه مسوولان برای این کار این است که چون متهمان پرونده کوی دانشگاه از ماموران انتظامی بوده اند پس محاکمه دانشجویان هم باید در این دادگاه ها برگزار شود.

دانشجویان دانشگاه های کشور از این اقدام یعنی احضار دانشجویان به دادگاه های نظامی ابراز نگرانی می کنند و می گویند که این شکل محاکمه یاد آور برگزاری دادگاه های فعالان سیاسی در رژیم گذشته است. چراکه در زمان شاه هم دادرسی نظامی پرونده فعالان مدنی و سیاسی را بررسی می کرد.

اولین جلسه رسیدگی به پرونده 27 نفر از متهمان حمله به کوی دانشگاه تهران در "شعبه دوم دادگاه نظامی یک تهران" در سیزدهم مهر سال جاری تشکیل شد و 23 نفر از متهمان حوادث کوی دانشگاه و وکلای آنان و تعدادی از شاکیان در آن حضور یافتند. دانشجویان این محاکمه ها را باور ندارند و از احضار و بازجویی های مکرر دانشجویان به دادگاه های نظامی به بهانه رسیدگی به پرونده متهمان حوادث روی داده ابراز نگرانی می کنند. یکی از دانشجویان دانشگاه تهران درباره این دادگاه ها می گوید: "چه دادگاهی؟ این جلسات از ماه ها پیش تشکیل و منجر به صدور احکام زندان برای دانشجویان شده است." عباس کاکایی دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از 16 آذر 88 تاکنون در زندان است و امکان استفاده از مرخصی هم نیافته است. او حکم یک سال زندان اش را به جرم مشارکت در اغتشاشات کوی دانشگاه دریافت کرده است. در حالی که همه می دانند دانشجویان در این حادثه کاملاً بی گناه بوده اند و عده ای بدون هیچ بهانه روشنی به آنها حمله کردند. ایوب نعمتی، دانشجوی محروم از تحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، کاوه اکبری، دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه تهران و حبیب فرحزادی از دانشجویانی هستند که در ارتباط با این دادگاه دستگیر شده و تحت فشار برای اعترافات ساختگی قرار گرفته اند. این دانشجویان تنها دانشجویانی نیستند که به دادگاه های نظامی فراخوانده شده و یا حکم زندان دریافت کرده اند. دو نفر دیگر از دانشجویان همین دانشگاه نیز به اتهام مشارکت در حوادث کوی به حکم یک سال و دو سال زندان و ضربات شلاق محکوم شده اند. چندین دانشجوی دیگر نیز در هفته های اخیر بازداشت شده اند.

محاکمه دانشجویان در دادگاه های نظامی که یادآور محاکمه های زندانیان سیاسی دوران شاه است این بار چه کسانی را قربانی می کند؟ دانشجویان می پرسند تا پایان سال تحصیلی چند دانشجوی دیگر میهمان زندان اوین خواهند شد؟

مراسم "روز بدون زندانی" در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

12 آذر 1389

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، روز چهارشنبه دهم آذرماه شاهد برگزاری مراسمی با عنوان "روز بدون زندانی دانشکده" بود. دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران که تعداد دانشجویان بازداشتی و احضار شده آن، از بسیاری از مراکز دانشگاهی کشور بیشتر است، روز چهارشنبه به دنبال آزادی علیرضا مرادی و عباس کاکایی که آخرین دانشجویان زندانی این دانشکده بودند، جشنی را برگزار کردند و از یاران دبستانی خود که مدتی را در زندان به سر برده بودند، تقدیر کردند. بر اساس این گزارش، با آزادی مرادی و کاکایی، هفته گذشته، اولین هفته پس از 13 آبان 88 بود که هیچ یک از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی در زندان نبودند. اما این به معنای پایان زندانی شدن دانشجویان نیست؛ همچنان تعدادی از دانشجویان این دانشکده به حبس و شلاق محکوم شده و در انتظار اجرای حکم خود هستند، یا آنکه منتظر بررسی احکام بدوی خود در دادگاه تجدیدنظرند و یا به اتهام "مشارکت در اغتشاشات کوی دانشگاه!" در حال محاکمه در دادگاه نظامی هستند. اما در مراسم روز بدون زندانی دانشکده که به همت انجمن اسلامی دانشجویان و با حضور تعداد زیادی از دانشجویان و چند تن از استادان دانشکده علوم اجتماعی برگزار شد، آنها علاوه بر حضور در جشن و خوردن کیک به این مناسبت، از دانشجویان آزاد شده از زندان تقدیر کردند و کتابهای تمهیدات عین القضاة و مسیح بازمصلوب را به آنها هدیه دادند. در این مراسم، عباس کاکایی از سختی یک سال زندان خود گفت و علیرضا مرادی هم خاطرات خود را از همبندی با اشرار در زندان قول حصار تعریف کرد. این دو و دیگر دانشجویان همچنین آرزو کردند روزی برسد که این دانشکده، هیچ دانشجویی در حال محاکمه یا منتظر صدور یا اجرای حکمی نداشته باشد.

احضار احمد احمدیان به دادرسی نظامی

14 دی 1389

احمد احمدیان، در ارتباط با پرونده کوی دانشگاه تهران، به دادرسی نظامی کارکنان نیروهای مسلح و دادگاه انقلاب احضار شد. این احضاریه ی مجدد که با تهدید احمد احمدیان و خانواده اش به جلب همراه بود، در حالی اتفاق می افتد که چندی پیش نیز از سوی سازمان قضایی نیروهای مسلح به دادرسی نظامی کارکنان نیروهای مسلح احضار شده بود. گمان می رود این احضار در ارتباط با رسیدگی به پرونده حمله به کوی دانشگاه تهران می باشد. به دنبال مراجعه نمودن به این سازمان، فشارها به این فعال دانشجویی افزایش یافته است و در آخرین تماس نیروهای امنیتی عنوان گردیده است که در صورت عدم مراجعه، خانواده وی مورد بازخواست قرار خواهند گرفت. احمد احمدیان دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران و از اعضای منتخب انتخابات اخیر شورای مرکزی دفتر تحکیم می باشد که پیش از این نیز دو بار در پی حمله به کوی دانشگاه تهران و همچنین دهم مهرماه سال گذشته به همراه اعضای شورای تهران دفتر تحکیم وحدت بازداشت شده و به بند انفرادی زندان اوین انتقال یافته است.



پرونده دانشجویان کوی دانشگاه همچنان در دادگاه نظامی 29 فروردین 1390

محاکمه دانشجویان که در ماجرای کوی دانشگاه سال 88 دستگیر و زندانی شده بودند همچنان در دادگاه نظامی ادامه دارد. برخی از این دانشجویان همچنان در زندان اند اما برخی دیگر نیز به طور موقت و با قید وثیقه آزاد شده اند. هر هفته و گاه هر روز تعدادی از دانشجویان به دادگاه های نظامی احضار و محاکمه می شوند این دانشجویان غالباً به اتهام "اخلال در نظم عمومی"، "تمرد در مقابل ماموران دولتی" و "تخریب اموال عمومی" احضار و محاکمه می شوند. اولین جلسه رسیدگی به پرونده 27 نفر از متهمان حمله به کوی دانشگاه تهران در "شعبه دوم دادگاه نظامی تهران" سیزدهم مهر سال گذشته تشکیل شد و 23 نفر از متهمان حوادث کوی دانشگاه و وکلای آنان و تعدادی از شاکیان در آن حضور یافتند. در ارتباط با این پرونده چندین جلسه دیگر نیز در شعبه دوم دادگاه نظامی تهران برگزار شده است. یکی از جلسه های این دادگاه هم در سال جدید برگزار شده و تعدادی دیگر از دانشجویان در این دادگاه حضور یافته و محاکمه شدند. شعبه دوم دادگاه نظامی در این پرونده به اتهامات حدود سی نفر از دانشجویان و بیست نفر از حمله کنندگان به کوی دانشگاه رسیدگی می کند و در هر جلسه دادگاه، اتهامات پنج تن از دانشجویان بررسی می شود.

برخی از فعالان دانشجویی در دانشگاه های کشور از این اقدام یعنی احضار دانشجویان به دادگاه های نظامی ابراز نگرانی می کنند و می گویند که این شکل محاکمه یاد آور برگزاری دادگاه های فعالان سیاسی در رژیم گذشته است. چرا که در زمان شاه هم دادرسی نظامی پرونده فعالان مدنی و سیاسی را بررسی می کرد. هنوز از احکام دانشجویانی که در دادگاه های نظامی محاکمه می شوند، اطلاعی در دست نیست اما تعدادی از دانشجویان مختلف کشور در این ارتباط دستگیر و محاکمه شده اند. ایوب نعمتی، دانشجوی محروم از تحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، کاوه اکبری، دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه تهران و حبیب فرحزادی از جمله دانشجویانی هستند که در ارتباط با این دادگاه دستگیر شده و محاکمه شده اند. عباس کاکایی نیز به اتهام مشارکت در حوادث کوی دانشگاه یک سال را در زندان گذراند.

محکومیت دانشجوی دکترای دانشگاه تهران به حبس و جریمه و شلاق 23 اردیبهشت 1390

بنا به گزارش منابع حقوق بشری، آوات رضایا از دانشجویان دوره دکتری علوم ارتباطات دانشگاه تهران از سوی شعبه 2 دادگاه نظامی تهران به ریاست قاضی فراتی به زندان و جریمه محکوم شد. به گزارش ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، پس از انتشار خبر صدور احکام مته مان کوی دانشگاه از سوی سخنگوی قوه قضایه در نشت خبری روز دوشنبه مورخ 19 اردیبهشت ماه، آوات رضایا از دانشجویان کرد این دانشگاه به اتهام "اخلال در نظم عمومی" به 3 ماه حبس تعلیقی و 74 ضربه شلاق بدل به 3 میلیون جریمه محکوم شده است. این گزارش افزود "حکم مذکور بدوی است و به مدت بیست روز قابل تجدیدنظر خواهی خواهد بود." لازم به ذکر است آوات رضایا از اساتید سابق جامعه شناسی دانشگاه آزاد سنندج است که اواخر سال گذشته به دستور وزارت اطلاعات از تدریس در این دانشگاه منع شد.

ده سال حبس برای دانشجویان و مضروران پرونده حمله به کوی دانشگاه تهران 2 خرداد 1390

در حالیکه آمران و عاملان اصلی حمله به کوی دانشگاه تهران در سال 88، هنوز معرفی نشده و مورد محاکمه قرار نگرفته اند، در جریان رسیدگی به این پرونده ملی اعلام شد که با صدور احکام حبس و جریمه نقدی، دانشجویان این دانشگاه مجموعاً به بیش از ده سال حبس محکوم شدند. به گزارش دانشجویان، با صدور احکام متهمین پرونده حمله به کوی دانشگاه تهران از سوی قاضی فراتی مستقر در سازمان قضایی نیروهای مسلح این دانشجویان به بیش از ده سال حبس محکوم شدند. بر اساس این گزارش، در ادامه رسیدگی به این پرونده نزدیک به چهل تن از دانشجویان به احکام حبس تعزیری و تعلیقی و همچنین جریمه نقدی محکوم شدند. پیش از این نیز دادستان کل کشور در تاریخ 19 اردیبهشت ماه از صدور احکام جزایی برای چهل تن در پی رسیدگی به این پرونده خبر داده بود.

آنگونه که از این گزارش برمی آید، احکام صادره تاکنون شامل فعالین دانشجویی و قربانیان این حادثه بوده است که پیش از این چندی از آنان با بازداشت توسط سازمان قضایی نیروهای مسلح مواجه شده بودند. در این گزارش آمده است که پیش از این نیز آوات رضایا از دانشجویان کرد این دانشگاه و دانشجوی دکترای علوم ارتباطات به اتهام "اخلال در نظم عمومی" به 3 ماه حبس تعلیقی و 74 ضربه شلاق بدل به 3 میلیون ریال جریمه محکوم شده است. همچنین حبیب فرحزادی نیز به ده ماه حبس که پنج ماه آن به مدت چهارسال به تعلیق در آمده است و همچنین پانصد هزار تومان جریمه نقدی بدل از 74 ضربه شلاق محکوم شده است. گفتنی است احکام مذکور بدوی است و به مدت بیست روز قابل تجدیدنظر خواهی خواهد بود.

این در حالی است که تاکنون هیچ گزارشی از محکومیت عاملان اصلی این پرونده منتشر نشده است و دانشجویان که به عنوان شاکی این پرونده مطرح بودند محکوم شده اند. لازم به ذکر است پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری نیروهای لباس شخصی و همچنین گارد ویژه نیروی انتظامی به همراه یگان ویژه سپاه پاسداران شامگاه بیست و چهار خرداد ماه به کوی دانشگاه حمله کردند و بیش از صد تن از دانشجویان بازداشت شدند. همچنین در طول دو سال گذشته در روند رسیدگی به این پرونده از سوی سازمان قضایی نیروهای مسلح بارها دانشجویان با احضار و بازداشت های متعدد مواجه شدند.

بیانیه‌ها، نامه‌ها و مواضع گروه‌های دانشجویی

علاوه بر مواضع صاحبان مناصب رسمی، گروه‌های دانشجویی نیز در خصوص تهاجم به کوی دانشگاه در شب 25 خرداد 1388 در مقاطع گوناگون موضع‌گیری نموده و نکاتی را به مسئولان و صاحبان قدرت متذکر شده‌اند. انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران و شورای تهران دفتر تحکیم وحدت از جمله گروه‌هایی بودند که به اعلام موضع پیرامون این مساله پرداخته‌اند. در ادامه متن بیانیه‌ها و نامه‌های سرگشاده گروه‌های مختلف دانشجویی را از نظر می‌گذاریم.

برای پرهیز از حذف نگاه‌های مختلف، بیانیه‌هایی که با رویکرد انتقادی نسبت به سایر گروه‌های دانشجویی نگاشته شده‌اند را نیز در این بین ملاحظه می‌کنیم. آنچه در تمامی بیانیه‌ها مشترک می‌باشد، ابراز انزجار از ظلم‌ها و بیدادهای رفته بر دانشجویان در جریان پرونده‌سازی برای آنها و بی‌توجهی به محاکمه آمران و عاملان اصلی حمله به کوی دانشگاه می‌باشد. بازداشتگاه منفی چهار وزارت کشور که در جریان پرونده قضایی کوی دانشگاه کوچکترین سخنی از آن نرفت، یکی از مصادیق مساله اخیر است که از سوی گروه‌های مختلف دانشجویی به عنوان شاخصی بر نمایشی بودن دادگاه کوی دانشگاه بر آن تاکید شده است.





همبستگی دانشگاهی:

تحصن نامحدود و شبانه‌روزی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران

اول، اعلام اسامی کامل بازداشت‌شدگان، آزادشدگان، مضرورین در بازداشت و شهدای احتمالی حمله به کوی.

دوم، عذرخواهی رئیس نالایق وقت دانشگاه فرهاد رهبر از دانشجویان و برکناری اش که با همه ادعاهای اطلاعاتی حتماً نمی‌تواند آماری از زخمی‌ها و کشته‌گان احتمالی کوی بدهد.

سوم، خلع ید اجرایی و محاکمه تمام آمرین و عاملین حمله به کوی دانشگاه تهران در هر پست حکومتی در اسرع وقت.

چهارم، قصاص حق است و چشمی در برابر چشم یا دندانی جای دندان حق شرعی دانشجویانی است که جفایی بر آن‌ها رفته.

پنجم، اطلاق رسمی شهید به کشته‌گان احتمالی کوی دانشگاه از طرف مراجع ذیصلاح.

ششم، تصویب قوانین پیش‌گیرانه از حمله نیروهای انتظامی و شبهه نظامی به محیط‌های دانشجویی و تضمین اجرایی آن در مجلس.

هفتم، احقاق حق رای مردم در انتخابات بیست‌ودوم خرداد که حمله به کوی ناشی از مخدوش شدن همین حق بود.

جمعیت تحصن برای آزادی - دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران

پس از وقایع اخیر کوی دانشگاه و اعلام تحصن اساتید در مسجد دانشگاه ما هم چون باقی دوستان مان رفتیم که به ضرب و شتم و جنایت علیه حریم خصوصی دانشجوی متعرض شویم اما تنها شعارهایی شنیدیم که شنیدن‌شان خوش است، آن قدر شوری این آش زیاد بود که بسیج اساتید و رئیس فرمایشی دانشگاه هم محکومش کردند بنابراین تنها محکوم کردن و شعاردادن به نظر کافی نمی‌آید، اعلام مرحله‌ای بودن و محدود بودن تحصن نشانه‌ای است از آن‌هایی که منتظر همراهی‌شان بودیم که این تحصن بیش‌تر به جلوه در انظار عام شبیه است تا نیل به خواسته‌های به حق ما، بنابراین با همه احترامی که برایشان قائلیم و همبستگی با ایشان در تحصن زمان‌دار و محدودشان، اعلام تحصن نامحدود به صورت شبانه‌روزی از تاریخ سی ام خرداد هشتاد و هشت تا حصول به نتیجه و رسیدن به آزادی می‌کنیم. سنگر ما چمن‌های حیاط دانشکده هنرهای زیبا و سنگ فرش آن است و برای بست نشینی مان به هیچ نیرویی بیرون از دانشگاه چشم امید نداریم. سیاسیون و عقلا اگر امام‌زاده‌ای بودند گره از کار خود می‌گشودند اما این به معنای آن نیست که دست‌های کمک‌رسان را پس بزنیم. ما دانشجویان هنرهای زیبای دانشگاه تهران بدون احساس مالکیت این تحصن هر استاد و دانشجویی را در هر کجای این کشور به جمع‌مان دعوت می‌کنیم تا به حصول نهایی که آزادی است برسیم. خواسته‌های این تحصن.

نامه سرگشاده انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران به رئیس کمیته تحقیق: از پایمال شدن حقوق دانشجویان جلوگیری کنید

30 دی 1388

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران نامه سرگشاده‌ای خطاب به ابوترابی، مسئول پیگیری حوادث کوی دانشگاه از جانب مجلس شورای اسلامی منتشر کرد. در این نامه با ذکر به بند کشیده شدن تعدادی از دانشجویان به دلیل اغتشاش در روز مذکور و همچنین انتقال شماری از دانشجویان در شب واقعه به ساختمان وزارت کشور خواستار پیگیری حوادث کوی دانشگاه شده تا از پایمال شدن حقوق دانشجویان جلوگیری گردد. متن این نامه به شرح زیر می‌باشد:

بسمه تعالی

نایب رییس محترم مجلس و ریاست کمیته تحقیق پیرامون واقعه کوی دانشگاه،
جناب حجت الاسلام آقای ابوترابی
با سلام و احترام

طی روزهای گذشته مجلس شورای اسلامی گزارش تحقیقات خود پیرامون بازداشتگاه کهریزک و وقایع اتفاق افتاده در این بازداشتگاه را منتشر کرد. گزارش مجلس اگرچه نتوانسته است همه شبهات را رفع نماید اما به واقع گزارشی متفاوت از تمام حرفه‌هایی است که در حوادث پس از انتخابات از جانب حاکمیت زده شده است. این گزارش می‌تواند نوید دهنده این امر باشد که هنوز می‌توان به صداهای متفاوت در درون حاکمیت باور داشت و هنوز کورسوه‌های امید به بازگرداندن حداقل بخشی از حق ظلم دیدگان و آسیب دیدگان به ناحق خاموش نشده است.

آقای ابوترابی!

در همین گزارش از شما به عنوان مسئول تحقیق در مورد واقعه کوی دانشگاه نام برده شده و این امر ما را بر آن می‌دارد که نکاتی را اگر نه به عنوان تذکر، حداقل به عنوان درد دل و برای ثبت در اذهان حق جویان و عدالتخواهان خطاب به شما بیان داریم.

شما به خوبی می‌دانید و از نزدیک نیز در جریان قرار گرفته‌اید که از شامگاه 24 تا سحرگاه 25 خرداد، کوی دانشگاه تهران که مسکن و ماوای چند هزار دانشجوی بود، مورد تهاجم نیروهای پلیس، لباس شخصی و شاید هم افراد خودسر قرار گرفت. آسیب‌های جدی به خوابگاه و اموال ساکنان، ضرب و شتم دانشجویان و بازداشت و انتقال حدود دویست نفر از آنها به بازداشتگاه و نگهداری‌شان در بدترین شرایط محصول اولیه این تهاجم بود.

بر اساس سابقه پیشین و شرایط وقت کشور آمیدی به احقاق حق دانشجویان



مظلوم نداشتیم. از آن وضعیت بوی عدالت نمی آمد تا آنکه رهبر انقلاب در سخنانشان به واقعه کوی اشاره کردند و حتی در توصیف چنین وقایعی از لفظ جنایت نیز استفاده کردند. امیدوار شدیم که شاید در میان مدعیان دینداری و حریت و عدالت رگ غیرتی بجنبد و این بار داستان به روالی دیگر پیش برود.

اما دریغ!

دریغ که در این هفت ماه چیزی جز چرخیدن در بر همان پاشنه پیشین ندیدیم و آنچه بود چون همیشه فراموشی حق دانشجویان و تعویض اندک اندک جایگاه ظالم و مظلوم و شاکي و متهم بود. با همه اینها و فقط برای بازگرداندن آرامش به فضای دانشگاه و رفع شرایط امنیتی ایجاد شده پیرامون دانشگاه، سعی کردیم حقوق پایمال شده دانشجویان را از طریق خواست مداوم از مسئولین دانشگاه و نمایندگان مجلس، به آرامی و خارج از فضای عمومی پیگیری کنیم تا شاید لااقل در این باره عدالتی برقرار شود و ظالم به سزای جنایات خود برسد.

نماینده محترم مردم!

امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که لباس شخصی ها از کجا می آیند و از چه کسی دستور می گیرند! آیا این افراد خودسرانند که بازداشتگاه در اختیار دارند؟ آن هم در وزارت کشور؟! شما به خوبی می دانید که دانشجویان بازداشت شده در آن شب دهشتناک به زیرزمین وزارت کشور منتقل شدند. حرفمان را به شهادت متواتر دانشجویان بازداشت شده مستند نمی کنیم که شاید به روایتی خس و خاشاک باشند و قولشان نتواند مستند قرار گیرد، هرچند که در این واقعه متأسفانه حتی دانشجویان نورچشمی حاکمیت نیز از دستگیری های فله ای در امان نماندند. همکار محترم شما جناب آقای زاکانی در سخنرانی های متعدد و از جمله در سخنرانی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به صراحت بر انتقال دانشجویان بازداشت شده به وزارت کشور صحه گذاشت. حسب گفته های برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رییس دانشگاه تهران نیز در جلسات کمیته مجلس این امر (انتقال دانشجویان به ساختمان مرکزی وزارت کشور) را تایید کرده است. اما واکنش شما و همکارانتان چه بود؟ در میان شگفتی و با اینکه در جریان ماوقع بودید جناب آقای محصولی وزیر وقت کشور با کسب رای اعتماد اکثریت کسانی که عنوان نمایندگی مردم را یدک می کشند بر صندلی وزارت دیگر تکیه زد.

ریاست محترم کمیته تحقیق!

با تمام این مسائل، درد اصلی ما حتی این موضوعات هم نیست. درد بزرگتر در جایی دیگر است. آنجا که جایگاه شاکي و متهم عوض می شود. امروز تعدادی از دانشجویان دانشگاه تهران به اتهام اغتشاش در روز مورد نظر به بند کشیده شده اند. افرادی نوعاً غیر سیاسی و کمتر فعال که اینک در دوره بازداشت از حداقل حقوق انسانی همچون تماس و ملاقات با خانواده و نیز برخورداری از وکیل محرومند و بیم آن می رود که در شرایط نامناسبی نگهداری شده و وادار به اعتراف و اقرار به اعمال ناکرده شوند. حتی شنیده های ما حاکی است

که دادگاه برخی از آنها قبل از دسترسی به وکیل برگزار شده است. امروز باید کسانی پشت میله های زندان باشند که دستور حمله به دانشجویان بی گناه را صادر کردند و دانشجویان را به صورت غیر قانونی بازداشت و به وزارت کشور منتقل کردند، امروز باید کسانی در صف اول محاکمه قرار گیرند که متأسفانه با حمایتی بی دریغ دولتی همچنان از تیغ عدالت گریخته اند، نه اینکه عده ای از دانشجویان، بی گناه و بی علت متهم و محاکمه شوند. نگرانی اصلی ما در حال حاضر وضعیتی است که دوستانمان در سکوت و بی دردی آگاهان امور به ناحق با آن مواجه شده اند و از کلاس درس به سلولهای زندان منتقل شده اند و به جای همسخنی با دوستان همکلاسی و پاسخگویی به استادانشان باید روزگار در تنهایی بگذرانند و پاسخگوی سوالات بازجو باشند و البته باید خوشبین باشیم که پینداریم فقط به سوالات پاسخ می دهند، حالیکه در هنوز حتی به وکیل هم دسترسی ندارند.

جناب حجت الاسلام ابوترابی!

از شما درخواست می کنیم تا صادقانه و با شهامت یافته های خود از تحقیق پیرامون واقعه کوی را منتشر نمایید تا در درجه نخست دامن خود و نظام را از این لکه ننگ پاک نموده و در درجه دوم مانع از پیشروی بیشتر نیروهای سرکوبگر و ظلم افزوتر بر آسیب دیدگان این واقعه شوید. اکنون شنیده های ما حاکی است که تعدادی از دانشجویان در زندان متهم به سازماندهی حوادث کوی هستند و بیش از 40 روز است که خبر زیادی از آنها در دست نیست.

از سوی دیگر امروز در حالی احکام زندانهای چندساله به جرم شرکت در تحصن دانشجویان و اساتید دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران صادر می شود که در همان تحصن ریاست دانشگاه تهران و رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تهران سخنرانی کرده و رفتار مدنی و عقلانی دانشجویان را ستایش کردند. تحصن که با مجوز و اطلاع همه مسئولین دانشگاه تهران برگزار شد. آیا این عدالت است که دانشجویی تنها به جرم حضور در آن تحصن برای اعتراض به حمله به کوی دانشگاه روانه زندان شود؟ از شما می خواهیم که به عنوان مسئول کمیته پیگیری و شخصی که همواره در روزهای سخت دانشگاه و از جمله در حوادث تلخ 18 تیر 1378، مامن و پناهگاه دانشجویان آسیب دیده و زخم خورده بوده اید، با ورود مسئولانه خود به این قضیه جلوی وارد شدن صدماتی بیش از این بر پیکر دانشگاه را گرفته و از پایمال شدن حقوق دانشجویان و محاکمه ناعادلانه آنها به جرم های ناکرده جلوگیری به عمل آورید. در پایان بار دیگر اشاره می کنیم که انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران، به عنوان قدیمی ترین نهاد مدنی-دانشجویی کشور که برآمده از خواست عموم دانشجویان برای برخورداری از عدالت و آزادی بوده و هست، بر وفاداری به همه عهدهای پیشین خود، یعنی دفاع از حقوق دانشجویان، عدالتخواهی و سه آرمان اصلی برآمده از انقلاب اسلامی ایران، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی تاکید می کند و خود را ملزم می داند تا با همه توان جلوگیری از ظلم در حق مردم ایران و به خصوص دانشجویان را مطالبه کند.

با تشکر

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران
و علوم پزشکی دانشگاه تهران





نامه سرگشاده گروهی از دانشجویان گروه فلسفه دانشگاه تهران: آقای حداد با دیدن فیلم کوی دانشگاه شبها خوابتان می برد؟!

07 اسفند 1388

گروهی از دانشجویان گروه فلسفه دانشگاه تهران، طی نامه ای سرگشاده و اعتراض آمیز به غلامعلی حداد عادل، رئیس سابق مجلس و از اصولگرایان حامی دولت، ضمن اعتراض به عملکرد وی در تایید سرکوب دانشجویان، از عدم حضور خود در کلاسهای درس ایشان بدلیل همراهی آشکار او با "ظلم" جاری در کشور خیر داده و خاطرنشان کردند "عملکرد امثال شما در تاریخ، یادآور حامیان استبداد استالینی خواهد بود و سکوت و همکاری دیگر دوستانتان در برابر اژدهای استبداد، یاد آور همکاری های دیگر با دستگاه هیتلر و حزب آلمان نازی قلمداد خواهد شد." حداد عادل از اعضای هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و از فعالان سیاسی و نمایندگان حامی دولت احمدی نژاد به شمار می رود که حمایت های نظری و عملی ایشان از دولت های نهم و دهم، بارها موجبات اعتراض گروه زیادی از دانشجویان وی را فراهم نموده است. دانشجویان فلسفه دانشگاه تهران در ابتدای نامه اعتراضی خود به این استاد اصولگرا، ضمن بیان این نکته که "ما دانشجویان فلسفه سر کلاس درس شما حاضر نمی شویم تا به این وسیله حداقل اعتراض خود را نسبت به شما و کسانی که طی این مدت به عمله توجیه گر ظلم بدل شده اند اعلام داریم"، خاطرنشان کرده اند "پای منبر شما نخواهیم آمد تا پیش همکلاسی های دربندمان شرمنده نباشیم."

دکترا لاریجانی - که خود ایشان نیز عضو هیات علمی فلسفه دانشگاه تهران هستند - عملاً نام خود را در تاریخ معاصر به عنوان دانشگاهیانی ثبت کردید که در برابر ظلم حکومت به مردم دم برنیاوردند؛ بلکه بدتر از آن، زبان به حمایت از ستمگر گشودند و به کمک وی شتافتند."

بر سر کلاس و منبر شما نخواهیم آمد تا...

ارسال کنندگان نامه به حداد عادل، با اشاره به برخی نظرات و آموزه های فلسفه اسلامی و غربی که ایشان سر کلاسهای خود تدریس می کنند، خاطرنشان ساختند "ما در کلاس شما حاضر نمیشویم تا با این عمل ناچیز خویش به شما بگوییم طرفداری از ظلم و جور، عاقبت خوبی را برای هیچ صاحب نامی رقم نزده است... دم و دستگاهی چون "جمهوری اسلامی شما" که دهها شکنجه، قتل و تجاوز را در خوابگاهها، زندانها و خیابانها مرتکب شده است، لویاتانی است که شما و دوستانتان ساخته اید و این حکومت، نه جمهوری است و نه اسلامی؛ بلکه یک شیر بی یال و دم واشکم است که خدا هم نیافریده است."

ندا آقاسلطان، شهید راه فلسفه دانشجویان فلسفه در ادامه اعتراض خود به مواضع و عملکرد رییس سابق مجلس و عضو هیئت علمی گروه فلسفه، یادی از ندا آقاسلطان (دانشجوی فلسفه و جانبخته در جریان سرکوب اعتراضات پس از انتخابات)



آقای دکتر فیلم حمله به کوی را دیده اید؟

دانشجویان معترض ضمن اشاره به فیلم اخیراً منتشره توسط تلویزیون فارسی بی بی سی که صحنه های دلخراش حمله به کوی دانشگاه تهران در روزهای بعد از انتخابات را نمایش می داد، خطاب به نماینده حامی دولت خاطرنشان کردند "آقای دکتر! نمی دانم چگونه شبها خوابتان می برد وقتی به ضجه و آه و ناله بچه های کوی دانشگاه فکر می کنید، در حالی که یک لشکر تا دندان مسلح همانند مغولها به این دانشجویان بی گناه حمله می کنند! آقای حداد! آیا فیلم کوی دانشگاه را که به تازگی پخش شده و توسط عوامل اطلاعاتی همین دستگاه ضبط شده ، دیده اید؟ بدنهای این دانشجویان هنوز نشانه های ضرب و شتم وحشیانه همین از خدا بی خبران (در 18 تیر سال 78) را بر خود دارد، اما می بینید که آنها باز هم در برابر تهاجم بیرحمانه نیروهای لویاتانی شما ایستادند! آری این همان چیزی است که می خواهیم به شما بگوییم."

شما و دکترا لاریجانی...

دانشجویان فلسفه دانشگاه تهران، در ادامه نامه اعتراضی خود به حداد عادل، از همراهی ایشان و ریاست فعلی مجلس با دولت احمدی نژاد انتقاد کرده و تصریح کردند "شما و دیگرانی که طی این ماههای پس از 22 خرداد، نه تنها در برابر هجوم وحشیانه لویاتان (همان اژدهای استبداد ایرانی) سکوت کردید، بلکه جنابعالی و کسانی چون آقای



هایدگر فیلسوف و حمایت از آلمان نازی دانشجویان معترض دانشگاه تهران، این استاد فلسفه دانشگاه را به چالشی تاریخی فرا خوانده و خطاب به وی خاطر نشان کردند "...چرا باید استاد فلسفه دانشگاه تهران، به بلندگوی طوطی صفت و دستگاه انسان لمین و بی فکری چون احمدی نژاد بدل شود که اگر باصطلاح عقلای قوم جلوی او را نگیرند، ایران را عنقریب به ویرانه ای بدل خواهد ساخت؟ صد رحمت به بزرگانی از حوزه که اگر چه در مواردی سکوت کردند، لاقبل به توجیه گر ظالمان بدل نشدند و صد البته تعدادی از علما و مراجع و طلاب جانانه در برابر این نامردمی های نامردمان دوران ایستادند و نام مراجع را که همواره مدافع مظلومان و ضد ظالمان بوده اند، بلند آوازه کردند. آری این چنین بود استاد! ما به کلاس کذایی و زورکی شما نمی آئیم... آنها می دانند که عملکرد امثال شما در تاریخ یادآور حامیان استبداد استالینی خواهد بود و سکوت و همکاری دیگر دوستانتان در برابر این ازدهای خون خوار یاد آور همکاری هیدگر با دستگاه هیتلر و حزب آلمان نازی قلمداد خواهد شد."

لازم به ذکر است اوایل سال جاری تحصیلی (مهرماه)، تعدادی از دانشجویان معترض به دولت احمدی نژاد که به حضور حداد عادل -عنوان حامی دولت- در دانشگاه معترض بودند، با توصیه و فشار وی، مشمول احکام کمیته های انضباطی شده بودند.

نموده و خاطر نشان کردند "آقای حداد! این دوران ظلم و جور و عسرت سپری خواهد شد و روسیاهی برای کسانی خواهد ماند که علیرغم اعتقادات فکری و ادعا ها ایشان در برابر ظلم ظالم سکوت کردند و دم بر نیاوردند. آنها که در برابر جنایت کهریزک و کشتن امثال ندا آقا سلطان این شهید راه فلسفه سکوت کردند و آن را فیلم و نوار و حاشیه خواندند. راستی از خود پرسیده اید که راز شهید شدن ندا چیست؟ چرا باز هم فلسفه؟ چرا این بار یک دختر معصوم، نماد بزرگترین جنبش مردمی آزادیخواهان ایران در همه دورانها شده است؟ جنبشی بسیار فراگیر و ریشه دارتر از جنبشهای گذشته. جنبشی که هم عناصری از سنت را با خود دارد هم مدرن است و هم شیوه های پسامدرن دارد. چرا یک زن؟ به یاد داشته باشید که در تاریخ فلسفه، زن، نماد الهام فلسفی بوده است! زن نماد حکمت و معرفت بوده است. چه پیامی در درون این واقعه نهفته است؟ بی گمان ندا و خون ندا به شما و امثال شما می گوید همین فلسفه که ریشه آزادی و آزادگی است، این مردم را بیدار خواهد کرد و آفتاب آزادی در جامعه ایرانی خواهد تابید. آن روز چون شمایی که توجیه گر ظلم و ستم شده اید چه دارید بگویید!..."





بیانیه شورای تهران تحکیم وحدت: اجازه استیلای دیکتاتوری نظامی و دینی را بر این خاک گلگون نمی دهیم

09 اسفند 1388

شورای تهران دفتر تحکیم وحدت با انتشار بیانیه ای ضمن محکومیت تداوم بازداشت شمار زیادی از اساتید و دانشجویان، که برخی از آن ها ماه هاست در بند و در شرایط بلا تکلیفی به سر می برند، خواستار آزادی هر چه سریعتر اصحاب دانشگاه از زندان و بازگشت آن ها به خانه خود، دانشگاه، شد. متن کامل بیانیه به این شرح است:

برنامه ای از قبل چیده شده به دانشجویان بی پناه و بیگناه حمله می کنند. این بار نیز مانند دفعات پیش حمله به کوی دانشگاه در تقبیح ظاهری و محکومیت لفظی ریاکارانه شماری از اصحاب حاکمیت خلاصه شد. کمیته هایی جهت بررسی ماجرا و مجازات خاطیان تشکیل شد که مانند دفعات پیشین تاکنون هیچ گزارش و نتیجه ای از تحقیقات به عمل آمده اعلام نشده است. اصولا مشخص نیست تحقیقی صورت پذیرفته است یا نه. در سالیان گذشته نیز دانشجویان در جای جای ایران به طور عموم، و دانشجویان ساکن در کوی دانشگاه تهران، به طور خاص، طعم چنین حملاتی را خصوصا در سال های 78 و 82 چشیده بودند. چرا که با وجود همه سرکوب ها همواره این دانشجویان بودند که در مقابل ظلم و استبداد قد علم کرده و خواب را از چشم اقتدارگرایان ربوده و همواره خار چشم استبداد بوده اند تنها تفاوت امروز و دیروز در این است که دیروز دانشجویان در جبهه آزادیخواهی و عدالت طلبی افراد کمتری را در کنار خود می دیدند اما امروز ملتی به پا خواسته است.

دیروز بهای بالا گرفتن پیراهن خونی همکلاسی چندین ماه شکنجه بود و در نهایت دریافت حکم اعدام. اما امروز به کلاس درس حمله می برند و استاد را از کلاس بیرون می کشند و بازداشت می کنند. پس از چند ماه یکی را روی تخت

بیمارستان تحویل خانواده اش می دهند و یکی را از گفتگوی نیمه زنده خبری صداوسیما روانه منزل می کنند. دیگری را از بستر بیماری کشان کشان به بازداشتگاه می کشانند و با حالی زار و نزار ماه ها بدون هیچ گونه توجهی در محبس نگاه می دارند تا این گونه گوی سبقت نامردمی از دست یکدیگر برپایند.



انتشار فیلمی جدید از حمله سبعانه نیروی انتظامی با همراهی و پشتیبانی نیروهای لباس شخصی به دانشجویان بیگناه و بی پناه کوی دانشگاه تهران پرده غمبار دیگری بود از جنایات متعدد و متنوع اقتدارگرایان طی 8 ماه پس از انتخابات ریاست جمهوری، پرده ای غمبار از مظلومیت دانشجویان و دانشگاهیان در این دیار. دیاری که دانشگاه و دانشگاهیانش هر روز بیشتر از روز قبل طعم تلخ سرکوب و تحقیر را می چشند. این فیلم که مشخص نیست بنا بر کدام مصلحت از پرده اقتدارگرایان برون افتاده در دل تاریکی شب به روشنی نشان می دهد که چگونه گارد ویژه نیروی انتظامی با حمایت نیروهای لباس شخصی بر دانشجویان یورش می برد. نیروهای نظامی آن چنان بر خوابگاه دانشجویان هجوم می برند و از فتح خود احساس سرور و شادمانی می کنند که گویا سد دشمن قسم خورده خود را شکسته اند و به قلعه اش راه یافته اند. با چنان قساوت و عداوتی بر سر و بدن دانشجویان می زند که گاه این قساوت صدای نیروهای خودی حاضر در صحنه را هم درمی آورد. با چنان حقد و کینه ای دانشجویان مضروب را مجبور به خوابیدن بر زمین می کنند که اگر از کشته پشته ساختن برایشان دشوار است لاقل زنده ها نقش مردگان را برایشان بازی کنند تا بدین صورت عطش قساوت شان وعقده هایشان قدری تسکین یابد.

صورت مسئله، همانند حملات چندین بار گذشته به کوی دانشگاه تهران، کاملا روشن و آشکار است. نیروی انتظامی و نیروهای لباس شخصی، که امروز بر همگان مشخص است وابسته به کجا بوده و پشتیبانشان چه کسانی هستند، نه به صورت خودسرانه که مشخصا و آشکارا با دستورات صریح فرماندهی ارشد و طی



کننده به کوی دانشگاه بوده و تعلل بیش از این دستگاه های مسئول در این زمینه، خصوصا قوه قضاییه و کمیته پیگیری مجلس، را تنها به منزله تأیید این قساوت ها و ددمنشی ها از سوی این نهادها و تلاش برای سرپوش گذاشتن چندین باره بر این گونه حرکات از سوی ایشان می داند. در نهایت نسبت به تکرار سناریوی نخ نما و مهوع اعتراف گیری و صدور احکام سنگین برای اعضای دربند شورای مرکزی هشدار داده و تأکید میکنیم که این اعمال همانگونه که تاکنون بی اثر بوده از این پس نیز کوچکترین تاثیری در اراده خلل ناپذیر و مستحکم دانشجویان آزادیخواه و آزاده این مرز و بوم برای بسط عدالت، دموکراسی و حقوق بشر نخواهد داشت و همچنان خواب آشفته مستبدان را آشفته تر خواهیم کرد و اجازه استیلای دیکتاتوری نظامی و دینی را بر این خاک گلگون نخواهیم داد.

شورای تهران دفتر تحکیم وحدت

هشتم اسفند ماه 1388

ماه ها چندین دانشجوی بیگناه را در زندان به بند کشیده اند و به اقسام تهمت های بی اساس متهم کرده اند و احکام رنگارنگ در محکومیت حق طلبی شان صادر کرده اند تا اگر در خاموش نمودن شعله اعتراضات مدنی مردم ناتوان می نمایند لاقبل به وظیفه سرکوب خود تام و تمام و به نیکی عمل کرده باشند تا در منازعات درونی شان محکوم به کم کاری نشوند. روزی بر سر دانشجویی چادر می کشند و با شادمانی تصاویر غیرقابل باورش را منتشر می کنند، یکی را تنها به جرم این که فریاد برآورده که "تحصیل حق اوست" به تهمتی تهی به بیش از یک دهه حبس محکوم می کنند. حتی این همه را کافی نمی شمارند و برای زهر چشم گرفتن دانشجوی 20 ساله را عامل "جنگ با خدا" و "فساد در زمین" برمی شمردند و به کمتر از اعدام برای او راضی نمی شوند.

در همین راستا طی چند ماه، 8 عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، که اعضای آن طی چندین سال گذشته به خوبی با طعم زندان و حبس آشنا شدند، به بهانه های مختلف و گوناگون بارها و بارها بازداشت شده اند. تا اقتدارگرایان بدین روش به خیال خود شعله آزادیخواهی این تشکل دانشجویی را از سرچشمه خفه کنند. غافل از آن که سرچشمه جوشان دفتر تحکیم وحدت نه شورای مرکزی که دانشجویان پرشور و آزادیخواه عضو آن است و اعضای شورای مرکزی سمبل و نماد روشن این چشمه جوشان و شعله فروزان هستند. شعله ای که در ده سال گذشته در مقابل تمام فشارها و ترفندها سربلند به حق خواهی خود ادامه داده است و پس از این نیز همین گونه خواهد بود.

شورای تهران دفتر تحکیم وحدت ضمن محکومیت تداوم بازداشت شمار زیادی از اساتید و دانشجویان، که برخی از آن ها ماه هاست در بند و در شرایط بلا تکلیفی به سر می برند، خواستار آزادی هر چه سریعتر اصحاب دانشگاه از زندان و بازگشت آن ها به خانه خود، دانشگاه، است. انجمن های اسلامی عضو این شورا مصرا خواستار لغو احکام سنگین و بی پشتوانه حقوقی و قانونی صادره برای دانشجویان و اساتید طی چندین ماه گذشته، خصوصا صدور حکم ننگین اعدام برای یک دانشجوی بیگناه دانشگاه دامغان، می باشند.

شورای تهران دفتر تحکیم وحدت ضمن محکومیت مجدد حمله ددمنشانه نیروی انتظامی و نیروهای لباس شخصی به کوی دانشگاه تهران و ضرب و شتم و بازداشت دانشجویان ساکن در کوی دانشگاه، خواستار شناسایی، معرفی به مردم و مجازات فرماندهان و آمران نیروهای حمله





بیانیه جمعی از دانشجویان سبز دانشگاه تهران در نقد دیدار اخیر با رهبری: اینها نمایندگان دانشجویان نبودند

5 شهریور 1389

در پی دیدار از پیش هماهنگ شده و گزینشی برخی تشکل های دانشجویی حامی رهبر جمهوری اسلامی با وی، و همچنین بیان مطالبی در مدح او و حکومت در جریان آن مراسم، گروهی از دانشجویان سبز دانشگاه تهران، با صدور بیانیه ای متذکر شدند "که این افراد به هیچ وجه نمایندگان واقعی دانشجویان در دانشگاه تهران نبوده، بلکه طالبان قدرت و نان به نرخ روز خورانی هستند که از پس طرد و حذف مخالفین خود، و از پس تعلیق و تعطیلی دفاتر انجمن اسلامی در دانشکده ها و پس تأیید و ارتباط با نهادهای اطلاعاتی - امنیتی و نهاد رهبری، بر جایگاه نمایندگان واقعی دانشجویان نشسته اند." دیدار رهبر جمهوری اسلامی با جمعی از تشکل های دانشجویی دانشگاه های تهران، روز یکشنبه 31 امرداد ماه برگزار شد. به گزارش سامانه خبری - تحلیلی تحول سبز، متن کامل بیانیه دانشجویان سبز دانشگاه تهران به شرح زیر می باشد:

طرح مطالبات ما هستند، بدانند که نه تنها به جنبش مدنی مردم ایران خیانت می نمایند، که به سابقه و بنیان های فکری تشکیلات خود نیز (انجمن اسلامی) خائن اند.

2- اعلام می داریم که این افراد به هیچ وجه نمایندگان واقعی دانشجویان در دانشگاه تهران نیستند. طالبان قدرت و نان به نرخ روز خورانی هستند که از پس طرد و حذف مخالفین خود، از پس تعلیق و تعطیلی دفاتر انجمن اسلامی در دانشکده ها و از پس تأیید و ارتباط با نهادهای اطلاعاتی - امنیتی و نهاد رهبری، بر جایگاه نمایندگان واقعی دانشجویان نشسته اند.

3- تمامی دانشجویان منتقد دانشگاه تهران خواستار پیگیری پرونده کوی دانشگاه و معترض به فضای امنیتی حاکم بر دانشگاه ها هستند. اما تمامی این مطالبات، حق مسلم ماست و حق را با چاپلوسی و تملق، حماقت و جهالت، خیانت و حقارت، بندگی و بت پرستی نمی توان ستانند. نمی خواهیم که مطالبات ما را، شما این گونه حقیرانه در مقابل کسی که خود مسوول و مقصر در تمامی این وقایع است، مطرح کنید. لطفا از این پس در چنین مراسمی چون دیگر نمایندگان دروغین این مجامع، تنها به چاپلوسی و بندگی های خود بپردازید و مطالبات قانونی، انسانی و اسلامی ما را این گونه بر زبان نرانید که تنها نتیجه اش پاسخ های دروغین، تکراری و فریبنده ای است که تنها به کار توجیه ظالمین می آید و شما خوراک توجیه گران را فراهم می آورید.

4- در تمامی یک سال و نیم اخیر پس از انتخابات ریاست جمهوری، کشتار مردم مظلوم در خیابان ها، شنبه سیاه 30 خرداد پس از خطبه های نماز جمعه رهبری، شکنجه زندانیان، تجاوز، دستگیری های دسته جمعی، سرکوب، دروغ و فریب این سنگ صبور امت و چراغ فروزان وحدت شما، کجا بود؟ آیا پستی و هراس تان، علت فراموشی تمام جنایات و ظلم ها شده است که این گونه مهمل می بافید؟

در طول سالیان اخیر، همواره دیدارهای مختلف با مقامات حکومتی در ایران، مراسمی نمایشی، از پیش تعیین شده و به دور از واقعیات جامعه بوده است. در چند شب گذشته نیز یک بار دیگر شاهد مراسمی از این دست بودیم. مراسم دیدار دانشجویان با رهبری، مراسمی که در آن نمایندگان دانشجویی از مدتها قبل، متن های از پیش تعیین شده را به بیت رهبری ارائه می دهند و پس از اصلاح و ممیزی، چنان چه نظر ملوکانه تعلق گیرد، می توانند در مراسم حضور یافته و متن سلاخی شده خویش را بیان نمایند.

در این مراسم نمایندگانی از انجمن اسلامی دانشگاه تهران حضور یافته و دبیر تشکیلات متنی از همین سنخ را قرائت کرد. با عباراتی چون: "هدایت های روشنگرانه تان، کلام پدران تان، سایه سار عنایت تان، سنگ صبور امت و چراغ فروزان وحدت، رهبری را پیر مغان و خود را بنده وی دانست و ادعا کرد که هر چه او بگوید عین عنایت باشد" و در لفافه این عبارات حقیرانه، مسائلی چون کوی دانشگاه و برخوردهای امنیتی در دانشگاه ها نیز مطرح شد. ما به عنوان جمعی از دانشجویان سبز دانشگاه تهران بر خود لازم می دانیم که نکاتی چند را در این باب متذکر شویم:

1- انجمن اسلامی، تشکیلاتی با سابقه نزدیک به 70 سال است که امثال بازرگان ها، شریعتی ها و چمران ها بنیان گذار و ثوری پرداز آن بوده اند. مهندس بازرگانی که حتی در اوج فضای احساسی ابتدای انقلاب، خود را بنده هیچ بنی بشری نمی دانست و در زمانه ای که کمتر کسی از رهبر انقلاب انتقاد می کرد، با صراحت و صداقت نظرات خود را اعلام می نمود و زمانی که احساس کرد نمی توان در این فضا کاری از پیش برد، عطای نخست وزیری را به لقایش بخشید. این نیایش دکتر شریعتی را به یاد تمامی مصلحت پرستان می آوریم که: خدایا مرا از این فاجعه پلید مصلحت پرستی - که چون همه کس گیر شده است، وقاحتش از یاد رفته و بیماری ای شده است که از فرط عمومیت اش هر که از آن سالم مانده باشد، بیمار می نماید - مصون بدار تا به رعایت مصلحت حقیقت را ذبح شرعی نکنم. کسانی که با این ادبیات حقیرانه و مصلحت پرستانه به دنبال



حوادث اخیر!

بدانید که دانشگاه زنده است و دانشجویان و حتی بدنه خود انجمن اسلامی (با اطلاعات مستند و موثق خود ما)، با چنین منش‌های محافظه کارانه‌ای موافق نیست.

نهادهای اطلاعاتی - امنیتی، مزدوران حکومتی، نظام دیکتاتوری! بدانید که دانشگاه از پس فشارهای بسیار، هم اکنون آتش زیر خاکستری است که در آرامش قبل از طوفان، به تعمیق و تفکر و اندیشه مشغول است تا در روزهایی نه چندان دور خواب آرام شما را بیاشوبد....

ما می ایستیم، احکام تعلیق شما را به جان می خریم، به زندان می رویم ولی هرگز حقیر بت های شما نخواهیم شد.

در جریان دیدار فوق، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی، ضمن انتقاد از عملکرد حکومت در مورد پرونده حمله به کوی دانشگاه تهران، برخوردهای انضباطی و امنیتی با دانشجویان و موارد مشابه، خطاب به وی خاطر نشان کرد "نگرانی اصلی ما امروز از نرسیدگانی است که دانسته یا نادانسته دین را نردبان اهداف دنیوی خود قرار داده و خود را مفسر بی بدیل انقلاب، امام و رهبری می دانند."

5- "حفظ نظام از اوجب واجبات است" یک جمله نیست، یک گفتمان و اندیشه است که متأسفانه در بسیاری نیروهای جامعه رسوخ کرده است، امروز پیروان همین گفتمان، با تقلیل آن به "حفظ انجمن از اوجب واجبات است"، اینگونه خود را حقیر دیکتاتوری می کنند. تنها چیزی که حفظ آن از اوجب واجبات است، ارزش ها و اصول انسانی است و هیچ ساختار و تشکیلات و نظامی ارزش آن را ندارد که اصول انسانی را پایمال حفظ آن کنیم.

6- از جمع قلیل شما در شورای مرکزی انجمن اسلامی، کمتر کسی به زندان رفته یا به تعلیق و اخراج گرفتار آمده است که همانها هم به انواع رایزنی‌ها، نامه‌ها، وساطت نهاد رهبری و... به گونه ای رها شده است. این بدنه دانشجویی سبز دانشگاه است که در یک سال و نیم اخیر انواع هزینه ها و فشارها را بدون حمایت هیچ قدرتمندی تحمل کرده و هم چنان استوار و پابرجا ایستاده است.

تمامی فعالین جنبش سبز، خانواده های شهدای سبز و آسیب دیدگان





شورای تهران دفتر تحکیم وحدت: در پرونده حمله به کوی دانشگاه، باز هم جای شاکی و متهم عوض شد

28 مهر 1389

شورای تهران دفتر تحکیم وحدت با انتشار بیانیه‌ای نسبت به "تغییر جای شاکی و متهم و سناریوسازی علیه فعالین دانشجویی" هشدار داد. این رکن زیرمجموعه بزرگترین تشکل دانشجویی کشور در بیانیه خود ضمن محکوم کردن بازداشت های اخیر دانشجویان دانشگاه تهران، نسبت به وضعیت و سلامت دانشجویان این دانشجویان و همچنین روند رسیدگی به پرونده حمله به کوی دانشگاه ابراز نگرانی کرده است. به گزارش دانشجویان، متن این بیانیه به شرح زیر است:

این فاجعه و اعمال و رفتارشان را با دانشجویان به خوبی نشان می داد. اما متأسفانه این سرخ های واضح و آشکار رها شده و رسیدگی به پرونده به بازداشت و استنطاق از فعالین دانشجویی محدود شده است.

هنوز داغ فاجعه ی دردناک حمله به کوی دانشگاه تهران در 18 تیر 1378 پاک نشده و آن پرونده به سرانجامی عادلانه نرسیده، اقتدارگرایان به دنبال از سر باز کردن جنایت بعدی پس از انتخابات 22 خرداد هستند. بازداشت دانشجویان بی پناه کوی دانشگاه تهران در روزهای اخیر به بازداشت خانواده ی یکی از قربانیان حادثه تلخ ده سال گذشته گره خورده و این نشان از عمق حساسیت مسئله کوی دانشگاه و نشانگر حساسیت پیچیده این مجتمع و حملات چندین باره به آن طی سالیان گذشته دارد. چه آن که دانشگاه تهران و کوی دانشگاه از دیرباز به عنوان یکی از مراکز اصلی فعالیت های آزادی خواهانه دانشجویان و جنبش دانشجویی بوه است.

بر همین اساس شاهد هستیم که در کنار رسیدگی معوج و مبهم به پرونده حمله به کوی دانشگاه تهران و متهم کردن دانشجویان در این زمینه، پس از حمله به کوی و بازداشت ها و جنایت های روزهای اولیه، دیری نیاید که مسئولان دست به ایجاد تغییر و تحولات گسترده در سطح کوی دانشگاه تهران زدند و با کاستن از تعداد دانشجویان حاضر در کوی و پخش کردن ساکنین در خوابگاه های بی کیفیت و دور از هم در سطح شهر به طراحی نظمی جدید در کوی دانشگاه پرداختند. در همین اثنا اخراج دانشجویان فعال و تاثیرگذار از محوطه ی کوی و بازداشت فعالین دانشجویی ساکن در کوی نیز در دستور کار قرار گرفته است.

شورای تهران دفتر تحکیم وحدت ضمن محکومیت بازداشت دانشجویان، نسبت به وضعیت و سلامت دانشجویان در بند و همچنین روند رسیدگی به پرونده حمله به کوی دانشگاه هشدار می دهد. چرا که اخبار رسیده در روزهای گذشته حکایت از آغاز انحراف در رسیدگی به این پرونده دارد. در چنین شرایطی لازم است که منادیان راه آزادی، رهبران جنبش اعتراضی، فعالین سیاسی و مدافعین حقوق بشری، اعتراض خود را در این زمینه اعلام و صدای حق طلبی و مظلومیت دانشجویان را به گوش دیگران برسانند.

شورای تهران دفتر تحکیم وحدت
28 مهرماه 1389

با گذشت بیش از یک سال از فاجعه حمله به کوی دانشگاه تهران، این روزها شاهد بازگشایی پرونده متهمان این حادثه در قالب برگزاری دادگاه و احضار و بازداشت تنی چند از دانشجویان بوده ایم. همان طور که انتظار می رفت بار دیگر عاملین این فاجعه در صدد برآمدند تا با هدف پاک کردن صورت مسئله و تبرئه خود از این جنایت هولناک، به وارونه نمودن واقعیات و تغییر جای شاکی و متهم دست زنند. برگزاری دادگاه های غیر علنی و پراهم در پشت درهای بسته و احضار و بازداشت دانشجویان بی گناهی که اتهامشان دفاع از حریم دانشگاه و آزادی است، آن هم از طریق سازمان قضایی نیروهای مسلح حاصل افتتاحیه ی جدید پرونده ی کوی دانشگاه تهران است.

در این راستا برخی دانشجویان از جمله نعیم آقایی، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دموکراسی خواه دانشگاه تهران، ایوب نعمتی، دبیر سابق شورای صنفی دانشگاه تهران، حبیب فرحزادی، سجاد شریفی و کاوه اکبری و برخی دیگر در این مدت بازداشت شدند و همچنان از وضعیت آنان خبری در دست نیست. همچنین جمع کثیر دیگری از دانشجویان نیز پیش از این در جریان همین پرونده بازداشت شدند و با قرارهای وثیقه سنگین از زندان آزاد شدند. اخباری که این روزها جسته و گریخته از وضعیت چند دانشجوی زندانی به گوش می رسد، بر دامنه نگرانی ها از سرنوشت این پرونده به شدت دامن زده است. متأسفانه روند رسیدگی به این پرونده می رود تا بار دیگر خاطره تلخ دادگاه رسیدگی به حمله به کوی در سال 1378 زنده کند. در حالی که فرماندهان و آمران و عاملین این فاجعه در دادگاه تبرئه می شوند، جمع زیادی از دانشجویان بیگناه به جرم ناکرده سال ها در زندان شرایط سخت را سپری کنند.

در سکوت خبری، مجریان حمله ی هولناک به کوی دانشگاه و همدستان آنان به طراحی صحنه ی رفع و رجوع آن حادثه در قالب فشار و بازداشت و سناریو سازی علیه دانشجویان نشسته اند تا در پس ایجاد فضای ترس ناشی از برگزاری دادگاه های نظامی برای دانشجویان و سپردن آنان به دست ماموران امنیتی، از این پرونده و پاسخگویی در مقابل اعمالشان خلاصی یابند. در کنار تمام سناریوسازی هایی که این روزها در حال انجام است، فیلمی که چندی پیش از حمله به کوی دانشگاه تهران منتشر شد، خود به روشنی گویای بسیاری از مسایل بود و مجرمان و قانون شکنان



بیانیه انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی به مناسبت فرارسیدن روز دانشجو هیچ خبری از محاکمه عاملان انتقال دانشجویان به منفی 4 وزارت کشور نیست!

16 آذر 1389

بیانیه انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی به مناسبت فرارسیدن روز دانشجو، در مراسم "امید رساترین اعتراض" که به مناسبت گرامیداشت روز دانشجو در تالار شهید چمران دانشکده فنی برگزار گردید، قرائت شد. این بیانیه در چند بخش تهیه شده است و به مسایلی چون سختی ها و رنج هایی چون زندان، تبعید، تعلیق از تحصیل و... که دانشجویان در طی این سالها خصوصا یک سال و نیم اخیر کشیده اند پرداخته است. همچنین در بخش های دیگر این بیانیه انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی از دولت نهم و دولت پس از آن و مجلس شورای اسلامی انتقاد کرده و مصادیق واقعی فتنه را بر شمرده است. در بخشی از این بیانیه آمده: "شانزدهم آذر هر سال، روایتگر مجاهدت سه آذر اهورایی است که با ریخته شدن خونشان بر خاک پاک عرصه خردورزی، بیداری و آگاهی، آغازگر رشادتها و مجاهدت های دانشجو و دانشگاهی شدند، و سرخی خون این سه یار دبستانی گلگون کفن است که هر ساله و در این هنگام خونی تازه در رگهایمان جاری می سازد تا عهد ازلی با حضرت پروردگار را به یاد آوریم و در مسیر حق و حقیقت طلبی، با عزمی راسخ و ایمانی استوار و امیدی حیات بخش، پویاتر از همیشه گام های بلند و استوار برداریم." به گزارش وب سایت انجمن اسلامی دانشگاه تهران متن این بیانیه به شرح زیر است:

داغدار، علیرغم همه ظلم هایی که بر پیکره نحیف دانشگاه وارد شده است، بر محور آرمان هایی گرد آمده ایم تا ره توشه برداریم و با شمشیر اهورایی اندیشه، بر اهریمن استبداد و استعمار، استکبار و استحمار و در یک کلمه "استضعاف" بتازیم و پرچم خردورزی و آگاهی بخشی را بر سپهر نیلگون میهن به اهتزاز درآوریم.

امسال 16 آذرماه، مصادف است با اول محرم و یادآور نیمه تمام گذاشتن حج توسط امام حسین (ع) برای اصلاح امت اسلام و مبارزه با ظلم، تا حسین (ع) نشان دهد، هر مناسکی و هر عمل مذهبی اگر در جهت عدالت و مبارزه با ظلم نباشد، هیچ ارزشی ندارد. جمله مولا حسین (ع) بر تارک تاریخ، جاودان خواهد ماند، آنگاه که در پایان حج نیمه تمام خود فرمود: "انی لا اری الموت الی السعاده و الحیاه مع الظالمین الا برما" (من مرگ را چیزی جز سعادت و حیات در کنار ظالمان را جز خسران نمی دانم)

و مگر نه اینکه سه آذر اهورایی در اعتراض به ظلم آشکار استبداد داخلی در پیوند با استعمار و در دفاع از دولت مردمی و قانونی دکتر محمد مصدق شهید شدند؟ و امروز برآستی چه کسی سزاوارتر از دانشجویان و اساتید مستقل و آزادیخواه برای به دوش کشیدن بار آزادیخواهی و عدالت طلبی است؟ دانشجویان و دانشگاهیانی که با تکیه بر طبیعت دوگانه شان که از طرفی نگاه به گذشته دارند و از سویی بر اساس امید و آرمان ها به آینده چشم دوخته اند.

بسم رب الراجین (به نام پروردگار امیدواران)

"ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون فرحین بما اتهم الله من فضله و یرزقون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم لا خوف علیهم و لا هم یحزنون"
"وکسانی که در راه خدا کشته شده اند مرده میندار، بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان از نعمت های بهشت به آنان روزی می دهند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای آن مومنان راستینی که پس از آنانند و هنوز به ایشان نیپوسته اند مسرورند که ترسی آنان را فرا نمی گیرد و اندوهگین نمی شوند."

شانزدهم آذر هر سال، روایتگر مجاهدت سه آذر اهورایی است که با ریخته شدن خونشان بر خاک پاک عرصه خردورزی، بیداری و آگاهی، آغازگر رشادتها و مجاهدت های دانشجو و دانشگاهی شدند، و سرخی خون این سه یار دبستانی گلگون کفن است که هر ساله و در این هنگام خونی تازه در رگهایمان جاری می سازد تا عهد ازلی با حضرت پروردگار را به یاد آوریم و در مسیر حق و حقیقت طلبی، با عزمی راسخ و ایمانی استوار و امیدی حیات بخش، پویاتر از همیشه گام های بلند و استوار برداریم.

واینک نیز در آستانه 16 آذر 89 با تنی رنج کشیده و قلبی مالا مال از اندوه و با سینه ای





۱. دانشگاه

الف) از 16 آذر 1332 تا 18 تیر 1378 و از 18 تیر 1378 تا 25 خرداد 1388 و 16 و 17 آذر 1388 دانشگاه همواره مورد تهاجم استبداد قرار داشته است. واقعه اسفناک و غم بار 18 تیر 78 و یادگار آن، خون رنگین شهید عزت ابراهیم نژاد که می رفت با نجات و بزرگی اهالی دانشگاه التیام یابد، در ایام بعد از انتخابات ریاست جمهوری 88 کهنه تر و عمیق تر گردید. اگر برای آن همه فاجعه در 18 تیر، تنها یک سرباز وظیفه به پرداخت نقدی یک ریش تراش ساده محکوم نشده بود، بی شک در سال 88 این واقعه یا رخ نمی داد یا در این سطح از فاجعه حادث نمی شد. مگر می توان حملات متنوع و متعدد را در روزهای بعد از انتخابات 88 از یاد برد؟ و آرایش نیروهای انتظامی در مقابل سردر دانشگاه تهران و شلیک گاز اشک آور و بازداشت گسترده دانشجویان بی گناه را فراموش نمود. تصویر شکستن درب های دانشگاه و حمله و هجوم نیروهای خودسر و مسلح به آزمایشگاه های دانشکده فنی و کلاس های دیگر دانشکده ها هنوز در برابر دیدگان ما قرار دارد. در سحرگاه 25 خرداد 88 جاهلان قداره کش به کوی دانشگاه تهران یورش بردند و عریبه کشی کردند، درهای اتاق ها را با تیر شکستند، کتابخانه کوی را تخریب کردند، وحشیانه کوی را تبدیل به ویرانه کردند و ضرب و شتم و توهین و تحقیر را به اعلا

در این میان، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران به عنوان قدیمی ترین و اثرگذارترین مجموعه دانشجویی کشور با عمری قریب هفتاد سال بر خود فرض می داند تا در سالگرد طلوعه بیداری دانشجو در 15 آذر 89، بنا بر وظیفه انسانی الهی خویش و در راستای عمل به رسالت دانشجویی و شرعی خود در جهت حفظ و پاسداری از میراث سترگ امام خمینی (ره) رهبر جاویدان انقلاب، که همانا جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد است، پیرامون مسائل جاری کشور به نکاتی چند اشاره کند. پر واضح است عمل به این فریضه در فضای کنونی که جریان های منتقد وضع موجود، دانشگاهی و غیر دانشگاهی، به عناوین مختلف مورد عتاب قرار گرفته اند و انواع محدودیت ها را متحمل شده اند، عملی است با ثوابی دو چندان. در حالی که تحت تبلیغات وسیع رسانه ای که با حمایت کامل رسانه ملی و رسانه های زنجیره ای منتسب به یک جریان تندرو و خاص صورت می پذیرد، هر گونه انتقاد از دولت، قوه قضائیه، شورای نگهبان و ... تخریب و سیاه نمایی معرفی می شود و منتقدان با برچسب هایی چون ضد نظام، ضد ولایت فقیه، سیاه نما، عامل بیگانه، مخمل وحدت، منافق، فتنه گر و بی بصیرت روبرو می شوند. با وجود اینکه در کلام بنیانگذار جمهوری اسلامی بارها درباره نقش اصیل مردم در نظام و لزوم بهادادن به نظارت عمومی به شیوه عمل کارگزاران حکومت تاکید شده است.





درجه رساندند و از همه مهمتر همه اینها را کینه توزانه در جهت در هم کوفتن روح سرافراز و بلند و آزاد دانشجو به کار بستند.

بر طبق مستندات کمیته حقیقت یاب دانشگاه تهران و نه بر اساس شنیده ها، از انتقال دانشجویان به طبقه منفی 4 ساختمان مرکزی وزارت کشور دولت نهم باخبر شدیم. جایی که جنایت در کوی دانشگاه را تکمیل نمود. امروز، 18 ماه پس از جنایت کوی دانشگاه، با کمال تاسف برای چندمین بار فریاد می کنیم "جای متهم و شاکی در پرونده کوی" عوض شده است. در حالی که رئیس دستگاه قضا سخن از "عدم همکاری نیروهای امنیتی" در پرونده کوی دانشگاه می کند، سوال اینجا است که در تمام طول 18 ماه گذشته چه کسانی دانشجویان را بازداشت کردند، پرونده ساختند، محاکمه کردند و به اتهام "مشارکت در اغتشاشات کوی دانشگاه تهران" روانه زندان ساختند. دادگاه کوی که امروز سخن از برگزاری آن است در تمام طول 18 ماه گذشته برای دانشجویان در حال برگزاری بوده و نیروهای امنیتی در بازداشت و محاکمه و زندانی کردن دانشجویان کمال همکاری را انجام دادند.

امروز ما متأسفیم از اینکه باید اعلام کنیم در همین دادگاه های کنونی کوی دانشگاه، دانشجویان در حال محاکمه اند و هیچ خبری از محاکمه عاملان انتقال دانشجویان به منفی 4 وزارت کشور نیست. چرا؟ چون در محاکمه عاملان حمله، استثنائاً نیروهای امنیتی همکاری نمی کنند!

آقای دکتر فرهاد رهبر رئیس دانشگاه تهران نیز که در میان فریاد استعفا استعفای دانشجویان، ادعا می ایستد تا از حقوق دانشجویان دفاع کند هیچ گاه نتوانست مانع از محاکمه و زندانی شدن دانشجویان شود و کمیته انضباطی دانشگاه را نیز در راستای برخورد افسارگسیخته با دانشجویان فعال نمود.

در 16 و 17 آذر ماه سال گذشته نیز، حضور گسترده لباس شخصی ها و ضرب و شتم دانشجویان و فتح دانشگاه توسط آنها را دید، اما هیچ نگفت تا بار دیگر دانشگاه به تازیانه مستبدان و خشونت طلبان نواخته شود و قربانی عدالتخواهی و آزادی طلبی اش گردد.

ب) در طول 18 ماه گذشته در همین دانشگاه تهران و دانشگاه های دیگر تعداد قابل توجهی از اساتید به بهانه های مختلف به بیرون از دانشگاه رانده شده اند تا به اصطلاح دانشگاه از "غیر خودی ها" خالی شود. تعداد دیگری از یاران دبستانی مان در بند اند و یا در حال محاکمه و تبعید. فضای امنیتی و بسته بیش از هر زمان دیگر بر گرده دانشجویان تازیانه می زند و تنها می توانیم همچون مولایمان حسین فریاد کنیم: اگر در دنیایتان دین ندارید، لااقل آزاده باشید... ما فریاد می کنیم: یاران دبستانی ما را آزاد کنید.

ما هشدار می دهیم با روندهای امنیتی و پلیسی، با اقدامات حذفی، نفی آزادی بیان و پژوهش، از بین بردن علوم انسانی موجود، جلوگیری از رشد علوم انسانی و اقداماتی از این قبیل، هیچ پیشرفتی رخ نمی دهد، هیچگونه

علمی - اسلامی و غیر اسلامی - تولید نمی شود و تنها نام "اسلام" قربانی زیاده خواهی نیروهای تنگ نظر و امنیتی خواهد شد.

ج) وزیر علوم نیز باید بداند با ادبیات جنگی، بازنشسته کردن اساتید، احضار دانشجویان به کمیته های انضباطی، ستاره دار کردن و محروم از تحصیل کردن دانشجویان، نابودی آزادی بیان در دانشگاه، جلوگیری از سیاسی بودن و سیاسی ماندن دانشگاه، تنها نام اسلام و نظام را با دیکتاتوری پیوند می دهد و بر هر کسی واضح است که کار علم با دیکتاتوری پیش نمی رود.

امروز دانشگاه در حافظه تاریخی خود شاهد چند 16 آذر است، 18 تیر 78، 25 خرداد 88 و 16 و 17 آذر 88... و همه اینها گواهی می دهد که دانشگاه زنده است و استبداد را نخواهد پذیرفت.

2. دولت

کارنامه دولت نهم و دولت پس از آن امروز برای همه فرهیختگان و آزادیخواهان روشن و واضح است.

- عدم شفافیت و برنامه ریزی در سیاستها و اجرای آن که بارزترین آن را در همین داستان هدفمند کردن یارانه ها شاهد هستیم

- نادیده گرفتن توجه و پیگیری حقوق اولیه ملت و اجرا نکردن بی کم و کاست قانون اساسی

- شائبه مفاسد اقتصادی گسترده در بدنه دولت و نزدیکان رئیس جمهور که امروز صدای چپ و راست را با هم در آورده است

- خدشه دار کردن وحدت و انسجام ملی در اثر سیاستهای نادرست و شکاف انداختن میان نیروهای مختلف در بدنه اجتماع

- قراردادن کشور در معرض تهدیدها و تحریمهای گسترده

هر چند ملت ایران همواره نشان داده که تهدید استعمار خارجی را در هیچ گونه و صورتش نخواهد پذیرفت و حقوق ملت ها و آزادی و عدالتخواهی را به چارچوبهای جغرافیایی و قراردادی محدود نخواهد کرد و بر همین اساس دفاع از ملت های ستمدیده جهان همچون مردم فلسطین و به خصوص حصرشدگان در نوار غزه را رسالت خود می داند، اما نباید چشم خود را بر عواملی که با عملکردهای نادرست خود برخی از مردم را به عملکردهای واکنشی وا می دارند ببندیم. ما از این دولت توقع اصلاح طلبی یا حتی اصولگرایی نداریم. تنها توقع داریم لااقل در این دوسال و اندی باقی مانده از دوران تصدی اش کمی به نظرات نخبگان و دانشگاهیان به خصوص در عرصه های اقتصادی توجه کند. دست از نادیده گرفتن مکرر قوانین بردارد و به اجرای بدون تنازل همه بندهای قانون بپردازد. دست از محدود کردن مخالفان خود بردارد و آزادی بیان و اجازه تجمعات مسالمت آمیز و آزاد را صادر کند و با پیگیری حقوق مردم و زندانیان از وارد آوردن صدمات بیش از این بر پیکره مردم، فرهیختگان، دانشجویان و اساتید دانشگاه بپرهیزد.



3. دستگاه قضا

مهمترین شاخص عملی اسلامی بودن حکومت پایبندی آن به اجرای عدالت است. آنچه در روایات ما آمده است: "العدل اساس الملك". متأسفانه آنچه از عملکرد دستگاه قضا در زمینه های سیاسی و اقتصادی در گذشته دور و نزدیک شاهدیم، نشان می دهد که دستگاه قضا هرگز نتوانسته است عدالت را در طرازهای راستین اسلامی خود محقق کند.

- امروز انبوهی از فرزندان شایسته و فرهیخته وطن، برخلاف اصول مصرح قانونی محاکمه و زندانی شده اند و از حقوق اولیه خود مانند دسترسی به وکیل، ملاقات حضوری، مرخصی، محاکمه عادلانه، شرایط مطلوب زندان، وارد نیامدن فشارهای روانی و فیزیکی و غیره، محروم اند و بسیاری دیگر در راهروهای دادگاه ها، سرگردان و منتظر صدور احکام بدوی و تجدید نظر اند. احزاب سیاسی به تعطیلی کشانده شده اند و مطبوعات و رسانه های مجازی یکی پس از دیگری تعطیل و فیلتر می شوند. اکنون سوال اینجا است چه کسانی اصرار دارند چهر نظام را چهره ای مستبد و دیکتاتور عرضه کنند؟ انبوه زندانیان سیاسی و احکام طویل المدت و شلاق و تبعید چه چیزی را می خواهد ثابت کند؟

- در مسائل اقتصادی نیز تاکنون علیرغم ادعاهای دولت و دستگاه قضا و با وجود علنی شدن ابهامات جدی در فعالیتهای برخی نزدیکان رئیس جمهور، باز حقایق قربانی مصلح می شوند و قوه قضاییه نتوانسته با شبکه گسترده فساد اقتصادی برخورد کند. بر کسی پوشیده نیست که در کشوری که تقریباً تمامی مجاری قدرت در انحصار دولت است، فساد نمی تواند جز در پیوند با قدرت دولتی شکل بگیرد.

- دستگاه قضا باید دست از دیکتاتور جلوه دادن چهره نظام اسلامی بردارد، بی گناهان دربند را آزد کند، دست از توقیف و فیلترینگ مطبوعات و رسانه های مجازی و تعطیلی احزاب بردارد و به جای آن عاملان کشته شدن فرزندان مردم در خیابانها و همچنین مسببان اصلی جنایات کهریزک و کوی دانشگاه و انتقال دانشجویان به وزارت کشور را محاکمه کند و نیروهای امنیتی را که در راه به پاداری عدالت "همکاری نمی کنند" و "انگیزه ای ندارند" مواخذه نماید.

4. مجلس

مجلس شورای اسلامی که روزی امام راحلما آن را در راس امور می خواست، امروز کارش به جایی کشیده که "در راس امور بودنش" صراحتاً مورد خدشه قرار می گیرد و نمی تواند دولت را به تمکین در برابر قانون واردارد. بی شک ضعف کنونی مجلس محصول خدشه های جدی است که توسط شورای نگهبان با برخوردهای تنگ نظرانه در روند انتخابات ها به وجود آمده و سبب شده تا مجلس ما به هیچ روی نماد خواست واقعی همه ملت ایران نباشد. عدم ترتیب اثر و جدی گرفته نشدن گزارش مجلس در قضایای کهریزک که سبب شد مجلس از تصمیم خواندن گزارش کوی دانشگاه هم صرف نظر نماید، را بی شک باید اینچنین ریشه یابی کرد. ما از مجلس می خواهیم به رسالت خود در حفظ و حراست از حقوق ملت عمل کند، جلوی بی قانونیهای دولت بایستد و مظالم گسترده در حق فرهیختگان

بی گناه را برنتابد. قطعاً قرائت گزارش مجلس در باب حوادث کوی می تواند اولین گام در راستای خروج مجلس از رخوت و بی تفاوتی باشد.

و اما در پایان

اساتید گرانقدر! دانشجویان گرامی!

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران به عنوان حامل 70 سال تجربه مبارزه مدنی در راه عدالت و آزادی، یک بار دیگر وفاداری خود را به تمام اصول نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام می کند و خود را مطالبه گر و رهرو صدیق راه خمینی کبیر می داند. خود را پیرو صدیق راه امیر مومنان می داند که تا زمانی که "فتنه گران خوارج" در مرکز خلافت او دست به اسلحه نبرند، نه زندانی شان کرد، نه حقوقشان را از بیت المال را قطع نمود و نه آنان را به خاطر نام "فتنه گری" بازخواست نمود. آنان که می خواهند هر منتقد وضع فعلی را "فتنه گر" بنامند و به این نام راه را برای اختناق و دیکتاتوری بگشایند بدانند

فتنه گر کسانی هستند که قانون اساسی را زیر پا می گذارند

فتنه گر کسانی هستند که عدالت را نابود می کنند

فتنه گر کسانی هستند که حقوق اولیه مردم را پایمال می کنند

فتنه گر کسانی هستند که مجلس را در راس امور نمی خواهند

فتنه گر کسانی هستند که "دروغ" را وسیله رسیدن به اهداف خود و قربانی نمودن اخلاق در پای منافع قدرت نموده اند. برخلاف صریح فرموده پیامبر اسلام "انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق"

فتنه گر کسانی هستند که حمله به بیوت مراجع عظام تقلید و خشونت با مراجع عزیزی چون آیت الله العظمی صانعی، بیات زنجانی، دستغیب شیرازی، طاهری اصفهانی و منتظری را بر خلاف همه آموزه های سنتی و دینی و انسانی جایز می دانند.

فتنه گر کسانی هستند که می خواهد فرزند برومند خمینی کبیر، حجه الاسلام والمسلمین حسن خمینی را به تیغ دروغ و تهمت و جفا بنوازند و حرمت "خمینی" را بشکنند.

فتنه گر آن کسانی هستند که آنان را که می خواهند حسین وار زندگی کنند و حسین وار بایستند و ظلم را بر نتابند، "فتنه گر" بدانند.

در نهایت اعلام می کنیم دانشجو و دانشگاه با همه مصائب زنده است، امیدوار به آینده و معترض به وضع موجود و "امید رساترین اعتراض او است"

"ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه ان لاتخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه التي کنتم توعدون"

"آنان که گفتند پروردگار ما خداست، سپس بر این حقیقت استقامت ورزیدند، ملائکه بر آنها بشارت می دهند که نترسید و غمگین مباشید و بهشت وعده داده شده بر شما بشارت باد..."

در راه عاشقی گریز نیست ز سوز و ساز

استاده ام چو شمع مترسان ز آتشم

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

گزارش‌ها و مصاحبه‌ها

گرچه خفقان موجود و فضای امنیتی حاکم بر دانشگاه‌ها و کشور امکان اطلاع رسانی گسترده پیرامون پرونده کوی دانشگاه را به امری نزدیک به محال بدل کرده بود، اما انتشار گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی پیرامون فجایعی که در جریان رسیدگی به پرونده کوی دانشگاه در جریان بود، گه‌گاه از گوشه‌هایی از آنچه در حال رخ دادن بود، پرده برمی‌داشت. فضای امنیتی به گونه‌ای است که مازیار خسروی - روزنامه‌نگار و دبیر سرویس بین‌المللی روزنامه شرق - به اتهام انتشار گزارشی در خصوص حادثه کوی دانشگاه بازداشت و مدت زیادی را در زندان به سر برد. این بخش از پرونده را به گزارش‌ها و مصاحبه‌های صورت گرفته در خصوص پرونده کوی دانشگاه اختصاص داده‌ایم که البته چنانکه اشاره شد در مقایسه با شدت و دامنه فجایع این پرونده، تنها تصویری از بخش از آن را به نمایش می‌گذارد.





گزارش گاردین از شرح وقایع هولناک کوی دانشگاه از زبان دانشجویان

23 تیرماه 1388

دانشگاه ها را ندارند - که میراث طغیان سال 1999 دانشجویان است که تا ماه گذشته جدی ترین ناآرامی ها در ایران پس از انقلاب اسلامی بود. یک دانشجویی حادثه یکشنبه شب را چنین برای گاردین بازگو کرد: "پلیس به داخل خوابگاه ها گاز اشک آور شلیک کرد، ما را زد، پنجره ها را شکست و مجبورمان کرد بر زمین دراز بکشیم. من حتی تظاهرات هم نکرده بودم اما یکی از آنها رویم پرید، پشتم نشست و مرا زد. و بعد درحالی که تظاهر می کرد در جستجوی چاقو و تفنگ است، از من سوءاستفاده جنسی کرد. تهدیدمان می کردند که ما را حلق آویز کنند و به ما تجاوز کنند."

به گزارش گاردین یک دانشجوی دیگر ماجرا را اینطور شرح داد: "پلیس ضدشورش در دو صف ایستادند و با بالا گرفتن سپرهایشان یک تونل تشکیل دادند. آنها وادارمان کردند بارها از میان آن بدویم. ما را می زدند و بر سپرهایشان می کوبیدند. پای یکی از هم اتاقی هایم شکسته بود اما باز هم وادارش کردند بدود."

گاردین می نویسد که دیگران رفتار مشابهی را از بسیجی ها دیده بودند. یک دانشجوی به این روزنامه گفت: "یک بسیجی که پشتم نشسته بود به من گفت: "پسر خوشگل الان هفت ساله که کسی را وقتی رسیدم نشونت می دم که چکار می تونم باهات بکنم." آنها ما را آزار می دادند و مدعی بودند که به آنها یا رهبر توهین کرده ایم."

به نوشته گاردین یک دانشجوی دیگر درحالی که گریه می کرد گفت: "طرف یک ثانیه فهمیدم که این ساختمان اصلی وزارت کشور در خیابان فاطمی است. باورم نمی شد، سیاستمداران ارشد، اعضای پارلمان و بازرسان در طبقات بالایی بودند و ما در زیر زمین. شکی ندارم که در طبقات بالا مشغول تقلب در آرا بودند."

گاردین می نویسد که به گفته شاهدان عینی پلیس و ماموران زخمی ها را به حال رها کرده بودند و کسی به یک دانشجویی که یکی از چشمانش را در اثر اصابت گلوله پلاستیکی از دست داده بود کاری نداشت. یک شاهد گفت: "ما به آنها تمنا می کردیم کسانی را که بیش از دیگران آسیب دیده بودند به بیمارستان ببرند اما آنها فقط می گفتند: ولشان کنید تا بمیرند."

گاردین می نویسد: "این مخمصه 24 ساعت بعد وقتی فرهاد رهبر رئیس دانشگاه تهران و علیرضا زاکانی یک نماینده تهران در مجلس، برای بازداشتی ها صحبت کردند تمام شد. رهبر به آنها گفت که او اجازه ورود پلیس برای کنترل اوضاع خوابگاه را داده بود - اما او چند روز بعد این مساله را تکذیب کرد." به نوشته گاردین پلیس پیش از آزاد کردن دانشجویان لباس های تازه در اختیار آنها قرار داد. یک دانشجوی گفت: "منی خواستند هیچ شهادی از آنچه اتفاق افتاده بود وجود داشته باشد. اما چه شهادی بالاتر از 133 دانشجویی که آنجا بودند و همه چیز را دیدند و عذاب کشیدند؟"



روزنامه گاردین چاپ بریتانیا گزارشی در شرح وقایع حمله پس از انتخابات به کوی دانشگاه تهران از زبان شاهدان عینی چاپ کرده است. این جامع ترین گزارشی است که تاکنون از وقایع ساعات نخست دوشنبه 25 خرداد ماه، که طی آن نیروهای امنیتی دولت ایران به خوابگاه دانشگاه تهران حمله کردند، منتشر می شود.

گاردین می نویسد حمله آن شب درحالی رخ داد که تهران دو روز پس از انتخابات هنوز از خشم بروز "تقلب" آرام نداشت.

گاردین می نویسد: "در داخل خوابگاه در خیابان امیر آباد شمالی دانشجویان برای خواب آماده می شدند، هرچند اعصاب متشنج بود. تنها ساعتی پیشتر چندین نفر در برابر در اصلی دانشگاه کتک خورده بودند."

این روزنامه می نویسد: "آنچه بعد از آن اتفاق افتاد به یکی از رویدادهای محوری در ناآرامی های پس از انتخابات بدل شد؛ پلیس با یورش خشن به داخل خوابگاه ها به شکستن قفل ها و بعد استخوان ها پرداخت، به ده ها دانشجوی حمله کرد، بیش از 100 نفر را با خود برد و پنج نفر را کشت. مقام ها هنوز این حمله را انکار می کنند اما شرحی که از مصاحبه با پنج فرد حاضر در حادثه به دست می آید، داستانی متفاوت را بازگو می کند."

یکی از 133 دانشجویی که آن شب دستگیر شدند به گاردین گفت: "ما آماده خوابیدن می شدیم که ناگهان صدای شکسته شدن قفل ها توسط آنها که می خواستند وارد اتاق شوند را شنیدیم. بیشتر آنها را درحال کتک زدن دانشجویان دیده بودم اما تصور نمی کردم داخل بیایند. این حتی خلاف قوانین ایران است."

به نوشته گاردین 46 دانشجویی از یکی از خوابگاه ها دستگیر و به زیر زمین وزارت کشور در آن نزدیکی در خیابان فاطمی منتقل شدند. همانجا در طبقات بالایی ساختمان بود که شمارش آرا - و به ادعای هواداران نامزدهای مخالف، تقلب در آرا - در جریان بود. 87 دانشجویی دیگر به یک ساختمان امنیتی پلیس در خیابان حافظ برده شدند. دانشجویان از شکنجه و بدرفتاری در آنجا سخن می گویند.

در این گزارش آمده است: "پنج نفر جان باختند؛ فاطمه براتی، کسری شرفی، مبینا احترامی، کامبیز شعاعی و محسن ایمانی. آنها روز بعد در بهشت زهراي تهران دفن شدند که گزارش می شود بدون مطلع کردن خانواده های آنها بود. تحکیم وحدت، یک سازمان دانشجویی، نام آنها را تایید کرده است." در ادامه گزارش گاردین آمده است: "شاهدان عینی گفتند که این دو دختر و سه پسر هدف ضربات مکرر باتوم برقی در ناحیه سر قرار گرفتند. به خانواده هایشان اخطار داده شد درباره بچه هایشان صحبت نکنند و مراسم ترحیم برگزار نکنند - مانند والدین ندا آقا سلطان، که چهره اش پس از پخش فیلم کشته شدن او به ضرب گلوله در خیابان، با جنبش اعتراضی مترادف شد."

براساس قوانین ایران پلیس، اعضای سپاه پاسداران و سایر نیروهای مسلح و شبه نظامی حق ورود به



رضایی: دادگاه نیروهای خودسر کی برگزار می شود؟

11 مرداد 1388

شبکه جنبش راه سبز (جرس): محسن رضایی با اشاره به اینکه در حوادث پس از انتخابات دو نوع خسارت از طرف دو گروه اغتشاشگران و نیروهای خودسر رخ داده است، تصریح کرد: عدالت حکم می کند که دو دادگاه با دو نوع متهم تشکیل شود. در غیر اینصورت عدالت و احقاق حق صورت نمی گیرد و ممکن است ناامنی هم پایان نیابد و آرامش به جامعه برنگردد. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام این سخنان را پس از تشکیل اولین جلسه محاکمه تعدادی از بازداشت شدگان حوادث پس از انتخابات، در نامه ای به آیت الله هاشمی شاهرودی رئیس قوه، که پایگاه اینترنتی وی آن را منتشر کرده، عنوان کرد و افزود: دادگاهی که تشکیل شده عمدتاً به متهمین نوع اول اختصاص یافته است. لذا این سوال مطرح است که دادگاه دوم چه زمانی تشکیل می شود؟ و چرا نباید همزمان با دادگاه اول تشکیل شود؟

رضایی که خود نامزد انتخابات ریاست جمهوری و معترض به نتیجه انتخابات بود در این نامه خواستار محاکمه متخلفین حمله کننده به کوی دانشگاه تهران و کلاسهای دانشگاه اصفهان، عاملین ضرب و شتم دستگیرشدگان از جمله شهید محسن روح الامینی و عوامل ضرب و شتم مردم معترض در خیابانها شد. رضایی با تاکید بر ضرورت مباحثات جرم تصریح کرد: اگر دادگاه دوم تشکیل نشود نه تنها عدالت بطور کامل صورت نگرفته بلکه خسارت دیگری به نظام جمهوری اسلامی وارد می شود و اشتباهات زنجیره ای ادامه می یابد و مانع استقرار آرامش در جامعه خواهد شد. امروز جامعه ما هم به امنیت نیاز دارد و هم آرامش. اقتصاددانان ما معتقدند هر چه دیرتر امنیت و آرامش به جامعه برگردد میلیونها تومان به اقتصاد ملی و رفاه جامعه آسیب وارد خواهد کرد.

ترابی: گزارش مجلس از کوی دانشگاه هم تهیه شد اما ارائه نشد

3 آذر 1388

کلمه: عضو فراکسیون خط امام (ره) مجلس گفت: «توهم توطئه و احساس ناامنی کردن صاحبان قدرت از محیط دانشگاهها و دانشجو، موجب می شود دانشجویان هم تحریک شده و به نحو دیگری برخورد کنند.» نصرالله ترابی در گفتگو با خبرنگار پایگاه خبری فراکسیون خط امام (ره) مجلس «پارلمان نیوز»، در ارائه تحلیلی از فضای حاکم بر دانشگاهها در شرایط فعلی اظهار داشت: «دانشگاه یک محل علمی و مکانی برای مباحثه ها و گفت وگوهای علمی و سیاسی و اجتماعی است.»

عضو فراکسیون دانشگاهیان مجلس تصریح کرد: «وقتی از طرف دستگاههای اطلاعاتی و بعضاً از سوی دستگاههای انتظامی با لباس مشخص وارد دانشگاه می شوند و دانشجو احساس می کند از بیرون به او فشار می آورند عکس العمل نشان می دهد.» وی افزود: «در ماههای اخیر متأسفانه شاهد بودیم که دستگاهها با اعمال فشار بردانشجویان و حتی خانوادههای آنها این قشر را حساس کرده اند، اما وقتی موضوع را بررسی می کنیم متوجه می شویم مساله خاصی نبوده است، گاهی اتهام دانشجو این است که چرا از اینترنت استفاده کرده اید؟ چرا پیام یا میل زده اید؟ به کدام شبکه وصل هستید؟» عضو فراکسیون خط امام (ره) مجلس گفت: «دانشجویان معمولاً هیچ اقدامی انجام ندادند و صرفاً ارتباطاتی هست که در عصر حاضر طبیعی است، اینترنت و ماهواره وجود دارد و نقل و انتقال اطلاعات در همه جای دنیا در حال انجام است.» ترابی با بیان اینکه به جای اینکه از این رفتار دانشجویان نگران باشیم باید از این فرصت استفاده کنیم، گفت: «دین ما دین گفت وگو است و اگر معتقدیم حرفی برای گفتن داریم باید استقبال کنیم.»



وی در پاسخ به این سوال که حادثه کوی دانشگاه و عدم ارائه گزارش آن چقدر تحریک کننده دانشجویان است؟ اظهار داشت: «اولین جایی که وارد این مساله شد مجلس بود، اما وقتی بحثها به موضوعات امنیتی می رسد همه صورت مساله را عوض می کنند، همه حساسیتها وجود دارد رهبری بر پیگیری حادثه کوی تاکید کردند، مجلس هم اقدام کرد گزارش هم تهیه شد اما ارائه نشد، دلیل آن این است که مسایل را صرفاً با دید امنیتی نگاه می کنند.» عضو کمیسیون اجتماعی مجلس تصریح کرد: «برخی فضای غبار آلودی ایجاد کرده اند که هیچ کس جرات وارد شدن را پیدا نمی کند، فضای کوی دانشگاه و اتفاقات آن مشخص بود اما با غبار آلود کردن فضا کسی وارد مساله نشد.» عضو فراکسیون خط امام (ره) مجلس خاطر نشان کرد: «مجلس با ارائه گزارش منصفانه و بی طرف باید به سمت شفاف سازی و جلب اعتماد دانشجویان حرکت کند.»



تعلیق گزارش کمیته حقیقت یاب مجلس درباره حمله به کوی دانشگاه

13 اردیبهشت 1389

کلمه: چند روز پس از برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری، کوی دانشگاه تهران مورد حمله قرار گرفت و شماری از دانشجویان ساکن کوی آسیب دیده و قسمت عمده‌ای از ساختمان‌های آن تخریب شد. در پی این حادثه به دستور علی لاریجانی کمیته‌ای در مجلس به ریاست ابوترابی فرد جهت تحقیق در این زمینه تشکیل شد. به گزارش ایلنا، نخستین گزارش این کمیته در حالی از سوی ابوترابی در جلسه‌ای غیر علنی قرائت شد که انتقادات نمایندگان حامی دولت را برانگیخت و حتی به گفته برخی نمایندگان منجر به قطع تریبون نایب رئیس مجلس از سوی یکی از این نمایندگان شد. بخش دوم این گزارش نیز از سوی علیرضا زاکانی در جلسه غیر علنی دیگری در همان روز قرائت شد.

پس از آن اعلام شد که گزارش دوم کمیته حقیقت یاب از سوی الیاس نادران در جلسه غیر علنی دیگری قرائت می‌شود و طی آن به شناسایی عوامل حمله کننده نیز اشاره خواهد شد. اما هرگز چنین جلسه‌ای برگزار نشد و حتی نمایندگانی همچون حمیدرضا کاتوزیان، علی عباسپور و کاظم جلالی که عضو این کمیته بوده و اغلب از پیگیری‌های آن اطلاع رسانی می‌کردند؛ به تدریج در لاک سکوتی فرو رفته و پاسخ به همه سوالات را به

ابوترابی فرد رئیس این کمیته محول کردند. تا اینکه هفته گذشته جمشید انصاری عضو فراکسیون خط امام (ره) مجلس در مناظره‌ای با مصباحی مقدم در دانشگاه تهران در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان اعلام کرد که اساسا کمیته‌ای برای رسیدگی به این مسأله تشکیل نشده که بخواهید از نتیجه عملکرد آن مطلع شوید.

اما پرویز سروری عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس که در کمیته ویژه تحقیق بازداشتگاه کهریزک عضویت داشته است، در این خصوص اظهار داشت: بنده در کمیته مذکور عضویت ندارم اما اطلاع دارم که اقدامات وسیعی در خصوص حادثه کوی دانشگاه انجام شده است. زیرا از طرف رئیس مجلس ماموریت داشته است. بر این اساس اظهارات انصاری را تأیید نمی‌کنم. وی با بیان اینکه پس از جلسه اول کمیته مذکور به کمیته مربوط به بازداشتگاه کهریزک رفته است، افزود: پاسخ سوالاتتان را باید از ابوترابی بگیرید.

کاظم جلالی مخبر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی هم، با تأکید بر تشکیل کمیته مربوط به کوی دانشگاه، یادآور شد: ابوترابی رئیس کمیته مزبور است و حکم لاریجانی به وی هم همچنان قابل دسترسی است. از این رو هر سوالی دارید از ایشان پرسید.

در نهایت، علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز گفت: این کمیته به ریاست ابوترابی تشکیل شده بود که در فعالیت‌هایش تأثیرگذار بود و در نتیجه تعداد زیادی از دانشجویان به دنبال اقدامات آن آزاد شدند.

وی نیز بر مستقل بودن کمیته پیگیری حادثه کوی دانشگاه از کمیته‌های دیگری که برای بررسی حوادث بعد از انتخابات تشکیل شده بود را تأکید کرد.

با توجه به اظهارات سه نماینده فوق، هنوز مشخص نیست که نتیجه پیگیری این حادثه و عوامل مهاجم به دانشجویان چیست. از سوی دیگر، محمد حسن ابوترابی نایب رئیس مجلس هم در دسترس خبرنگاران نبود تا در این مورد پاسخگو باشد.





انتقاد روزنامه تهران امروز از تعلل دستگاه قضایی در رسیدگی به پرونده حمله به کوی دانشگاه

2 آذر 1389

لاریجانی افزوده است که متأسفانه در پرونده کوی دانشگاه، نیروهای امنیتی هیچ کمکی به ما نکردند و این اشاره که هیچ کمکی ارائه نشد، به ما نبود، بلکه به نیروهای امنیتی بود و در جلسه‌ای این موضوع را خدمت مقام معظم رهبری مطرح کردم.

لاریجانی 17 ماه بعد از این اتفاق تأکید کرده که این پرونده باید به صورت دقیق رسیدگی شود از ما انتظار تعجیل نداشته باشید؛ زیرا ما براساس قانون فعالیت می‌کنیم و نمی‌توانیم براساس اتهام کار کنیم. امیدواریم این پرونده به خوبی به انتها برسد. با وجود کارنامه موفق آیت الله لاریجانی در برخورد و رسیدگی به برخی پرونده‌های مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی (به اذعان کارشناسان) اظهارات روز گذشته ایشان در خصوص پرونده کوی دانشگاه به نظر نمی‌رسد انتظارات افکار عمومی را برآورده کرده باشد.

برگزاری سریع دادگاه حادثه قتل سعادت آباد تهران و اعلام حکم آن از جمله همین پرونده‌هایی است که امتیازات مثبت کارنامه قوه قضائیه را افزون می‌کند چرا که مسئولان قضایی با این اقدام نگرانی‌ها و تأثیرات منفی این حادثه را تا حدودی رفع کرده و حتی تعلل و قصور برخی نهادهای دیگر را نیز جبران کرده اند.

شکی در این نیست که پرونده کوی دانشگاه هم همچون حادثه کهریزک و سعادت آباد از همین پرونده‌هایی است که تبعات امنیتی و روانی آن برای جامعه بخصوص جامعه دانشگاهی کشور قابل تأمل است. بخصوص که تعلل در رسیدگی به آن بهانه برخی مخالفان و رسانه‌های مخالف بیگانه برای دامن زدن به آن را بیش از پیش می‌کند. محسنی اژه‌ای دادستان کل کشور در 17 آذر سال گذشته در همین باره گفته بود که در ارتباط با این پرونده‌ها (کوی دانشگاه و مجتمع سبحان) برخی افراد احضار و برخی بازداشت شدند.

سخنان و به تعبیری اطلاعات رئیس قوه قضائیه درباره پرونده کوی دانشگاه، در حقیقت چیز جدید و متفاوتی نسبت به اظهارات دادستان کل کشور در یک سال گذشته ندارد و این یعنی روزمرگی در رسیدگی به پرونده ای که افکار عمومی منتظر فرجام آن هستند. آیت الله لاریجانی به واسطه سوابق متعدد خود در سال‌های گذشته بیش از هر کس اطلاع دارد که اهمیت پرونده‌هایی همچون کوی دانشگاه یا کهریزک و سعادت آباد قابل مقایسه با سایر پرونده‌های قضایی نیست.

بیان این نکته که در رسیدگی به پرونده کوی دانشگاه نباید تعجیل کرد بعد از گذشت بیش از یک سال، برای افکار عمومی قابل قبول نیست. شایسته تر آن است که دستگاه قضایی پیش از آنکه رهبر انقلاب یک بار دیگر ضرورت برگزاری سریع دادگاه کوی دانشگاه را یادآوری کنند، انتظارات افکار عمومی و جامعه علمی کشور را برآورده کند و نشان دهد که برخی تبلیغات سوء و خبرهای رسانه‌های بیگانه مبنی بر اعمال فشار برخی محافل خاص بر دستگاه قضایی شایعاتی بیش نیست.

روزنامه تهران امروز در یادداشتی با عنوان "اظهارات قاضی القضاة و یک پرسش مهم" به قلم ابراهیم بهشتی نوشت:

اگر در برابر اصطلاح «اطلاع‌رسانی ذره‌ای یا قطره چکانی» بتوان اصطلاحی همچون برخورد «قطره چکانی یا ذره‌ای» را به کار برد، بیراه نیست که نحوه رسیدگی به پرونده حادثه کوی دانشگاه را مصداق عینی برای این اصطلاح فرض کرد.

در اولین ساعات بامداد روز 25 خرداد سال گذشته و دو روز بعد از انتخابات ریاست جمهوری دهم، عده‌ای موسوم به لباس شخصی به کوی دانشگاه تهران حمله کرده و بر اساس گزارش‌ها و خبرهای منتشر شده در این خصوص، اقدام به ضرب و شتم دانشجویان کردند.

در خصوص قبح این عمل همان بس که رهبر انقلاب هم در بیانات خود، از این حادثه به عنوان جنایت یاد کردند و چندین بار در طول یک سال گذشته بر رسیدگی سریع و دقیق آن تأکید کردند. رهبر معظم انقلاب در آخرین روز مرداد ماه سال جاری یعنی 14 ماه پس از وقوع این حادثه در جمع دانشجویان دانشگاه‌های مختلف کشور با اشاره به سخنان یکی از دانشجویان درباره ضرورت پیگیری حمله به کوی دانشگاه افزودند: روند این پیگیری کند بوده و آنچنان که باید پیش نرفته است اما این مسئله فراموش نشده و ان شاء الله به پیش خواهد رفت.

ایشان نبود انگیزه لازم در برخی دستگاه‌ها را برای همکاری در این مسئله از جمله عوامل کندی این پرونده دانستند و بار دیگر بر ضرورت رسیدگی به این موضوع تأکید کردند. گذشته از تأکیدات رهبر معظم انقلاب، مقامات مسئول قضایی و نمایندگان مجلس هم بارها بر رسیدگی سریع و برگزاری دادگاه متهمان و اعلام نتیجه آن تصریح داشته اند.

انتظارات افکار عمومی برای روشن شدن فرجام چنین پرونده‌هایی هم لزوم برخورد قاطعانه و سریع را دو چندان می‌کند. در طول سال‌های گذشته برخی اتفاقات و حوادث سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی حادث شده است که به نوعی با حیثیت نظام یا بخشی از آن گره خورده است. چه به لحاظ تبعات سیاسی و اجتماعی آن و چه از نظر بازتاب آن در رسانه‌های ضد انقلاب و تصویری که از نظام در خارج از مرزها نشان داده می‌شود. حوادثی مثل کهریزک، قتل میدان کاج در سعادت آباد، برخی پرونده‌های بزرگ اختلاس و مفاسد اقتصادی و کوی دانشگاه ... از جمله این اتفاقات است که از همین زاویه رسیدگی عاجلانه و دقیق و به خصوص تشریح روند پیگیری و برگزاری دادگاه و در نهایت اعلام نتیجه آن ضرورتی انکارناپذیر است.

جدیدترین خبر مربوط به کوی دانشگاه را روز گذشته رئیس قوه قضائیه در همایشی اعلام کرد و گفت که در رابطه با این پرونده بیش از 30 نفر احضار شدند و برای برخی از آنها کیفرخواست قطعی صادر کردیم. آیت الله





انتقاد دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران از عوض شدن جای شاکی و متهم در پرونده کوی در حضور رهبری

2 شهریور 1389

به گزارش وبسایت انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران، در بخشی از اظهارات سیدمحمی الدین فاضلیان، دبیر آن تشکل دانشجویی خطاب به رهبر جمهوری اسلامی آمده است:

“... ما به گفته شما که اصلاح طلبی را یک تکلیف و مجاهدت دانستید که دولت و ملت موظف به آن هستند، اصلاح طلبیم و اصولگرایی و ایستادگی بر سر ارزش های انقلاب اسلامی را از مکتب امام، بدون هیچ گزینشی وام گرفته ایم و با بر چشم گذاشتن این دو گانه حیات بخش انقلاب اسلامی در تمام لحظات و بر مبنای قانون اساسی، جمهوریت و اسلامیت که میراث خون پاک شهدایمان است، ذره ای در استیفای حقوق قانونی مردم عدول ننموده ایم...”

سخن کوتاه، مغتنم فرصتیست تا از نظرات راهگشای حضرتعالی در باب چند موضوع بهره مند گردیم:

یکم. کوی دانشگاه تهران: سحرگاه 25 خرداد 88 خانه امن دانشجویان مورد هجوم قرار گرفت و بر دردانه های ملت ظلمی رفت که شرحش جز غم و اندوه حاصلی ندارد ظلمی که دل رهبری را خون کرد تا از آن تعبیر به جنایت کنند. اینک که بیش از یک سال از آن حادثه گذشته، نه تنها با متهمین اصلی آن برخورد نشده، بلکه انگشت اتهام به سمت دانشجویان نشانه رفته و کینه توزانه آنان را در جایگاه متهم می نشانند. از محضر شما تقاضا داریم، بار دیگر بر پیگیری و مجازات عاملان آن واقعه دستور اکید فرمایید تا هیچگاه شاهد تکرار چنین ظلمی در حق دانشجویان نباشیم.

دوم. برخوردهای انضباطی و امنیتی: در طول سال گذشته در دانشگاه های کشور شاهد برخوردهای شدید انضباطی در درون دانشگاه و احضارهای مکرر امنیتی در خارج از آن بوده است. به اعتقاد ما آنچه زمینه تولید علم و پویایی دانشگاه را فراهم می کند در وهله اول ثبات، امنیت و عقلانیت است و برخوردهای اینچنینی با دانشجویان متعهد مانع نیل به تعالی در فضای دانشگاهی می شود.

دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی، در دیدار جمعی از تشکلهای دانشجویی با رهبر جمهوری اسلامی، ضمن انتقاد از عملکرد حکومت در مورد پرونده حمله به کوی دانشگاه تهران، برخوردهای انضباطی و امنیتی با دانشجویان و موارد مشابه، خطاب به وی خاطرنشان کرد “نگرانی اصلی ما امروز از نوسیدگانی است که دانسته یا نادانسته دین را زردبان اهداف دنیوی خود قرار داده و خود را مفسر بی بدیل انقلاب، امام و رهبری می دانند.”





می آورند و اتهامات خودساخته را نثار هر آن که غیر ایشان است می نمایند. بذر نفاق در جامعه می پراکنند. نگرانی از آنانی که خود را مجاز به تعدی به حقوق مردم می دانند و آنچنان با شمشیر زبان بر صاحبان فضیلت و دلسوزان انقلاب می تازند تا ایشان را عزلت نشین روزگار ابتلاء نمایند."

گفتنی است رهبر جمهوری اسلامی نیز در سخنان خود، ضمن اشاره به موارد مطروحه توسط انجمن اسلامی دانشگاه تهران، درباره حمله به کوی دانشگاه گفت "روند این پیگیری کند بوده و آنچنان که باید پیش نرفته است اما این مسئله فراموش نشده و انشاءالله به پیش خواهد رفت." بنا به گزارش سایت رهبر جمهوری اسلامی، وی "نبود انگیزه لازم" در برخی دستگاهها را برای همکاری در این مسئله از جمله عوامل کندی این پرونده دانستند و بار دیگر بر ضرورت رسیدگی به این موضوع تأکید کرد. آقای خامنه ای با اشاره به گوشه ای دیگر از اظهارات دبیر انجمن اسلامی دانشگاه تهران، درباره تندروری در برخی برخوردهای انضباطی - امنیتی در دانشگاهها گفت "البته نمی شود محیط دانشگاه را که آماج توطئه های دشمن است، به حال خود رها کرد و طبعاً مسائل انضباطی لازم است اما تندروری در هر زمینه ای از جمله در این زمینه خوب نیست."

سوم. لزوم اقتناع نخبگان: مستحضر هستید که هر رویداد و تصمیمی نیاز به توضیح و تبیین برای آحاد مردم، خاصه نخبگان علمی و فکری دارد. اقتناع منتقدین نقش به سزایی در حفظ وحدت و انسجام اجتماعی و بازگشت آرامش دارد. اما ضعف در اقتناع نخبگان و یکطرفه کردن فضای رسمی بحث نگرانی ما را در این حوزه موجب گردیده است.

چهارم. پیش زمینه های آزاد اندیشی: ... واضح است که آفت آزاداندیشی معضل خود حق پنداری است. از سویی اعمال سلیقه دولت ها و فضای ممیزی و هزینه های ناشی از آن نیز مانعی دیگر بر تحقق واقعی این مهم به نظر می رسد. لذا اعمال سلیقه دولت ها و دستوری شدن علم و اندیشه چه در دانشگاه و چه در حوزه های علمیه، آفتی دیگر بر نهال نویای آزاداندیشی است.

پنجم. لزوم تقویت انسجام اجتماعی: امروز نگرانی از کلید خوردن توطئه ی بسیار خطرناک مردم علیه مردم. نگرانی از ایجاد اختلافاتی که دست در روابط بین مردم برده است تا وحدت کلمه را خدشه دار نماید. باید دید که چه جریان ها و گروه هایی در داخل و یا خارج از این راهبرد بهره می برند و در آن نقش آفرینی می کنند. متأسفانه بر خلاف نظر حضرتعالی مبنی بر جذب حداکثری و دفع حداقلی، شاهد آن هستیم که عده ای به عمد، در داخل کشور بر طبل اختلاف می کوبند و با سو استفاده از احساسات مذهبی مردم، می کوشند با تثبیت شکاف بین بزرگان نظام، ملت را بسوی چند دستگی سوق دهند.

ششم. اخلاقیات در جامعه: بی شک آرمان جمهوری اسلامی ساختن جامعه ای اخلاقی بر مبنای آموزه های قرآنی، رفتار و سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار است و دور شدن از این شاخص، بزرگترین آسیب بر رسالت چنین جامعه ای خواهد بود. این روزها، رواج ادبیات مبتذل و بد اخلاقی های سیاسی و زبان های بی تقوا عزت و اخلاق جامعه را مورد هدف قرار داده است. گسترش این ادبیات در بین مردم زنگ خطری برای جامعه خواهد بود و از این رهگذر بیشترین آسیب را خواهد دید. این روزها در برخی رسانه های رسمی و غیر رسمی کشور و به دلایلی مذموم چون حذف رقبای سیاسی شاهد رواج دروغ، نفاق، ریا و تهمت هستیم. از این رهگذر مردمان از آسیب های ناشی از عملکرد چنین رسانه هایی مصون نخواهند بود.

و اما سخن آخر:

نگرانی اصلی ما امروز از آنانی است که دانسته یا نادانسته دین را نردبان اهداف دنیوی خود قرار می دهند که بی شک نتیجه ای جز تزلزل میانی و اصول در اذهان آحاد ملت نخواهد داشت.

ما نگرانی از نوسیدگانی که خود را مفسر بی بدیل انقلاب، امام و رهبری می دانند. کسانی که کلام رهبری را تا حد منافع سیاسی - باندی خود پایین





توطئه ای دیگر در کوی دانشگاه؛ سناریوی اعتراف گیری از دانشجویان در راه است

مسیح علی نژاد
1 آبان 1389

جرس: ماجرای حمله به کوی دانشگاه و کشته و زخمی شدن چندین تن از دانشجویان معترض به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، همچنان ادامه دارد و اگرچه هفته های قبل اولین دادگاه رسیدگی به اتهامات متهمان این پرونده برگزار شد اما ناگهان جمعی دیگر از دانشجویان احضار، زندانی و تحت فشارهای جدی برای اخذ اعتراف علیه خودشان قرار گرفته اند. گزارش های رسیده به جرس حاکی است پس از آنکه سازمان قضایی نیروهای مسلح اطلاعیه ای با عنوان برگزاری اولین دادگاه متهمان پرونده حمله به کوی دانشگاه منتشر کرد، تعدادی از دانشجویان مکررا به سازمان قضایی نیروهای مسلح احضار شده و آنجا تحت فشارهای جدی برای اعتراف تلویزیونی قرار گرفته اند. پس از واقعه کوی دانشگاه که انتشار فیلم حمله خشونت آمیز نیروی انتظامی افکار عمومی را به شدت متاثر کرده بود و همچنین با توجه به دستورات و توصیه های مسئولین رده بالای جمهوری اسلامی از جمله آیت الله خامنه ای مبنی بر دادرسی سریع و قاطعانه به این پرونده به نظر می رسید در اولین فرصت دادگاهی برای رسیدگی به این پرونده برگزار شود اما این دادگاه با تاخیر و به صورت غیر علنی در هفته های گذشته برگزار شد. بسیاری از دانشجویان که در کوی دانشگاه زندگی می کنند در جریان راهپیمایی های اعتراضی سال گذشته از نزدیک شاهد حمله لباس شخصی ها به خوابگاه دانشجویی بوده اند و اخیرا نیز شاهد احضارهای پیاپی و بازداشت های متوالی دانشجویان هستند و خبر می دهند انگشت اتهام حاکمیت پس از برگزاری اولین دادگاه متهمان حادثه کوی بار دیگر به سمت خود دانشجویان نشانه رفته است. این دانشجویان مرجع رسیدگی به پرونده حمله به دانشگاه را غیرقانونی و یک سناریوی از پیش تعیین شده می دانند و معتقدند این بار نیز همانند حادثه هیجده تیر سیستم قضایی کشور جایگاه متهم و شاکی را عوض کرده است و دانشجویان از سوی نهادهای امنیتی و قضایی مورد فشار «مضعف» قرار گرفته اند. در واقعه هیجده تیر سال هفتاد و هشت نیز پس از برگزاری دادگاه این دانشجویان بودند که با حبس های طولانی مدت روبرو شدند و فشارها تاکنون نیز ادامه دارد؛ چنانچه در ادامه این فشارها به تازگی خانواده زینالی دانشجوی مفقود شده در واقعه 18 تیر نیز با یورش ماموران امنیتی به خانه شان بازداشت می شوند، در صورتی که در همان روزها تنها یک سرباز به اتهام دزدیدن ریش تراش از خوابگاه دانشجویان محاکمه شده بود.

جرس با «محمد خشنود» از فعالین دانشجویی و شاهدین واقعه ی سال گذشته ی حمله دانشگاه که در کوی سکونت دارد گفتگویی را انجام داده است که در پی می آید:

کسانی را دستگیر می کنند که در گذشته فعالیت موثر و آبرومندی در جنبش دانشجویی داشته و به هیچ وجه وصله ی اغتشاش طلبی به آنها نمی چسبند.

نعیم آقایی آیا توسط وزارت اطلاعات بازداشت شده است یا مرجع قضایی دیگری دانشجویان را احضار می کنند؟

بدلیل مسئول بودن ارگانهایی از نیروهای مسلح در حوادث کوی، دادگاه این حوادث به دادرسی نیروهای مسلح منتقل شد و حالا با کمال تعجب می بینیم در این دادرسی مخصوص نیروهای مسلح دانشجویان بی دفاع عادی احضار و بازداشت می شوند. آقایان حتی از فرط عجله ظواهر امور را هم رعایت نمی کنند. وگرنه چه معنی دارد که دانشجویان به دادرسی نیروهای مسلح که مخصوص جرائم نیروهای مسلح است، احضار شوند؟

در دادگاهی که برای متهمان کوی برگزار شد آیا عاملان یا آمران هم محاکمه شدند؟

این دادگاه به مضحکانه ترین شکل ممکن و بدون حضور متهمین اصلی پرونده ی کوی و به صورت غیر علنی برگزار شد. ظاهرا از کل مجموعه ی نیروی انتظامی به عنوان نهاد مسئول، تنها یک سرهنگ به دادگاه احضار شده است. اتفاقی که چندان تعجب ما را برنمیانگیخت. چرا که در گذشته برگزاری این نوع دادگاههای فرمایشی که بیشتر برای از سر باز کردن قضیه ی اصلی بر پاشده است را به کرات شاهد بوده ایم. این دادگاه هم از جهت صلاحیت رسیدگی به پرونده ی کوی

آقای خشنود به تازگی برخی از دانشجویان احضار شده اند و خبرهای خوبی از دانشگاه به گوش نمی رسد، ممکن است ابتدا توضیحی در مورد وضعیت تحصیلی خودتان و سپس دوستان نزدیکتان که بازداشت شده اند بدهید؟

من دانشجوی پزشکی سال آخر دانشگاه علوم پزشکی تهران هستم. سالهاست که در کوی دانشگاه زندگی می کنم و از مطلعین حادثه ی حمله به کوی دانشگاه در بیست و پنج خرداد پارسال هستم. همچنین از دوستان نزدیک «نعیم آقایی» هستم که هفته ی گذشته بازداشت شده است.

دلیل بازداشت نعیم آقایی چه بود؟

متأسفانه دلیل بازداشت ایشان را متهم بودن در پرونده ی کوی دانشگاه اعلام کرده اند. در حالی که من خودم در حادثه ی تلخی که سال گذشته در کوی دانشگاه رخ داد، نقش یک امداد رسان و رسیدگی کننده به وضعیت سلامتی دانشجویانی را داشته ام که مورد حمله واقع شده بودند و در مورد نعیم آقایی یکی از کسانی که به تازگی و برای اولین بار در رابطه با کوی دانشگاه بازداشت شد باید بگویم هر کسی که اینجا او را می شناسد، به آرامی و متانت تحسین برانگیز او اذعان دارد. نعیم از فعالین شناخته شده و خوشنام دانشگاه تهران است، حالا او را گرفته اند. به چه جرمی؟ به جرم اغتشاش در حوادث کوی دانشگاه. در حالی که هیچ کس نمی تواند چنین اتهامی را باور کند. آقایان به دلیل اینکه ظاهرا برای حل و فصل سریعتر قضیه تحت فشار قرار دارند بدون هیچ گونه دلیل موجهی



فکر می کنید این فشارها چه تاثیری در فضای خود دانشگاه به جای خواهد گذاشت؟

گمان می کنم اولین تاثیری که در میان دانشجویان گذاشت ایجاد یک فضای یاس و ناامیدی و مردگی ست. این فضای یاس و سرد و افسرده متأسفانه هم اکنون بسیار فراگیر شده است و صدماتی که از این یاس عمومی در میان جوانان کشور می شود به هیچ وجه قابل برآورد نیست. هم اکنون بسیاری از دانشجویان به فکر فرار از این فضای خفقان آور افتاده اند. بسیاری در به دنبال پذیرش گرفتن از یک کشور دیگر و فرار از این وضعیت اسفبار هستند. خیلی ها نیز در یک حالت افسرده و کز کرده فرو رفته اند به طوری که امیدی به تغییر وضعیت در کوتاه مدت احساس نمی کنند.

اما اگر قرار باشد فراتر از این نگاه کنیم، ظلمی که برداشجویان وارد می شود چیزی نیست که از خاطر مردم ما پاک شود. شما ببینید که بعد از پنجاه و هفت سال هنوز واقعه ی شانزده آذر قلب تک تک مردم ما را به درد می آورد و هنوز خاطره ی آن واقعه زنده است و بازگو می شود. دانشجویان با سیاسیون فرق بسیاری دارند. دانشجویان پاره ی تن این مردمند. نقطه ی امید این مردم اند. این حرف را از منی که تجربه ی عمیق و طولانی دانشجوی بودن و ساکن کوی بودن را داشته ام، بپذیرید. اثر روانی که بازداشت یک دانشجوی بر روح و روان مردم می گذارد بسیار سنگین تر از اثری است که از بازداشت یک فعال سیاسی مشهور می گذارد. مردم در تجربه ی حمله به کوی، کینه به دل گرفتند. اگر این بی عدالتی ها همچنان ادامه پیدا کند بی تردید این کینه جایی سرباز خواهد کرد و اثرات بسیار سنگینی بر جای خواهد گذاشت که به نفع هیچ کس نیست. آقایان اگر عاقل باشند و با درایت عمل کنند باید روند کنونی را اصلاح کنند. هر چند متأسفانه هیچ اثری از اصلاح امور مشاهده نمی شود اما مشفقانه و دلسوزانه به آنها توصیه می کنیم به نفع همه است که عدالت واقعی در پرونده ی کوی دانشگاه به اجرا درآید و به جای قربانی کردن دانشجوی، مسببین و عوامل اصلی این حادثه معرفی و محاکمه شوند.

با تشکر از فرصتی که در اختیار جرس گذاشتید

دانشگاه و هم از جهت نوع عملکرد شایستگی لازم را برای رسیدگی به این موضوع ندارد. دو اشکال وجود دارد. یکی اینکه باید از آقایان پرسید که چرا به پرونده ی کسانی که به کوی دانشگاه حمله کرده اند رسیدگی نمی شود اما در عوض خود دانشجو را احضار می کنند؟ دوم اینکه برای دانشجویان این سوال به وجود آمده است که آیا هنوز توانسته اند یا نخواسته اند کسانی را که به کوی دانشگاه به آن شکل وحشیانه حمله کردند و آن صحنه های ننگین را آفریدند محاکمه کنند؟

گفته می شود این احضارها برای گرفتن اعتراف از دانشجویان علیه خودشان است تا بگویند نا آرامی ها در دانشگاه کار خود دانشجویان بوده است؟ آیا شما هم در این زمینه اطلاعاتی دارید؟

متأسفانه ناجوانمردانه شاهدیم که سناریوی خطرناکی در حال شکل گیری است که تمام تقصیرات حوادث کوی دانشگاه را به گردن دانشجویان بگذارند و با برپایی شوهای رسانه ای، نقش عوامل فتنه را در ماجرای کوی دانشگاه به زعم خود به مردم معرفی کنند تا به این طریق نقش مسببین اصلی حوادث کوی را نادیده بگیرند. به هر حال ماجرا بسیار ناخوشایند به پیش می رود و عموم کسانی که این مسائل را دنبال می کنند به هیچ وجه از روند رسیدگی به پرونده ی کوی رضایتی ندارند و حدس من و برخی دیگر از دانشجویان نیز همین است که احضار دانشجو به جای محاکمه کنندگان به دانشجو برنامه ای از پیش تعیین شده است جهت تغییر پرونده ی کوی و استفاده ی آن در جهت اهداف سیاسی وجود دارد.

اکنون نزدیک بیش از یک سال از واقعه حمله به کوی گذشته است فکر می کنید چرا بعد از این همه مدت به تعبیر شما به فکر برپایی «شوی رسانه ای» علیه دانشگاه و دانشجو هستند؟

متأسفانه از چند جهت ایران در شرایط خوبی نیست. نخست شرایط بین المللی ست که با توجه تحریم های پی در پی و قطعنامه های شورای امنیت دورنمای چندان مناسبی ایجاد نمی کند. شرایط اقتصادی داخل هم با توجه به عملکرد

بسیار ضعیف دولت در حوزه ی اقتصادی بسیار وخیم است. در روزهای آتی قرار است که ما طرح هدفمند کردن یارانه ها را هم شاهد باشیم که با توجه به عدم برنامه ریزی صحیح و اصولی و عملکردهای بسیار غلط و زیان ده اقتصادی، بدون کوچکترین پشتوانه ای مناسب قرار است که به مرحله ی اجرا درآید. بنابر این از هم اکنون استرس زیادی به جامعه وارد شده است و حتی با شایعه ی اجرای این طرح، نرخ چند محصول گران می شود. بار توری که در صورت اجرای این طرح به جامعه تحمیل خواهد شد بسیار سنگین است. به همین لحاظ گمان می کنم که آقایان در آینده برای برداشتن فشار روانی از دوش خود دست به غوغاسالاری رسانه ای زده و خبرگزاری ها روی اخبار جانبی مانور دهند. یکی از همین اخبار می تواند عنوان کردن این مسئله باشد که حوادث کوی دانشگاه سال گذشته زیر سر عوامل فتنه یا بیگانگان است.





مهناز پراکند، وکیل سه تن از دانشجویان در پرونده کوی دانشگاه: دادگاه نظامی شایستگی صدور حکم را نداشت

فاطمه شجاعی
07 خرداد 1390

جرس: با گذشت نزدیک به دو سال از حمله به کوی دانشگاه تهران، چندی پیش دانشجویان این دانشگاه مجموعاً به بیش از ده سال حبس محکوم شدند، اما همچنان خبری از محکومیت عاملان اصلی این پرونده منتشر نشده است. مهناز پراکند، وکیل سه تن از دانشجویان متهم در این پرونده، معتقد است دادرسی نظامی که احکام این دانشجویان را صادر کرده، درباره رسیدگی به این پرونده ذیصلاح نبوده است و از لحاظ قانونی شایستگی صدور حکم برای دانشجویان را نداشته است. این وکیل دادگستری با بیان این که دادگاه حتی شایسته رسیدگی به جرایم بسیجی‌های حمله‌کننده به کوی نبوده است، اظهار می‌کند: "در واقع دادرسی نیروهای مسلح تنها زمانی صالح به رسیدگی به اتهامات ماموران نیروهای مسلح هستند که نیروهای مسلح، در رابطه با وظایف خاص نظامی مرتکب جرم شده باشند. در غیر این صورت و در زمانی که نیروهای مسلح، مانند هر فرد دیگری مرتکب جرم شوند باید اتهامات‌شان در دادگاه‌های عمومی مورد رسیدگی قرار بگیرد." جرس، درباره روند بررسی پرونده متهمان حمله به کوی دانشگاه در خرداد ماه سال 88 با پراکند، وکیل سه تن از دانشجویان متهم در این پرونده به گفت‌وگو نشست که در پی می‌آید:

عنوان اقدام علیه امنیت در دادگاه انقلاب هم پرونده تشکیل شد، که خوشبختانه پرونده تعدادی از آنان در دادرسی انقلاب منجر به صدور قرار منع پیگرد شد ولی برای رسیدگی به اتهامات عمومی آنان پرونده‌شان به دادرسی نظامی ارسال شد.

چرا دادرسی نظامی؟

دادرسی نظامی ادعای اش این بود که چون بسیجی‌هایی که به کوی دانشگاه حمله کرده‌اند در واقع جزو نیروهای نظامی تلقی می‌شوند، پرونده باید در دادگاه نظامی مورد بررسی قرار گیرد. و همچنین مدعی شدند از آنجا که پرونده دانشجویان هم در ارتباط با نیروهای نظامی است، با توجه به مصلحت آنان باید به اتهام‌شان در دادگاه نظامی رسیدگی شود. که این مطلب به طور کلی خلاف قانون و مقررات است.

با این حال، تمامی بازجویی‌ها از دانشجویانی که در دادرسی و دادگاه نظامی محاکمه شدند، توسط قرارگاه ثارالله انجام شد، تفهیم اتهام‌شان در دادرسی نیروهای مسلح صورت گرفت، تحقیقاتی که در دادرسی نیروهای مسلح انجام شد با سربرگ دادرسی نیروهای مسلح بوده. کیفرخواست توسط دادستان دادرسی نیروهای مسلح صادر شده و محاکمه‌شان هم در دادگاه نظامی انجام شد. البته خود دستگاه قضا به این نکته واقف بود که دادرسی نظامی صالح به رسیدگی به اتهامات دانشجویان نیست. برای در اصل دور زدن این مشکل، راه‌حلی برای خودشان

در روزهای اخیر، اخباری مبنی بر صدور بیش از 10 سال حبس برای دانشجویان متهم در پرونده حمله به کوی دانشگاه تهران منتشر شد. روند بررسی این پرونده چطور آغاز شد؟

در تاریخ 24 و 25 خرداد، در روزهای ابتدایی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال 88 یک عده از افراد خودسر بسیجی و به اصطلاح حزب‌اللهی با هماهنگی نیروی

انتظامی، به کوی دانشگاه حمله کردند و تا صبح روز بعد، با چوب و چماق و قمه تعدادی از دانشجویان را مورد ضرب و جرح شدید قرار داده و نسبت به آنان فحاشی کردند به نحوی که برخی از دانشجویان برای فرار از آماج حملات آنان به سرویس‌های بهداشتی پناه برده بودند ولی توسط این افراد از مکان‌هایی که مخفی شده بودند بیرون کشیده و مورد ضرب و جرح واقع می‌شوند. بعد از این که، حمله به محل زندگی دانشجویان بعد رسانه‌ای و جهانی یافت؛ چرا که حمله به محل زندگی دانشجویان که محلی فرهنگی و علمی بود، موضوع کوچکی نبود که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت و از نظر اخلاقی و سیاسی مسئله‌ای غیر قابل قبول بود. از این جهت و با توجه به قبیح بودن این حمله، از طرف آقای خامنه‌ای دستور داده شد که به این مسئله رسیدگی شود. در این راستا تعدادی از دانشجویان را هم به دادگاه انقلاب احضار کردند که توسط ماموران امنیتی مورد بازجویی قرار گرفتند و هم به دادرسی نیروهای مسلح، که بدوا توسط مأمورین قرارگاه ثارالله بازجویی شدند. برای بعضی از دانشجویان با اتهامات سیاسی تحت





این موارد وجود نداشت. ضمن این که باید باز هم تاکید کرد ماموران قرارگاه ثارالله ضابط دادگستری محسوب نمی شوند و صالح به بازجویی از دانشجویان در این پرونده نبودند.

در این پرونده هیچ کدام از دانشجویان متهم، شاکی خصوصی داشتند؟

نه، هیچ کدامشان شاکی خصوصی نداشتند. حتی در بین دانشجویان محاکمه شده، بودند دانشجویانی که اتهاماتی چون □ اتهام توقیف غیرقانونی □ به آنان داده شده بود و این طور مطرح می کردند که بنا بر ادعای دادستان دو نفر از افراد خودش و بسیجی که به کوی حمله کرده بودند، توسط تعدادی از دانشجویان مورد توقیف واقع شده و به کتابخانه کوی برده شده و برای مدتی در آنجا نگهداری شدند. اما در این مسئله، نه مشخص بود این دو نفر چه کسانی هستند و نه اصلاً شکایتی از سوی این دو نفر در پرونده وجود داشت و این تنها یک ادعا بود که ادله‌ای هم برای اثبات نداشت. در واقع در این مورد هم شاکی خصوصی وجود نداشت.

در میان متهمان غیر دانشجو و حمله کننده به کوی دانشگاه، از عاملان

اصلی این حمله هم نامی برده شده بود؟

نه، در این پرونده هیچ یک از عاملین اصلی در میان متهمان نبودند و فقط یک تعداد بسیجی‌های ناشناس در میان متهمان حضور داشتند.

شما اطلاعی از اتهامات وارد شده به بسیجیان دارید؟

نه، ما متأسفانه موفق نشدیم کل پرونده را بخوانیم. چون زمان اندکی تا روز برگزاری دادگاه داشتیم. در واقع ما دو روزه مجبور شدیم پرونده را بخوانیم و در دادگاه شرکت کنیم. البته من تقاضای تجدید دادگاه کردم و یک هفته وقت بیشتر گرفتم، اما در این مدت هم نمی شد 20 جلد پرونده را مطالعه کرد و فقط موفق شدیم پرونده موکلین مان را مطالعه کنیم.

با تشکر از وقتی که در اختیار جرس قرار دادید.

دست و پا کردند و آن این بود که رئیس قوه قضاییه، یعنی آقای لاریجانی، حکمی را به دادسرا و دادگاه نیروهای مسلح داده بود که بر طبق آن، صلاحیتی به دادستان، بازپرس و قاضی پرونده اعطا شده بود که به جرایم عمومی هم می توانستند رسیدگی کنند. بنابراین دادسرا و دادگاه نظامی بر اساس این حکم رئیس قوه قضاییه رسیدگی به اتهامات دانشجویان را آغاز کرد. در حالی که رسیدگی دادگاه و دادسرا و دادگاه نظامی به اتهامات دانشجویان صرفاً بر اساس حکم رئیس قوه قضاییه آن هم به لحاظ اعطاء صلاحیت به دادستان، بازپرس و قاضی خلاف قانون اساسی است.

یعنی دادرسی نظامی شایستگی رسیدگی به پرونده دانشجویانی که چندی

پیش محکوم شان کرد، را نداشته است؟

خیر، زیرا تعیین صلاحیت برای دادگاه‌ها به عنوان مرجع رسیدگی فقط و فقط در اختیار قانون است و ریاست قوه قضاییه صرفاً می تواند برای قضات به عنوان مقام رسیدگی تعیین صلاحیت کند بنا بر این صلاحیت قاضی برای رسیدگی به جرم عمومی مترادف با صلاحیت دادسرا و دادگاه نظامی و یا انقلاب برای رسیدگی به جرم عمومی نیست. ضمن اینکه باید گفته شود که در این پرونده دادرسی نیروهای مسلح، حتی صالح به رسیدگی به اتهامات کلیه متهمین پرونده نبوده است، چه در رابطه با بسیجی‌های حمله کننده به دانشگاه و چه در رابطه با دانشجویان. زیرا بنا بر اصل 172 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دادسرا و دادگاه‌های نیروهای مسلح تنها زمانی صالح به رسیدگی به اتهامات اعضای نیروهای مسلح هستند که نیروهای مسلح، در رابطه با وظایف خاص نظامی مرتکب جرم شده باشند. در غیر این صورت و در زمانی که هر یک از اعضای نیروهای مسلح، مرتکب جرم شوند باید اتهاماتشان در دادگاه‌های عمومی مورد بررسی قرار بگیرد. بنابراین دادرسی نظامی شایستگی رسیدگی به کل این پرونده را نداشته است.

شما اشاره کردید که بازجویی دانشجویان در قرارگاه ثارالله انجام شده بود.

قرارگاه ثارالله شائیت انجام این بازجویی‌ها را به لحاظ قانونی داشت؟

اتفاقاً یکی از ایرادات ما در دادگاه همین نکته بود. ببینید، برای انجام هر نوع تحقیقاتی

قانوناً بازپرس باید خودش رسماً تحقیقات را انجام دهد. مگر این که بعضی از تحقیقات را به ضابطین دادگستری ارجاع کند؛ ضابطین دادگستری طبق ماده 15 قانون آئین دادرسی مدنی، مشخص شده‌اند که چه کسانی هستند و البته ضابطین دادگستری هم صرفاً بعد از ارجاع مقامات قضایی حق ورود به پرونده‌ای را دارند. و حالا ایراد به پرونده کوی این‌جا است که اولاً، ماموران قرارگاه ثارالله جزو ضابطین قضایی محسوب نمی شوند؛ ثانیاً، به فرض این که ما ماموران قرارگاه ثارالله را ضابط قضایی تلقی کنیم این‌ها تنها در صورتی حق بازجویی از دانشجویان را داشتند که از طرف دادسرا پرونده به آنان ارجاع شده باشد. یعنی قبلاً بازپرس پرونده را به آنان ارجاع می کرد و از آنان می‌خواست یک سری تحقیقات مشخص که بازپرس معین می‌کند را در رابطه با دانشجویان انجام دهند. در حالی که در پرونده هیچ یک از





نگاهی به دادگاه کوی دانشگاه؛ تکرار مجازات قربانیان؟

فرهمنده علیپور

29 مهر 1389

جرس: شانزده ماه پس از روی دادن حادثه کوی دانشگاه و حمله نیروهای رسمی پلیس به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران، چندی پیش دادگاهی برای بررسی حوادث روی داده برگزار شد. حادثی که بنا به گفته آقای خامنه ای، بلندپایه ترین مقام جمهوری اسلامی "فاجعه" بود. آقای خامنه ای سال گذشته در دیداری با دانشجویان حامی خود حوادث روی داده در خوابگاه دانشجویان را که تنها به فاصله چند روز پس از انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته رخ داد را محکوم کرد و خواستار سرعت عمل دستگاههای قضایی برای شناسایی عوامل این حادثه شد. چند ماهی پس از این سخنان بود که فیلمی از شب حادثه منتشر شد که نشان از اوج قساوت نیروهای رسمی با دانشجویان بود. اینک در تهران دادگاهی برپا شده است که به عقیده دانشجویان، به جای اینکه مجرمان واقعی را به محاکمه بکشاند بازهم گویا قرار است دادگاهی نمایشی باشد برای برائت مجرمین و مجازات قربانیان. در رابطه با برگزاری این دادگاه و وضعیت کلی کنونی این پرونده گفتگویی داشتیم با یکی از فعالین دانشجویی دانشگاه تهران که از نزدیک پیگیر این پرونده است. جرس به خاطر وضعیت خاص کنونی حاکم بر کشور از انتشار نام این فعال دانشجویی معذور است.

قضایی نیروهای مسلح مواجه شدند. و در مقطعی نیز بیش از سی نفر از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه پس از احضار بازداشت شدند. البته پس از چندین روز تعداد بسیاری از آنان با قید وثیقه های ده تا پنجاه میلیون تومانی آزاد شدند. اما برخی هنوز با اتهامات نامعلوم در بازداشت به سر می‌برند و بازداشت ها تاکنون نیز ادامه دارد.

شما از وضعیت دانشجویان بازداشتی نیز خبر دارید؟ به طور کلی در حال حاضر وضعیت این دانشجویان چگونه است و چه افرادی در بازداشت به سر می‌برند؟

در حال حاضر ایوب نعمتی، کاوه اکبری و سجاد شریفی و نعیم آقایی در بازداشت به سر می‌برند و تحت فشارهای بسیار زیاد برای اعتراف گیری مواجه هستند. به نظر می‌رسد سناریوی پنهانی و خطرناکی به دنبال این بازداشت‌ها مطرح می‌باشد و پروژه مضحکانه دادگاه‌های نمایشی را به دنبال داشته باشد که ممکن است به احکام سنگینی برای این دانشجویان منتهی شود.

نیروهای انتظامی و لباس شخصی حمله کننده در کجای این پرونده قرار دارند؟ اخیراً مشاور حقوقی دانشگاه تهران اظهار داشته است که تنها یک سرهنگ در دادگاه برگزار شده حاضر شده است؛ که در مقابل شکایت دانشجویان تنها به دفاع در مورد حمله روز قبل این واقعه به دانشگاه تهران پرداخته است و این نشان از ناتوانی مرجع رسیدگی کننده در شناسایی و یا احضار عوامل اصلی این واقعه و همچنین عدم پاسخگویی و مصونیت جریان مذکور دارد و امید نمی رود که پس از این نیز جایی در این پرونده داشته باشند. البته ما همچنان امیدواریم که دستگاه‌های مربوط و مسئولین پرونده روند عادلانه‌ای در پی بگیرند و عاملین و آمرین اصلی را به سزای اعمال خود برسانند.

پیش بینی شما از فرجام این دادگاه و این رسیدگی قضایی چیست؟ البته به هیچ وجه نمی توان در حال حاضر تحلیلی از این موضوع ارائه داد اما به نظر می‌رسد در شرایط کنونی که حاکمیت نیز با طرح‌های بحث برانگیز دیگری از جمله طرح هدفمندی یارانه‌ها و مذاکرات هسته‌ای روبرو است سعی در انحراف افکار عمومی دارد. و سعی در این دارند که با زنده کردن سخنان دروغین فتنه محور خود جلب توجه کنند و همچنین به این وسیله به تشکل های دانشجویی و فعالان دانشجویی فشاری بیش از پیش وارد کند و با دروغ های مکرر سعی در وارونه سازی جریان مذکور نمایند و همچنین به تیرنه عاملین اصلی بپردازند. اما همچنان امیدوارم با این پروژه سازی جدید باز هم این دانشجویان بی گناه نباشند که با صدور احکام سنگین نشانه روند. با اینحال جنبش همیشه زنده دانشجویی در مقابل این حرکات هیچگاه ساکت نخواهد نشست و واکنش های آشکاری نشان خواهد داد

با تشکر از فرصتی که در اختیار جرس گذاشتید

اخیراً سازمان قضایی نیروهای مسلح اطلاعیه ای با عنوان برگزاری اولین دادگاه متهمان پرونده حمله به کوی دانشگاه منتشر کرده است، روند رسیدگی به این پرونده را شما به عنوان یکی از فعالین دانشجویی که از نزدیک پیگیر این موضوع بودید چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همانطور که عنوان شد دادگاهی برای رسیدگی به این پرونده برگزار شده است. اما علیرغم اینکه این بار انتظار می‌رفت با وجود دستورات و توصیه‌های مسئولین رده بالای جمهوری اسلامی از جمله آقای خامنه‌ای مبنی بر دادرسی سریع و قاطعانه به این پرونده دیدیم که با تاخیر بسیار این دادگاه به صورت غیرعلنی برگزار شد. البته می‌توان گفت به نوعی مرجع رسیدگی به این پرونده نیز به صورت غیرقانونی برگزیده شده است و صلاحیت رسیدگی به این پرونده را ندارند چرا که اینبار نیز به روال معمول و ناعادلانه‌ای سیستم قضایی به نوعی جایگاه متهم و شاکلی واقعی عوض شده است و دانشجویان از سوی نهادهای امنیتی و قضایی مورد فشار مضاعف قرار گرفته‌اند و همانطور که گفتیم دادگاه نیروهای مسلح صلاحیت رسیدگی به این پرونده را ندارند. علیرغم اینکه دانشجویان و کوی دانشگاه بار دیگر مورد حمله وحشیانه اقتدارگرایان در قالب نیروهای لباس شخصی و انتظامی قرار گرفتند، شاهد بودیم که با احضارهای پیاپی و بازداشت‌های متوالی دانشجویان در یکسال گذشته، انگشت اتهام بار دیگر به سوی دانشجویان نشانه گرفته شد. همانگونه که در واقعه هجده تیر سال هفتاد و هشت دیدیم این دانشجویان بودند که با حبس‌های طولانی مدت روبرو شدند و فشارها تاکنون نیز ادامه دارد؛ همانگونه که دیدیم هنوز فشارهایی بر خانواده زینالی دانشجوی مفقود شده در واقعه 18 تیر وارد می‌شود و مادر و خواهر وی با یورش ماموران امنیتی به خانه‌شان بازداشت می‌شوند، در صورتی که در همان روزها تنها سربازی به اتهام دزدیدن ریش تراش محاکمه شد. اینبار نیز خلاف واقع نیست اگر بگوییم سناریویی نخ نما شده و تکراری در جریان است و سعی بر برائت عاملین و آمرین این فاجعه دارد.

فشارهای وارده بر دانشجویان که ذکر کردید، از ابتدا تا کنون به چه صورت بوده است؟

علاوه بر بازداشت بیش از صد دانشجو در شب حمله به کوی دانشگاه در طول سال گذشته فشارهای وارد به دانشجویان از دو سو مطرح بود. از طرف دانشگاه و نهادهای امنیتی-قضایی. به طوری که برخی دانشجویان در داخل دانشگاه با احکام سنگین انضباطی از جمله محرومیت از تحصیل روبرو شدند. تابستان بعد از انتخابات نیز دانشجویان مکرراً به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار شده و مورد بازجویی و تهدید قرار می‌گرفتند. و از سوی دیگر روند احضارها به سازمان قضایی نیروهای مسلح آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. با این احضارها سعی در پرونده سازی برای دانشجویان ساکن کوی دانشگاه شد. این روند ادامه داشت شهریور ماه امسال که آقای خامنه‌ای در جمع برخی دانشجویان گلاب‌های از روند بررسی پرونده کوی دانشگاه مطرح کردند و در پی آن رسیدگی به پرونده شدت دوچندان یافت اما اینبار دانشجویان با بازداشت توسط سازمان



مادر مازیار خسروی: هیچ اطلاعی از محل نگهداری و اتهام فرزندم به ما نمی دهند

مژگان مدرس علوم

جرس: مازیار خسروی، دبیر سرویس بین الملل روزنامه شرق است که دو روز پیش از راهپیمایی گسترده 25 بهمن، با حمله نیروهای لباس شخصی به دفتر روزنامه شرق بدون آن که در خصوص علت بازداشت وی توضیحی بدهند او را به همراه خود برده‌اند. مادر این روزنامه نگار اصلاح طلب با اشاره به وضعیت جسمانی نامناسب وی می گوید: "پسرم عمل جراحی قلب باز انجام داده و آذر ماه سه پیوند شریان انجام دادند و بشدت باید تحت مراقبت پزشکی باشند. حتی خانم و بستگان به اوین مراجعه می کنند که داروهایش را به او برسانند اما قبول نکرده بودند و می گفتند ما نمی دانیم کجا است. فقط از خدا می خواهیم هر چه زودتر "فرجی" برای جوانان این مملکت حاصل شود و پسرم به همراه همه زندانیان سیاسی آزاد شوند و به آغوش خانواده هایشان بازگردند." گفتنی است، مازیار خسروی سردبیر سابق سایت آفتاب و دبیر گروه دیپلماسی روزنامه های مردم سالاری و بهار بوده و با بسیاری از روزنامه های اصلاح طلب همکاری نزدیک داشته است. وی که سردبیری سایت هم‌مهن از رسانه‌های حامی میرحسین موسوی را برعهده داشت، بر اساس شکایت معاونت حقوقی دانشگاه تهران در رابطه با انتشار گزارشی در مورد حمله خرداد ماه سال 88 به کوی دانشگاه تهران به نشر اکاذیب متهم و دوازدهم اردیبهشت‌ماه سال جاری به زندان اوین منتقل شد. وی یک ماه بعد در روز 7 خرداد ماه از زندان آزاد شد. در حالی آقای خسروی بر اساس رای دادگاه مبنی بر نشر اکاذیب در رابطه با حمله گروه های فشار به کوی دانشگاه راهی زندان اوین شده است که همواره از حمله گسترده گروه فشار به کوی دانشگاه تهران به عنوان یکی از "تلخ" ترین حوادث پس از انتخابات یاد شده است.

به همین مناسبت "جرس" با خانم پروانه امیری مادر مازیار خسروی در خصوص شرایط نامعلوم و نگران کننده وضعیت پسرش به گفتگو پرداخته که متن آن در پی می آید:

نخیر، اسمش هیچ جا نبوده است. همه این مسائل باعث نگرانی شدید ما و خانمش است. حداقل جایش را بگویند تا داروهایش را بدستش برسانیم.

بار اولی که در اردیبهشت ماه بازداشت شدند همین شرایط نامعلوم را داشتند؟

آن موقع اتهامش را از طریق دادگاه اعلام کردند و محل نگهداری اش مشخص بود اما این بار هیچ اطلاعی از وضعیت و محل نگهداری و اتهامش نداریم و کسی هم پاسخی به ما نمی دهد.



خانم امیری از زمانی که برای بار دوم پسران را دستگیر کردند شما اطلاعی از وضعیت وی دارید؟

عصر جمعه گذشته ماموران او را از دفتر روزنامه بردند. بعد خانمش با گریه زنگ زد ماجرا را برای من تعریف کرد که مازیار به او زنگ زده و گفته از همکارانم به خانه می آیند که بعد چهار نفر می آیند خانه و همه جا را زیرو رو می کنند و نوشته های مازیار را با خودشان می برند. ما هم از آن موقع تا به حال هیچ اطلاعی از مازیار نداریم.

در این مدت تماس تلفنی هم با منزل نداشتند؟

نخیر هیچ تماسی نگرفته و بشدت نگران حالش هستیم.

مامورانی که منزل را بازرسی می کردند وابسته به چه نهادی بودند؟ هیچ اطلاعی نداریم اصلا جوابی نمی دادند. نه گفتند که اتهام پسرم چیست و نه از محل نگهداری اش به ما گفتند.

برای پیگیری به کجاها مراجعه کرده اید؟

من در شهرستان هستم اما خانمش و نزدیکان به همه جا مراجعه کردند که حداقل بدانند کجا زندانی است اما دریغ از پاسخی. دیگر نمی دانیم به کجا مراجعه کنیم.

گویا فرزندان ناراحتی قلبی هم دارند؟

بله، پسرم عمل جراحی قلب باز انجام داده و آذر ماه سه پیوند شریان انجام داده و بشدت باید تحت مراقبت پزشکی باشد. حتی خانم و بستگان به اوین مراجعه می کنند که داروهایش را به او برسانند اما قبول نکرده بودند و می گفتند ما نمی دانیم کجا است.

آیا در خصوص این شرایط

نامعلوم و نگران کننده صحبتی با مسئولین قضایی کشور دارید؟

من از مسئولین می خواهم به ما بگویند پسرم کجاست تا داروهایش را به او برسانیم. من مادرم و جز سوختن و دعا کردن کاری نمی توانم انجام دهم. عروسم هم خیلی نگران است و پسر پنج ساله مازیار مدام بهانه پدرش را می گیرد و گریه می کند. حداقل بگویند کجاست. دیگر چه بگویم، پسر من که کاری نکرده یک روزنامه نگار و نویسنده است و این که گناه نیست. بار اول هم که بخاطر گزارشی که نوشته بود دستگیر شد خبری بود که همه رسانه ها نوشتند و پسر من که چیزی جز واقعیت نوشته بود اما دیدیم که با او چه کردند. پسرم روزنامه نگار مستقل است و با قلمش زندگی می کند و تمام عقاید و نوشته هایش برای "سرافرازی" مملکتش است و جز فکر کشورش چیزی در سرش نیست و به هیچ جا هم وابستگی ندارد، فقط واقعیاتی را که می بیند و می شنود، می نویسد و این هم که جرم نیست. فقط از خدا می خواهم هر چه زودتر فرجی برای جوانان این مملکت حاصل شود و پسرم به همراه همه زندانیان سیاسی آزاد شوند و به آغوش خانواده هایشان بازگردند. انشاءالله هر چه زودتر خبری به من و خانم و فرزندم برسد. هر کسی هم که بتواند کاری کند تا قرص های پسرم به او برسد، سپاسگزارش خواهم بود.

با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

یعنی اسم ایشان در لیست زندانیان اوین نبوده است؟



ابعاد تازه از جنایت حمله به کوی دانشگاه در جدیدترین فیلم منتشر شده

03 اسفند 1388

انتخابات ریاست جمهوری در ایران، دانشجویان معترض به نتایج انتخابات از ساعت نه شب در داخل کوی دانشگاه تجمع کردند. ساعاتی بعد محوطه اطراف کوی به محاصره گارد ویژه درآمد. فیلم رسیده به دفتر بی بی سی از ساعت 1.30 بامداد فیلمبرداری شده است. درگیری ها در پشت میله های کوی و قبل از ورود نیروهای امنیتی به خوابگاه آغاز شده است. دانشجویان از بالای پشت بام سنگ پرتاب می کنند و گارد ویژه هم از پایین شروع به پرتاب سنگ و شلیک گاز اشک آور می کند. در فیلم تصاویری از کپه های آتش به چشم می خورد که شاید دانشجویان در مقابل گاز اشک آور روشن کرده اند.

در آخرین فیلم منتشر شده درخصوص وقایع کوی دانشگاه ابعاد تازه ای از این حمله وحشیانه افشا شد. این فیلم که توسط بی بی سی منتشر شد نشان می دهد که چگونه نیروی انتظامی و گارد ویژه با حمله شبانه به کوی دانشگاه تخریب اموال دانشجویان و شلیک گاز اشک آور محیطی از رعب و وحشت برای دانشجویان ایجاد کردند. بی بی سی می نویسد: بر اساس این فیلم معلوم می شود که حمله به کوی دانشگاه بر خلاف ادعای حکومت کار عناصر خودسر نبوده و از پیش برنامه ریزی شده بوده است. مهاجمان می گویند سردار رجب زاده، رئیس وقت نیروی انتظامی تهران دستور حمله را صادر کرده بود. روز 24 خرداد ماه و بعد از اعلام نتایج

فیلم حمله به کوی دانشگاه ناشی از تعارض های درونی نظام

07 اسفند 1388

لاجوردی، رییس انجمن پژوهشگران ایران، طی گفتگویی با رادیو زمانه، به بررسی ابعادی مختلف از این مسئله پرداخته اند.

این حمله بار اول نبود اما پخش آن...

قاسمی نژاد در آغاز با بیان این نکته که "این حمله فقط مربوط به امسال نیست و سالهای 78 و 82 نیز چنین حملاتی رخ داد"، نقطه بارز در زمینه فیلم بی بی سی را "مشاهده این خشونتها توسط مردم" ذکر کرد و تصریح نمود "چنین حمله هایی تقریباً به امر معمولی در جمهوری اسلامی تبدیل شده؛ اما قبلاً یا یک سری عکس از آنها پخش شده بود و یا شاهدان حادثه مشاهدات خود را می گفتند و شاید مردم خیلی متوجه عمق ماجرا نمی شدند، اما برای اولین بار فیلمی از این حمله دیدند و وحشت و هراسی را که دانشجویان در آن زمان با آن مواجه می شوند را لمس کردند."

این فعال دانشجویی پیرامون "اولین پرسشی که برای وی پس از نمایش فیلم مطرح شد"، می گوید "اولین پرسش این است که فیلم چگونه به بی بی سی رسیده است. مثلاً فیلم مرگ ندا را در وب پخش کردند و به شبکه های تلویزیونی هم ایمیل شد که یک سری شبکه ها آن را پخش نکردند و شبکه هایی هم اقدام به پخش آن کردند.



متعاقب پخش صحنه هایی از حملات نیروهای یگان ویژه پاسداران و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه تهران در ساعات اولیه 25 خرداد ماه امسال - که اخیراً بی بی سی فارسی آنرا منتشر نموده - دو تن از فعالان ایرانی، ضمن بررسی ابعاد مختلف این مسئله، پخش فیلم مذکور را "افشاگر واقعیت" و "خلاف اظهارات برخی مقامات جمهوری اسلامی مبنی بر حملات نیروهای خودسر و نیروهای خارجی" ذکر کردند. دو روز پس از انتخابات ریاست جمهوری و در حالی که اعتراضات به نتایج آن در حال شکل گرفتن بود، گروهی از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران، در شامگاه یکشنبه 24 خرداد دست به تجمعی اعتراضی زدند که با حملات خشن و خونین یگان ویژه نیروی انتظامی و لباس شخصی ها مواجه شد.

دفتر تحکیم وحدت از جان باختن پنج دانشجو و زخمی و بازداشت شدن تعداد زیادی از دانشجویان خبر داد و مقامات و رسانه های رسمی نیز، ضمن اعلام صد زخمی، حمله کنندگان را نیروهای "خودسر" و "نامشخص" ذکر کردند. با گذشت هشت ماه از آن حادثه، دوشنبه هفته گذشته تلویزیون بی بی سی فارسی برای اولین بار، صحنه هایی از حملات را پخش کرد که با واکنش و استقبال زیادی روبرو شد.

سعید قاسمی نژاد، سخنگوی دانشجویان و دانش آموختگان لیبرال ایران و حسین



بعید است که این فیلم اینگونه به بی بی سی رسیده باشد. چون در اینصورت شبکه های دیگری هم آن را پخش می کردند و ظاهراً این فیلم فقط به بی بی سی رسیده است."

وی سؤالاتی مبنی بر اینکه "آیا فیلم از طریق خبرنگاری به این شبکه رسیده است؟ آیا این فیلم به مقامات بالای بی بی سی ارسال شده است؟ و چرا اصلاً برای این شبکه فرستاده شده است؟" را هم از ابهامات خود در این مورد بیان کرد و ادامه داد "این سؤال هم مطرح است که این فیلم چه زمانی به دست بی بی سی رسیده است. می دانیم که فیلم حداقل یک روز پیش از پخش در اختیار بی بی سی بوده است. چون از یک شب پیش از پخش فیلم، اعلام شد که چنین فیلمی قرار است پخش شود. از سوی دیگر، این فیلم ادیت شده است و فقط بخشی از ماجرا را نشان می دهد. آیا این فیلم را بی بی سی ادیت کرده است یا این که فیلم به همین شکل به این شبکه رسیده است؟ این ها پرسش های جدی هستند که در این رابطه مطرح می شوند. چون اتفاقی که افتاده، با برکناری آقای رجب زاده مرتبط بوده است."

ارتباط با تغییر ناگهانی فرمانده انتظامی تهران بزرگ

قاسمی نژاد پیرامون ارتباط پخش این فیلم با تغییر ناگهانی فرمانده انتظامی تهران بزرگ خاطر نشان کرد "در حال حاضر در ایران، سپاه مدعی است که نقش چندانی در وقایع اخیر نداشته است و می خواهد خشونت های رخ داده را به گردن نیروهای دیگر، از جمله نیروی انتظامی بیاندازد و نیروی انتظامی هم به همین ترتیب سپاه را متهم می کند. آقای رجب زاده در مراسم تودیع خود گفت ما نه کسی را کشته ایم و نه کشته داده ایم."

تطهیر چهره لباس شخصی ها یا...؟

سخنگوی دانشجویان و دانش آموزان لیبرال، پخش این فیلم در موقعیت کنونی را حامل چند نکته دانست و خاطر نشان کرد "نکته اول این است که صریحاً اعلام می شود رجب زاده دستور حمله را داده است. نکته دوم این است که لباس شخصی هایی که معمولاً آقای سعید حدادیان آنها را جمع آوری می کرده است، زیر نظر مستقیم سپاه هستند. در بخش ادیت شده فیلم، نیروهای گارد ویژه دانشجویان را کتک می زنند و نیروهای وابسته به سپاه که آنها را در عملیات مختلف دیده ایم که بسیار وحشی هستند، جلوی گارد ویژه را می گیرند. در نتیجه این شائبه را ایجاد می کند که فیلم به طور ادیت شده برای تطهیر چهره سپاه منتشر شده باشد." وی خاطر نشان کرد: "این فیلم همچنین نشان داد این بحث که گارد ویژه فرزندان خود این ملت هستند، گناه دارند و تحت فشار این حرکات را انجام می دهند، درست نیست. در فیلم می بینیم که در آن شب آنها دانشجویانی را که روی زمین افتاده بودند، کتک می زدند. فرمانده که آنها را مجبور نکرده بود دانشجویان را به این شکل بزنند."

صحنه های دیگر حمله کجا بود؟

سعید قاسمی نژاد با تاکید بر این نکته که "صدا درصد این فیلم ادیت شده بود" خاطر نشان کرد "مسئله پخش های خشونت بارتری که ممکن بود کینه مردم را بیش از این افزایش بدهد، منتشر نشده است." وی در این زمینه گفت "چون فیلم حمله به اتاق ها، کتک زدن بچه ها در ساختمان های کوی ... منتشر نشده است و به نظر می رسد، آنچه در این فیلم می بینیم، انتهای





ماجرای است. در عکس‌هایی که از این حمله منتشر شده، حجم خشونت بسیار بالا است. حتی به در دو دیوار رحم نکرده بودند. اما در این فیلم، با معیارهای خود جمهوری اسلامی و در مقایسه با خشونت‌هایی که از این نیروها سراغ داریم که با ماشین از روی مردم رد می‌شوند و یا در مواردی چند نفر را آن قدر کتک زده بودند که کشته شدند، چهره انسانی‌تری از این نیروها خلق شد. یعنی نیمه شب دانشجویان را از خوابگاه‌ها بیرون کشیده‌اند، فقط چند باتوم می‌زنند، دانشجویان را آن‌جا روی هم می‌اندازند و یا لگد می‌زنند. به همین دلیل این فیلم حتما ادیت شده است و سعی کرده از یک طرف فقط نیروی انتظامی را مقصر جلوه بدهد و از یک طرف با توجه به معیارهای خودشان، چهره‌ی معقول‌تری از خودشان نشان بدهند."

نمایش تضاد در اظهارات مقامات نظام

حسین لاجوردی در توضیح این فیلم ابتدا از زاویه‌ای دیگر به این قضیه نگاه کرده و با بیان پرسشهایی مبنی بر اینکه "شرایط به دست آوردن این فیلم چگونه بوده است؟ چه زمانی این فیلم به دست بی‌بی‌سی رسیده است؟ همان چند روز اول شروع این ماجرا و حمله‌ی گارد ویژه به کوی دانشگاه یا آیا هشت ماه بعد به دست این شبکه رسیده است؟ اگر همان روز بوده، چرا تا کنون پخش نشده؟ اگر جدید آمده، به چه شکل آمده؟ زمان این فیلم چقدر است؟ چون به هر حال فقط چند دقیقه از این فیلم نشان داده شده است و ما نمی‌دانیم کل فیلم چقدر است"، به بیان دیدگاه خود می‌پردازد.

وی می‌گوید "به نظر من بحثی که در این فیلم مطرح است، به خصوص در مرحله اول، تضاد بین گفته‌های مسئولین نظام است که از طریق منابع رسمی خود در مجامع بین‌المللی اعلام کرده‌اند که پلیس فقط مسئول اجرای قانون است و فقط در این جهت که به مردم آسیبی نرسد حرکت می‌کند. اما در فیلم می‌بینیم که پلیس نه فقط مسئول اجرای قانون نبوده، بلکه با سازمان یافتگی خیلی مشخصی این حمله انجام شده است. سوالاتی هم در این رابطه مطرح است که چرا پلیس در پاسخ به دانشجویی که هیچ سلاحی در اختیار ندارد و اصولاً از خشونت در تحولات ماههای اخیر پرهیز کرده، سنگ پرتاب می‌کند؟

نحوه عملکرد پلیس در اینجا به چه شکل است؟ بسیاری مسائل دیگر نیز هستند که ما از آن‌ها آگاه نیستیم؛ مثل کشته شده‌ها، زخمی‌ها شکنجه شده‌ها و تجاوز شده‌ها را هیچ‌کدام ما نمی‌دانیم."

از کجا بی بی سی به این نتیجه رسیده است و آیا هدف این است که ... لاجوردی در زمینه محتوایی و تحلیل بی بی سی هنگام پخش این فیلم خاطرنشان می‌کند "در جایی از فیلم می‌گوید "زن! دست نگهدار!"، از کجا بی بی سی به این نتیجه رسیده است که این را بسیجی‌ها و لباس شخصی‌ها دارند از گارد ویژه درخواست می‌کنند؟ از کجا معلوم است، شاید بی‌بی‌سی مسائلی را در این فیلم می‌بیند که ما در این محدوده‌ی 7-8 دقیقه‌ای نمی‌توانیم ببینیم. از نظر من، مهم‌ترین مساله در محتوای فیلم این است که این فیلم صد درصد سیاسی و جهت‌گیرانه است. آیا فیلم از داخل آمده و می‌خواهند عده‌ای را مظلوم نشان بدهند و عده‌ای را ظالم نشان بدهند؟ عده‌ای را بگویند تقصیر نداشته، بلکه گروه دیگری مقصر هستند؟ می‌خواهند نشان بدهد که باید از گروهی پشتیبانی کرد و گروه دیگری را در گوشه دیوار قرار داد؟ از بسیج و لباس شخصی‌ها پشتیبانی کرد که اینها تقصیر نداشتند و به نیروهای گارد ویژه ضربه زد؟"

بعد از هشت ماه سکوت...

رییس انجمن پژوهشگران ایران، پیرامون "هشت ماه سکوتی که در این مورد از سوی مقامات مختلف جمهوری اسلامی صورت گرفت و کلاً از این حمله و عوامل آن سخنی گفته نشد"، می‌گوید "جایی مانند کهریزک هم که افشا شد، به این دلیل بود که فرزند یکی از مقامات جمهوری اسلامی در آنجا کشته شده بود و رژیم ناگزیر شد سکوت در این زمینه را بشکند و

پرونده را دنبال کند. تازه اگر دنبال کند؛ چون هنوز مشخص نیست که پرونده‌ی کهریزک هم به کجا خواهد رسید. اما بحث اصلی من این است که ما باید بتوانیم در جهت به واقعیت رساندن مسائلی که در ایران می‌گذرد و افشای آن نزد مقامات بین‌المللی کمک‌هایی را بخواهیم.

نتیجه اینکه ...

لاجوردی در پایان بر این نکته تاکید کرد که "ناگزیر باید از بی بی سی بخواهیم که حداقل با جوامع حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل، اتحادیه اروپا و سازمان‌های این‌چنینی که در ارتباط با نقض فاحش حقوق بشر در دنیا و در حال حاضر در ایران دارند کار می‌کنند، همکاری کند و این فیلم یکی از مهم‌ترین سندهایی است که در هشت ماه اخیر به دست آمده است و ارزش این سند برای حقانیت و گویایی جنبش مردمی ایران بسیار مؤثر خواهد بود."



لباس شخصی‌ها ...

بعدها در جریان دادگاهی که برای کوی دانشگاه در سازمان قضایی نیروهای مسلح برگزار شد، گزارش‌هایی مبنی بر محاکمه شماری از این افراد منتشر گردید. با این حال اکنون که بیش از دو سال از گشودن پرونده کوی گذشته، هویت واقعی هیچ‌یک از این افراد منتشر نشده است.

آنچه که مسلم است، این افراد فی‌نفسه تصمیم‌ساز نبوده و معرفی کردن آنها به عنوان عاملان اصلی حمله به کوی تحت عنوان "نیروهای خودسر" اقدامی انحرافی برای پوشاندن آمران و عاملان اصلی حمله به کوی است. شواهد روشنی وجود دارد که نشان می‌دهد این نیروها خودسر نبوده، بلکه با حمایت و پشتیبانی نیروهای انتظامی و بنا به دستورات مقامات بالاتر به کوی حمله کرده‌اند. به رغم این امر بدیهی، کاوشی در اوضاع و احوال لباس شخصی‌ها خالی از لطف نیست. در این بخش از ویژه‌نامه، دو مقاله که به مناسبت‌های مختلف در خصوص لباس شخصی‌ها منتشر شده را از نظر می‌گذرانیم.

در جریان حمله به کوی دانشگاه در شب 25 خرداد 1388، بخش مهمی از نیروهای مهاجم را لباس شخصی‌های سازمان‌یافته‌ای تشکیل می‌دادند که با پشتیبانی و حمایت نیروهای یگان ویژه انتظامی وارد کوی شده و از هیچ جنایت و توحشی فروگذار نکردند. این افراد مجهز به ابزار آلات ویژه و در مواردی عجیب بودند؛ زنجیر گرز دار؛ قمه‌های بزرگ و نامتعارف؛ چوب‌هایی بزرگ که با نوار پیچیده شده بر آن شکل یک باتوم حیرت‌انگیز را به خود گرفته بودند و ... بخشی از ابزار آلات همراه این افراد بود که اوصاف آن در گفته‌ها و مکتوب‌های دانشجویان شاهد حمله آمده است.

به گفته شاهدان عینی، این افراد در دسته‌های چند نفری با پشتیبانی نیروهای یگان ویژه وارد اکثریت قریب به اتفاق اتاق‌های دانشجویان شده و پس از ضرب و شتم دانشجویان حاضر، درب‌ها، دیوارها، تخت‌ها، لپ‌تاپ‌ها و سایر تجهیزات و لوازم دانشجویان را با ابزارهایی که همراه داشتند مورد تخریب قرار می‌دادند.





بازخوانی پرونده لباس شخصی ها با عینک برادران لاریجانی

محمد تهوری

این ارتباط را پنهان و این گروه را بی ارتباط با نیروهای رسمی، نظامی و قانونی کشور معرفی کند.

لباس شخصی ها که تاریخچه ای طولانی در تاریخ سیاسی ایران دارند، همواره از سوی مقام های مسوول، به گروهی ناشناخته و خودسر معرفی می شوند، آنچه دروغ بودنش بر همگان عیان است، تا در فاجعه آفرینی آنها، رد پایی از حاکمیت بر جای نماند. همانگونه که در تمام این سالها، جنایات این گروه، با یک سیاه بازی مضحک به عوامل ناشناخته و گاه وابسته به عوامل صهیونیستی نسبت داده شده است. سخنان آیت الله خامنه ای در نماز جمعه بعد از انتخابات اخیر ریاست جمهوری، زمانی که حمله کنندگان به کوی دانشگاه را یک مشت اراذل خواند یا وقتی اتفاقات ناشی از تکرار اعتراضات مردمی را باز شدن فضا برای فعالیت تروریست ها خواند، مصادیق روشنی از فرار مسوولان از عواقب عملکرد نیروهایی است که با مزد و مواجب آنها، اقدام به حرکت های خشونت آمیز می کنند.

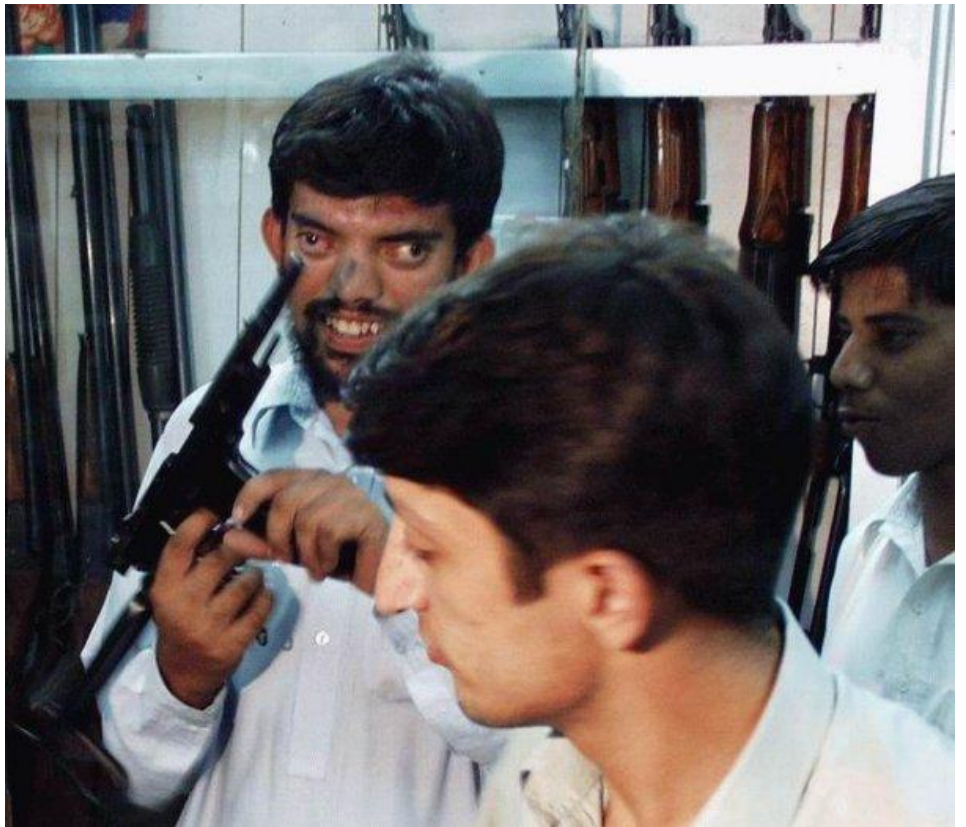
از این دست نمونه ها بی شمارند. سیاه بازی های مجلس هشتم به ریاست علی لاریجانی در ارائه گزارش هیات بررسی کننده حوادث کوی دانشگاه

تهران، و انگشت اتهام را متوجه نیروهای لباس شخصی نشانه رفتن، نمونه ای دیگر است. در این ماجرا نمایندگان مجلس و شخص نایب رئیس آن، با تاکید بر اینکه مقصر لباس شخصی ها هستند و مجلس و رئیس آن سخت در پی افشای هویت واقعی آنها است. کوشیدند وانمود کنند که حتی هویت این افراد مهاجم و متجاوز به حقوق دانشجویان، برای رئیس مجلسی که سالها در کسوت ریاست سازمان صدا و سیما از خدمات این گروه بهره مند بوده، و سالها بر کرسی دبیری شورای عالی امنیت ملی تکیه زده، ناشناخته است. حال آنکه کلید حل ماجرا در جیب برادر بزرگتر علی است و قطعا از استدلال و خبری که جواد دو هفته بعد از گزارش مجلس به رسانه ها می دهد مطلع بوده است.

جواد لاریجانی حدود دو هفته بعد از اینکه خبر آمد که رئیس مجلس سخت در پی افشای هویت واقعی لباس شخصی هاست، کار برادر را راحت کرد، تا ایشان به دیگر امور مملکتی برسد. جواد لاریجانی در گفتگو با جام جم آنلاین می گوید:

لباس شخصی ها که تاریخچه ای طولانی در تاریخ سیاسی ایران دارند، همواره از سوی مقام های مسوول، به گروهی ناشناخته و خودسر معرفی می شوند، آنچه دروغ بودنش بر همگان عیان است، تا در فاجعه آفرینی آنها، رد پایی از حاکمیت بر جای نماند. همانگونه که در تمام این سالها، جنایات این گروه، با یک سیاه بازی مضحک به عوامل ناشناخته و گاه وابسته به عوامل صهیونیستی نسبت داده شده است. سخنان آیت الله خامنه ای در نماز جمعه بعد از انتخابات اخیر ریاست جمهوری، زمانی که حمله کنندگان به کوی دانشگاه را یک مشت اراذل خواند یا وقتی اتفاقات ناشی از تکرار اعتراضات مردمی را باز شدن فضا برای فعالیت تروریست ها خواند، مصادیق روشنی از فرار مسوولان از عواقب عملکرد نیروهایی است که با مزد و مواجب آنها، اقدام به حرکت های خشونت آمیز می کنند.

شبکه جنبش راه سبز (جرس): بازگشت دوباره و البته پررنگ تر نیروهای لباس شخصی و فاجعه آفرینی آنان، با پرده برداری از واقعیت این گروه توسط جواد لاریجانی، آنچه را بیش از پیش روشن کرد، ارتباط تشکیلاتی و ارگانیکی این گروه با عالیترین مقام کشور است که همواره کوشیده است





اما جواد نگفت که دادن مأموریت به این افراد بدون کارت شناسایی و برگه مأموریت چه مشکلاتی و مفاصدی ایجاد می کند. فعالیت بدون شناسنامه آنهم با واگذاری اسلحه و دیگر تجهیزات پلیسی، همین خواهد شد که اینها هر کاری می توانند انجام دهند و در مواقعی اقدامات آنها حتی برای آمران بحران زا می شود.

البته این اولین بار نیست که از سوی عضو از مجموعه حکومت، لباس شخصی ها بعنوان یک نیروی قانونی و رسمی معرفی می شوند. پیش از این در سال 1382 نیز قاضی مرتضوی که بعنوان دستیار آیت الله خامنه ای در قوه قضائیه عمل می کند، اعلام کرده بود که این گروهها زیر نظر او مشغولند. قاضی مرتضوی در سخنانی که در زمان خود، بازتاب رسانه یی گسترده ای داشت به این مهم اشاره کرده بود که:

“دستگیری ها و بازداشت های گسترده روزهای اخیر که با ماشین های شخصی و اسپری بیهوش کننده و توسط لباس شخصی ها انجام می شد با احکام وی صورت گرفته است.”

در پی سخنان قاضی مرتضوی و اعتراف وی مبنی بر اینکه لباس شخصی ها به دستور وی و بعنوان ضابط دستگاه قضایی عمل می کنند، رسانه ها این سخنان را اینگونه تبیین کردند:

آنچه از آن بعنوان نیروهای لباس شخصی و خودسر نام برده می شود و در واقع بخشی از قوه قضائیه و ضابطان و ماموران غیررسمی و غیرقانونی این دستگاه هستند که مسلح به قمه، چاقو، زنجیر، باتوم برقی و کابل، بی سیم و باسیم، نارنجک، گاز اشک آور و اسلحه کمری در شهرها به حرکت درآمده

“این بحثی که به عنوان لباس شخصی راه انداخته اند یک بحث کاملاً انحرافی است. مثل همه جای دنیا، ضابطان قانون در ایران هم متعدّدند. من مثالی برای شما می زنم. چند سال قبل به علت این که یک سیاهپوست در لس آنجلس کشته شد آشوب هایی به وجود آمد. برای مقابله با این آشوب ها، ابتدا پلیس محلی آنها که به آن Local Sheriff می گویند وارد عمل شدند. وقتی این نیروها نتوانستند اوضاع را اداره کنند از پلیس ایالتی استفاده کردند. زمانی که این نیروها نیز موفق نشدند از نشنال گارد (National gard) استفاده کردند و زمانی که این نیروها هم موفق نشدند از نیروهای امنیتی پلیس فدرال آمریکا (FBI) استفاده کردند. ببینید برای ایجاد امنیت ما هم به همین شکل عمل می کنیم. این که مساله نیروهای لباس شخصی را مطرح می کنند، نیروی بسیج ضابط قانونی ماست و در اساسنامه بسیج این نیرو به عنوان یکی از ضابطین قانون معرفی شده است. بسیج مثل پلیس مسوولیت دارد. این که حالا یک پلیس لباس شخصی داشته باشد یا خیر مسوولیت حضرات نیست که آن را تعیین کنند. در همه جای دنیا پلیس به تناسب کار خودش گاهی شخصی است و گاهی شخصی نیست. آلوده کردن این مباحث با شکلی بسیار سطحی، فقط برای مشوه کردن اذهان مردم است. البته این مسائلی که در زندان اتفاق می افتد ربطی به بدنه پلیس و بسیج ندارد. آنها ضابطین هستند و متخلفان را دستگیر می کنند و تحویل زندان می دهند و این کار بدنه نیروهای امنیتی نیست که در زندان هم به دنبال اینها باشند، اما همان طور که قبلاً گفتم سپهر این تخلفات جداست.”





تهیه و تدارک خوراک فکری برای آنها، بعنوان راهی برای بالا بردن بهره وری شغلی مورد توجه آمران و رهبران این سازمان قرار دارد. بر این اساس است که می بینیم، مداحان مشهور و وعاظ نقشی کلیدی در این سازمان پیدا می کنند، چراکه آنها می توانند این خوراک فکری را تامین کنند.

یکی از وبلاگ نویسان، که به نظر بلاگرها، از حامیان احمدی نژاد و از تامین کنندگان خوراک فکری لباس شخصی هاست، در مطلبی که اخیراً با عنوان "وقتی فهمیدید حق با شماست از کشتن و کشته شدن نهراسید" بر روی وبلاگ خود نهاده، می نویسد:

"جمله کوتاه است اما سنگین. کشتن و کشته شدن خیلی آسان نیست. اما اولی با دومی کلی متفاوت است. کشته شدن را بیشتر ماها در راه حق راحت تر بر می تابیم تا کشتن. این چنین جا افتاده است که کشته شدن یعنی مظلومیت و کشتن یعنی ظلم. کسی که کتک می خورد مظلوم است و کسی که کتک می زند ظالم. شاید این موضوع را تاریخ به ما آموخته است که مقتولین عمدتاً به دست ظالمین کشته می شدند و شکنجه. از زمانی که هابیل به قابیل گفت که اگر بخواهی مرا بکشی من نمی خواهم تو را بکشم انگار یک عرف نانوشته ای این موضوع را جا انداخته که معمولاً مظلومین کشته می شوند چرا که آنها معتقد به انی اخاف الله رب العالمین (مائده 28) هستند. اما در جمله امام "کشتن" جلوتر از "کشته شدن" آمده است. انگار که ورق تاریخ برگشته باشد. وقتی امام می گفت: جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم انگار می خواست زمانه را با تفسیر دیگری از قرآن مطابقت داده باشد که: و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه (بقره 193). فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم (توبه 5) امر به کشتن می دهد."

منبع: naghimokhtari.blogfa.com

اند و معترض شکار می کنند. بعبارت دیگر ضابطین قوه قضاییه از دو بخش تشکیل شده اند: بخش نخست یعنی بخش قانونی آن عبارتند از نیروهای انتظامی که زیر نظر وزارت کشور عمل میکند و پلیس قضایی است؛ و بخش دوم یعنی بخش غیررسمی و غیرقانونی آن همان لباس شخصی ها هستند، که در کنار سازمان امنیت موازی و غیرقانونی وارد عمل شده اند. این لباس شخصی ها عملاً کارمندان غیررسمی و غیرقانونی قوه قضائیه هستند و از نظر تجهیزات و رده سازمانی به همان شکل سازمان دهی شده اند که نیروهای انتظامی. همان ابزارهای نیروی انتظامی، نظیر بی سیم و باتوم و گاز اشک آور را در اختیار دارند که در اختیار نیروهای انتظامی است.

مبانی فکری لباس شخصی ها

تحلیل مبانی فکری لباس شخصی ها، زمانی معنا پیدا می کند که به عملکرد این گروه بعنوان عناصری ایدئولوژیک نگاه شود. بعبارت دیگر، این گروه را زمانی می توان به لحاظ فکری مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که فرض این باشد که آنها براساس اعتقادات و باورهای مذهبی یا سیاسی عمل می کنند، حال آنکه واقعیت غیر از این است.

این گروه براساس آنچه بارها از زبان افراد مختلف در طبقه حاکمیت اعلام شده بعنوان ضابط دستگاہ قضایی و سازمانهای امنیتی عمل می کنند. بنابراین آنچه آنها را به این کار تشویق می کند حقوق و مزایای مادی و مسولیت شغلی و سازمانی آنهاست. آنها خود را مکلف به انجام وظیفه شغلی می دانند، منتهی یک نکته اینجا وجود دارد و آن اینکه چون ذات شغلی این افراد اعمال خشونت است و اعمال خشونت غیرقانونی، آنها از نوع قتل و آدم ربایی کاری نیست که انسانها به سادگی از عهده آن برآیند،

تونل وحشت

م. بارون

25 خرداد 1389

میانشان بدوند. با باتوم و اجسام سخت کتکشان می زند و به آنها فحاشی می کنند. حتی به گفته شاهدان عینی، بعضی از دانشجویان علی رغم شکستگی پاهایشان مجبور به این کار می شدند ...

قصاصت به نمایش درآمده به این سادگی از ذهن ها پاک شدنی نیست. صحنه هایی که با وجود گذشت یکسال جلوی چشمانمان رژه می روند. با اینکه این دو صحنه شباهت زیادی با هم دارند اما واقعیت دردناکی در خود پنهان دارند که همه دردناکی اش ناشی از تفاوت آنهاست. اگر سربازان یعنی برای زهرچشم گرفتن از اسرایی که هموطنشان نیستند و با آنها در جنگند، چنان سبعیتی را بروز داده اند، اینجا دانشجویانی مورد اهانت قرار گرفته اند که تنها صدای اعتراضشان گوش آسمان را کر کرده بود، نه سلاحی داشتند و نه پای نیروی بیگانه ای در میان بود.

باورش برایمان سخت و وحشتناک است که دانشجویانی که دیرزمانی است دیگر همانند سردمداران خود فکر نمی کنند، تا این حد بیگانه شده اند و به اسیری می روند.

و شاید برای اردوگاهی بزرگتر، جان و مال، و مخصوصاً اندیشه ملتی به اسیری گرفته شده است و این را تا یکسال پیش نمی دانستیم ...

(خراجی های 2- حوالی ظهر - لوکیشن: اردوگاه اسرا) اسرا داخل ماشین نظامی قرار دارند و سربازان یعنی چماق به دست در مقابل آنها روبروی هم ایستاده اند: بایرام لودر (اکبر عبدی): آقا مرتضی! اینجا چه خبره؟! اینا اومدن از ما استقبال انجام بدن؟!!

آقا مرتضی (سید مهدی هاشمی): تا حالا اسم تونل وحشت به گوشتون خورده؟ امیر دودو (ارژنگ امیرفضلی): چی؟! من شهربازی زیاد رفتم خیلی حال میده! بایرام لودر: !!! بابا این فرق می کنه امیردودو با شهربازی تهران! اونجا دایناسوراش دکوریه، اینجا دانا سورا ش واقعیه ... اسرا یک به یک از ماشین پیاده می شوند و با عبور از میان سربازان با ضرباتی سخت مورد استقبال قرار می گیرند.

(بس از انتخابات - نیمه شب 24 خرداد 88 - لوکیشن: کوی دانشگاه تهران) پلیس ضدشورش با همکاری بسیج به داخل کوی وارد، حریم خصوصی دانشجویان هتک و وسایلشان تخریب می شود. دانشجویان به زور از خوابگاه های خود به بیرون کشیده می شوند. پلیس ضد شورش در دو طرف می ایستند و با بالاگرفتن سپرها مسیری ایجاد می کنند و دانشجویان را وادار می کنند بارها از



لباس سفیدهایی که ردپای سپاه دارند

یلدا آراسته
14 شهریور 1389

جس: بعد از گذشت یک هفته از حمله افرادی موسوم به "لباس شخصی‌ها" به منزل مهدی کروبی، سر انجام سپاه محمد رسول الله این حملات را محکوم کرد. در تمام روزهای گذشته گزارش هایی که از این حملات منتشر می شد بی ارتباط با نیروهای بسیجی نبود. نیروهای بسیجی که مسوولیت اعمال آنها مستقیماً بر عهده سپاه پاسداران ایران است. با این همه این نهاد با انتشار این بیانیه هیچ مسوولیتی را در خصوص این حملات بر عهده نگرفت و آن را به "عناصر خودسر" منسوب کرد. این اولین و تنها واکنشی است که در برابر هفت روز تجمعی که سر انجام به حمله مسلحانه کشیده شد، از سوی یکی از نهاد های حکومت ایران نشان داده شد. هفت روز سکوت رسانه ها در برابر آنچه در خیابان دیباجی تهران رخ می داد با بیانیه سپاه محمد رسول الله شکسته شد. بار دیگر همه چیز به گردن گروهی افتاد که به رغم پیشینه تاریخی که در ایران دارند هنوز هم گروهی ناشناخته و عوامل خودسر نامیده می شوند.

برای حفظ تاج و تخت

و "حاجی بخشی" می خواهند "تکلیف دینی" خود را انجام بدهند. نشریه "یا لثارات الحسین" از سال 1372 اعلام موجودیت گروه "انصار حزب الله" بود. عده ای از آنها در کار مطبوعاتی ماندند و عده ای دیگر نیز به کار تشکیلاتی رو آوردند.

28 مرداد سال 1332 شاید اولین تاریخی است که پای لباس شخصی ها به عرصه اتفاقات سیاسی ایران باز شد. شعبان جعفری کسی است که نامش با تاریخ کودتای 28 مرداد گره خورده است. او نه از جامعه روشنفکری و نه از جامعه مذهبی بود. جعفری با هنر دیگری در این روز ماندگار شد. هیکل تنومند و مغز کوچک که باعث شد او در تخریب اموال عمومی و ترساندن مردم نقش زیادی داشته باشد. عکسی از او وجود دارد که در یک خودروی بدون سقف ایستاده و در یک دستش چماق است و دست دیگریش پوستر محمدرضا شاه. او یک "لباس شخصی" بود.

خشونت برای همه

عطا الله مهاجرانی وزیر ارشاد و عبد الله نوری وزیر کشور اولین شخصیت هایی دولتی بودند که توسط این لباس شخصی های تشکیلاتی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. اما این تیر ماه سال 1378 است که از تاریخ سیاسی ایران محو نمی شود. لباس شخصی ها در این تاریخ به کوی دانشگاه تهران حمله کردند. بهانه اعتراض دانشجویان به بسته شدن روزنامه سلام بود. حمله شبانه به دانشجویان و تخریب اموال آنها توسط لباس شخصی های چماق به دستی که می خواستند به دانشجویان بفهمانند "خامنه ای خمینی" لکه ننگی است که از دامان آنها پاک نمی شود.

لباس شخصی زن

سال 1358 و 59 هم لباس شخصی ها در تجمعات مردمی حضور داشتند. معروف ترین لباس شخصی روزهای اول انقلاب یک زن بود. میتینگ های سازمان های چپ و تجمع اعتراض آمیز زنان در اعتراض به حجاب اجباری در مقابل ساختمان ریاست جمهوری در زمان بنی صدر توسط "زهر خانم" و دارو دسته اش بر هم زده می شد.

ترور نافرجام سعید حجاریان در زمانی که در شورای شهر تهران حضور داشت از دیگر اقدامات این گروه در سالهای ریاست جمهوری سید محمد خاتمی بود. در این سالها تا قبل از انتخاب ریاست جمهوری دهم، لباس شخصی ها دیگر برخلاف گذشته نه کفن پوشیدند و نه تجمع اعتراضی انجام دادند.

مسلح تر آمدند

23 خرداد ماه حیات دوباره آنها بود که این بار گویا با اختیارات بیشتری در صحنه حاضر شده بودند. تصاویر منتشر شده از آن روزها به خوبی نشان می دهد که بسیار بیشتر و خشن تر از نیروهای ملبس به لباس انتظامی در



حیات دوباره در دوره اصلاحات

اما این "لباس شخصی ها" تا سالی که محمد خاتمی کاندیدای ریاست جمهوری شد دیگر چندان کاری در ایران نداشتند. بعد از سال 76 بود که این گروه با حمایت و سازمان دهی بیشتری وارد میدان شد و توانست تخریب های جبران ناپذیری را در کشور انجام بدهد. حمله به میتینگ های انتخاباتی آقای خاتمی در سال 76 آغاز حیات دوباره "لباس شخصی ها" بود. کسانی که مدعی بودند با رهبری "حسین الله کرم"، "مسعود ده نمکی"



حفظ امنیت تهران طبق مصوبه فرماندهی کل قوا زیر نظر قرارگاه ثارالله تهران است.

از جایی بالاتر حمایت می شوند

“چگونه ممکن است کسانی با خیال راحت و در ملاء عام آن هم به مدت چند شب و با ابزارهایی که صرفاً در اختیار نهادهای خاص است به ضرب و جرح و تخریب و هتک و ارباب بپردازند، جز آنکه از محافلی خاص و مقتدر اطمینان و پشتگرمی داشته باشند.” این سوالی است که آقای فاتح از زبان بیشتر مردم ایران در یادداشت خود مطرح می کند. ابراهیمی در مصاحبه اش می گوید: “این گروه مشروعیت شان را در کل از رهبر می گیرند. ما با دفتر رهبری ارتباط خیلی نزدیکی داشتیم. ملاقات های خصوصی داشتیم. بر سر هر موضوعی مجاز بودیم به دفتر رهبری برویم. حالا شاید الزاما با خود رهبر ملاقات نداشتیم. اما با مسولان ارشد دفتر رهبری در ارتباط بودیم. و همین مشروعیت هم باعث شده بود که نیروهای امنیتی و انتظامی نسبت به برخوردهای انصار حزب الله از خودشان مامشات نشان بدهند.”

در تائید این سخنان باید اشاره کرد به آخرین سخنان حجت الاسلام علیزاده، نماینده آقای خامنه ای، رهبر ایران در سپاه فجر فارس، که حمله نیروهای لباس شخصی به مسجد قباى شیراز در روز جمعه 12 شهریور ماه را کاری “انقلابی” خواند و گفت: این کار انقلابی شما مبارک باشد. خانه آقای کروبی آخرین جایی نیست که سفید پوشانی که خود را موظف به حفظ “ولایت” در ایران می دانند در آنجا دیده شده اند. آنها تا زمانی که حمایت مادی و معنوی شوند برای حفظ همه چیز از تاج و تخت پادشاهی تا مقام ولایت در صحنه حضور دارند. این را تاریخ سیاسی ایران چندین دهه است که تا امروز نشان می دهد.

صحنه حضور دارند. این بار آنها مسلح هم بودند نه تنها به سلاح های سنتی لباس شخصی ها که چاقو و قمه و چیزهایی از این دست بود که این بار آنها مشخصاً سلاح گرم با خود حمل می کردند. مطلعین از انصار حزب الله معتقدند که اولین بار لباس شخصی ها در حمله به کوی دانشگاه مسلح شدند. افراد این گروه غالباً “سپاهی” یا “بسیجی” بودند و از طریق پایگاههای نظامی خود مسلح می شدند.

فقط حمایت از رهبری مجاز است

با این حال “لباس شخصی” های سفید پوش بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری به هیچ مخالفی در هیچ لباسی رحم نکردند. مخالف از نظر آنها کسانی بودند که هر چقدر هم محترمانه اما با نظرات آیت الله خامنه ای موافق نبودند. آنها که با باورهای عمیق مذهبی این گروه را تشکیل داده بودند و باورشان ادا کردن “تکلیف دینی و شرعی” بود، در عمل اما توانستند مراجع قم را هم مورد حمله و بی حرمتی قرار بدهند. دانشجویان معترض که یکبار دیگر خوابگاهشان در خرداد ماه سال 88 مورد حمله لباس شخصی ها قرار گرفت این بار تنها نبودند. بر دفاتر، مساجد و خانواده های مرحوم آیت الله منتظری، آیت الله دستغیب، آیت الله صانعی، سید حسن خمینی، مهدی کروبی و بسیاری از روحانیون همان رفت که پیش از این برکت و شلواری پوش های ایران به جرم روشنفکری رفته بود.

شناسایی نمی شوند

“نیروهای خود سر” که به شهادت شاهدان عینی در برابر دیدگان نیروهای انتظامی دست به هر خشونت می زنند در این حکومت قابل شناسایی نیستند. با اینکه از پشت تریبون مجلس شورای اسلامی و نماز جمعه محکوم می شوند اما سر و کارشان هیچ گاه به دادگاهی واقعی نمی



افتند. ابوالفضل فاتح مشاور میر حسین موسوی می گوید: “خودسر” تنها عنوانی برای فرار از مسئولیت این پدیده ی خطرناک است. “سفید پوشانی که ردپای سپاه برجا می گذارند در این سالها کارنامه ای سپاه تر از آنچه شعبان بی مخ در 28 مرداد برای خود درست کرد دارند. در حالی هیچ کس حاضر نیست مسولیت آنها را بپذیرد، امیرفرشاد ابراهیمی به عنوان یکی از افراد مطلع از این گروه می گوید: “اعضایی که در انصار حزب الله فعالند عمدتاً نیروهای بسیجی هستند. بسیجی ها به عنوان ضابط قضایی عمل می کنند و در مواقع بحران این افراد می توانند به عنوان یکی از زیرمجموعه های سپاه پاسداران انجام وظیفه کنند. ماموریت

مقالات و تحلیل‌ها

پیرامون مهاجم 25 خرداد به کوی دانشگاه

کم‌کاری عناصر درون دانشگاه نیز مزید بر علت است؛ مساله کوی آن اندازه که شایسته بود و به هر دلیل، مورد تحلیل خود دانشجویان نیز قرار نگرفت. در این بخش تلاش کردیم مقالات معدودی که در تحلیل حمله 25 خرداد در فضای مجازی منتشر شده بود را گرد هم آوریم. مطالعه این مقالات می‌تواند روشنگر برخی جوانب این حمله غیرانسانی به خوابگاه‌های دانشجویی باشد. گرچه باید اذعان کرد که جوانب متعدد دیگری از مساله کوی باقی مانده که نیاز به تحلیل و واکاوی حقیقت‌خواهان دارد.

حمله 25 خرداد به کوی دانشگاه از برخی جوانب موضوع تحلیل اهل‌نظر بوده است. گرچه آن‌چنان که شایسته است در فضای مجازی به به این فاجعه پرداخته نشده است. شاید یکی از دلایل این موضوع هزینه هنگفت پرداختن به آن توسط روزنامه‌نگاران بود که سرنوشت مازیار خسروی - دبیر سرویس بین‌المللی روزنامه شرق - یکی از مصادیق آن است؛ روزنامه‌نگاری که به سبب نگاشتن گزارشی پیرامون حمله به کوی دانشگاه مورد زندانی شدن و مجازات سنگین قرار گرفت.





این راه هرگز به حقیقت نمی‌رسد ...

اقتباس از 25khordad88.blogspot.com

مسئولین محترم!

شاید بتوان آثار زخم‌ها و کتک‌ها را با دادن لباسهای نو و ستاندن لباسهای خونی دانشجویان برطرف کرد اما چگونه می‌توان خاطره آن حوادث و فجایع را از کابوسهای شبانه و دفتر حافظه آسیب دیدگان پاک کرد؟ آیا واقعاً مصلحت مانع افشای حقایق است؟ اگر پاسخ‌تان مثبت است باید عرض کنیم متأسفانه به خطا رفته‌اید. مصلحت دانشجویان، این دانشجویان است که آینده کشور را می‌سازد (خودتان همیشه این را به ما می‌گویید). پس مصلحت دانشجویان، مصلحت ایران فردای ما و نظام ماست مگر اینکه برای اداره کشور به جای پتانسیل علمی بر پتانسیل سرکوب حساب کرده باشید. این مصلحت شما نتیجه ای جز نشان دادن چراغ سبز برای به وجود آمدن وقایع مشابه نداشته و نخواهد داشت. و اگر جوابتان منفی است، سکوت و پنهان کاری خیانت است. آیا مصلحت، حمله به کوی دانشگاه و وارد شدن در آن به بهانه دستگیری عده ای آشوبگر است؟ آیا اعمال هر گونه رفتار زشت و خشن با آنان مصلحت است؟ لازم نیست هربار پس از وقوع این حوادث قدم رنجه کرده و در محل حادثه حاضر شوید و کمیته حقیقت یاب تشکیل دهید. بهتر نیست بر صندلی مسئولیت خود تکیه بزنید و تصمیمی اتخاذ کنید که برای همیشه ریشه این حوادث خشکانده شود؟ باور کنید ما این را بیشتر می‌پسندیم. این بهتر از این است که در صحنه حادثه حضور داشته باشید و برای دلگرمی و فروکش کردن خشم ما وعده‌هایی بدهید که هرگز عمل نمی‌کنید.

ببخشید که ما اینهمه سوال می‌کنیم. آخر ما دانشجوییم. ما مجبوریم فقط سوال کنیم بدون اینکه انتظار شنیدن پاسخ آنها را داشته باشیم، ما به دنبال جواب آنها هم نمی‌رویم زیرا قدرت آن را نداریم. زیرا همه در جواب بی‌گناهی ما به ما گفتند تر و خشک با هم می‌سوزد! زیرا فهمیدیم در مواقعی ممکن است بی‌گناهی بزرگترین جرم شناخته شود. زیرا ما را از بازگشت به آنجا ترسانند. زیرا فهمیدیم آنقدر بی‌ارزش یا غریبیم که حتی خبری از ما در صداوسیما پخش نشده است...

مگر ما و شما به اسلامی که بر پایه احترام به حقوق افراد، حتی غیر مسلمانان، بنا شده مسلمان نیستیم؟ مگر ما و شما به دینی که پیامبرش را به رفت و رحمت و مهربانی می‌شناسیم مومن نیستیم؟ مگر ما فرزندان کسانی نیستیم که خالق و حافظ همین انقلابی هستیم که مصلحتش را شما تعیین می‌کنید؟ مگر نه اینکه ما لاقط به زبان مسلمانیم؟ مگر نه اینکه ما ایرانی هستیم؟ بالاتر از همه اینها مگر نه اینکه ما انسانیم؟ رفتاری که با ما شد نه در شان اسلام بلکه در شان انسانیت نیز نبود. شاید هم واقعاً آنها که هتاک و فحاشی کردند، حمله و تجاوز کردند، ضرب و شتم

إنا لله و إنا إليه راجعون. بی شک یکی از مهمترین حوادث پس از انتخابات 22 خرداد 1388 حمله به کوی دانشگاه تهران است که ذهن اکثر افراد جامعه مخصوصاً دانشجویان، اساتید دانشگاه و بسیاری از مسئولین را به خود معطوف کرده است. حادثه‌ای که ابعاد آن در مقایسه با حوادث مشابه قبلی، از جمله 18 تیر 1378 بسیار وسیعتر است. از این رو سوالات زیادی در افکار عمومی و به طور ویژه در ذهن دانشجویان و شاهدان حادثه پدید آمده است که علی‌القاعده باید از طرف مسئولین به آنها پاسخ داده شود. بسیاری از افراد، عدم برخورد قاطع با عاملان حوادث مشابهی همچون واقعه 18 تیر 1378 را علت اصلی تکرار حوادث تلخ اخیر میدانند. لذا اذهان عمومی و دانشجویان بیش از پیش در پی یافتن پاسخ سوالات خود و شناسایی عاملان این فاجعه میباشند و پرواضح است که جز برخورد قاطع با عاملان، هیچ راهی برای بازگرداندن اعتماد از دست رفته آنها وجود ندارد.

مطالبی که در ادامه می‌آید بیشتر جنبه سوالی دارد. پرسش‌هایی که امید است از طرف مسئولان به آنها پاسخ دقیق و قانع‌کننده داده شود. پرسش‌هایی که ذهن اکثر نزدیکان به این حادثه را درگیر خود کرده است.

در تمام دنیا از جمله ایران ما، تاثیرگذارترین افراد در جامعه، نخبگان و فرهیختگان آن جامعه هستند و بیشترشان را دانشجویان ممتاز و اساتید برجسته و افراد تحصیلکرده تشکیل می‌دهند. پس نحوه برخورد با این افراد، میزان دخالت ایشان در اداره امور و میزان ارزشی که برای دولت دارند، در پیشرفت آن جامعه تاثیر عمیقی دارد. با این مقدمه این سوالات به وجود می‌آید که اگر دانشگاه تهران را به عنوان نماد آموزش عالی کشور و دانشجویان و اساتید آن را به عنوان نماینده نخبگان جامعه که اکثریت آنها را دانشجویان تشکیل می‌دهند در نظر بگیریم و اگر واقعا اعتماد این بخش از جامعه برای نظام ما مهم است، چگونه باید به این عدم اعتماد به وجود آمده در اثر حمله به کوی دانشگاه تهران و وقایعی از این دست در سایر نقاط کشور عکس العمل نشان داد؟ آیا نخبه‌پروری صرفاً یک شعار زیباست؟ آیا این دانشجویان به درستی میتوانند آینده سازان کشور باشند؟ آیا بهتر نیست دلایل معضلاتی مانند فرار مغزها را در تاثیر این برخوردها در نخبگان نیز جستجو کنیم؟ آیا ما مصرف‌کنندگان و حرام‌کنندگان پول نفتیم (آنطور که حمله کنندگان به کوی و برخی از افراد در بازداشتگاهها می‌گفتند!) یا تولیدکنندگان علم و آینده کشور؟





تهران بر زمین بریزد و باز مصلحت ها و بی عدالتی ها اجازه افشای حقیقت و مجازات عاملان را ندهد. به همین دلیل پاسخ سوالاتمان را از مسئولین می‌خواهیم.

1- برای حمله به کوی دانشگاه تهران از چه کسانی دستور یا اجازه گرفته شد؟ طبق قانون نیروی انتظامی بدون اجازه رییس دانشگاه حق ورود به کوی دانشگاه را ندارد. آیا آقای فرهاد رهبر اجازه ورود دادند یا نیروی انتظامی غیر قانونی وارد کوی شد؟ در هر دو صورت به چه دلیل این کار را انجام دادند؟

2- چرا رییس دانشگاه تهران، رییس کوی دانشگاه، رییس نیروی انتظامی و هیچ مسئول دیگری در مورد حوادث اخیر در مقابل دانشجویان پاسخگو نیستند؟

3- دقیقا چه کسانی وارد کوی شدند و به کدام نهاد یا ارگانی وابسته بودند؟ به طور قطع شناسایی و یافتن آنها سخت تر از جمع آوری و ساماندهی آنها در نیمه شب برای حمله به کوی نخواهد بود.

4- با توجه به این نکته که نیروی انتظامی حافظ امنیت ماست و برای اجازه ورود دادن به لباس شخصی ها و نهادهای بی ربط که در پایان حمله دست برگردن آنها داشتند باید پاسخگو باشد، نقش نیروی انتظامی، بسیج (شهری)، نیروهای اطلاعاتی، سپاه پاسداران و انصار حزب اله در این درگیری ها و حمله به کوی چه بوده است؟

5- چگونه حقوق تضییع شده مالی، جسمی و روحی دانشجویان را ادا می‌کنید؟

6- چه تضمینی وجود دارد که اینگونه حوادث دیگر تکرار نشود؟

7- یکی از اعمالی که به شدت ما را اذیت میکرد و باعث توهین و تحقیر ما شد، رفتار زشت و غیر اسلامی برخی از مسئولین نیروی انتظامی در بازداشتگاه‌ها بود که حتی سن برخی از آنها از ما کمتر بود. اولاً چرا و تحت حمایت چه سازمانی مسئولیت ما در دست این افراد که سن برخی از آنها به 20 سال هم نمی‌رسید قرار گرفته بود؟ و ثانیاً چگونه، کی و کجا پاسخگوی بی‌احترامی ها و توهین هایشان خواهند بود؟ البته با توجه به این نکته که این افراد به راحتی از جانب ما قابل شناسایی می‌باشند و این بازخواست حق مسلم ماست.

8- برای همه بازداشت شدگان پرونده های قضایی تشکیل شده است. اگر به این نکته توجه کنیم که بسیاری از متهمان بی گناه بوده اند، چه تدبیری برای بسته شدن این پرونده ها و عدم سوءسابقه آنان اتخاذ می‌شود؟ حکم آزادی بدون بسته شدن پرونده همانند این است که بی گناهی را سیلی بزنیم و از او بخواهیم اعتراض نکند چون ممکن است دوباره سیلی بخورد!

در پایان از مسئولان خواستاریم پاسخگوی سوالات ما باشند. باز هم متذکر میشویم که تنها راه جلوگیری از تکرار اینگونه وقایع و بازگرداندن اعتماد دانشجویان نسبت به مسئولان، شناسایی و برخورد قاطع با تک تک عوامل و افراد دخیل در این حادثه در یک دادگاه علنی صالح و بیطرف میباشد که حتی از محاکمه سران کشور و نیروی انتظامی باکی نداشته باشد. شاید حقیقت را برای بسیاری از افراد بتوان مخفی کرد، ولی ما خود شاهد حقیقت بوده ایم. عکس العمل مسئولین کاملا نشان دهنده میزان احترام و حقی است که برای دانشجویان، خانواده های ایشان، اذهان مردم، آینده کشور و عدالت قائلند. این زیاده خواهی ما نیست بلکه حق طلبی ماست. این بار دیگر معذرت خواهی مسئولان، به تنهایی اثری نخواهد داشت.

الملک بیتی مع الکفر ولا بیتی مع الظلم

کردند و خونمان را ریختند مسلمانند نه ما...! شاید تصور کنید اغراق میکنیم، ولی این عین واقعیت است و همین واقعیت است که ما را می‌آزارد. مگر نه اینکه همین دانشجویان در جنگ و انقلاب نیز جانفشانی کردند؟ مگر نه اینکه ما نیز برای دفاع از خاک و ناموس و دین خود آماده ایم؟ مگر نه اینکه شما هم در مواقع بحران مجبورید از ما کمک بخواهید؟ پس چرا با رفتارتان ما را از خود میرانید؟ مگر نه اینکه در اسلام و قوانین حقوقی آن همه افراد تا قبل از اثبات جرم بی گناهند یا حداقل قابل مجازات نیستند؟ پس چرا با ما اینگونه وحشیانه برخورد شد؟ آیا ساکن کوی دانشگاه تهران بودن جرم است یا حمله وحشیانه و فجیع به افرادی که هنوز جرمشان ثابت نشده است؟ آیا این است اجرای دستورات اسلامی در کشوری که داعیه اجرای آن را دارد؟ مگر نه اینکه خوابگاه ما حریم خصوصی ماست؟ مگر نه اینکه گرفتن گوشیه‌های همراه ما و جستجو در اطلاعات آن که گاهی کاملاً خصوصی و خانوادگی است غیر قانونی میباشد؟ شاید به زعم شما بتوان همه تقصیرها را به گردن لباس شخصیها یا افراد مشکوکی انداخت که هیچکس آنها را نمیشناسد. ولی رفتار زشت و خشن نیروی انتظامی با ما را چگونه؟ رفاقت و هماهنگیشان با لباس شخصیها را چگونه؟ ما چگونه به مسئولان و رسانه‌هایی اعتماد کنیم که آنچه را ما با چشمان خود مشاهده کردیم، یا تحریف کرده و به عنوان خبر منتقل میکنند یا حاضر به باور کردن آنها نیستند؟ چگونه به آنها برای احقاق حق خود امیدوار باشیم؟ چگونه اعتماد کنیم وقتی دیده و شنیده بودیم آنهايي که اموال عمومی و خصوصی مردم را تخریب میکنند عده ای آشوبگرند ولی مقابل چشمان ما حتی نیروهای انتظامی درها و پنجره هایمان را شکستند و اموالمان غارت و ویران شد؟ چگونه خونمان به جوش نیاید وقتی مسئولان نیروی انتظامی از رفت و مدارای نیروهایشان و آمار آسیب دیدگانشان صحبت میکنند و اینکه برای سرکوب، از سلاح های پیشرفته و انواع گلوله ها استفاده نکردند و اینکه آنها حق دارند از دانشجویان شکایت کنند در حالیکه ما هم مدارا و رفت آنها را در ضربه‌های باتومشان و هم در الفاظ رکیکی که نتارمان کردند و هم در گلوله‌هایی که منجر به آسیب دیدگی شدید برخی از دانشجویان شد و هم در حق شکایتمان از آنها دیدیم؟ چگونه قبول کنیم که از هویت افراد مهاجم اطلاعی ندارند یا اینکه نیروی انتظامی دخالتی در این حادثه نداشت در حالیکه تعدادی از ما را به زندان وزارت کشور منتقل کردند؟ آیا باور کنیم وزارت کشور از هویت آنان مطلع نیست؟ چگونه امیدوار باشیم در حالیکه به ما گفتند نیروی انتظامی نگاهدار امنیت و ناموس ماست و بسیج حافظ اسلام ماست اما ایشان پرده های اسلام را دریدند و محافظان ناموس، بدترین الفاظ رکیک را تار نوامیس ما کردند؟ چگونه باور کنیم وقتی مسئولین هیچ اشاره ای به حضور نیروهای انتظامی در حادثه نداشتند در صورتیکه تعداد آنان بیشتر از دیگران بود و به وحشیانه ترین نوع ممکن دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار میدادند؟ چگونه منتظر عدالت باشیم در حالیکه هیچ شخص یا گروهی که مسئولیت پیگیری حوادث اخیر را داشتند حتی یکبار هم با ما صحبت نکردند تا واقعیت را بدانند؟ مسلماً این راه هرگز به حقیقت نمیرسد. چگونه باور کنیم وزارت اطلاعات ما که الحق توانایی خوبی در پیدا کردن گروه های جاسوسی و تروریستی دارد، مدت بسیار طولانی است که هنوز نتوانسته مسئله لباس شخصیها را حل کند؟ در غیر اینصورت گمان بدتری میرود و آن اینکه این افراد آزادانه یا لاقط با اجازه و تحت نظر فعالیت میکنند. چگونه میتوان باور کرد این حمله وحشیانه سازماندهی شده نبوده است و بالاتر اینکه چگونه میتوان باور کرد عوامل و افراد شرکت داشته در آن را نمیتوان یافت؟

ما از تشابه عاقبت این اتفاق با 18 تیر 1378 میترسیم. میترسیم از اینکه تمام خشونت ها، زخم ها، بی حرمتی ها و تحقیرها در یک ماشین ریش تراش خلاصه شود. میترسیم از اینکه حمله وحشیانه دیگری خون دوستانمان را در کوی دانشگاه





جالب این جا است که خبرگزاری فارس که بیش از باقی رسانه های حکومتی اخبار مربوط به سرکوب اعتراضات دانشجویی در بریتانیا را پوشش می دهد و عکس های بی دربی منتشر و برای "آینده دانشجویی" بریتانیا اظهار نگرانی می کند، همان خبرگزاری بی است که یک سال پیش، عکس هایی از مجید توکلی، یکی از رهبران دانشجویی ایران را با چادر و مقنعه در سایت خود منتشر کرد و مدعی شد که مجید توکلی با این پوشش قصد فرار از دانشگاه را داشته است و در خبر خود از ارتباط این فعال دانشجویی که تنها به دلیل سخنرانی در روز دانشجو بازداشت شده بود، سخن راند.

دانشجویان "ما" و دانشجویان "آن ها"

رسانه های دولتی و سران حکومت در حالی سعی می کنند خبر محکومیت 32 ماه زندان برای "ادوارد ولوارد" و برخوردهای پلیس با دانشجویان را یک "آبروریزی برای دموکراسی بریتانیایی" جلوه دهند که هنوز پرونده حمله به کوی دانشگاه در سال 88 در دست بررسی است و روند پرونده نشان می دهد قصد در معرفی دانشجویان به عنوان متهمین اصلی این پرونده است. از سوی دیگر این محکوم کردن ها در حالی اتفاق می افتد که چندین تفاوت اساسی در برابری دادگاه این دانشجویی معترض، با دانشجویان دربند ایرانی وجود دارد. یک فعال دانشجویی ایرانی که پس از انتخابات چندین ماه در بازداشت به سر می برد، در این باره به جرم می گوید: زمانی که دانشجویان ایرانی دسته دسته و بدون اتهام مشخص بازداشت می شدند، هیچ کس این بازداشت های فله ای را محکوم نکرد. اما وقتی که انگلیس با دانشجویان برخورد می شود، رسانه های حکومتی شلوغ می کنند و دولتمردان هم واکنش نشان می دهند. وی با اشاره به تفاوت های میان برگزاری دادگاه دانشجوی انگلیسی با دانشجویان ایرانی اظهار می کند: این دانشجو همراه وکیل و در زمان آزادی در دادگاه حاضر شده است، حال آنکه دانشجویان ما را اغلب با دستبند و پابند می برند دادگاه و وکلای اکثرشان هم مثل خودشان در زندان هستند.

این فعال دانشجویی با نام بردن از دانشجویان دربند چون ضیا نبوی، مجید دری، مجید توکلی، بهاره هدایت، میلاد اسدی و مهدیه گلرو ادامه می دهد: اگر این دانشجو در انگلیس به جرم پرتاب کپسول به سمت پلیس محکوم به دو سال حبس شده و چند دانشجو به دلیل اعتراضات خیابانی و آتش زدن اموال عمومی در بریتانیا بازداشت شدند، دانشجویان ما به جرم سخنرانی و حتی خواست حق انسانی تحصیل به تحمل حبس های طولانی مدت محکوم شدند. ضیا نبوی 10 سال حبس در تبعید، مجید دری 6 سال حبس در تبعید، مجید توکلی 7 سال و شش ماه حبس، بهاره هدایت 9 سال و نیم و مهدیه گلرو 3 سال حبس گرفته اند و هیچ کس این احکام را محکوم نکرد.

حمایت دانشجویی دربند ایرانی از دانشجویان بریتانیا

برخورد نامعقول پلیس انگلستان نسبت به دانشجویان معترض، واکنش هایی را نیز در میان دانشجویان آزادی خواه ایران به

همراه داشت. به عنوان مثال، مجید دری دانشجوی محروم از تحصیل و عضو شورای دفاع از حق تحصیل که در دادگاه به تحمل 6 سال حبس در تبعید محکوم شده و اکنون در زندان بهیمان است، در نامه ای از زندان خطاب به این دانشجویان نوشته است: انگار بر جبین ما دانشجویان حک شده است که بزندانمان، که اعتراضمان را با خشونت پاسخ گویند و پلیس ضد شورش دست در دست حکومت به مظلوم نمایی بپردازد.

او در ادامه می نویسد: ما دانشجویان ایران سالهاست با آنچه که برای شما رخ داده دست به گریبانیم. همیشه تنها مانده ایم و سختترین مصائب نصیبمان گشته است. هیچ کس جز ما نمی تواند شما را درک کند؛ شما در مقابل افزایش شهریه اعتراض کردید و چنین و چنانتان کردند و ما در برابر سلب ادامه تحصیلمان که اینجا گویی امتیاز است و نه حق، شما در کنار مردمان در برابر حکومت که افزایش سن بازنشستگی و... را تحمیل می کرد ایستادید و ما در ابتدایی ترین حقوقمان که همانا برگزاری انتخاباتی آزاد و سالم بود، آنها را از بین کسانیکه حکومت انتخابشان کرده بود! این امر خود نقض هر گونه انتخاب آزادی است.

او همچنین نوشته است: شما در برابر تغییر سیاستهای آموزشی قد علم کردید و ما سالهاست که به این امر اعتراض داریم و بارها به نحوه انتصاب روسای دانشگاهها اعتراض کرده ایم که البته حاصلی جز طرد و محرومیت از تحصیل نداشته است. و طرفه آنکه اکنون زمزمه تغییر رشته های دانشگاهها را سر داده اند و فلسفه و علوم اجتماعی و سایر رشته های علوم انسانی را زائد می شمارند و در صدد حذفش از دانشگاهها و اگر بگویم وزیر علوم کشور می گوید دانشگاه را با خاک یکسان می کنیم و اینگونه برای معترضین خط و نشان می کشند، آه از نهادتان بر خواهد آمد. بی گمان این گفته ها درد دلی است با شما که اکنون می فهمید که ما چه ها کشیده ایم. آنسان که ما با گوشت و پوست فهدیمدیمان.

وام ازدواج به ۵ میلیون تومان افزایش یافت

۱۶ خرداد ۱۳۸۸ (به استناد: ۱۳ خرداد ۱۳۸۸) - ۱۳ خرداد ۱۳۸۸ (به استناد: ۱۳ خرداد ۱۳۸۸)

کیمیا

رهبر انقلاب: دعوت کننده به ناامنی در هر مقامی منفور ملت است

بشهادت خاندانی
پادستور العبد المذنب بائکل لدین





بازده وعده و انتظار تحقق نیافته مسئولان برای برخورد با مهاجمان به کوی دانشگاه

در ماه‌های آغازین پس از حمله به کوی دانشگاه وعده‌های متعددی از سوی مسئولان دانشگاه، نمایندگان مجلس، دولت، رهبری و دیگر مسئولان رسمی برای رسیدگی به جنایات کوی دانشگاه به افکار عمومی داده شد؛ اما دیری نگذشت که این وعده‌ها به دست فراموشی سپرده شد و همدردی با دانشجویان آسیب دیده به احضار، بازداشت و زندانی کردن گسترده دانشجویان تبدیل گردید. با گذشت دو سال از فاجعه کوی دانشگاه و صدور احکام قضایی برای متهمان پرونده کوی، مرور وعده‌های تحقق نیافته مسئولان بی فایده نیست. این بازخوانی، محکی برای سنجیدن عیار صداقت و وفای به عهد مسئولان است.

حفظ امنیت و آرامش آن وظیفه تک تک اعضای این خانواده بزرگ است».

این‌ها بخشی از بیانیه‌های منتشر شده توسط دانشگاه تهران و رئیس آن می‌باشد که در آن بر چند نکته تاکید شده است: اول، دفاع از حریم مقدس دانشگاه از طریق مراجع قانونی تا احقاق حقوق «فرزندان» خود. دوم، تفکیک صفوف اخلاگران از دانشجویان. سوم وعده دفاع از استقلال و آرامش دانشجویان. از دادن این وعده‌ها تنها چند هفته گذشته بود که اخبار منتشره نشان بیان داشت که احضار دانشجویان به دادگاه انقلاب از طریق احضاریه‌هایی که توسط «حراست دانشگاه تهران» به آنها تحویل می‌شد آغاز گردیده است. بنا بر این اخبار، این احضارها با هماهنگی کامل رئیس دانشگاه تهران صورت گرفته و فرهاد رهبر مدعی بود که هدف از این احضارها صرفا ادای پاره‌ای توضیحات به مراجع قضایی است و تخلفات دانشجویان منحصر در کمیته انضباطی مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. اما در عمل، برای تمامی دانشجویان احضار شده پرونده قضایی تشکیل شده و برای شماری، قرار بازداشت موقت صادر شد و در نهایت بیش از 20 دانشجو در دادگاه نظامی به عنوان اغتشاش‌گر و اخلاص‌گر مورد محاکمه قرار گرفتند. در آغاز مهرماه 1388، اخبار جدید منتشر شد که حکایت از آن می‌کرد که بیش از 100 دانشجوی دانشگاه تهران با دستور مستقیم رئیس دانشگاه از ورود به خوابگاه محروم شده و بی خانمان ماندند. در 16 و 17 آذر 1388 نیز بیش از 2000 نفر لباس شخصی با موافقت مستقیم رئیس دانشگاه تحت پوشش جشن غدیر وارد دانشگاه شده و بار دیگر «حریم مقدس دانشگاه» را مورد هجوم وحشیانه خود قرار دادند. مدیران دانشگاه تهران نه تنها از حریم مقدس دانشگاه تهران دفاع نکردند، بلکه آرامش و امنیت اندک آنها را نیز ستاندند و در هماهنگی مطلق با نیروهای امنیتی بیرونی به قلع و قمع دانشجویان پرداختند.

1. وعده پیگرد قاطعانه مهاجمان و حفاظت از آرامش و امنیت دانشجویان از سوی رئیس دانشگاه

25 خرداد 1388: بیانیه دانشگاه تهران: «مسئولین دانشگاه تهران

وظیفه خود می‌دانند برای دفاع از حریم مقدس دانشگاه از طریق مراجع قانونی تا احقاق حقوق فرزندان خود از هیچ کوششی دریغ ننموده و مجادله پیگیری لازم را به عمل آورند. بر همه ملت غیور و دانشجویان عزیز روشن است که دانشجویان، این فرزندان فرهیخته ملت ایران هیچگاه اخلاص‌گر نبوده و تفکیک صفوف آنان از سایرین برای حفظ ساحت مقدس علم ضروری است. رئیس، هیات رئیسه، مجموعه مدیران دانشگاه، دانشجویان دانشگاه تهران را فرزندان خود دانسته و همچون پدری دلسوز با همه وجود از استقلال و آرامش آنان و دانشگاه دفاع خواهند نمود و صیانت از حریم مقدس دانشگاه و دانشجویان را بر خود فرض می‌دانند.»

بیانیه فرهاد رهبر، رئیس دانشگاه تهران: «تعرض به کوی دانشگاه تهران، نماد آموزش عالی کشور توسط گروهی متجاوز و ضرب و شتم دانشجویان عزیزی که دغدغه‌ای جز اعتلاء، دانشگاه و کشور را ندارند موجی از تاسف و تأثر در دل اینجانب و تک تک دانشگاهیان را به دنبال داشت. اینجانب به عنوان رئیس دانشگاه تهران به شما عزیزان اطمینان می‌دهم که

علیرغم مشکلات و محدودیتها، نهایت مساعی خود را به منظور حفظ امنیت و آرامش شما عزیزان به کار برده و از طریق مراجع ذیربط شناسائی و مجازات عاملین این اقدام موهن را پیگیری کنم. دانشگاه تهران در طول تاریخ پرافتخار خود همواره مأمن و خانه همه فرهیختگان، دانش پژوهان و دانشگاهیان بوده و هست لذا





2. تهیه گزارش توسط کمیته ویژه مجلس «در اسرع وقت»

25 خرداد 1388: دستور علی لاریجانی به تشکیل کمیته حقیقت یاب توسط مجلس: «بعضا اخباری از اتفاقات ناگوار در برخی نقاط از

جمله کوی دانشگاه تهران می رسد و دستهایی درصدد تهیه خوراک تبلیغاتی برای رسانه های بیگانه می باشند و همچنین گزارشهایی مبنی بر برخورد با مردم به مجلس شورای اسلامی واصل شده است. بدین منظور به شما ماموریت داده می شود با مدیریت جناب آقای ابوترابی نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی در اسرع وقت گزارش جامع و بیطرفانه ای در مورد آنچه اتفاق افتاده تهیه و به اینجانب ارائه نمایید.»



بی تدبیری های به عمل آمده در شرایط حساس کنونی توضیحات لازم را ارائه کرده و مسئولین این اقدامات خلاف قانون را مشخص کنند.»

بیان قاطعانه رئیس مجلس و لحن محکم 52 نماینده مجلس در خصوص لزوم «پاسخگویی وزیر کشور» این امید را در دانشجویان شکنجه شده در وزارت کشور ایجاد کرد که ظلم وارد شده بر آنها بی پاسخ نمی ماند. اما نه تنها هیچ پاسخی از وزیر کشور در این خصوص شنیده نشد، بلکه همین مجلس چهار ماه بعد به صلاحیت صادق محصولی - وزیر وقت کشور - برای تصدی وزارت رفاه و تامین اجتماعی رای اعتماد داد!

معنای «پاسخگویی وزیر» در گفتار رئیس مجلس: «رای اعتماد مجدد»!

4. وعده دلجویی از دانشجویان و برخورد با عوامل خاطی نیروی انتظامی از سوی نایب رئیس مجلس

26 خرداد 1388: «کمیته پیگیری

رویدادهای اخیر که از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی مامور بررسی و پیگیری شده اند صبح امروز به ریاست ابوترابی و با حضور جمعی از مسئولان ذیربط تشکیل جلسه داد. ابوترابی فرد رئیس کمیته پیگیری رویدادهای اخیر درباره مسائل مطروحه در جلسه فوق اظهار داشت: اعضای کمیته ضمن قدردانی از تلاشهای نیروی انتظامی بر



این مسئله تاکید کردند که چه افرادی و چگونه و بدون توجه به معیارهای قانونی وارد کوی دانشگاه تهران شدند و به دانشجویان و اموال آنان و اموال دولتی خسارت وارد کردند. نیروی انتظامی ضمن مردود دانستن اقدام این گونه افراد موظف شد در خصوص شناسایی هویت و برخورد با آنان اقدامات جدی انجام دهد. همچنین کمیته مقرر نمود که ضمن برخورد با آمرین و عاملین کوی دانشگاه و فنی جبران خسارت های مادی و معنوی هر چه سریعتر از دانشجویان دلجویی شود. کمیته همچنین مصر است به منظور عدم تکرار این حوادث تلخ تا روشن شدن کامل حقایق به منظور ریشه یابی پیگیری کامل نماید.»

یک و نیم سال پس از تاکید نایب رئیس مجلس و رئیس کمیته پیگیری حوادث کوی، اعلام شد که حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی کوچکترین کمکی برای شناسایی ماموران خاطی خود در جریان رسیدگی به پرونده کوی دانشگاه نکرده است. اندکی بعد رئیس قوه قضاییه نیز در جمع دانشجویان بسیجی با لحنی سرشار از ناتوانی و بی کفایتی از اینکه نیروهای امنیتی هیچ کمکی به پیشبرد پرونده کوی نکرده اند انتقاد کرد. نه تنها وعده رئیس کمیته پیگیری برای شناسایی و مجازات عوامل خاطی نیروهای انتظامی تحقق نیافت که منظور از کلمه «دلجویی از دانشجویان» نیز در بیان نایب رئیس مجلس مشخص شد: تعقیب، پیگرد و زندانی کردن دانشجویان!

با گذشت یک سال از دستور علی لاریجانی برای ارائه گزارشی جامع در خصوص

«وقایع ناگوار کوی دانشگاه» توسط کمیته حقیقت یاب مجلس، نمایندگان مجلس با صراحت اعلام کردند که اساسا گزارشی تهیه نشده است. پس از راهپیمایی 25 بهمن و انتشار فوری گزارش مجلس در خصوص این راهپیمایی، علی مطهری به مقایسه این دو گزارش پرداخت و از اینکه گزارش کوی دانشگاه هنوز در مجلس قرائت نشده، شدیداً انتقاد کرد. اما پاسخ این بود که مستنداتی که گردآوری شده بود به قوه قضاییه تحویل شده است و گزارشی در کار نخواهد بود! معنای «اسرع وقت» در گفتار رئیس مجلس هشتم بدین ترتیب روشن شد: هرگز!

3. پاسخگویی وزیر کشور در خصوص بی کفایتی و اهمال و بی تدبیری ها در کوی دانشگاه

26 خرداد 1388: علی لاریجانی، رئیس مجلس: «برخی

برخوردهای نسنجیده و نادرست در کوی دانشگاه و مجتمع مسکونی سبحان و مجتمع مسکونی نمایندگان و چند نقطه دیگر باعث ناراحتی دانشجویان عزیز و ساکنان این مناطق شده است بنده خود از برخی از این مراکز بازدید داشتم و از چند نفر از نمایندگان خواستم به این موارد رسیدگی و به مجلس گزارش شود. چه معنایی دارد نیمه شب به دانشجویان در کوی دانشگاه حمله شود و یا ساعت 2:30 بامداد عده ای به مجتمع مسکونی سبحان حمله کنند و آسایش ساکنان را برهم بزنند؟ وزیر کشور در این زمینه مسئول است و باید پاسخگو باشد.»

26 خرداد 1388: «52 تن از نمایندگان مجلس با ارائه سئوالی به وزیر کشور دلایل برخوردهای خلاف قانون برخی ماموران با مردم، دانشجویان و تعرض آنان به کوی دانشگاه و محیط های مسکونی و اموال مردم و بی تدبیری و عدم کفایت در کنترل نیروهای تحت امر را خواستار شدند. نمایندگان سئوال کننده از وزیر کشور درخواست کردند که در مجلس حاضر شده و در خصوص بی کفایتی و اهمال و



درخواست شده است که در خصوص شناسایی، دستگیری و محاکمه عاملان حوادث اخیر کوی دانشگاه تهران و شبراز اقدام عاجل و جدی مبذول داشته و اجازه ندهند بار دیگر حرمت دانشگاه و دانشجو در جامعه خدشه دار شود».

وعده وزارت علوم به پیگیری حمله به کوی دانشگاه در عمل تحقق نیافت و این وزارت خانه به جای آنکه حامی حقوق دانشجویان باشد، در مقابل عوض شدن جای شاکی و متهم در پرونده کوی دانشگاه و احضار و بازداشت دانشجویان سکوت مطلق کرد. وزارت علوم به جای آنکه حافظ حقوق دانشگاهیان باشد، به نظاره گر بی اختیار و در پاره ای موارد، با احضار دانشجویان برای صدور حکم اخراج در کمیته انضباطی مرکزی وزارت علوم، خود به مبدا زیر پا گذاشتن حقوق دانشجویان بدل شد.

8. وعده اعلام نتایج بررسی های کمیته مجلس تا پایان تابستان 1388

4 مرداد 1388: کاظم جلالی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی: «ما باید به دقت بررسی کنیم و چشم فتنه را از حدقه درآوریم. از هر کس و هر گروهی که می خواهد باشد. پیگیری این حوادث ادامه دارد و باید با جدیت این پیگیری صورت گیرد و کسانی که به کوی حمله کردند شناسایی شده و به اشد مجازات محکوم شوند. امیدواریم تا قبل از آغاز سال تحصیلی نتایج مشخص و اعلام شده باشد. کمیته رئیس مجلس برای پیگیری حوادث کوی مانند بسیاری از کمیته هایی که پس از رخدادی تشکیل می شوند نیمه کاره رها نخواهد شد و تا حصول نتیجه نهایی به کار خود ادامه خواهد داد. زیرا انگیزه برای پیگیری این حادثه مهم بسیار قوی است و لاریجانی رئیس مجلس نیز بر این موضوع تاکید کرده است».

11 مرداد 1388: عباسپور، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی: «دانشجویان در ملاقاتهایی که داشتیم بیشتر به دلیل توهین هایی که به آنها شده بود ناراحت بودند اما کمیته حقیقت یاب مجلس به کار خود و پیگیری ها در جریانات اخیر ادامه می دهد و گزارشی را تهیه و به مسئولین ذیربط ارائه خواهد داد».

11 مرداد 1388: «عضو کمیته حقیقت یاب مجلس شورای اسلامی از کامل شدن گزارش حوادث کوی دانشگاه تهران ظرف 10 روز آینده خبر داد. حمیدرضا کاتوزیان با اعلام این خبر، صحبت در خصوص فعالیت کمیته حقیقت یاب مجلس شورای اسلامی رابه تکمیل گزارش حوادث کوی دانشگاه تهران موکول کرد».

20 آبان 1388: «عضو کمیته ویژه بررسی حوادث بعد از انتخابات از ارائه گزارشی محرمانه به رئیس مجلس شورای اسلامی پیرامون حوادث بعد از انتخابات خبر داد. فرهاد تجری با اشاره به اینکه بررسی گزارش ویژه حوادث بعد از انتخابات بعد از رای اعتماد به وزیران پیشنهادی به صحن مجلس ارائه خواهد شد، تصریح کرد: این گزارش همچنان در حال به روز شدن است».

5. وعده ایستادگی قاطعانه برای احقاق حقوق دانشجویان از سوی رئیس دانشگاه

27 خرداد 1388: رئیس دانشگاه تهران: «پیگیری های لازم از سوی دانشگاه با مسئولان امر انجام شده تا مستندات مربوط به احقاق حق دانشجویان ارائه شود. چرا ما باید استعفا دهیم؟ ما باید همچنان محکم بایستیم تا از دانشجویان حمایت کنیم. استعفا در این برهه اصلاً معنایی ندارد. دانشجویان باید از من بخواهند که هر کاری که می توانم برای آنها انجام دهم».

برای دانشجویانی که در جریان اقدامات فرهاد رهبر در طول دو سال گذشته در پرونده کوی دانشگاه بوده اند، اکنون این سخنان رئیس دانشگاه تهران به طعنی تلخ شباهت دارد. اخبار منتشره نشان داد که احقاق حق دانشجویان، در عمل به تحویل دادن آنها به نهادهای امنیتی و قضایی برای بازداشت و زندان بدل شد و ایستادن محکم برای دفاع از حقوق دانشجویان، به حفظ کرسی ریاست به قیمت قربانی کردن ده ها دانشجوی بی گناه در جریان پرونده کوی.

6. وعده شناسایی عوامل خاطی و ملاطفت و دلجویی از دانشجویان توسط وزارت کشور

27 خرداد 1388: صادق محصولی در نامه ای به استاندار تهران دستور

پیگیری حادثه کوی دانشگاه تهران را صادر کرد: «اخباری مبنی بر ورود افراد و دسته جات مشکوک به حریم کوی دانشگاه و وارد کردن لطمه و خسارت مادی و معنوی به دانشجویان محترم واصل گردید، لذا به جنابعالی مأموریت داده می شود با تشکیل هیئتی مرکب از افراد خبره و مسئول ضمن ملاطفت و دلجویی از فرزندان عزیز دانشجویان با همکاری ریاست محترم دانشگاه تهران در اسرع وقت نسبت به:

شناسایی و چگونگی ورود افراد غیرمسئول به مجموعه کوی دانشگاه و مشخص کردن ماهیت واقعی مهاجمین، بررسی شکایات دانشجویان محترم ساکن کوی، راههای ترمیم مشکلات مادی و معنوی بوجود آمده و جبران خسارات مالی اقدام و نتیجه را به اینجانب منعکس نمایید».

این وعده نیز خود از آن وعده های طنزآمیز است. وزیر دستگاهی که خود عامل اصلی حمله به کوی دانشگاه بوده و دانشجویان در ساختمان وزارت وی مورد شکنجه قرار گرفته اند، دستور پیگیری مساله را صادر می کند! ملاطفت و دلجویی از دانشجویان در بیان وزیر کشور احمدی نژاد نیز بهتر از دلجویی موردنظر مجلس نبود؛ با این تفاوت که دلجویی وزارت کشور از دانشجویان با شکنجه و آزار آنها در ساختمان وزارتخانه قرین بود. برآستی سوال از وزیر کشور این است که چه کسی دستور انتقال دانشجویان به طبقه منفی چهار وزارت کشور را صادر کرد؟

7. اطمینان بخشی به دانشجویان برای محاکمه مهاجمان به کوی دانشگاه

28 خرداد 1388: «وزارت علوم به جامعه دانشگاهیان ایران اسلامی اعم از اساتید، دانشجویان و کارکنان اطمینان می دهد که پیگیر حوادث فوق خواهد بود. از این رو از مسئولان قضایی کشور به صراحت



این وعده مجلسی‌ها نیز تحقق نیافت. بر خلاف گفته سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هشتم، نه تنها تا آغاز سال تحصیلی 88-89 یا پس از رای اعتماد به وزیران، بلکه تا دو سال پس از حادثه کوی نیز هیچ گزارشی از سوی مجلس شورای اسلامی در خصوص تهاجم به کوی دانشگاه منتشر نگردید. چند ماه بعد برخی نمایندگان اعلام کردند که اساساً کمیته مجلس گزارشی تهیه نکرده که بخواهد ارائه نماید. علی‌مطهری نیز پس از قرائت گزارش حوالت 25 بهمن 1389 از انتشار فوری گزارش این حادثه و عدم انتشار گزارش کوی دانشگاه که یک و نیم سال از آن گذشته بود ابراز تعجب و انتقاد کرد.

9. وعده دانشگاه به بررسی تخلف دانشجویان در سازوکار دانشجویی (کمیته انضباطی)

24 مرداد 1388: «رئیس دانشگاه تهران درباره پیگیری های این

دانشگاه در زمینه دانشجویان و اساتید بازداشتی در حوادث اخیر

گفت: تلاش دانشگاه تهران بر این

بوده که پرونده های دانشجویان در ساز و کار دانشجویی قرار گیرند تا در آینده به عنوان مجرم و آشوبگر به آنها نگریسته نشود».

26 مرداد 1388: «سید مهدی

قمصری با بیان اینکه پرونده دانشجویان خاطی به کمیته انضباطی دانشگاه انتقال داده می شود، به درخواست مدیریت دانشگاه تهران مبنی بر قرار گرفتن پرونده دانشجویان بازداشتی حوادث اخیر در ساز و کار دانشجویی اشاره کرد و گفت: این درخواست دکتر فرهاد رهبر در جهت تخفیف فضای کنونی ارائه شده است. امیدوار هستیم با همکاری و موافقت مسئولان، پرونده دانشجویان خاطی که همچنان در بازداشت به سر می برند به کمیته انضباطی دانشگاه

انتقال داده شود تا از مجرای دانشجویی به اتهامات آنها رسیدگی شود».

اخبار منتشره حکایت از آن داشت که مدیران دانشگاه تهران با این وعده نیروهای امنیتی که دانشجویان را تنها برای ارائه توضیحات احضار می‌کنند و رسیدگی به تخلفات دانشجویان تنها در سازوکار کمیته انضباطی صورت می‌گیرد، با احضار دانشجویان به عنوان مطلع موافقت کردند. اما دیری نیابید که احضارهای متعدد دانشجویان به بازداشت و زندانی کردن شماری از آنها انجامید و این در شرایطی بود که دانشگاه تهران نیز با طیب خاطر در حال احضار گسترده دانشجویان به کمیته انضباطی و صدور احکام سنگین برای آنها بود. نتیجه وعده فوق جز این نبود که دانشجویان هم با محکومیت انضباطی سنگین مواجه شدند و هم در دادگاه نظامی مورد محاکمه و صدور احکام زندان قرار گرفتند. این پرسش بی‌پاسخ است

که اگر بنا بود دانشجویان در دادگاه نظامی محاکمه شوند چه نیازی به محکومیت انضباطی آنها بود و اگر دانشجویان بنا بود به کمیته انضباطی احضار شوند، چرا به طور همزمان در دادگاه نظامی نیز در حال محاکمه بودند؟

10. وعده رهبری به برخورد قاطعانه با مهاجمان به کوی دانشگاه در هر رده سازمانی

5 شهریور 1388: «آیت الله خامنه ای با اشاره به سخنان دانشجویان درباره لزوم پیگیری دستور رهبری در برخورد با حادثه کوی دانشگاه و مسئله کهریزک افزودند: در حوادث پس از انتخابات تخلفات و جنایاتی صورت گرفته است که بطور قطع با آنها برخورد خواهد شد. کار تبلیغاتی لازم نیست اما از اولین روزها دستور اکید داده شد که ضمن مراقبت و دقت لازم با اینگونه مسائل برخورد قاطع شود. در حادثه کوی دانشگاه تخلفات بزرگی انجام شده که پرونده ویژه ای برای آن تشکیل شده تا مجرمان بدون توجه به وابستگی سازمانی، به مجازات برسند. آیت الله خامنه ای با تشکر و تقدیر از خدمات پلیس امنیت، پلیس انتظامی و بسیج خاطرنشان کردند: این خدمات بزرگ نباید موجب رسیدگی نکردن به برخی جرائم شود و اگر کسی با وابستگی به هر کدام از این سازمانها، تخلف و جرمی مرتکب شده، باید کاملاً رسیدگی شود».

9 شهریور 1388: «آیت الله خامنه ای با اشاره به آسیبهای وارد شده به برخی افراد در حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری فرمودند: همه افرادی که در این حوادث دچار آسیب شده اند بدانند، نظام تصمیم بر مجامله و گذشت ندارد و همانگونه که با افرادی که صریحاً با نظام مقابله می‌کنند، از موضع قانون و حق برخورد می‌کند اگر کار بد و جنایتی انجام شده باشد با عوامل این اقدامات نیز از موضع قانون و حق برخورد خواهد شد».

وعده رهبری مبنی بر برخورد با خاطیان نیروی انتظامی و بسیج در هر رده سازمانی در حالی بیان شد که حدود یک سال بعد رئیس قوه قضاییه به صراحت اعلام کرد نیروهای امنیتی هیچ کمکی برای شناسایی مهاجمان به کوی دانشگاه به دستگاه قضایی نکردند و در اخبار منتشره نیز آمد که حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی هیچ اقدامی برای شناسایی کارکنان خاطی در جریان حمله به کوی دانشگاه صورت نداده است. مسئول صادرکننده دستور حمله به کوی و مسئول انتقال دانشجویان به شکنجه‌گاه وزارت کشور نیز هرگز مشخص نشدند، چه رسد به آنکه با آنها برخوردی صورت گیرد!



جدی صدور احکام انضباطی سنگین برای دانشجویانی بود که بودن هیچ سند و مدرکی به اتهامات بی پایه محکوم شده بودند.

11. نهاد رهبری دانشگاه تهران و ابراز همدردی با دانشجویان

7 مهر 1388: «نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه تهران در بیانیه‌ای که به مناسبت آغاز سال تحصیلی منتشر کرده با محکوم کردن حمله به کوی دانشگاه، ضرب و شتم دانشجویان و تخریب اموال آنان و نیز اموال دانشگاه اضافه کرده است: با همه دانشجویانی که در آن واقعه متحمل صدمات روحی و جسمی شده اند ابراز همدردی می کنیم و نهاد نمایندگی از ساعات اولیه پس از حادثه با همه توان پیگیری های خود را آغاز و طی چند ماه گذشته با تهیه و ارائه گزارشهای تفصیلی و مستندات اطمینان بخش به مراجع مربوطه خواستار برخورد قاطع با مسببان و عاملان آن حادثه شده است.»

معیاری برای سنجش صداقت و وفای به عهد مسئولان
حمله به کوی دانشگاه و وعده های پوچ و توخالی مسئولان مختلف کشور برای برخورد با مهاجمان، علاوه بر آنکه نمایان کننده مظلومیت دانشگاه و دانشجو در ایران است، از عمق بی صداقتی و پیمان شکنی مسئولان کشور نیز خبر می دهد. ادعاهای پرطمطراق و متعدد مجلس نشینان برای تهیه گزارش از حادثه حمله به کوی دانشگاه و انتشار آن و پیگیری برخورد قاطعانه با مهاجمان، وعده های مسئولان دانشگاه تهران به حفظ حریم دانشگاه و امنیت و آرامش دانشجویان، وعده های رهبری نظام برای برخورد «بدون مجامله» با «عاملان جنایت های کوی دانشگاه» و ... در عمل به چیزی جز محاکمه دانشجویان در دادگاه نظامی، صدور احکام حبس، شلاق و جریمه نقدی، زندانی کردن دانشجویان، محروم کردن آنها از تحصیل با احکام سنگین انضباطی و در یک کلام قربانی کردن دانشجویان بی پناه تعبیر نیافت. چه خوب است که مسئولان مختلف نظام اسلامی با خود خلوت کنند و به وعده های خود ببینند و این وعده ها را با نتیجه عملی برونده کوی دانشگاه مقایسه کنند و به سنجش میزان صداقت و وفای به عهد خود بپردازند.

ادعای ابراز همدردی نهاد رهبری با دانشجویان درست در همان روزهایی صورت می گرفت که بیش از 100 دانشجوی دانشگاه تهران با ابلاغیه های کمیته انضباطی دانشگاه، از ورود به خوابگاه خود محروم شده و بی سرپناه رها شده بودند. اندکی پس از این ادعا نیز سیل احضار دانشجویان به کمیته انضباطی و دستگاه های امنیتی و قضایی آغاز شد. طرفه اینجاست که اخبار منتشره از سوی دانشجویان نشان داد که نماینده نهاد رهبری در کمیته انضباطی اولیه و تجدیدنظر از عاملان



پرسش‌های بی‌جواب در پرونده کوی دانشگاه

در پایان بازخوانی پرونده تهاجم ناجوانمردانه 25 خرداد به کوی دانشگاه و در کنار کوهی از رنج و سرخوردگی در خصوص سرنوشت دانشجویان قربانی این تهاجم، انبوهی از سوالات بی‌پاسخ نیز در ذهن خواننده موج می‌زند. این‌ها سوال‌های عجیبی نیستند. ساده و روشن:

1. دستور ورود نیروهای انتظامی و شبه‌نظامی به کوی دانشگاه توسط چه کسی صادر شد؟
2. دستور ورود به تک‌تک اتاق‌های دانشجویان و ضرب و شتم و توهین به آنها توسط چه کسی صادر شد؟
3. مسئول بازداشت و انتقال دانشجویان بی‌گناه به زندان منفی چهار وزارت کشور و پلیس امنیت و روا داشتن زشت‌ترین توهین‌ها و تحقیرها به دانشجویان کیست؟ فرمان شکنجه دانشجویان توسط چه کسی صادر شد؟
4. نقش قرارگاه مقداد و قرارگاه ثارالله سپاه در تهاجم به کوی دانشگاه چه بود؟
5. نقش وزارت کشور، شورای تامین استان و نیروی انتظامی در تهاجم به کوی دانشگاه چه بود؟
6. محاکمه دانشجویان در دادگاه نظامی با کدام مجوز و قانونی صورت گرفت؟
7. ادعاهای پرطمطراق مجلس، رئیس و نمایندگان آن برای پیگیری جنایت‌های کوی دانشگاه به کجا انجامید؟ مسئول عدم قرائت گزارش کمیته مجلس کیست؟
8. ادعاهای مسئولان دانشگاه برای حفظ حریم امن و آرامش دانشجویان و حمایت از حقوق آنان به کجا انجامید؟ چه معامله‌ای در پس پرونده کوی با مسئولان دانشگاه تهران شد؟

امروز و فردا و فرداها، سوال‌های اذهان حقیقت‌خواه از دست اندرکاران پرونده کوی در خصوص عملکردشان در این پرونده، در ذیل انبوه حوادث دفن نخواهد شد. روزی خواهد رسید که تاریخ شفاهی این تهاجم سبعانه نگاشته خواهد شد و دانشجویان از سبیت‌های صاحبان قدرت در پرونده سازی برای آنها سخن خواهند گفت. اصحاب قدرت آن روز باشند یا نه، در شرمساری و شکست آنها در دادگاه خلق خدا تفاوتی حاصل نخواهد شد. نام رئیس قوه قضاییه، دادستان کل کشور، قضات و بازپرسان و بازجویان پرونده کوی دانشگاه جز به شر و بدنامی برده نخواهد شد؛ چرا که اینها حقیقت را به پای منافع و قدرت‌طلبی خود ذبح کردند و جنایتکاران و ظالمان را تبرئه و بی‌گناهان را محکوم کردند. وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ.

پایان.

اصحاب قدرت می‌توانند چشم و گوش بر این سوالات ببندند و با زدن مهر مختومه بر پرونده کوی دانشگاه، به پایان بررسی این پرونده و گزارش دادن آن به مقامات بالاسری خود دلشاد باشند، اما این سرخوشی دروغین پاسخی برای این سوال‌ها نیست.

اگر مسئولان کشور واقعا به خدا و آخرت ایمان داشته باشند، باید بترسند از روزی که به اعمال آنها رسیدگی می‌شود و از آنها پرسیده خواهد شد که چرا به جای آمران و عاملان اصلی تهاجم کوی دانشگاه، شماری دانشجوی جوان را تحت فشار قرار دادید تا از آنها قربانیانی برای رفع مسئولیت از خود بسازید؟ انکار و سخن گفتن از موضع قدرت چنان روزی سودی به حال متهمان واقعی که صاحبان امروز قدرت هستند نخواهد بخشید.

اما علاوه بر محکمه الهی که وعده محتوم خدا به مومنان است، محکمه ای هم در این دنیا و در نزد خلائق پریاست.



ویژگی‌نامه تفاجم ۲۵ فروردین ۱۳۸۸ به سوی دانشگاه

